بعون خالق الوری و جان شفابخش امراض ابدان انسان نسخه

مخزن جواهری بهامعدن فوائد مفردات ادویه با خلاصهٔ کتب متقدمین و متاخرین موسوم

از تصانیف [illegible]

به تحشیه و نظر ثانی مصنف ممدوح بار دوم بکمال صحت و خوبی در شهر لکهنو سنه [illegible]

بمطبع علوی محمد علی بخش خان ابن امیر محمد خان جامهٔ طبع پوشید

با این اضافه نمودیم برای دفع حدت و سورت آن و علاج بمفردات کمال حکمت و حذاقت و نهایت فطانت مصنف اطبا
دا سهیل ثانی المخصوص من سامی مولانا سید علی اعظم صاحب

بسم الله الرحمن الرحیم

سبحان الذی خلق الانسان من صلصال من طین و اصطفی من نبی نوعه سید الاولین و الآخرین لینقی بطونهم
من الاخلاط السوء و ادیة الفاسدة و یشفیهم من الامراض الظاهرة و الباطنة فیا رب صل و سلم علیه و علی
اهل بیته سفینة الهدی و صحابه الذین هم نجوم فی الدجی اما بعد حمد و صلوة میگوید بنده مبتلا بامراض معنوی و صوری
محمد ناصر علی ابن غواص بحر رحمت ایزد رحمن شیخ حیدر علی غیاث پوری منیری عظیم آبادی صب الله
علیهما سجال الرحمة و الغفران و اسکنهما بحبوحة الجنة و فرادیس الجنان که فوز بر سعادات اخروی و بلوغ بکمالات دنیوی
منوط و مربوط است بصحت بدن و تندرستی اعضا و آن موقوفست بر اعتنا بعلم شریف و فنی منیف مسمی بطب
نظر اعلیه عمر عزیز خود را که دو اسپه میرود و بدلی ندارد بتحصیل این علم شریف مصائبها که کشیدم کشیدم و از
تکلفتن ملازمت استادان این فن گلها که چیدم چیدم اکثر احباب با اتحاد و اصحاب صادق الوداد بتالیف کتاب
در علم طب که مخزن ادویه مفرده بقید اسامی آن بلغات ثلثه و بیان ماهیت و طبیعت و ضرر و مصلح و بدل و قدر شربت
و افعال و خواص آن مع ما یحتاج الیه فی الطب من الاوزان و اصطلاحاتهم و غیرها باشد تکلیف میدادند مگر بنظر قلت فرصت
از اقدام باین امر جسیم بر اعلها میگریختم و بامروز فردا میگذرانیدم چون نگذاشتند مجبور شده کتابی موجز با تشتت
حال و تفرق بال بسبیل استعجال بترتیب حروف تهجی از الف تا یا از کتب معتبره مبسوطه مثل اختیارات بدیعی و قانون
شیخ الرئیس و اختیارات قاسمی و تذکرة اولی الالباب و تحفة المومنین و تجربات افضلی و تالیف شریفی و ریاض الادویه
و جامع بغدادی و ادویه قلبیه و الفاظ الادویه و ارشاد شیخ اسمعیل و مخزن الادویه و جامع المالیقی و عیون الحکما

وحیوة الحیوان وغیرها از کتب ادویه عربیه وفارسیه وهندیه مستند باشد التقاط کرده مسمی به ناصر المعالجین
مختصر بیک مقدمه وبیست وهشت مقاله ویک خاتمه نمودم والله تعالی اسئل ان یجعله مقبول الاطبا
والحکما والانام وان یحفظنی من الخطاء وزلات الاقدام وهو حسبی ونعم الوکیل ونعم المولی ونعم النصیر الملتمس چشم از یاران
زمن وحذاقان این فن آنکه اگر بجای چشیم سیر گذشت این چنین نوشته باشند وجائی خطائی یا سهوی جائی آنکه بعین عنایت
پوشند ویا بقلم اصلاح بقلم آن کوشند وخار خرده گیری بدامن مؤلف نخلانند بیت که ذکر کرد لو صیغة
نیز هست * درختی بلند هست در باغ بیست * وها انا اشرع فی المرام مستعینا بحبل الله الخالق المنان مقدمه
در بیان اموری که اطلاع بران قبل از شروع در مطلوب ضروریست ودران هفت فصل است **فصل اول** در
تعریف علم طب وموضوع وغایه آن بدانکه طب در لغت بمعنی سحر واصلاح وعادت وحذق ست ودر اصطلاح اطبا
عبارت از علمی ست بقوانین که شناخته شود از آن احوال بدن انسان من حیث الصحة والمرض برای حفظ صحت
حاصل ست وتحصیل آنچه غیر حاصل ست بقدر امکان ومناسبت میان معنی لغوی واصطلاحی ظاهر ست اما اول پس از
آنکه حفظ صحت ورد آن برای جسمی که مرکب ست از عناصر متضاده وکیفیات متخالفه بمشابه سحر وجادوست اما ثانی پس
برای آنکه لابد هست برای طبیب از نظر مصلح واصلاح بدن اما ثالث پس برای آنکه لازم ست مر طبیب را که جز اولت را
بجد می نماید که عادت او شود واما رابع پس برای آنکه او محتاج ست بسوی حذق تام ومهارت تمام وموضوع آن بدن
انسان ست از آنجهت که صحیح ست یا مریض وغایه آن صدور افعال صحیحه وحفظ صحتی ست که حاصل ست واعاده
صحتی که زائل ست **فصل دوم** در معرفت مزاج وشناخت درجات ادویه وکیفیات اربعه
ودرجات آن بدانکه مزاج عبارت ست از کیفیتی عنصری متوسط بتوسط با متشابه الاجزا که حاصل شود از کیفیات
متضاده وهرگاه آنرا ابدوا الاطلاق کنند طبع نامند وآن خالی نیست از نه کیفیت که چهار از آن کیفیات اربعه بسیط اند
که حرارت وبرودت ویبوست ورطوبت ست وچهار دیگر که مرکب از ین کیفیات اربعه اند ویکی اعتدال
اطبا پس بدانکه کیفیت اثر دوا منحصر ست بچهار پایه که آنرا درجه خوانند زیرا که آنچه وارد بدن انسان معتدل المزاج
یا قریب باعتدال جوان ذکی الحس گردد پس بعد انفعال از حرارت غریزیه یا کیفیتی زائد که او را بود احداث نماید یا نه
اگر ننماید آنرا معتدل خوانند واگر نماید آنرا غیر معتدل گویند پس خالی نیست که آن کیفیت محسوس شود یا نه اگر نشود آنرا
زائد در آن کیفیت در درجه **اول** گویند وشناخته میشود تاثیر این دوا از تکرار استعمال یا اکثار مقدار آن
واگر محسوس میشود پس یا بحد مضرت میرسد یا نه اگر نه رسد در درجه دوم گویند واگر بحد ضرر رسد پس منجر
بهلاکت میشود یا نه اگر نشود آنرا در درجه سوم گویند واگر منجر بهلاکت شود آنرا در درجه چهارم گویند وحکما هریک از
درجات اربعه را سه مرتبه مقرر فرموده اند وبعضی اول ووسط وآخر پس کیفیتی که غالب باشد در اول درجه اول مثلا

خواهد بود و بنسبت وسط آن کم محسوس خواهد شد و در وسط آن زیاده از ان و در آخر آن از همه زیاده و در درجهٔ رابعه
در هر مرتبه از کیفیات را در طول ستم گفته اند و آن شی را سمی الا آنکه بحسب صورت نوعیه تریاقی بود و دوائیکه
سمیت آن در ابتدای اول آن درجه بود علاج پذیر است و آنچه در آخر آن بود اصلاح نپذیرد و مولف بباعث
ضیق جداول رعایت این مراتب ننموده اما بعضی جا بحاشیه اشاره بآن نموده **فائده** مخفی نماند که دوا
حار رطب تجاوز نمیکند حرارت آن از درجهٔ اول زیرا که اگر حرارت آن زائد شود بران معتد از فانی میسازد
رطوبت آنرا پس بهمین جهت نیابی دوائی را حار در درجهٔ دوم و سوم مگر آنکه یابس بود و دوائیکه حار در
درجه سوم و چهارم بود پس او یابس بود در آن درجه و هر دوا خالی نیست از ان که حار بود یا بارد یا رطب
یا یابس یا مرکب ازین یا معتدل و هم خالی ازین نیست که بدرجهٔ اول بود یا دوم یا سوم یا چهارم پس مولف در جداول از حرارت
ح و از یبوست ی و از برودت ب و از رطوبت ر و از معتدل مع بحیز تحریر آورده و علامات
درجات را بحساب هندسه از اول ۱ و از دوم ۲ و از سوم ۳ و از چهارم ۴ ثبت نموده اکنون نبذی
از ادویه مفرده بتفصیل درجات آن تحریر می آرم **ادویهٔ حاره در درجهٔ اول** حمص لادن رماد
بابونه بری شاهتره شهیر افسنتین بابونه تخم کتان **ادویهٔ حاره در درجهٔ دوم** کرفس کندر
هیل کبیر کحل العرب اهلیل اذریون سپید و سیاه بادروج زراوند طویل و مدحرج عسل قصب الذریره زعفران
[illegible] فراسیون کبریت سپید و [illegible] الکوار اسقاقس لسان [illegible] بزر الانجره حلبه عصاره
[illegible] **ادویهٔ حاره بدرجهٔ سوم** کمافیطوس مرزنجوش نعناع شب محرق
[illegible] محرق [illegible] انیسون افتیمون [illegible] شیر [illegible] ارمنی کرفس کوهی
[illegible] برگ تخم [illegible] آسارون [illegible] سداب [illegible] شیلم [illegible] مطلقا [illegible] محرق فودنج
[illegible] مرزنجوش [illegible] محرق **ادویهٔ حاره در درجهٔ چهارم** ثوم پیاز زبد البحر سداب بری
کراث [illegible] فربیون [illegible] زعفران جمیع چیزهای محرق **ادویهٔ بارده بدرجهٔ اول** رطب
[illegible] خشخاش برگ بنفشه اقاقیا نشاسته [illegible] برگ قصب نیل [illegible] زجاج [illegible] کمثری
[illegible] صندل [illegible] برادهٔ [illegible] زنجفر **ادویهٔ بارده بدرجهٔ دوم** بطیخ بزر قطونا
[illegible] خیار بقلهٔ یمانیه برگ [illegible] حماض سماق
[illegible] **ادویهٔ بارده بدرجهٔ سوم** بقلة الحمقا [illegible] حی العالم کبیر و صغیر خشخاش سیاه
[illegible] **ادویهٔ بارده بدرجهٔ چهارم** افیون شوکران جوز ماثل مازریون سیاه
[illegible] **ادویهٔ یابس بدرجهٔ اول** [illegible] السوس بادام شیرین پرسیاوشان بسفایج

پوست تخم خربزه زعفران سعد کندر کنگری بستان افروز لبان خار خسک اکلیل الملک بابونه تخم انجره
حب الغار حی العالم کبیر و صغیر روغن جوز رازیانه صعتر پسته صمغ جوز ورق سوسن ادویه یابس بدرجه
دوم ترب جند بیدستر حبة الخضرا سنبل الطیب شاهترج مصطکی عسل مرکی بادنجان دشتی چای خطائی
بیخ نیلوفر بلسان راعی الابل زراوند زفت سنبل رومی شیلم شهدانج قصب الذریره کرسنه قشور اترج [illegible]
نسج العنکبوت لبن جاوشیر ادویه یابس بدرجه سوم ثوم انیسون افتیمون اسارون جلنار حلتیت
حمص زوفا سلیخه سرکه کرفس مر و مرزنجوش ورق غار جاشون جوزبوا صعتر بلوط اقاقیا افسنتین ابهل
اصل الماذریون بلسان بوره ماشا حماض اترج دارشیشعان قشور قصب زنا دنطرون بری روغن [illegible]
سرطان سوخته سیر و سداب بستانی شب محرق شونیز موی سوخته صبر سماق صوف محرق فاوانیا قیصوم
کرویا [illegible] مشک [illegible] ناخواه ادویه یابس بدرجه چهارم خردل سداب بری کراث کرم افربیون
قطران افیون جوزماثل ادویه رطب بدرجه اول روغن گل کاهو لسان الثور عنب الثعلب
اسفاناخ خوخ برگ بنفشه انجبار [illegible] کدو [illegible] عصاره سوسن ادویه رطب بدرجه دوم بقله یمانیه
بقلة الحمقا بطیخ کدو مشمش بزرقطونا بلول **فصل سوم** در معرفت منافع ادویه مفرده و اسامی آنها
بترتیب حروف تهجی **اکال** خورنده عضو و آن دوائیست که باعث فرط قوت تحلیل و تفریق اجزاء جوهر اعضا نماید
زنگار انزروت نمک اشنان [illegible] سوخته توتیا [illegible] **جاذب** ای کشنده
و آن دوائیست که بکشد اخلاط و رطوبات را بسوی خود و بظاهر جلد بباعث حرارت [illegible] جند بیدستر [illegible]
و غیره **جالی** ای پاک کننده و دوائیست که پاک کند رطوبت [illegible] از مسام [illegible] انزروت عسل ابهل شوره
نمک نبات زرنیخ [illegible] حب البلسان زفت [illegible] دوائیست که اخلاط رقیقه [illegible]
سوم نشاسته کتیرا **حالق** [illegible] آن دوائیست که موی را [illegible] سست گرداند
با سانی کند شوره نوره زرنیخ سفیداب خاکستر **حکاک** ای [illegible] آرند [illegible] دوائیست که بسبب حدت
و گرمی خود جذب [illegible] سوی مسام اخلاط [illegible] **خاتم**
ای تمام کننده [illegible] دوائیست که بسبب قوت تجفیف خود [illegible] جراحت را خشک نماید و رطوبتی نگذارد و خشک
[illegible] توتیا صبر صدف سوخته و غیره **دابق** دوائیست که بسبب لزوجت
خود [illegible] **رادع** یعنی باز گرداننده ماده آن دوائیست که اخلاط سائله را باعث برودت
و قوت قبض خود از [illegible] بسوی عضو [illegible] باز دارد عنب الثعلب بزرقطونا گلنار فوفل کشنیز خشک **عاصر**
ای فشارنده و آن دوائیست که باعث شدت قوت قبض و جمع خود عضو را بفشارد تا که رطوبت رقیقه که در خلل

وسوراخ عضو اند جدا گردند مانند تخم تره هندی وغیره **غسال** یعنی شوینده و آن دوائیکه بقوت جالیه منفعله خود
انلاط را از سطح عضو زائل نماید و آنرا صاف گرداند مانند آب فاتر و ماء الشعیر وغیره **قاتل** ای کشنده و آن
دوائیکه بسبب ضدیت خود روح حیوانی و قوی را فانی گرداند منجر بهلاکت گردد افیون افربیون بیش و
لفظ قاتل مرادف سم است گویند که زهر حیوانات مخصوص بنام سم است دیگر زهرها مخصوص باسم قاتل **قاتلات**
دود دوائیکه کرم شکم وغیره را هلاک سازد بابرنگ کابلی زوفای خشک جعده افسنتین پودینه قنبیل
شیح شونیز برگ شفتالو ترمس کرویا **حرف قابضات** ادویه که طبع را بند گرداند پوست ترنج پوست
سنگدان مرغ جفت بلوط پوست بیرون پسته زرشک حب الآس اقاقیا طباشیر دم الاخوین گلنار بسد
جوز سماق عدس بارتنگ اذخر جوز السرو مغز تخم جامون مغز تخم انبه مصطکی نخود برنج مائین مازو کندر
طین مختوم بزر قطونا بریان ورق زر امرود کهربا تخم ریحان نشاسته زعرور گاورس ناردین **قاشر**
یعنی خراشنده پوست دوائیکه بسبب شدت قوت جلای خود بخراشد پوست فاسد عضو را مانند زراوند و قسط
وغیره **کاوی** ای داغ کننده و آن دوائیکه بسبب شدت احراق و تخفیف خود جلد را بجا و داغ نماید مثل زاج
و قلقطار **کاسر الریاح** ای شکننده ریاح و آن دوائیکه قوام ریاح غلیظه متحققه را بقوت حرارت و تخفیف خود
رقیق ساخته دفع نماید مثل تخم سداب وغیره **لاذع** ای گزنده دوائیکه بقوت حرارت و شدت نفوذ خود در عضو
رفته تفرق اتصال پیدا نماید و بگزد مانند خردل و خل وغیره **لزج** ای چسپنده دوائیکه اجزاء آن از هم
منقطع نگردند و باخود ها چسپیده بوند مانند خبازی وغیره **مانعات احلام ردیه** دوائیکه
از دیدن خوابهای پریشان باز دارد سنگ بلور چوب زیت در گلو آویختن شب یمانی زیر سر داشتن منفعتی وریخ
بقلة الحمقا عاقرقرحا ذهب مرقشیشا حجر الزجاج **مانعات انصباب المواد الی العین**
ای دوائیکه مواد را سوی چشم چکیدن ندهد قشر البطیخ دخان الکندر قرن الایل دقیق باقلا آبنوس بزر البنج
زعفران مخلوط بشیر زن دخان بنفشه لبلاب فوفل تریاق فاروق انزروت عنب الثعلب سفرجل
عدس بادروج صندل ابیض حنظل فستق زرورد اقاقیا شیر سماق کشری بسد توتیا حضض کے
قطران **مانعات نزف الدم و نفث الدم و اسهال الدم** ای دوائیکه حبس
خون بینی و دهان و خون اسهالی نماید دم الاخوین مصطکی قنطوریون جوز السرو کشنیز خشک زرشک بسد
عفص زیره کافور ترنج انجبار پودینه گیهون بادروج اشد جفت بلوط بارتنگ کهربا نشاسته بزر البنج شادنه
گلنار کندر مازو گل ارمنی ریشه برگد کتهه ریوند چینی عذبه وغیره **مانعات خمار** ای دوائیکه خمار را منع نما
جو تحمیدن گل سرخ انار ترش عرق لیمون شربت ثمند عرق گلاب صبر دوائیکه احداث برودت و سردی

نماید کافور کاهو صندل وغیره **مبهی** ای بحرکت آورندهٔ قوت باه و آن دوائیکه تولید مادهٔ منی و رباح منعظه
بسبب حرارت معتدله و رطوبت فضلیه خود در مجاری اعصاب و اعضای تناسل نموده قوت جماع بخشد مانند
زنجبیل خرما مرغ دراج بیضهٔ مرغ عصفور و بیضهٔ آن خصوصاً دماغ آن انگور تخم گندنا کنجد شقاقل بسباسه
شلجم گوشت بز فالوده کتیرا دارچینی مغز بادام مغز جوز مغز چلغوزه باقلا پنیر مایه شتر چرب حب الزلم حلتیت حب الزنج
خصیة الثعلب زرنباد سورنجان شقاقل فستق قرفه قسط نخود فندق مغز بره تخم لیمون تنقعور لوبیا
مغز نارجیل تخم ترب تخم پیاز شیر گاو روغن گاو شیر برنج با شکر بوزیدان گوکهرو بهمن سرخ و سفید تودری
زرد و سفید موصلی سیاه و سفید عاقرقرحا مصطگی تخم گندنا دار فلفل تخم خشخاش سفید اشنه اسارون مشک
مروارید خبث الحدید مدبر انجیر شیر بیش ماهی موصلی سنبهل ریگ ماهی **مجفف** ای خشک کننده دوائی را نامند
که بقوت مجففهٔ خود رطوبات عضو را خشک نماید و تحلیل برد صدف سوخته خرمای سوخته انزروت اشنه مرداسنگ
صبر آهک شسته توتیا سندروس **محرق** ای سوزنده دوائیکه بسبب قوت حرارت و نفوذ خود رطوبات عضو
را تحلیل نماید و احداث احراق و تاکل نماید فرفیون ترنج زنگار توتیا لوزه **محکک** ای خارش آورنده دوائیکه
بقوت حرارت و نفوذ خود جذب نماید اخلاط لذاعه حکاکه را بسوی مسامات جلد و بسبب حدت تقرح نرساند انجره
کبیکج **محلمات** ردیه ادویه که از ان خواب پریشان بنظر آید پیاز خام خوردن شراب حدیث آلو بادنجان
باقلا گندنا لوبیا قنبیط **محلل** و آن دوائیکه بقوت حرارت خود خارج کند اخلاط چسپیده بعضو را از راه
بخار جزء فجزء تا آنکه چیزی باقی نماند زراوند مرزنجوش جند بیدستر اکلیل الملک سوسن ترمس بابونه خطمی
خرزهره جعده پرسیاوشان برنجاسف وج اسارون تمام قثاء الحمار اشق پیاز عنصلی غافث خروع
جاوشیر اقحوان زفت صمغ بطم لادن قنه حاشا کمادریوس اذخر باقلا خردل دارهلد خیری دارچینی
سرطان شبت صبر **محمر** یعنی سرخ کننده دوائیکه بقوت گرمی و جذب خود سرخ گرداند عضو ظاهر را و از
مطلق آن محمر خیساره او گیرند مانند خردل فو دبنج انجیر لالۀ نعمانی وغیره **مخدر** یعنی بحس کننده دوائیکه بسبب
برودت و یبوست و قبض خود مسامات عضو نموده از نفوذ روح نفسانی دران مانع آید و آنرا از حرکت باز دارد
و یا روح نفسانی را کثیف کند و از حرکت و حس باز دارد افیون اسپند قاتل الکلب اصل اللفاح بیخ شاهتره
برگ تنباکو و تخم آن کنبد شوکران کوکنار جوز ماثل بزر البنج کاکنج یبروج الصنم **مخرجات جنین**
یعنی دوائیکه بچه را از شکم بیرون آرد ابهل زراوند تخم کتان سلیخه فلفل بوزیدان پرسیاوشان خربق
سیاه زیره سیاه حمول کردن مازو سائیده نوشیدن و شونیز نیز پوست عصای سبز یا برگ بالنس جوش کرده
نوشیدن پلپلا مول با خربق سیاه باریک نموده بهروزه آمیخته بر ناف طلا کردن تحسین کننده باریک

کرده با عسل بر ناف یا عانه طلا نمودن مخرجات مشیمه پرسیاوشان سم الفار بخور کردن تخم کرنب بنجنگشت کبوتر
سلیخه شونیز برنجاسف جند بیدستر ایرسا ابهل سائیده در رحم قطور کردن طبیخ نوشیدن بابونه و حب الکلی
مخشن ای فراز و نشیب و درشت کننده دوائیکه بشدت قبض و تجفیف خود سطح عضو را مختلف الاجزا
و پست و بلند گرداند اکلیل الملک خردل وغیره مدرات ای ادرار آورنده دوائیکه بقوت حرارت و تلطیف خود
مائیت اغذیه و فضول سائله را از راه بول یا خون حیض یا عرق یا شیر اخراج نماید ابهل اقحوان انیسون بابونه پرسیاوشان
جند بیدستر سداب رازیانه دارچینی سلیخه فادانیا کبابه کرفس وغیره مدرات بارده بول خار خسک
تخم خیارین گل خیرو آب کاسنی تخم خرفه آب کدو آب خیار آب تربز تخم خرپزه تخم کاسنی آش جو آب لیمون شوره
کاکنج مدرات حاره بول تخم گندنا پرسیاوشان سنبل الطیب املتاس بادیان کباب چینی قسط
شیرین زعفران سلیخه انیسون زوفای یابس سداب اسارون عود بلسان ابهل برنجاسف کرفس مغز
تخم کرفس شونیز لوبیا چینه نانخواه خبازی مدرات حیض پرسیاوشان کباب چینی سلیخه حرمل برنگ کابلی
شونیز ابهل قسط شیرین فادانیا فراسیون برنجاسف جنطیانا قردمانا عود جاوشیر زعفران بابونه زوفای
خشک حبة الخضرا آب نخود اسارون سداب پوست املتاس سعد تمام کرفس جنده مرزنجوش نانخواه
ترمس مدرات منی کرفس افسنتین بادیان ترمس دیسمه ترکی مدمل ای اندمال آورنده و اصلاح
و چاق کننده جروح دوائیکه رطوبات قروح و جروح را خشک و کثیف کرده از گوشت صحیح پر نماید گل مختوم
سنگ جراحت اثمد دم الاخوین صمغ الوکتیرا صبر گلنار اسفیذاج انزروت کتیرا سفیده موم سفید زراوند
روغن گاو شسته زیره سیاه رال ورق بلوط ایرسا زفت آب لسان الحمل مرخی یعنی سست
کننده و آن دوائیکه بقوت حرارت و رطوبت خود قوام اعضای کثیفة المسام را نرم و سست نماید و مسامات
را فراخ تا فضول مجتمعه بآسانی دفع گردند مانند شبت و برگ کتان مرطب دوائیکه بسبب زیادتی رطوبت خود
در بدن رطوبت و تری افزاید کدو بزر قطونا بطیخ مرقق دوائیکه اخلاط غلیظه را رقیق نماید مانند عسل
بصل وغیره مزلق ای لغزاننده فضول و اخلاط دوائیکه بقوت ملینه خود ملائم سطح عضو نموده اخلاط را
دفع نماید آلوی بخارا تمر هندی وغیره مسدد دوائیکه بکثافت و یبوست خود مجاری را بند نموده سده پیدا نماید
خشخاش سفید وغیره مسددات سکر آنکه زود نشا آرد بادام تلخ زعفران تخم کاکنج جاونرسے جوز ماثل
بهنگ مسکن دوائیکه درد را تسکین دهد و اخلاط و ارواح را از حرکات غیر طبیعی باز دارد افیون
پیه بط بیخ یبروج الصنم سفیده تخم مرغ نشاسته کتیرا صمغ عربی مسبت ای دوائیکه خواباند
و اعضا را بحس نماید اقحوان اصطرک حماما زعفران شبت شقائق کاهو لفاح شاهسفرم سمن

ای فربکننده بدن حب زنبد آرد انبه زعرور جلیبی سلت وغیره هر دوائیکه غلبه خواب وغشی گی دفع نماید
جای هر که خردل مرچ سیاه بوئیدن مشک نمک ایارج فیقرا بوئیدن کافور قرنفل پودینه مسهل دوائیکه
اخلاط فاسده و فضول ردیه را از اقاصی عروق اعضا از راه براز دفع نماید **مسهلات صفرا** آلو بخارا
هلیله زرد گل بنفشه گل سرخ تمر هندی برگ سنا ترنجبین شیرخشت مغز فلوس افسنتین سقمونیا شاهتره
تمر لبلاب شبرم ماذریون **مسهل مرکب** که مخصوص باخراج صفرا است هلیله زرد شش درم
آلو سیاه پانزده عدد سپستان بست دانه سنای مکی شاهتره هریک سه درم تخم کاسنی دو درم عناب
نه دانه تخم کشوث یک و نیم درم شیرخشت یا ترنجبین بقدر ضرورت **مسهلات بلغم** غاریقون
شحم حنظل تربد سفید ماهیزهره حب النیل حرمل بسفایج سکبینج کلونجی سورنجان شیرین ریوند
زنجبیل مغز تخم بید انجیر مقل روغن بید انجیر مغز فلوس حب ایارج حب السلاطین فرفیون قنطوریون
ماهودانه قثاء الحمار **مسهل مرکب مخرج بلغم** ایارج فیقرا تربد سفید مجوف حب النیل هریک یک درم غاریقون
انیسون از هریک نیم درم شحم حنظل نمک هندی هریک یک و نیم دانگ حب بعرق بادیان سیاه
صاف نموده بنوشند دیگر عناب سپستان هریک بست دانه زوفای خشک پرسیاوشان از آنها نیکوفته
هریک سه درم مویز منزوع النوی پانزده درم انجیر خشک هفت عدد اصل السوس مقشر نیکوفته چهار درم
جوش داده صاف نموده مغز فلوس ترنجبین گلقند هریک ده درم مالیده مکرر صاف نموده روغن بادام
اضافه نموده بنوشند **مسهلات سودا** افتیمون اسطوخودوس بالنگو آمله حجر لاجورد حجر ارمنی هلیله کابلی
هلیله سیاه سنای مکی کشوث بسفایج غاریقون حب النیل ایارج فیقرا ریوند ختائی **مسهل مرکب**
مخرج سودا افتیمون ده درم لاجورد مغسول هفت درم حجر ارمنی نه درم ایارج فیقرا پنج درم سقمونیا خربق سیاه
شحم حنظل هریک دو درم انیسون سنبل الطیب هریک یک درم کوفته بیخته باب کرفس حب ساخته بقدر دو نیم درم
استعمال نمایند دیگر زنجبیل پنج درم بادرنجبویه گاوزبان هریک سه درم گل سرخ چهار درم انیسون بادیان
هریک دو درم تربد سفید مقشر مجوف یک درم خربق سیاه دو دانگ بسفایج نیکوفته پنج درم سنای مکی اسطوخودوس
هریک هفت درم هلیله سیاه ده درم افتیمون نه درم جوش داده صاف نموده حجر ارمنی غاریقون حجر لاجورد
از هریک دو دانگ کوفته بیخته در مطبوخ انداخته بنوشند **مسهلات ولادت** دوائیکه
دفع حمل و بچه زادن باسانی گردد مقل سلیخه گلنار شحم حنظل بیخ سیلو حلبه عصاره بارتنگ عصاره
تخم خشخاش سیاه حمول کردن سنگ مقناطیس قطعه کلان بدست چپ زن دادن بستن بر زانوی راست
بستن دارچینی خورانیدن روغن کنجد بالعاب تخم کتان آمیخته قبل از آن حرکت کردن

دوائیکه اشتها آرد و گرسنگی از استعمال آن معلوم شود عرق لیمون پوست ترنج سکنجبین سفرجلی جگر گوسپند
پوست لیمون فلفل نمک هندی مصطگی خولنجان آب سرد قاقله شیر شتر **مصلح** دوائیکه اصلاح حال
ماکول و مشروب نماید و ضرر ادویه دیگر باز دارد مانند زعفران برای افیون **مصلب** دوائیکه جوهر عضو
یا مواد را سخت گرداند **مصدع** ای دوائیکه از استعمال آن صداع یعنی درد سر عارض شود نخود اطفار
الطیب خوردن بزر البنج کندر کراث شبت سیر پیاز عدس حلبه بزر کتان نانخواه اترج توت فستق
اسفاناخ فرنجمشک اذخر گل خیرو ترب بادنجان گوشت تدرو بلوط جعده گلنار جوزبوا لبان **مصغر**
دوائی که بعضوی از اعضا یا قوتی از قوی ضرر رساند **مضرات باه** فرنجمشک کاسنی کاهو کشنیز نکوی
تخم خس بیخ نیلوفر عناب باید پسا قسط هندی تخم خشخاش سیاه بقله یمانیه حماض کافور تمر هندی آلوی بخارا
لیمو سوم نمک آب سرد بسیار نوشیدن خصوصا وقت صبح بلا خوردن چیزی و بعد جماع و جمیع اشیای ترش
و مکسرات ریاح **مضرات بصر** عدس خرفه حماض کرنب کاهو چرچیره گندنا جماع بکثرت نمودن و در
تاب آفتاب یا قریب آتش نشستن و بسوی آفتاب یا چیز ملمع و تابان نظر کردن **مضرات جگر** خربزه
انجیر نارنگی خمر کشمش اهلیلج اسود تمباکو حب البان آب سرد و از شیشعان **مضرات دندان** لثه
پنیر خصوصا شیر شتر ترب اشنان آب شوره آب برف اشیای ترش و چیزهای گرم خورده یا نوشیده
فورا آب سرد نوشیدن **مضرات دماغ** پیوند مریم حلتیت خشخاش اجاص اشترغار اهلیلج کابلی
تنباکو شفت **مضرات ریه** اسارون حب القلت حاشا شاهتره بادآورد بیخ بنفشه حجر الغافاطیس
مضرات معده کنجد عدس ماء الشعیر تخم بالنگو شیرین عناب تخم کتان گل معصفر ادرک پورق
انجیر تافسیا جعده حصرم هاما پنیر کهنه آب گرم روغن گاو و چیزهای شیرین و مرغیات معده حب البان حجر ارمنی
مصطگی دوائیکه حدت و سورت اخلاط حاده را فرو نشاند کافور کاهو **معدل** دوائیکه اخلاط متغیره
را بحالت اصلی آرد و تعدیل مزاج نماید **معدلات خون** تخم کاهو تخم کاسنی آلوی بخارا برگ نارسی
چوب آبنوس برگ نیم چوب شیشم گل نیم گل نیلوفر گل بنفشه شربت صندل شربت گندم عرق بادیان گلسرخ
آب لیمون سکنجبین شربت عناب ماء العسل **معدلات صفرا** کاسنی خرفه اسپغول تخم خیارین کشنیز
صندل سفید تخم کاهو کافور بهدانه **معدلات مرکبه صفرا** قرص طباشیر ملین قرص کافور قرص
طباشیر قابض شربت صندل شربت بنفشه شربت آلو شربت نیلوفر **معدلات بلغم** بادیان انیسون
کمون دارچینی اصل السوس مقشر قاقله مویز بی تخم سعد سنبل الطیب خبازی خطمی **معدلات مرکبه**
بلغم معجون سیر معجون فلاسفه معجون زنجبیل جوارش جالینوس **معدلات سودا** سپستان

گاوزبان تخم خربزه اصل السوس مقشر افتیمون انجیر مویز تخم مرو معدلات مرکبه سودا سکنجبین
افتیمونی معجون سقراط یاقوتی بوعلی آنوشدارو مفرح دلکشا شربت بالنگو شربت گاوزبان معرق
دوائیکه رطوبات محتبسه را از راه مسام دفع نماید معطس ای دوائیکه تحریک مواد دماغی کرده آنرا بعطسه
دفع نماید تنباکو نکچهکنی وغیره معطش ای دوائیکه تشنگی آرد و طبیعت اشتیاق ترویح نماید باب یا
مانند خبز وغیره از چیزهای گرم وخشک معفن ای پوسیده کننده دوائیکه فاسد نماید مزاج عضو را و بیگانه
ارواح و رطوبات آینده بسوی آنرا زرنیخ تافسیا مغری دوائی یابسی که بباعث رطوبت لزجه خود
بمنافذ و فوهات عروق چسپیده سده پیدا کند صمغ عربی نشاسته کتیرا آهک شسته مغشی دوائیکه نفخ و ریح
بشکند و تحلیل نماید انیسون افتیمون بسباسه تخم گندر پنجنکشت جاوشیر حاما دارفلفل زیره فلفل قرنفل [illegible]
زرنباد زراوند سداب سعد صعتر کندر کرفس نانخواه مغلظ ای دوائیکه اخلاط و قوی و ارواح و جوهر را
غلیظ نماید مانند بقولات وغیره مفتت دوائیکه سنگ مثانه و گرده را بریزاند و اخلاط متحجره لزجه را ریزه ریزه
کند اسارون برنجاسف حجر الیهود سنگ سرماهی ریباد عقرب صمغ آلو تخم خربزه پرسیاوشان بادام تلخ خار خسک
رازیانه نخود سیاه حب القلت سعد سکبینج مفتح ای دوائیکه سده بکشاید اذخر شاهتره غاریقون انیسون افسنتین
اسطوخودوس ایرسا کبابه عود افتیمون ترمس راتیانه صعتر بسباسه کرفس پنجنکشت جاوشیر حنظل ماشا
حرمل زیره کرمانی نانخواه بالنگو دارچینی زعفران فاوانیا کشوث مرزنجوش تخم گندر زنجبیل زراوند دارفلفل سنا
سعد قنطوریون کرسنه مفجج ای دوائیکه فعل حرارت غریزی وغریبه را باطل کرده اخلاط را خام و هضم را ناقص نماید
مانند بزر قطونا وغیره مفجر اورام بصل عنصل زاج سبز زرنیخ حرف بجنال کبوتر آهک قلقطار شیر تیوعات
قسط صابون فرفیون سکبینج مفرح ای دوائیکه طبیعت را منبسط و فرحناک و خوش نماید و دل را قوت بخشد زعفران
ابریشم قرنفل کافور صندل سفید مشک اظفار الطیب سلیخه سنبل الطیب امرود اترج اترین آمله شکوفه لیمون
پوست لیمون مرجان بیخ مرجان بسفایج برگ تنبول زهرمهره خطائی لاجورد گلسرخ تمرهندی طباشیر عود مرواری
گل نیلوفر پودینه شامی یاقوت سنگ یشب عنبر ورق طلا ورق نقره مغز پسته تخم خشخاش سیب بهی انجیر بادرنگ
بالنگو دارچینی زرنباد سنبل سعد شقاقل طین مختوم فرنجمشک فاوانیا قاقله کهربا گاوزبان کشنیز خشک سوسن
نانخواه هلیله آشنه بادرنجبویه آلو گل چاندنی کندر کتیرا عرق کیوره عطریات اسطوخودوس مقطع ای دوائیکه
میان اخلاط لزجه و سطح عضو ملاصق بدن نفوذ کرده آنرا بلا تصرف در قوام دفع نماید خردل سکنجبین وغیره مقرح
ای دوائیکه رطوبات جلد را فنا کرده در عضو زخم پیدا نماید زرنیخ زاج اسفیل سیر پیاز حرف سرگین کبوتر آهک قسط
چوبینه صابون سداب راسن فربیون لبن تیوعات مقئی ای دوائیکه اخلاط ثلثه یا یکی از آن را از معده و حوالی

آن در بیجان آورده از راه قی دفع نماید تخم ترب آب ترب آب شبت تخم شبت اصل السوس غیر مقشر بیخ خربزه
شهد سکنجبین نمک شکر سرخ خربق خردل جوز القی آب کدوی تلخ تخم چرچیر کندش مویزج ماء العسل نمک هندی
روغن بیش آب گرم تخم بادروج لوبیای سرخ اشترغاز و غیره مقیات صفرا سکنجبین قندی بقدر دو
مثقال در چهل مثقال آب کشک جو یا آب اسفاناخ یا آب خبازی حل کرده نیمگرم نوشیدن مقیات بلغم
تخم ترب دو درم تخم شبت یکدرم بوره نان نیمدرم کوفته با عسل سرشته بخورند و آب نیمگرم مدد سازند مقیات
سودا تربی را شکافته خربق سیاه در وی پر کرده یک شب در سکنجبین تر نموده خوردن و سکنجبین عسلی با آب
لوبیا آمیخته بعده نوشیدن مقی بلغم و صفرا نمک دو مثقال سکنجبین عسلی ده مثقال و آب
ترب چهل مثقال آمیخته نیمگرم نوشیدن و مدد کردن مقی صفرا و بلغم و سودا اصل السوس غیر
مقشر نیمکوفته تخم شبت از هر یک پنج مثقال تخم نان کلاغ کشک جو هر یک سه مثقال جوشانده شربت سکنجبین
ده مثقال اضافه نموده نیمگرم نوشیدن مقوی ای دوائیکه بدن یا قوی را قوت بخشد و تعدیل قوام
عضو و مزاج نماید مقویات بصر مرکمشک آمله زعفران هلیله زرد بادام شیرین هندی بادیان
صدف سوخته ابریشم سوخته فلفل پخته شهد مرچ سیاه لولو حل کرده از میل زر بچشم استعمال کردن
و نظر سوی مهتاب نمودن مقویات جگر کاسنی افسنتین جوزبوا انار اشنه اظفار الطیب حماما
حب بلسان زرنباد سعد درونج اسارون قاقله دارچینی تخم کشوث مغز پسته مصطکی غافث قرفه
ناردین قرنفل زراوند بادرنجبویه مویز گلسرخ زرشک نشاسته آب انار مقویات دندان و لثه
شب یمانی پوست هلیله فوفل عاقرقرحا زیره سماق گلاب گلنار کندر سعد عفص شاخ گوزن سوخته مائین مصطکی
دانه الایچی فلفل سیاه کشنیز طباشیر استخوان هلیله زرد سوخته بلادر سوخته سندروس انزروت سنگ جراحت
عدس مقشر تخم تمر هندی مرمکی بیخ مرجان بیخ نی قسط شیرین مروارید پوست مولسری تخم سرس سنگ راتک
زرنب کف دریا برگ مورد کبابه تنباکو سوخته خرمهره زرد مقویات دماغ مروارید گلسرخ سعد
سنبل الطیب زنجبیل آمله بلادر بالنگو کندر روغن مهر بندق مشک عود عنبر غالیه قرنفل بهار سیب
بهار امرود بهار به دماغ حیوانات لحم تدرج زعفران گوشت ماکیان و دراج اسطوخودوس یاسمین مغز تخم
کدوی دراز تخم کاهو هلیله مربی شربت نارنج فرنجمشک جوزبوا صندل سفید بادام شیرین مشمش
ماء الورد مقویات قلب امرود انار شیرین تمر هندی آمله سیب ابریشم پوست بیخ تنکو زرنباد
اشنه صندل اترج طباشیر اسطوخودوس افسنتین [illegible] گل [illegible] بالنگو بادرنج اظفار الطیب
بادرنجبویه آلو کهربا کافور گاوزبان کشنیز خشک گلسرخ جدوار دارچینی زرشک [illegible] بیخ مرجان نبات فریز ابریشم

برگ تنبول تاریخ ہلیلہ لولوی ناسفتہ سوسن سنبل سعد سلیخہ شقاقل عود عنبر یاقوت قرنجشک ورق نقرہ ورق طلا
زرنباد فاوانیا قاقلہ لاجورد نعناع مشک وغیرہ **مقویات معدہ** گلشکر آملہ انار دانہ ہلیلہ سفرجل طباشیر
سماق آلوی خام ہلیلہ مربی بادرنجبویہ ترنج بالنگو جاسون اسارون جوز بوا حماما فلفل سیاہ شیر خشت دارچینی
زرنباد سعد سلیخہ قرفہ اشنہ سادج ہندی قرنفل قاقلہ کندر کرویا مصطکی پودینہ صعتر اشیح نعناع جزرات
عود ہندی سنگدان مرغ وجمیع اشیای سحق غیر محرق وہاضم وہرچہ مقوی معدہ است تقویت مجری وامعا
نیز نماید **ملطفات** ای دوائیکہ اخلاط غلیظہ را رقیق گرداند وقطع نماید اسقیل انطوخودوس آذخر اقحوان
انجرہ ابرسا انجیر بابونہ پودینہ حماض سکر حب بلسان جند بیدستر شورہ جعدہ حرمل خردل دارچینی
زوفای خشک سداب شیر تر زراوند صعتر عاقرقرحا قیطوم بنجنکشت نانخواہ فوتنج نمام شیطرج اشیح قسط
بادرنجبویہ سعد حرف سکبینج فودنج ماناکما ذریوس **ملینین** دوائیکہ نرم کند بطن یا عضو دیگر را وانچہ در
معدہ وامعاست از راہ براز دفع نماید واخراج کند **ملینات اورام** ابرسا میعہ سائلہ
اکلیل الملک صمغ بطم کرنب عنبر موم تخم خطمی مرداسنگ کتان حنا سعد روغن تمر وغ پیہ مرغ مقل
مغز ساق گوسفند وغیرہ روغن پنبہ دانہ اسپغول زفت **ملینات شکم** حب السمنہ تربد خرقہ ترب کرنب
مغز پنبہ دانہ عرق نیشکر شہد غیر کف گرفتہ شفتالو سرکہ عنصلی اسفاناخ بادیان شیر میش گوسفند ہلیلہ سنا
تمر ہندی گلاب ترنجبین بیخ بادیان گلقند عرق بادیان **ممسکات** ای دوائیکہ امساک آرد ومنی را از خروج باز دارد
ونگذارد کہ انسان در وقت جماع جلد انزال نماید افیون جوز بوا بیر بہوٹی گوگل تخم دھتورہ اجوائن خراسانی
قرنفل فلفل بسباسہ زعفران مصطکی دارچینی زنجبیل کافور مشک عاقرقرحا شکوفہ درخت مغیلان برگ دھتورہ
تخم کرباستہ گلوی **ملذذات جماع** دوائیکہ مرد یا زن یا ہر دو را وقت جماع لذت ومزہ بخشد
قرنفل دارچینی کبابہ عاقرقرحا موبیج نرم کوفتہ با عسل وزنجبیل پروردہ شدہ وقت حاجت قدری
ازان بلعاب دہن بر ذکر مالیدہ بکار مشغول شدن موی سر آدمی سائیدہ بروغن یاسمین آمیختہ بر ذکر مالیدہ
جماع کردن بیر بہوٹی سیماب زعفران کافور بیخال کبوتر **معظمات قضیب** ای دوائیکہ ذکر را
عظیم ودراز نماید خراطین عاقرقرحا پوست بیخ کنیر سفید سم اسپ قرنفل جوز بوا دارچینی زعفران
ہر دو دست مالش روغن تربیت نمودن وبآب گرم بکرات شوئیدن روغن گوسفند بکر چرب کردن خراطین
با علق خشک بروغن سوسن سائیدہ مالیدن **مضیقات قبل** ای دوائیکہ فرج زنان را تنگ
وایشان را چون بکر نماید پوست بکاین پوست انار پوست مولسری سائیدہ بپارچہ پیچیدہ برداشتن
ماجیپل کافور عسل آس نمود بطرح طلا کردن وجمیع اجزای ببول آسنج کنجہ سیاہ گوکھرو تخم تمر ہندی

کوبیده بیخته قدری در قروح افشاندن بیر بهوتی بروغن سقوسیار یک نخود تا سه روز در قروح مالیدن مجمد ای
بسته کننده ای دوائیکه بسبب قوت برودت و قبض خود بسته نماید اخلاط و رطوبات را بزر البنج نشاسته منضج
ای دوائیکه اورام و صلابات و اخلاط را پخته نماید و خلط متغیر از اعتدال نماید و قابل اخراج گرداند ای رقیق را
غلیظ و غلیظ را رقیق و بسته را نرم و سیال نماید منضجات صفرا عناب کاسنی گل بنفشه گل نیلوفر شاهتره
تخم کاسنی بیخ کاسنی عنب الثعلب سکنجبین ترنجبین شکر سرخ شربت آلو گلقند آفتابی منضجات بلغم مویز
تخم خطمی بادیان بکوفته اصل السوس مقشر انیسون پرسیاوشان شکاعی انجیر کاسنی گلقند عسلی با سکنجبین
منضجات سودا اسپستان عناب گاوزبان بادرنجبویه پرسیاوشان اصل السوس مقشر جوکوب اسطوخودوس
شکاعی شاهتره بادیان بادآورد ترنجبین یا گلقند منفخ ای نفخ آورنده دوائیکه بسبب رطوبت فضلیه
آن حرارت غریزی قادر بر تحلیل آن نشود بل مستحیل بریاح گردد لوبیا و غیره منبت و آنرا ملحم هم گویند
ای رویاننده گوشت ای دوائیکه خون وارد بر جراحت را مستحیل بگوشت صالح گرداند دم الاخوین کتیرا
منوم ای دوائیکه خواب آرد کاهو افیون شبت تخم خشخاش گل خشخاش زعفران گل معصفر تفاح حنا ما
گل بنفشه کشنیز تر آش جو شیره بادام روغن نیلوفر روغن گل روغن بادام بابونه و خاک قبر بر خفته پاشیدن
خواب گران آرد مهزل ای دوائیکه بدن را لاغر نماید مانند لاک و غیره مهیج ای دوائیکه اخلاط یا قوت را
را در هیجان و جوش آرد موسع قروح ای دوائیکه چرک آورنده بود در زخمها و مانع خشکی و شقاق آن
گردد موم روغن مولدات منی ای دوائیکه منی را پیدا نماید سورنجان شیرین پیاز خام و پخته
حب الزلم بهمن بوزیدان بادام پسته تخم کتان اشقر شلغم نخود مالون لسان العصافیر نارجیل تودری
زنجبیل مشک زعفران تخم گندنا شقاقل شیر گاو با شکر گوشت مرغ و بط ناشف دوائیکه جذب
رطوبات سیال نماید آهک آب ندیده اسفنج و غیره هاضم ای دوائیکه طعام را هضم نماید زنجبیل خشک

فصل چهارم در بیان اوزان طبیه هندیه و اهل ایران و غیره و تحویل بعضی اوزان به بعضی

ابریق دو من بست و نزد بعضی دو من و دو رطل و بقولی پنج رطل ارزه ای برنج متوسط بقدر
دو خردلهٔ بری و نزد بعضی یک برنج بوزن چهار خردله است استار چهار و نیم مثقال و نزد بعضی
یک و نیم توله و دو ماشه و نزد بعضی شش درهم و سه سبع درهم و بقولی شش درهم و نیم درهم و نزد بعضی
شش درهم و دو ثلث درهم و همین قدر از استار معتبر نزد اکثر اطباست اسکرجه ظرفیکه در آن پنج
مثقال آب گنجد ابولات نه قیراط افسریق مابین هفده اوقیه است اوقیه اکسوبافن
بست و دو درهم و نصف درهم و نزد بعضی سیزده درهم و گویند از مطلق او مراد هشت قیراط است و چون

در روغن مذکور گشته مراد شانزده درم بود و صاحب بحر الجواهر از ابن هبل نقل کرده که او از زیت هجده
درخمی ست و از شراب دو اوقیه و نصف درخمی و از عسل سه اوقیه و ربع و ثمن اوقیه اوقیه دو قیه
هم گویند هفت و نیم مثقال و بقولی هشت مثقال و صاحب بحر الجواهر آورده که اوقیه نزد اطبا بوزن
ده درهم و پنج سبع درم ست **اواقی** جمع اوقیه الا اطبا بر بست و چهار اوقیه اطلاق کنند **اوزن**
یک وقیه و گویند هفت مثقال ست **باقلای یونانی** شش قیراط و گویند بست و چهار شعیره و گویند
نیم درهم **باقلای شامی** دو قیراط **باقلای مصری** صاحب بحر الجواهر دوازده قیراط گفته
و گویند یک درهم **باقلای اسکندری** نه قیراط کذا فی بحر الجواهر **بطون صغیر** شش درخمی
بطون کبیر ست اوقیه است **بندقه** یک درم و گویند یک مثقال و نزد بعضی چهار دانگ **بشیز**
و بشیزه ششم حصه یکدام که دو نیم ماشه و کسری بالا میشود و پل چهل ماشه و گویند هشت توله و بقولی شانزده
تانک پوک فلوس و دام را گویند **بهلولی** یکدام گویند چهارده ماشه **پیسه** وزن آن باعتبار اختلاف
بلاد و صغر و کبر آن مختلف میشود **ٹانک** چهار ماشه و بقولی بست و چهار سرخ و بقولی سی و سه سرخ
و بقولی سی و دو سرخ و گویند چهار و نیم ماشه و مستعمل درین زمان همین ست و در عرف بر یک جزو از شانزده
جزو یک سیر نیز اطلاق می کنند **ترمسه** دو قیراط **طسوج** یک و نیم مثقال **توله** بوزن متعارف بلاد هند دوازده
ماشه ست **جام صغیر** دو مثقال **جام کبیر** ... مثقال **حبه** نخودی میانه **حرمه** لطیفه قدری یک کف دست را
مملو سازد و وزن آن سه درهم و گویند چهار مثقال و گویند قریب شش مثقال **حفنه** مقدار یک مشت **حمصه**
سه درهم و گویند چهار جو و یک ربع جو **جوزه** از مطلق او مراد نه درخمی ست **جوزه ملکیه** شش درخمی
جوزه بنطیه یک درخمی و بقولی یک مثقال **خرنوب** یک قیراط و گویند سه درهم و گویند چهار جو **خردله**
متوسط در صغر و کبر نیم برنج و گویند ربع برنج و نزد بعضی بقدر دانه خشخاش **خرما** یک دانگ و نیم مثقال
دانق معرب دانگ چهار سرخ و سدس سرخ و گویند چهار قیراط ست و صاحب مخزن الادویه نوشته که
از درهم دو قیراط و از مثقال سه قیراط و نیم ست که از مثقال طبی مطابق اوزان هندیه یک رتی و سه ربع رتی
میشود **دام** پخته بست و یک ماشه و بعضی بست و دو ماشه گفته اند و صاحب شرح سفر السعادت
چهار و نیم مثقال نوشته **دام خام** چهارده ماشه و **دام خورد** و **دام عالمگیری** عبارت از همین ست
درخمی یک درهم و گویند یک مثقال **درهم طبی** و **درهم تام** سه و نیم ماشه **درهم شرعی**
بقدر میان کف دست **درهم مصری** شصت و چهار حبه است **درهم ناقص** چهار دانگ
و نیم مثقال **درهم صغیر** نیست **درهم طبری** چهار دانگ **دمڑی** در عرف عبارت از هشتم حصه دام ست

وصاحب مخزن الادویه بست ماشه نوشته ودوام ... دوام سیطی عبارت از همین دوام پخته است ۱۲ منه

وبقولی دو ونیم ماشه وکسری بالا بود دورق معرب ازدورقارسی ست صاحب بحر الجواهر سه رطل نوشته
واز شیخ الرئیس چهار رطل نقل کرده دورق انطاکی بست وچهار قسط دینار چهار ونیم ماشه راحه
مقدار یکدیر بنا بکف دست راز رطل استعمالش در کیلی ووزنی هر دو میشود واز مطلق آن مراد رطل
بغدادیست که عراقی هم گویند ودر عرف اطبا وزنی که مادون رطل بود معروف بوزن صغار ست
وانچه بافوق اوست مسمی بوزن کبار رطل طبی مراد از رطل عراقی ست صاحب ذخیره نود مثقال
وبدرهم یکصد وبست وهشت درهم وچهار سبع درهم نوشته وبقولی یکصد وسی درهم رطل شرعی
دو نوع ست یکی رطل عراقی چهارصد وپنج ماشه وگویند چهارصد وبست ماشه دیگر رطل حجازی
نزد بعضی فقها عبارت از یک ونیم رطل عراقی ست رطل سبک که در بلاد ما هندوستان رواج داد
سی ودو دام عالمگیریست رطل مدنی یکصد وسی وپنج مثقال ست وگویند یکصد وبست مثقال
رطل مکی صد مثقال ست رطل دمشقی چهارصد وبست مثقال روپیه باعتبار اختلاف
بلاد وزن آن مختلف میشود روپیه پیتی ده ونیم ماشه میشود روپیه فرخ ابادی ده ماشه روپیه
لکهنوی یازده ماشه سنج فارسی ست بعربی عین الدیک وبهندی گهونگچی ورتی گویند وفقها حبه
تعبیر کنند سکرجه معرب سکوره مراد از مطلق آن شش استار عبارت از هشت برنج ست
وبعضی شش وربع استار گویند سکرجه صغیر سه اوقیه سکرجه کبیر شش اوقیه ونزد بعضی هفت اوقیه است
سیر از اوزان مشهوره بلاد عجم عبارت از شانزدهم حصه یکمن تبریزی ست سیر اکبری سی دام پخته سیر جهانگیری
سی وشش دام پخته سیر خراسانی پانزده مثقال سیر شاهجهان اباد هفتاد توله سیر سلطانی
وطبی برابر دام پخته ده استار سیر فرخ شاهی مروج هندوستان چهل وهشت دام پخته هست سیر کابل
هشتاد روپیه سیر روپیه پخته مثقال سیر هندی عالمگیری پخته یعنی سیر تام شصت وچهار توله
موافق توله بنگاله سیر ایرانی پنج توله شاه عشر یک من قفیز نصف من شاه نصف قفیز بغدادی شعیره
دو پنج صاع طبی چهار من صاع عراقی وصاع بغدادی هشت رطل صاع حجازی
صاع مدنی پنج رطل وثلث رطل صاع هاشمی چهار صاع عراقی صائم چهار مد صد فه شش اوقیه
رطل الوان شش اوقیه رطل الیقون یکصد وبست رطل بارطالی که هر یک دوازده اوقیه بود طسوج
بفارسی تسو گویند دو حبه یا ته رطل ولون نه اوقیه وصاحب بحر الجواهر از شراب بست اوقیه ونه اوقیه از
زیت وشش اوقیه از عسل نوشته طوله سه مثقال ونیم وسه قیراط غرمی هفت اوقیه غاز بیکی
نزد اهل ایران دو مثقال حبیری است که هشت ماشه غرما وغرمانه از ربع مثقال تا ثلث مثقال فرق

[illegible]

فرق بالتحریک پیمانه که در وی شانزده رطل گنجد و آن دوازده مد ست یا سه صاع نزد اهل حجاز و گویند پنج قسط و
نصف صاع و بسکون را مهمله یکصد و بیست رطل فلوس جمع فلس ست در عرف تمام پیسه و خام را گویند
فل پنج مثقال فلنجیا مقدار یک ملعقه و گویند یک و نیم مثقال فوالوس یک و نیم اوقیه قسا طولی
یک مثقال قاشق یک ملعقه است و گویند یکدام قبصه قدر یکم سر انگشتان گیرند قبضه مقدار یکمشت
و آن بفتح اول و سکون ثانی ست و بضم اول یک کف ست قدح مصری سی و هشت اوقیه و چهار
اسباع اوقیه قربه یعنی مشک آب و شیر که در آن پنجاه من شرعی آب در آید قسط نیم صاع کذا فی الصراح
قسط رومی بیست اوقیه قسط مصری و انطاکی هژده اوقیه و گویند چهار رطل و قسط عسل
نزد یونانیان یک رطل ست و گویند یک و نیم رطل و گویند دو نیم رطل و قسط شراب بیست اوقیه قسط
روغن هیژده اوقیه قسط قطری و تیر وطلی هر یک بیست و چهار اوقیه و آن یک سیر شاهجهانی
میشود قفیز گویند یک من هشت سیر شاهجهانی ست و گویند بیست و پنج من از من های کلان
قفیز حجازی برابر صاع عراقی ست قفیز هاشمی گویند هشت رطل و گویند چهار من هر من دو صد
و شصت درم قنطار پوست گاو پر زر یا سیم و آن مقدار هزار دینار ست و گویند چهار هزار دینار
و گویند هفتاد هزار دینار و گویند هشتاد هزار درهم شرعی ست و گویند هزار اوقیه و نیز قنطار شش من
و بعضی یکصد و بیست رطل گویند قوطیل هفتاد و دو مثقال قوالوس گویند قوانوس شش مثقال
و از زیت دوازده درهم ست و از شراب یک اوقیه و نیم درهم و ثلث آن و از عسل دو اوقیه و ربع اوقیه
قوطولی صاحب مخزن الادویه هفت اوقیه نوشته و صاحب بحر الجواهر بیست اوقیه از شراب نه اوقیه
از زیت و سیزده اوقیه از عسل و گویند از شراب دو اوقیه قیاسا ساخت مثقال قیراط چهار حبه است
و صاحب بحر الجواهر نیز از افسرائی سبع دانگ آورده که چهار جو می شود و از نهایه آورده که آن جزء نیست از
اجزای دینار نزد اهل شام یک جزو از بیست و چهار دینار ست و در اکثر بلاد نصف عشر آن کرمه شش قیراط و گویند
یک نیم دانق و گویند دو دانق کف قبضه هم گویند شش مثقال کوب سه رطل جمع اکواب کوز شش قسط و گویند
سه رطل و گویند سه کیلجه کول سه کیلجه کیلجه پیمانه ایست که یک من و هفت ثمن من گنجد و کیل پیمانه را گویند کیلجه
کنند مقدار آن سه صد درم و کسری ست گویند سی و شش من نزد بعضی سه من و ثمن یک من کیلجه سه صد درم و گویند هشت صد
درم کیسری ماطرطیس هفتاد و دو قسط از قسط شراب مالیطول یکصد و پنجاه رطل عراقی ست ماشه ماشه ماشه
هشت رتی ست که عبارت از سرخ بود مثقال طبی چهار ماشه و نیم ماشه است و معمول اطبای هند ... و صاحب
الفاظ الادویه چهار ماشه و سه نیم سرخ نوشته و در مخزن الادویه نوشته که مثقال یک درهم و سه سبع درهم است

که بحساب هندی دو ماشه و پنج رتی و سه ربع رتی میشود و در بحر الجواهر یکدرهم و سه سبع درهم نوشته جمع
مثاقیل مثقال شرعی یکدرهم و سه سبع درهم شرعی ست و بقیراط بست قیراط و بعضی فقها بماشه
چهار و نیم ماشه تحریر فرموده اند رطل طبی یک رطل و ثلث رطل از رطل عراقی و گویند دو رطل بغدادی بست
درهم شرعی نزد امام اعظم و امام محمد رحمهما الله دو رطل ست و نزد امام ابو یوسف و امام شافعی رح یک رطل و ثلث رطل
مسطون کبیر از زیت سه اوقیه و از شراب سه اوقیه و هشت درخمی و از عسل چهار اوقیه و نصف اوقیه بیست
مسطون صغیر از زیت شش درخمی و از شراب بست درخمی و از عسل نه درخمی ملعقه چمچه و قاشق
نامند از عسل و معاجین چهار مثقال ست و از ادویه خشک دو مثقال بود مکوک سه کیلچه است
و گویند هفت من و نیم من و نزد بعضی سه استار مکیال بالکسر پیمانه ایست که بدان چیزی کنند
مقدارش بست و چهار کیلچه است و صاحب بحر الجواهر مانند مکوک نوشته من طبی یکصد و هشتاد
مثقال و از اوقیه بست و چهار اوقیه و از درهم دو صد و شصت درهم که تخمینا چهل توله و هشت ماشه
می شود من شرعی من عراقی ست که چهل استار ست و بقولی چهل دام پخته من اسکندرانی
سی اوقیه من اکبری سی سیر اکبری من انطاکی و مصری هریک شانزده اوقیه که یک صد
و بست مثقال می شود من تبریزی شش صد مثقال یکصد و پنجاه دو غازی بود که بحساب هندی
دو صد توله که سه آثار و نیم آثار باشد می شود من جهانگیری سی و شش سیر جهانگیری ست
من خانی هشت سیر کابل من شاهجهانی چهل سیر شاهجهانی من شاهی یکهزار و دو بست
مثقال من رومی بست اوقیه من قطری بست و دو اوقیه و گویند یکصد و هشتاد مثقال
من ملکی دو صد و شصت درم و گویند یکصد و شصت مثقال من عالمگیری چهل سیر تام
مهر یعنی طلا مسکوک که اشرفی گویند تام آن نه ماشه و شش رتی ست و ناقص آن نه ماشه و چهار رتی
و بعضی نه ماشه و پنج رتی مهر بنگاله ضرب قدیم دوازده ماشه و ربع سرخ مهر سوری ده ماشه
و هفت رتی مهر اکبری و جیپوری و جهانگیری و شاهجهانی و عالمگیری بقدر یازده ماشه و پنج و نیم سرخ
مهر محمد شاهی و احمد شاهی ده ماشه و پنج رتی ناطل و ناطیل و استار و گویند دو اوقیه
نش بفتح اول و تشدید شین معجمه چهارده مثقال نواة سه مثقال و گویند نیم درم قفیز دمشقی شش صاع
و آن سه صد و بست رطل ست عند اهل حجاز و چهار صد و هشتاد رطل عند اهل العراق و گویند دو صد و چهل من ست
نزد اهل کوفه و آن عبارتست از یکبار شتر و شق نصف صاع و قر یکبار خر و اشتر و کیلچه بست و چهار کیلچه
ماهین بست و پنج استار ست و گویند چهار الوس فائده در تحویل اوزان یونانی باوزان تحویل درهم

بمثقال طبی آنکه از دراهم نصف و خمس را جمع کنی که همان عدد مثاقیل است مثلا چون خواهی که پنجاه درهم
چند مثقال خواهد شد پس از پنجاه نصف بگیر که بیست و پنج بود و خمس آن که ده است آنهم در او جمع کن
سی و پنج خواهد شد پس معلوم شد که پنجاه درهم را سی و پنج مثقال می شود **تحویل مثقال طبی بدرهم**
طبی آنکه چون بر عدد مثقال سبع آن افزای آنچه حاصل شود همان عدد دراهم است مثلا خواستی که چهل و نه مثقال
چند قدر درهم خواهد شد پس زیاده کنی بر عدد او سبع چهل و نه یعنی عدد مثقال هفت بر عدد مثاقیل مذکور پس
معلوم شد که چهل و نه مثقال شصت درهم حاصل شد **تحویل درهم شرعی بمثقال شرعی** آنکه نصف
و خمس عدد دراهم را جمع کنی آنچه مجموع حاصل شود همان عدد مثاقیل است مثلا اگر خواهی که ده درهم شرعی چند مثقال
شرعی خواهد شد پس نصف و خمس ده را جمع کن هفت شد پس معلوم شد که ده درهم را هفت مثقال می شود **تحویل**
مثقال شرعی بدرهم شرعی آنکه بر عدد مثقال سبع آن افزای آنچه حاصل شود عدد درهم است مثلا هرگاه
که سی و پنج مثقال شرعی را چند درهم شرعی خواهد شد پس سبع سی و پنج عدد مثقال را که پنج است بر او افزوده
پنجاه حاصل گردید معلوم شد که سی و پنج عدد مثقال را پنجاه درهم می شود **تحویل مادون درهم بمادون مثقال**
آنکه حبه آورده ثمن آنرا انداز تا باقی حبات مثقال شود مثلا خواستم که چهار دانگ درهم چند مثقال خواهد بود آنرا
حبه نمودم سی و دو حبه شد چون ثمن از آن افگندم بیست و هشت حبه بوزن مثقال باقی ماند آن بیست و هشت حبه چهار دانگ مثقال
تحویل مادون مثقال بمادون درهم آنکه بعد حبه نمودن سبع آن افزای مجموع حبات درهم خواهد بود مثلا هرگاه
که دو دانگ و ده قیراط و نیم مثقال چند درهم می شود آنرا حبه نمودم سی و یک حبه و نیم حبه شد چون سبع او که چهار و نیم حبه است بر آن
افزودیم سی و شش حبه درهمی شد و آن چهار دانگ و نیم درهم است **تحویل اوزان دیگر با اوزان مذکوره**
بدانکه وزنی را که تطبیق او از اوزان مذکوره نموده خواهی پس اگر مادون درهم و مثقال است شعیر کنی و شعیر را بر قیراط یا
ماشه و مقدار وزن آن دریابی که چند رتی یا چند ماشه است مثلا چون خواستی که دانم که درهم چند رتی یا چند ماشه است
و همچنین مثقال پس باید که درهم را دریابی و اگر مافوق درهم و مثقال بود مقدار سیر یا تولیه از آن هر دو را بحساب حبه
دریافته یکجا جمع نمائی که چند ماشه است هر دوازده ماشه را یک تولیه و چهارده ماشه را یک ام خام و هشت یک تولیه را یک ام
محسوب کنی و هر شصت و تولیه را یا شصت و ام خام را یا چهل ام پخته را یک سیر قرار دهی و هر چهل سیر را یک من دانی و هذا العلم نافع
لک **فصل پنجم** در بیان معنی مصلح و بدل و قدر شربت ادویه و علامات آن پس بدانکه مصلح دوا آنست
که ضرر دوای دیگر باز دارد چون زعفران برای افیون **بدل دوا** آنست که قائم مقام دوای دیگر بود فعلا و تاثیرا
هرگاه آن دوا یافته نشود چون غاریقون که بدل تربد است و قاعده کلیه در بدل آنست که اگر دوای یافته نشود
بدل ثمر او بوزن آن بیخ او بود و بدل ورق آن دو دانگ وزن آن تخم آن **قدر شربت** دواران تعیین

مقدار خوردن هر دوا است که اطبا مقرر کرده اند چون چوب‌ماشی که قدر شربت آن یک دانگ است اگر زیاده از مقدار
شربت هر دوا که مقرر است بخورند خوف ضرر و بیم جان است پس در جدول اول علامت مصلح مص و علامت
بدل ب و علامت قدر شربت ق ثبت نموده‌ام **فصل ششم** در بیان بعضی اصطلاحات اطبا
و تدبیر آنکه تعدیل مزاج و اخلاط کنند از همه عضو یا بعض آن بالا و رود و بعده آبزن نشستن مریض
در آب نیم گرم که در آن ادویه جوش داده بوند بظرف کلان انداخته **الکحال** بچشم کشیدن چیزی **انکباب**
آنکه بخار آب گرم که دوا در آن جوشیده بوند خود را بجامه پیچیده و سرنگون ساخته بتمام بدن یا عضو خاص مثل گوش
رسانیدن **بخور** ادویه را سوخته بوی آن بدماغ یا دود آن بتمام عضو یا عضو خاص مثل بینی رسانیدن **برود**
ادویه سرد تبرید دهنده بچشم استعمال کردن **پاشویه** در آب گرم یا آبیکه در وی سبوس گندم و گل خطمی و گل بنفشه
و بابونه و برگ بید و برگ حنا جوشانیده بوند در ظرفی کلان عمیق که تا زانو مریض آید آن گنجایش کرده بوند مریض را
بر تخت نشانده پایها پیش تا زانو در آن گذاشتن بعد پایها را از پارچه صاف نموده از زانو پارچه پیچیده
باشد النگ و بعد ساعتی از این طرف کشودن و از هوا محفوظ داشتن این عمل بخره را از اعالی بطرف اسافل
بتدبیر می کند مفید است برای اقسام صداع و جذب بقیه حرارت حمی **تدهین** روغن مالیدن **تعلیق** آویختن چیزی
بگردن یا عضو دیگر **طلا** چیزی تر بر بدن مالیدن و غیره بود یا چیزی آن **ضماد** چیزی مائع در حقنه کرده در پرده
رسانیدن یا در بینی یا در دهان یا در رحم از قبیل **حمول** آنکه لته را با دویه آلوده در قبل یا دبر داشتن **فرزجه**
مخصوص ... بر بدن جراحت پاشیدن و استعمال آن اکثر در امراض اجفان است **سعوط** آنچه در بینی چکانند
سکوب آنکه چیزی سائل از فاصله بر بدن ریزند و قضای اندک ریزند یا ریزانند و یا ریزند و استعمالش
جایی بود که عضو معلول و آفت آن بطول مدت ترشح بود یا علیل الغلیظ بود که تحمل نطول بود و بر جگر و دل و معده بجز سکوب
نطول مشغول نباید شد زیرا که نطول سبب قوت تحلیل آن مناسب این اعضا نیست **سفوف** ادویه سائیده
پرداخته مالیدن **شیاف** آنچه ادویه کوفته بیخته با هم آمیخته باشند خشک و از ساخته شده یا مثل صابون ساخته
در دبر یا قبل برداشتن یا آب سائیده بچشم کشیدن **شد الاطراف** بستن دست از بغل تا کف دست
و پای از کنج ران تا قدم و مالیدن که نما برای جذب باشد از سر یا بلکه از بن ران بستن آغاز کنند و از جانب
قدم گشادن ... پای در آب گرم نهادن تا آنجا ... بار چه ... کنند و شد الاطراف قائم مقام ... باشد
است در وقت غشی و صرع بنهایت مفید **شموم** دوا تر یا خشک بوئیدن مانند عطر و گلاب **ضماد**
دوای تر غلیظ القوام بر بدن مالیدن **طلا** دوای تر رقیق القوام بر عضو مالیدن **غرغره** ...
دوا برای آوردن بلغم استعمال نمودن ... حرکت دادن ... در حلق

فتیله دوا را بپارچه آلوده بسوراخ عضو نهادن فرزجه دوا بپارچه آلوده بفرج زن نهادن و این
مخصوص بفرج زن ست قطور آنچه در گوش یا دیگر سوراخ چکانند و این بگرم باید کحل و دوا
بچشم کشیدن کحل آنچه بمیل در چشم کشند و نافعترین میلها میل ذهب و فضه است بعده میل جست و
کماد دوا خشک یا تر بپارچه بسته بگرمی ببدن نهادن تدریجا یا از خشت یا سنگ یا پنبه کهنه بدن اگرم
لخلخه چیزی رقیق خوشبو دشبشه کرده بوئیدن لطوخ اندودن چیزی بعضو که از طلا غلیظ و از ضماد
رقیق بود مضمضه مائعی که در دهن حرکت دهند نفوخ دوا سفوف کرده در بینی یا عضو دیگر [illegible]
نی دمیدن نطول مائعات را بگرم بود یا سرد علی الاتصال بر بدن از فاصله یک بلشت ریختن
نشوق آنچه به بینی کشند وجور آنچه در حلق چکانند و استعمالش در اعراض ماغی ست بیشتر
فصل هفتم در بیان بعض مصطلحات طبیه که دانستن آن ضروریست اصول اربعه عبارت
بیخ رازیانه و کاسنی و کرفس و کبرست السومالی سکنجبین متخذ از عسل و سرکه و بعضی آب دریا می شود
با نمک هم اضافه کنند اوذرومالی عسل و آب باران بالمناصفه ممزوج کرده در آفتاب گذاشته شده
اوکسانی سرکه مخلوط با آب و نمک بادزهر اسم فارسی تریاق ست گویند هر چه دفع سم کند و
مرکب نبود باین اسم مخصوص ست بشع چیز بدمزه و آنچه طعم او مرکب از مرارت و قبض بود تریاق آنچه
حفظ قوت و صحت مزاج روح کند بحدیکه دفع ضرر سموم از خود نماید و گویند مخصوص بدوای صناعی ست
تفه (?) بی مزه ای چیزی که طعمی از طعوم ندارد حجر لیش نیکوفته حامض ترش که سطح زبان را
گزیده تفو کنند و آب در دهن آرد حتی التصور ان حب غلوله بستن و بر غلوله هم استعمال کنند حریف تیز
که اجزای آن در زبان فرو روند و گزند و تفریق آن کنند حلو چیز شیرین که سطح زبان از هم کند حلیب
شیر تازه دوشیده و شیره تخمها را هم گویند دابق آنکه بسبب لزوجت گشنه خود بست بچسپد مثل [illegible]
دسم شی چرب که سطح زبان را نرم و مستوی نماید دوای سمی آنکه کیفیت تاثیر آن موافق مزاج نبود
و کشنده بود خاصیة دوای غذائی آنکه تاثیر کیفیت آن زیاده بر تاثیر کمیت و ماده آن بود و بدن را
متغیر سازد باندک تغیری و از آن خلطی که قابل غذائیت و جوهر بدن شدن بود بسیار کم حاصل شود
چون گندنا و برگ کاسنی و برگ عنب الثعلب و سیر و پیاز و توت و خرما و آلو و انجیر و خیار و خربزه و کدو دوا
مطلق آنکه تاثیر بکیفیت فقط کند و ماده آن قابل جزو بدن شدن نبود مانند [illegible] و فلفل و کافور و افیون
دوای [illegible] صیه آنکه تاثیر آن بکیفیت و صورت هر دو بود مانند پادزهر حیوانی و جدوار [illegible] دوای فادزهر
آنکه تاثیر آن بکیفیت و صورت هر دو بود دوای سمی آنکه تاثیر آن بکیفیت و صورت نوعیه هر دو بود و بعضی تاثیر با حصول اثر سمیت

احداث کیفیتی غالب بر کیفیت اصلی بدن نماید و در آخر مزاج بدن را فاسد کند چون افیون و فرفیون و سقمونیا و غیره
دوای مسهل ذو الخاصیه آنکه تاثیرش بکیفیت و صورت هر دو بود و بسبب شدت قوت مسهله و تاثیر خود محتاج
اصلاح و تدبیر و تشویه گردد و بعد اصلاح در ورود در بدن تاثیر و تاثر در سطوح و عروق و اعماق بدن نفوذ کرده
بعضی اخلاط و رطوبات بدن را به تنجیز و تقطیع و تذویب و غیره دفع کند و بعضی را بتحلیل برد مثل سقمونیا که
بکیفیت احداث حرارت و بصورت نوعیه دفع بلغم و صفرا می کند دوای مسهل آنکه در فعل و قوت از ان
ضعیف تر بود و محتاج باصلاح بسیار نبود مانند هلیلجات و سنا و تربد دوای ملین که تاثیر و قوتش از این هم ضعیف تر بود
و منشبث باخلاط و رطوبات موجوده در معده و امعا گشته دفع کند مگر خالی از قوت جلا نبود مانند فلوس خیار شنبر
و شکر سرخ و تمر هندی و اجاص و شیر خشت و ترنجبین و بعضی از ان محتاج باشد که اصلاح اند چون خیار شنبر که محتاج
بچرب نمودن بروغن بادام و روغن گل ست ذو الخاصیه آنکه تاثیر بصورت نوعیه خود کند ردی الکیموس
آنچه از ان اخلاط غیر معتدل القوام و الکیفیه متکون شوند رزین ادویه سنگین و متین و خوش جوهر رسوب
ته نشین بانعات رمص [illegible] غلیظ که باطراف پلک چشم جمع و چسپیده بود رغوه قسم بسیار کریه مرکب
از حرارت و [illegible] مزغب در ادویه آنچه بر سطح او چیزی شبیه بموی تازه بر آمده باشد مزغب گویند مثل
[illegible] سائل آنچه اجزای آن بهمه جهت حرکت کنند مثل آب سحیق آنچه بسیار نرم سائیده
باشند صالح الکیموس آنکه از خون نستین متولد گردد که اخلاط مخلوطه بآن لابد طبیعی بوند
طافی آنچه بر روی آب ایستد طبیخ آنچه جوشانیده آب آن استعمال کنند طین حکمت
که بفارسی گل حکمت گویند عبارت است از ان گیرد طین صاف از ریگ و غیره که بفارسی خاک ست
نامند و در آب حل کرده درد او [illegible] کرده باقی را گذارند تا ته نشین گردد پس موی آدمی ریزه ریزه کرده
و هموزن آن سرگین اسپ و پخته آب نمک همه را خمیر کرده هفت روز گذارند و هر روز آب نمک
بران میزان باشند [illegible] مستعمل شوند عصاره افشرده شده الا استعمال آن
در آنچه بی آتش بهوا یا آفتاب منعقد کرده باشند عصیر آب افشرده غیر منجمد از نباتات
عفص [illegible] که اجزای زبان را جمع و خشن و کثیف و صلب سازد مانند بلیله غلیظ
دوای و غذای [illegible] غذای مطلق آنکه تاثیر و تاثر آن در بدن بماده فقط بود نه بکیفیت
و صورت مانند آب گوشت های لطیف و زرده تخم نیمبرشت و شکر سفید غذای دوائی
آنکه تاثیرش بماده و کیفیت هر دو بود و غلبه ماده که بعد تاثیر و تاثر از ان خلطی که جزو بدن تواند شد
حاصل گردد و اندکی تغییری در بدن نماید بکیفیت خود چون ماء الشعیر و نخود و ماش و کاهو و خیار و کدو و بادرنگ

و هندوانه و خربزه و انگور و بقلة الحمقا و اسفاناخ و شلغم و شبت و عدس و لوبیا و زردک و کلم غذای
ذو الخاصیت آنکه تاثیرش بماده و صورت هر دو بود و بغلبه ماده چون روغن گاو و گوسفند و شیر با شکر
گردگان که مع تغذیه احداث تفریح و دفع سم می نمایند غذای سمی آنکه تاثیرش بماده و صورت هر دو
بود و بعد فعل و انفعال با حصول تغذیه احداث سمیت نماید مانند بلادر غذای دوای سمی آنکه تاثیر
بماده و کیفیت و صورت هر سه بود مانند لحوم افاعی و گیاهای سمی فاشرشنگ قرص در اصطلاح اطبا
عبارت است از ادویه که کوبند و خمیر کنند بآب تکیه سازند و در سایه خشک نمایند تا رطوبت نماند و نگه دارند
و استعمال کنند کثیر الغذا آنچه اکثر مقدار او جزو بدن شود زرده تخم مرغ نیمبرشت گوشت کباب شراب
ریحیوانات و کبوتر بچه گوشت بز لطیف آنچه اجزای او بدشواری قبول انفصال از کیفیت بدنی کنند
و نفوذ در اجزای بدن بسرعت نمایند کیلوس کشکابی که از هضم معدی بهم رسد و شبیه کشک محلول
بآب شود کیموس اخلاط متولده از هضم کبدی لعوق بمعنی انگشت لیسیدنی چیز که از ربوب رقیق تر بود و مائع
چیز سائل و روان مالح شور که بسطح زبان بدون گزیدن نفوذ کند و جلا دهد مر تلخ که بزبان نفوذ کرده
سطح آنرا خشن سازد و طبیعت آنرا مکروه داند محصول آنچه در وقت خشک شدن بکمال پختگی رسیده بود بقلی دارو
مراد گیاه خودروی که آنرا نشکسته باشند نجم نبات بی ساق را گویند که بزمین پهن شود و بفارسی جیاره گویند
نقوع نقیع آنچه تر کرده بلا جوش استعمال نمایند فصل هشتم در بیان حفظ ادویه مفرده و زهره و پیه حیوانات
طریقه حفظ سائر ادویه که بعضی را با بعضی یکجا کرده دارند تا باقی مانند و ضائع نگردد پس آنکه کافور را
با فلفل و تخم مرغ را با نمک و ساذج را با زنجبیل و براده آهن را با آهن با عصارات و روغنها را در ظروف
قلعی دار و نقره و میاه حاره و عرقها را در شیشه ضیق الراس بعد سر بسته شدن یا در ترنج و یا روی و توتیا
و عرق بهار را در ظرف مس نگاه دارند و اوراق و گلها و بخار را از جای نمناک و طیش آفتاب دور دارند و
را با غیر جنس او جمع نکنند طریقه حفظ زهره حیوانات که تازه مانند آنکه بعد قطع مجرای آنرا بریسمان بسته
در شیشه اندازند و عسل آنقدر که آنرا بپوشد بریزند و اگر حرارت و رطوبت بر هوای آن شهر غالب است عسل را خوب بقوام آورده
بریزند طریقه حفظ مغز و پیه حیوانات که پوسیده نگردد باید که اولا چند روز بعسل اندازند و بعد از آن در شیشه
خشک نموده و در پارچه کتان پیچیده در سایه آویزند و اگر در ظرف قلعی دار نهند هم سالم مانند فصل نهم در بیان نضج
و آن آنکه اخلاط را قابل اسهال کند و نضج خلط آنکه بقوام معتدل آید تا باسانی برآید زیرا که غلیظ و رقیق و لزج استعداد
خروج باسانی ندارند اما غلیظ پس عسر الخروج آن از مجاری و منافذ ضیقه ظاهر است اما رقیق پس از برای آنکه از شان
او نفوذ و تشبث است در خلل اعضا و این دال بر عسر الخروج اوست و اما لزج پس برای آنکه متشبث میگردد باعضائی که مصو

در آنها ست و باسانی منقطع میگردد پس نضج صفرا و بلغم مائی آنکه از رقت خود بغلظت آرد و نضج بلغم غلیظ و سودا
آنکه از غلظت خود رو برقت آرند و از این فروتر آیند و نضج لزج آنکه از اعضا منقطع و جدا گردد و علامت نضج هر خلط
از قاروره واضح گردد و رقیقتر بن اخلاط صفر است فی حد ذاته اما غلظتی که بعد خروج آن در ان محسوس میگردد پس
باعث کثافت لاحقه است بسبب رسیدن سردی هوای بخاری آنرا و خون محتاج بنضج نیست از این جهت در حمی خونی
امر اهتمام که از غلیان خون بود بروز اول فصد میگیرند مگر آنگاه که تغیر آن بباعث اختلاط دیگر در وی بود که در نضج
مواد قبلیه آن خلط منضج داده فصد خواهند نمود و هرچه معدل اخلاط است منضج آن نیز هست پس از منضجات
که بالا ذکر کردیم حسب حاجت تقلیل و تکثیر اوزان مقتضای حال مریض نموده تنقیع نمایند یعنی ادویه را در آب مقدار نوشیدن
وقت شب ترکرده صباح بالیده صاف نموده نوشانند یا طبوخ کنند ای ادویه منضجه صفرا را بقدری آب جوش دهند
و مبالغه در جوش و مالیدن ننمایند و ادویه منضجه بلغم و سودا را مرات خود از آن زیاده جوش داده خوب مالیده صاف نموده
نوشانند و اگر قوت هوا اهتمام گرفتن خواهند اول نقوع کرده جوشانند اما در مزاجیکه حرارت غالب بیشتر بود در نقوع شیرها
و تخمها بر اکتفا کنند و بهترین ظروف برای طبخ و ظروف سنگی است پس نقرئی پس تازه گلی کرده شده و بدانکه اگر ماده
صفراوی بود دوا باید داد که قوام او را جمع باید از اشیای بارده رطبه که در ان جلا و غسل بود مثل سکنجبین ساده و ماء الشعیر
و لعاب بزرقطونا و آب هندوانه و اشربه بارده رطبه مثل شربت عناب و نیلوفر و آلو و خیار و شیر و بزور بارده و نقوع تمر هندی
بسیار ترش نبود و متخذ از مانند بنفشه و نیلوفر و عصی الراعی و بقول بارده و تخم کاسنی و بیخ آن و اصل السوس و بزر خیار و عناب
و سپستان و تمر هندی و نشاسته و غیره و اگر مخلوط با بلغم بود بابونه و گل خطمی و پرسیاوشان و گاوزبان و رازیانه و مانند آن
باید افزود و اگر منافذ بسته بود یا خلط متشبث باعضا از ادویه منضجه مقطعه مفتحه باید افزود تا انفتاح طریق کرده
ماده بسهولت اخراج نماید مثل رازیانه و بیخ آن و تخم کشوث و انیسون و غیره و در ماده سوداوی و بلغمی و اشیائیکه ملین و ملطف
و مقطع بود باید داد مانند بوزیدان و مویز و بیخ کرفس و بیخ بادیان و بادرنجبویه و زوفای یابس و شکاعی و اسطوخودوس و شیح و حاشا و سداب و بیخ از
و برگ غار و زراوند طویل و اصل السوس و گل خطمی و ریشه خطمی و بابونه و اکلیل الملک و شبت و تخم کرفس و انیسون
و امثال اینها و مویز منقی و گلقند و غیره و در امراض سوداویه و بلغمیه تسخین بحدی نمایند که ماده لطیف
تحلیل شود و ما بقی غلیظ و خشک باقی ماند تا عسر گردد خروج آن و هنگام استعمال باید که جمیع منضجات گرم نوشانند
مگر اشربه مستعمله نضج صفرا در تابستان که نیمگرم باید و همچنین اشیای مستعمله در ان سن باعتدال باید زیرا که
هوای بارده و اشیای سرد باعث تاخیر نضج هستند و دلک و حمام و سکون و آرام هم معین بر نضج اند و اگر
قبل از فراغ از نضج مرض خاص مانند سرسام و غیره بود پس باید که ضماد و اطلیه و تمریخ با ادویه و ادهان
مناسبه مانند روغن گل و سرکه و لعاب بزرقطونا و روغن بنفشه و کدو و آب برگ بید و تراشه خیار و کدو و غیره

در صفرا و روغن بادام و زنبق و سوسن و نرجس و اقحوان در غبار و مرزنجوش در بلغم و سودا انضاج آن خلط کنند
تنبیه بدانکه صفرای خالص در سه روز و غیر خالص در سه هفته و زیاده حسب ماده پخته میشود و بلغم در سه هفته یا کم
و زیاده ازان حسب ماده و سودای خالص در ده روز و در کم و زیاده آن نیز حسب اختلاف ماده فائده بدانکه بول لیکه در حال
شبیه بآب بود و بعید النضج و بول لیکه غلیظ و منجمد گردد بعد اخراج اندک بعید النضج است و بول لیکه باقی ماند بر غلظت خود
بعدش از نضج کم است و بول لیکه ثقل دران ته نشین گردد نضیج است و بول لیکه چیزی سفید دران معلق بود نضجش کمتر است
و بول لیکه دران غمامه بود نضج آن ازان کمتر بود و در ماده بلغمی و سوداوی رسوب طافی دران بهتر از راسب است
و رسوب بر نضج ماده بیشتر دال است از رنگ بول پس تا وقتیکه رسوب نبود اعتماد بر رنگ بول نکنند فصل دوم
در بیان مسهل و آن آنکه ماده و اخلاط فاسده و فضول ردیه را از اقاصی و عروق و اعضای دور فرود آورده
از راه براز دفع نماید پس بدانکه واجب است کسی را که اراده مسهل دارد اینکه چند بار خورد تا چند روز باوقات مختلفه
طعامی را که تناول میکرد یعنی اگر مثلا عادت بآثار یک وقت خوردن داشت چون اراده مسهل دارد باید که چند روز
قبل ایام مسهل همان خوردن را و آثار طعام را چند مرتبه باوقات مختلفه تناول نماید و همچنین آب را متجزی و متفرق کرده
نوشد تا این سبب معده و طبیعت مستعد و آماده بوند بسوی دفع و اخراج چیزی که دران است از طعام مختلف بدخول
در غیر وقت معهود خود و مگر صاحب لین طبع را احتیاج باین نیست و نیز باید که تناول کند طعام مولد خلط صالح مقوی معده
و کبد را از طعام مضعف احتشار و از گرسنگی و عطش و مضعفات و مغیرات حال بدن چون تعب و جماع و اعراض نفسانیه
قویه احتراز نماید زیرا که همه اینها جمعت مانع اسهال اند و باید که نمک در طعامش کم باشد که در وی قبض و حبس است منافی
اسهال و قبل از مسهل در تفتیح و توسیع مجاری کوشند تا اخلاط سودی با سهولت اخراج یابند و در ایام مسهل و اندکی
بعد مزاج مسهل نه بینند و طبیعت ابدان عادی نکنند بل بتدابیر دیگر اصلاح حال مریض سازند از بسیار خواب
و تقلیل غذا و شراب و روزه داشتن بشرطیکه افطار و سحر از طعام بسیار نکنند که اینها هم محلل و مرقق مواد اند و باید
تا بر سبب علت و حقیقتش مطلع نشود متوجه اسهال مریض و تحریک موادش نگردد بل بر طبیعتش گذارد و در هوای
وبائی نیز متوجه مسهل قوی و تحریک مواد نگردد تا قلب و قوی که از هوای وبائی ضعیف شده اند از مسهل اضعف شده
منجر بهلاک نشود و قبل از مسهل بحمام رفتن و مالیدن شکم و امعا از دهان طلبند و تمریخ از معینات اوست و کسیکه قوی
المزاج بود و قوت مزاجش صورت و حدت ادویه مسهله را بشکند و از فعلش منفعل و متاثر نگردد خواه بالطبع و الاصالت
طبیعتش چنین بود یا بعادت و اعتیاد ادویه مسهله بود یا ادویه مسهله متعرض او نشوند و همچنین مردم تندرست و پیر و خشک
اندام و لاغر و زن حامله و کودک و کسیکه خون در بدنش زیاده از اخلاط دیگر بود مسهل نخورند و بدانکه استعمال مسهل
بدون نضج ماده که اراده استفراغ آن بود ممتنع است مگر آنجا که ماده بهیجان و ثوران بود و یا حاجت قوی بود

مهلت نضج ندهد مانند قولنج و جز آن که درین صورت سبقت باستعمال مسهل نماید و شب ابر و باد نیز درین وقت مانع نیست
و بهترین ایام برای مسهل فصل ربیع و خریف است اگر برای حفظ صحت دهند مگر آنگاه که برای دفع امراض دهند
انتظار فصل ضرور نیست الا در امراض مزمنه که درین هنگام انتظار فصل باید کرد و در ایام سرد تر و گرم تر و برودت ابر
و باد خلاف موسم استعمال مسهل نباید و کسی را که معتاد بآن نبود ادویه قویه ندهند و باید که ادویه مسهله بعد انهضام
غذا و اخراج ثقل ای وقت خلو معده و ماساریقا و جگر باید نوشانید و اگر آنکس صبر بر جوع کردن تواند و تا ناشتا نخورده
دوا نتواند نوشید اندک طعام لطیف چون ماء الشعیر و آب انار یا رب و شراب آن داده مسهل دهند تا باعث
تقویت معده و منع انصباب صفرا و غثیان و تهوع و قی گردد **دستور طبخ مطبوخات** آنکه بگیرند
ادویه مسهله جیده هر خلط که اراده استفراغ آن دارند و ادویه مائله هر خلط بآن ذکر کردیم و ترکیب نمایند آنها را با ادویه مصلحه و مبدرقه
بقدر احتیاج پس از ادویه آنچه قابل کوبیدن است مانند بزور کوبیده و آنچه از قبیل اصول و اخشاب است مرضوض
ای نیم کوفته نموده چون بیخ کاسنی و اصل السوس مگر تخم کاسنی و کشوث و افتیمون محتاج بکوبیدن نیستند قوت اینها در طبخ
می آید و آنچه از قبیل ازهار و اوراق اند نیز محتاج بکوبیدن نیستند پس آنچه از قبیل اصول و اخشاب اند که قوت آنها
بدیر استخراج می یابد وقت شب در آب در ظرفی علاحده و آنچه قوت آنها زود تر استخراج یابد در ظرفی علاحده
و افتیمون و تخم کشوث را در کیسه علاحده خیسانند و وقت صبح در ظرف وسیع الراس بآتش ملایم اولا اصول
و اخشاب مذکوره را طبخ نمایند و بعد زمانی اندک بزور و اوراق و ازهار و آنچه قوتش زود استخراج یابد و بعده
صره تخم کشوث و بنفشه را هنگامی که ثلث آب تخمینا سوخته بود و صره افتیمون را در آخر که حاجت به یک جوش مانده
باشد اندازند و دم بدم ادویه زیر و بالا نماید که اجزای آن متساوی طبخ یابند پس چون ثلث یا نصف آب که در آن ادویه
خیسانیده بود باقی ماند و سده متحلل بیان خواند گردید پس فرود آرند و بعد اعتدال مالیده صاف نموده در همان
گرمی طبخ در زمستان گرم تر و در تابستان سرد تر نوشانند و اگر ترنجبین و شیرخشت یا گلقند داخل مطبوخ کنند
مطبوخ را ابر ند و آنها صاف نموده لحظه گذارند تا آنچه با ترنجبین و شیرخشت از خاک و غیره مخلوط است بنشیند
پس صاف نمایند و شیرخشت و ترنجبین و گلقند را جوش ندهند و خیار شنبر را هم جوش ندهند بل علحده
تر کرده آمیزند و در مسهلی که خیار شنبر بود و یا آنکس را خشکی معده و امعا بود روغن بادام یا شیره آن آمیزند و بادیان
و گلاب برای دفع بوی خیار شنبر اثری تمام دارد و شکر سرخ و نبات و آنچه زود گداخته گردد و بعد تصفیه داخل سازند
و سقمونیا را تا بریان نکنند استعمال نکنند و در تپیکه بران دو هفته نگذشته بود حیله دادن اسهال کبد می کنند
پس اگر ضرورت افتد بروغن بادام چرب کرده بالعابین و اشیای مزلق دهند و فاریقون نیکو بند
که در وی چیزی نیست زیرا سخت باشد ناخن و بعد نوشیدن دوای مسهل پیش از آنکه شروع در عمل نکند

خواب نشاید و بیکاری که مسهل را از عملش باز دارد و مشغول نباید شد الا در مسهل قوی که خواب بران مضایقه نیست
زیرا که قابل انهضام نیست و طبیعت قوی به سبب توجه بسوی باطن معین بر عمل آن خواهد شد اگر در مسهل قوی هم بعد
شروع عمل قطعاً نباید خفت و بمکان محفوظ باید نشست و بطبیخ ریشه خطمی استنجا باید کرد و آب گرم بر سر طبوخ نوشند
اما اگر تشنگی در و کند قدری مجوز و با آلای جو باد سفوفها و مجوبها آب گرم لازم ست و در اثنای عمل آب سرد منع ست اما وقت
تشنگی آب تازه جرعه جرعه نوشند و بر شربت سرد و آنچه در دوی حب الملوک و همچنین بر حبوب و سفوف که از ترید و غیره بود
آب سرد لازم ست زیرا که آب گرم مبطل عمل میشود و درین ترکیب تا مسهل در معده بود غذا نخورند تا طبیعت بانهضام غذا
مشغول نشود و عمل مسهل باطل نگردد بل بعد برآمدن دوا غذا نخورند و هرگاه دست موقوف گردد و از عمل مسهل یأس شد
و شهوت طعام بهیجان آمد و ضعف ظاهر شدن گرفت غذا خورند و آب نوشند و اگر از مسهل نفرت آید بهر دو بار قوت
و بینی گرفته نوشند و غرغره کرده بود بینه یا برگ تنبول و قاقله مضغ کنند و استعمال برگ تنبول در مسهل باعث اعانت است
بر عمل آن زیرا که در مسهل عادت قی بود باید که قبل مسهل دو سه روز از آب طبیخ ترب یا جرم آن با سقیه دیگر نوشیده
و خورده قی کنند و اگر غثیان آید مقویات معده مانند سیب و به و ریباس قدری بخورند و آنکه صفراوی مزاج بود و از جوع
متضرر شود و تا فراغ عمل مسهل صبر نتواند کرد جایز ست که از اشیای مناسب مانند آب انار و ریباس نسبت مزاج صفرا و
یا مرقهای مسکنه عطش و اشربه لائقه تناول نماید و بدانکه بعد شرب مسهل باید که از خانه بیرون نیاید و از هوا خود را محفوظ دارد
و متوجه شغلی که مسهل را از عمل باز دارد و همچنین بمصاحبت و مجالست با اخوان و مکالمه بسیار با ایشان که طبیعت
نوشیدن دوا را بالکل فراموش کند نگردد و فکند و خود را در راحت و خوشی دارد و محبوب خود را پیش خود طلبد
و آنچه مکروه طبع او بود و از پیش خود دور نماید و نیز از اعراض نفسانیه مثل فکر و هم و غم و خوف و غضب و حرکات بدنیه
محترز بود و حیله دوای مسهل نوشید و عمل نکرد به سبب آنکه دوای کهنه یا مغشوش یا آنکه
مجاری بدن بالخلقة یا به سبب کدامی مرض تنگ بودند و دوا در ان بخوبی نفوذ ننمود یا آنکس مبادرت بعمل کرد از ان
منع نموده ام پس باید که بران مسهل دیگر داده تحریک آن ننمایند زیرا که جمع میان دو مسهل دیگر و خطرناک ست
و خوف هلاک خواهد بود اگر مسهل اول عمل نموده بود یا نه و هرگاه بجشا و غیره معلوم شود که دوا هنوز در معده است و منحدر نگردیده و
حدوث مرضی مخوف مانند قولنج و غیره بود باید که آبی که در و قنطورن یا نمک حل نموده بود نوشانند و اگر آب آلو یا تمر هندی
با قند یا ترنجبین و هند مضایقه نیست و مغز فلوس نیز جایز ست و اگر مصطکی بقدر نیم درهم کوفته بیخته همراه نبات یا رب
یا شراب سیب و به و انار سرشته بدهند نیز معین عمل مسهل ست و خاییدن سیب و به و مکیدن انار نیز معین عمل دارد و
اگر از قی امکان اندفاع دوا بود قی فرمایند و الا حقنه لینه و شیافه و فتائل مسهله متوجه گردند و اگر کدامی تدابیر فائده نبخشد
و اعراض ردیه مانند تمدد و نفخ و برآمدگی چشمان و بیهوشی عارض گردد فوراً فصد کنند تا آنکه اعراض تخفیف یابند و بسوی حقنه

رئیس حرکت نکنند و اگر مسهل در عمل افراط کرده دست بسیار آمده می آید و شوش و اضطراب و بول ناک گردد تا وقتیکه
اخلاط از جنس چیزیکه سزاوار استفراغ نیست اخراج میکند و مریض هنوز متحمل آن است و متوجه بحبس و قطع عمل مسهل
نگردد تا خوب تنقیه شود پس اگر علامات داله بر قطع عمل مسهل ظاهر گردند یا مریض متحمل بر زیاده نیست توجه بحبس باید شد
پس علاجش اگر قطع نگردد دهان آب گرم قی کنانند و اطراف و بازو ها بندند و قابضات تناول و ضماد نمایند و رداء
پوشند و سر خود را بیرون دارد تا عرق بر آید و طبیعت متوجه اعالی معده و اطراف و خلاف جهت مسهل گردد و مالیدن
اطراف بعد بر آمد عرق و خواب نمودن و متوجه شغلی و امر مرغوبی شدن نیز قاطع عمل آنست و اگر عرق بسیار آید شربت
سیب و شربت انار و شربت به دهند و صندل و کافور و گلاب بویانند و اسپغول و صمغ عربی هر دو را بریان کرده
و گل ارمنی به روغن گل چرب کرده به رب بهی و سیب آمیخته دهند اگر مزاج گرم بود و داشتن اطراف در آب گرم هم مانع اسهال است
و چون اسهال کار بگرد آیند باید که تریاق فاروق و فلونیا و جدوار و فاد زهر معدنی هر چه حاضر بود خورانند و سبوس شعیر و پوست
خشخاش و آب سیب و آب به و گلنار و طلا شیر و خرنوب بر شکم ضماد کنند یا برف و یخ بر شکم مالند و تدهین با دهان
قابضه مانند دهن سفرجل و مصطکی و غیره کنند و تسکین به الطیوب بارده معتدله مقویه خوشبو کنند و لخلخه بارده معمول از
صندلین و لادن و رامک و کافور و گلاب و آب برگ آس و غیره استعمال کنند و بخور داب نیز اسهال را بند کند و اگر ازین هم فائده
مترتب نشود محجمه بلا شرط زیر اضلاع و میان کتفین گذارند و لیکن از غذای بسیار گرم و بسیار سرد احتراز نمایند و بقدر سه درهم
حب الرشاد بریان کرده با دوغ دادن از مجربات است و اگر گرمی مسهل با عضای رئیسه اثر کرد
و غشی لاحق شد و حالات ردیه ظاهر شدن گرفتند زود قی کنانند و بشرط عدم کفایت آن و عدم مانع فصد باسلیق
یا اکحل گیرند و آنکه از شرب مسهل در سر و حرقت معده عارض گردد لعاب بزر قطونا و لعاب بهدانه تدریجا
با آب سرد نوشانند یا آنرا با روغن گل یا روغن بادام یا روغن کدو آمیخته دهند و طیوب بارده و ریاحین بویانند و بر
سینه اش از مبردات طلا نمایند و ماء الشعیر دهند و اگر تپ عارض گردد بهترین اشیاء ماء الشعیر است و اگر کرب و قلق
و غثیان بهر سبب باشد چاشنی دار و حب الریان چاشنی دار بکنند و با طرافش روغن و نمک بمالند خصوصا با سفل
قدمین و اگر خون اسهال شدن گرفت اطراف بندند و فاد زهر و جدوار و تریاق فاروق و طین مختوم و ارمنی و نشاسته
و صمغ عربی و بزر قطونا بریان با شربت بنوشانند و بر شکمش روغن مصطکی مالند و اگر سحج امعا بهم رسد طین ارمنی و صمغ عربی
و بزر قطونا با آب انار و داروهای مذکوره دهند و اگر مغص عارض گردد آن موضع را با آب گرم تکمید نمایند به نحوی که دستار را
یا تر آب گرم کرده بر آن موضع گذارند و یا ماء العسل گرم بنوشانند و اگر بعد استفراغ تشنج عارض گردد که دال است
بر استفراغ رطوبات تنک بدن و آن محتاج است بقوام خود لعاب بزر قطونا و حب السفرجل با روغن گل یا روغن بادام دهند
و اطراف بندند و اگر بعد اسهال فواق عارض گردد عطسه آرند و اسپغول به روغن گل چرب کرده دهند با آب سرد

و بر سینه و اعضای متشنج بادهان بارده مانند دهن بنفشه و نیلوفر و کدو و مثل آن نمایند و آب گوشتهای جریب ماء الشعیر
ساده یا با شکر نوشانند و اگر بعد اسهال و فصد وجع در کبد بهم رسید آب گرم نوشند و اگر رائحه دوا در معده نماید گویا
باقی ست نوشیدن پوست پسته و مثل آنست **علامات داله بر قطع عمل مسهل** از انجمله اشتداد نعاس
و نوم ست و اشتداد عطش و حدوث ضعف و گرسنگی مفرط چون این علامات ظاهر گردند معلوم شد که عمل مسهل
قطع شد و چون دوای مسهل صفرا خورده بود و بعد اسهال صفرا اسهال بلغم شروع شد یا مسهل بلغم نوشیده
و بعد اسهال بلغم سودا استفراغ شدن گرفت یا مسهل سودا خورده و منقضی باسهال دم گردید پس اینهم دال بر قطع
عمل مسهل ست پس بزودی متوجه حبس مسهل گردند تا خطر عظیم جای نگردد و چون دوا اخراج یافت از تعب حرکات
عنیفه و جماع و اعراض نفسانیه قویه محترز باشند تا طبیعت بحال اصلی نیاید و همان روز بدن را خوشبو کنند و غسل
با آب گرم از رائحه کریه عرق و فرج و برای آن تبرید دهند و ریاحین طیبه معتدله بویند و غذا در حالت مرض مناسب
مرض و در حالت صحت کچهری مونگ بخورند یا طعام قلیل الکمیه سریع الانهضام کثیر الغذا معتدل الکیفیه مقوی
قوی و ارواح که معتاد باشد تناول نمایند مانند گوشت مرغ جوان فربه و گوسپند یکساله و سفیدباج و زیرباج
و یا قلیه و یا دو پیازه و یا قورمه کم روغن و یا پلاو کم روغن تناول نمایند و شوربا بسیار [illegible] ضرر نیست و از شروع
مسهل تا انقطاع آن بلا تقویت معده از مانند آلو مربی غذا ثقیل نخورند و از گرسنگی بسیار و امتلا و تداخل احتراز
نمایند و نیز از تناول اغذیه قویة الکیفیه بالطبع یا بالخاصیه و حموضات و چیزهای حریفه [illegible] و اغذیه [illegible] مولده بلغم
خصوصا در بلاد و ابدان بارده رطبه و زنان و اطفال و مشایخ احتراز باید و ترشی ضروریه رعایت بسیار باید کرد
و در ایام نضج صفرا اگر اندک ترشی دهند مضایقه نیست زیرا که معین بر نضج آن ست و نیز از [illegible]
و قوا البعض بقول و فواکه پرهیز کنند و بدانند که مسهل ناقص مضر ست اگر خوف ضعف بود [illegible]
تا ماده خوب بر آید و مسهلات اخلاط ثلثه بالا ذکر کردم رعایت مرض و مزاج و سن و سال مریض نموده دهند و بدانند که [illegible]
که چیز یک خلط خلط دیگر را بیرون نآرد مگر آنکه با آنچه مخصوص ست بیشتر بر آرد پس اگر اخراج اخلاط ثلثه منظور بود [illegible]
و مسهل آنها باهم کرده استعمال سازند **فصل یازدهم در قاعده تلیین** بدانکه تلیین [illegible] آنکه ماده را از آنچه
در فضای معده و امعا و نواحی آنست اخراج نمایند و در تلیین حاجت بمنضج ماده نیست [illegible] اگر [illegible] منضج
شود بهتر ست کسانیکه محتاج تلیین شوند باید که اولا تقلیل غذا کنند بدینطور که هر قدر غذا که یک وقت [illegible]
میخوردند همان قدر را چند بار منقسم کرده بخورند و این تلیین مبارک که اکثر امراض ظاهری و باطنی [illegible] را
مفید ست و بیشتر مزاجها حتی پیران و زنان حامله و اطفال و ضعفا و صاحبان ورم و احشا را موافق [illegible]
صفت مقشر فلوس هر قدر که ضرورت بود بگلاب یا آب گرم مالیده صاف نموده دهند و اگر حرارت بود

بآب کاسنی یا شیرهٔ تخمهای دیگر دهند و در ورم احشا و عرق عنب الثعلب دهند و اگر نفخ بود شیرهٔ بادیان و کافشنید
هم اضافه کنند و اگر قوی خواهند شیرخشت یا ترنجبین اضافه کنند و اگر عناب و سپستان و گل بنفشه منقی و گاوزبان نیم
کوفته با املتاس دهند بهتر است و املتاس بالا روغن بادام نیز دهند الا مخلان را مضایقه نیست و املتاس جوانان را
زیاده از چهار توله تا پنج توله نیز دهند

فصل دوازدهم در بیان قی و منفعت و شرائط آن

و آن آنکه اخلاط ثلثه یا یکی از آن یا دیگر رطوبات که محصور بمعده و حوالی او بهیجان آمده از دهن مندفع شوند و منافع
قی آنکه باعث تنقیه و تصفیه معده و سبکی اعضای غذا و رای تسکین صداع و قولنج و اوجاع گرده و مثانه است
و رافع گرانی سر و باعث اندفاع آن مواد ابخره صاعده از معده بسوی دماغ را و جالی قوت باصره و مقوی آن و محکم و مقوی
اعضاست و مزیل نزول و سستی و باعث اشتهای طعام و سرعت انهضام آن و رافع تخمه حالاً و مآلاً و مانع انصباب
صفرا است بمعده و مفید سستی صداع معده و صرع و عرق النسا و قروح خبیثه و نقرس و رعشه و الیخولیا و فالج و ظلمت بصر
و ثقل سامعه است و درد دندان و آمدن آب بسیار از دهان و یرقان و ضیق النفس رطوبی و انتصاب النفس و استسقا
و دوالی و رنگ بشره و جذام و قوبا و دیگر اکثر امراض بارده و قی علوی را و قی سفلی را و قی دو نوع است یکی آنکه برای حفظ صحت
کنند آنکه هر چه از تناول اغذیه مقرره هر روزه قدری غلیظ تر یا لزج تر در خلل معده و نواحی آن آلوده میماند جمع شود
که در اغذیه یا کولات دهنی بود در معده برودت و رطوبتی و بعد آن ریاضتی واقع نشود تا مواد مجتمعه تحلیل شوند و بوقتیکه
اندک اندک جمع شده آخر الامر موذی و فساد میگردد پس باید که قبل از آنکه بسیار مجتمع گردد و مفضی بفساد گردد آنرا بقی
دفع کنند اول آنکه در هر ماهی یکبار دو روز پی در پی قی کنند تا آنچه بروز اول مندفع گشته و باقی تحریک یافته بروز دوم
مندفع گردد چنانچه معمول بقراط بود که در هر ماهی دو روز پیهم قی کرده است و تجویز کرده و گفته که هر که بهمچنین معمول خود دارد
بشرطیکه در غذا و غیره اعتدال نگاه دارد ضامن تندرستی و صحت او منم بشرطیکه در هر ماه دو روز بلا تعیین تاریخ قی کند
مثلاً اگر بماه اول روز اول یا روز دوم آن قی نموده بود در ماه دیگر یک روز و دو روز تقدیم یا تاخیر نموده قی کنند تا طبیعت
بدان عادی و مستقر نگردد و اطبای هند و جوگیان آن افراط می نمایند و میگویند که باعث صحت بدن و طول عمر است
دوم آنکه برای ازاله مرض نمایند پس اگر تنقیه معده و حوالی آن منظور بود پیشتر یک روز غذای که خلط غلیظ را
لطیف کند تناول نمایند و غذای نرم خورند و بشرطیکه عدم مانعی مانند حرارت و غیره و روغن خوشبو بالند و بروز
قی غذای نرم مانند او گرای ماش و برنج خورند اما مرطوب را حاجت باو گرا نیست بعد یکساعت از مقیات که بالا
ذکر نموده ام بقدر حاجت نوشیده قی کنند مگر مرطوبی مزاج را نهار قی کنانند و خربق سیاه بلا ضرورت شدید
نه دهند که خالی از سمیت نیست بلکه هر کرا عادت قی نبود قی نکنانند و آنرا که قی کنانند بر پشت چشمش رفاده نهاده
بعصابه ببندند و شکم و کمر را نرم بسته استاده سر فرو هشته قی کنند که مواد از معده بخوبی بر آید و اگر غذائی که قبل قی

تناول نمایند جید ولذیذ وکثیر ومختلف الالوان بود بهتر ست منجمله کسانیکه صلاحیت قی ندارند
صاحبان ضیق الصدر وصاحب نفث الدم ورقیق العنق وصاحب حدوث ورم حلق وضعیف المعده وفربه مفرط
وغیر معتاد بقی وضعیف الدماغ وزن حامله وآنکه در چشم وگوش او مرضی گرم یا دموی بود یا آنکه در سینه وحجاب او ورم
بود هستند واما قی که اکثر زنان را در ایام حمل عارض میگردد پس تو حبس او نگردند مگر وقتی که خوف اشتداد وضعف
وغیره بود وآنرا که قی بدشواری آید نیز منع کرده اند مگر اگر ضرورت شدید بود پس در ینصورت تدبیر نمایند وشوربای
چرب وطعامهای مختلف خورانند ودر خانه گرم قی کنانند وپر مرغ بروغن حنا چرب کرده بحلق آرند. اما اوقات
قی پس بدانکه بهترین اوقات آن باعتبار فصول صیف ست وباعتبار ساعات نهار وقت بر آمدن روز بهتر ست
وقی بر ریق جائز نیست مگر مرطوبی مزاج را زیرا که فم معده کسیکه ذکی الحس شدید الادراک باشد ناشتا متحمل لذع
خربق وادویه نتواند گردید وبدانند کسی را که بخربق ومقیات قویه قی فرمایند باید که معده او خالی از غذا بود
تا از کثرت تموج که دفعتاً عارض گردد خناق حادث نشود وچون قی شدن گرفت در اثنای قی
اگر مانعی نبود ریاضت وتعب وحرکت فرمایند تا قی بیشتر وآسان بر آید زیرا که اینها محرک ومخض اخلاط اند وآرام
وسکون بسیار وخواب نفرمایند مگر آنگاه که اراده قطع عمل قی گردد وبپهلو تکیه نموده قی نفرمایند که بسیار ضرر دارد ودر اثنای
قی باید که کسی پس پشتی ایستاده هر دو شانه او را بملائمت بگیرد تا از شدت قی بر زور نیفتد وبعد شرب دوای مقی
وانقضای زمانی معتد به اگر خود بخود قی آید بهتر ست والا پر مرغی بروغن حنا ویا مانند آن چرب نموده داخل گلو
کنند اگر باز هم نآید حرکت دهند اگر اینهم کفایت نکند بحمام روند واگر بعد نوشیدن مقی کرب واضطراب عارض گردد آب گرم
بازیت آشامند واگر قی افراط کرده وبسیار آمد وسودی نبخشد گرویده در حبس او کوشند وخواب
کنانند بوضعیکه ممکن بود وبازوها وساقها ویا پیهای او را ببندند ودست وپای او را در آب بسیار سرد گذارند وبر
معده او ضماد مقویه قابضه بمالند وروغنهای مقوی خوشبو قابض آن مانند عطر صندل وعود هندی وروغن حب الآس
ومصطکی وجوز بوا واظفار الطیب ودارچینی واشیای قابضه عطریه مثل قرفه وبادرنجبویه ودارچینی وقاقله وپوست
اترج وصندلین وکشنیز خشک وزیره ومصطکی وسماق وزنجبیل وغیره سائیده برشکم وجگر او بمالند وقدری
خورانند ویا حبیب لیمو یا مانند موافق مزاج محرور ومبرود واگر قی الدم عارض گردد وبتدبیری حبس نگردد
عصاره بقلة الحمقا باگل ارمنی نوشانند وطبع را نرم فرمایند تا خونیکه در معده بود دفع شود واگر خوف ریختن
خون در نواح صدر ومعده او بود سکنجبین با آب سرد کرده بیخ یا برف خورانند وچون از قی فراغت شد
دهن وروی را از آب گرم یا سرکه آمیخته بشویند وبآب گرم وسکنجبین قندی غرغره کنند تا حلق پاک گردد وانه
بادۀ متصاعده واز نسیان ایمن گردد وبعد غرغره عود یکمثقال یا مصطکی یکدرم با آب سیب یا اطریفل صغیر

با شکر بدهند تا معده را قوت بخشد و غثیان را تسکین نماید و اگر تشنگی غالب شود شربت سیب ممزوج با سکنجبین
و یا شربت لیمو نوشانند و اگر سوزش معده عارض شود شوربای مرغ دهند و اگر گرسنگی معلوم شود غذای لطیف
سریع الهضم کثیر الغذا خورند مانند چوزهٔ مرغ و غیره و مرطوبی را گنجشک و بچهٔ کبوتر تازه به پرواز آمده و استراحت
و تدبیر مشروب و استحمام برای رفع اعیا ضرورست و آنکه قی حامض نماید و معتاد بدان شود و نفخ در
گرده یابد تا نصف روز غذا ندهند و قبل از غذا گلاب گرم نموده نوشانند و آنرا که قی سوداوی
شود و دوام یابد اسفنج بسرکه گرم کرده تر کرده بر معده گذارند و اگر بعد قی حالات ردیه
عارض شود مانند تمدد و دوران سر اسعوط از آب گرم کنند و دهان بلینه وضع محاجم باری با ستعمال
آرند و اگر لذع معده عارض شود مقدمه سریعة الهضم دهند و تمریخ معده بروغن بنفشه و روغن خیری با قدری
موم آمیخته نمایند و اگر فواق آید آب گرم جرعه جرعه خورند و غطسه آرند و اگر کزاز و امراض بارده و سبات و انقطاع
صوت عارض گردد شد اطراف کنند ... که سبات و قثاء الحمار در وی جوشانیده بوند تکمید معده کنند
و غسل آب گرم نوشانند **و مضار قی** آنکه افراط آن مضعف معده است و مضر سینه است و دندان و کبد
و ریه و بصر و گوش و صرع دماغی و عروق و زنان حامله و اوجاع مزمنه **فصل سیزدهم در ادرار و آن**
آنکه فضول سائله و رطوبات لطیفه از راه بول یا عرق یا شیر اخراج نمایند پس بدانکه اگر اخراج مواد از جگر و گرده
و مثانه و اعضاء تناسل منظور بود مدر استعمال نمایند و اگر خلط زیاده بود و بلا فصد و اسهال مدر ندهند
و بلا نضج نیز و مدر غیر رقیق را به آرد پس در غیر مرض رطوبی نه دهند و بدانند که عرق از جملهٔ فضول هضم سوم
عروقی و واجب الدفع ست که طبیعت در آن تصرف کرده رقیق آنرا بتجفیر از راه مسام دفع میکند و چون
کثافت بسیار باشد پس جلد باعث رسیدن سردی هوا یا آب مجتمع گردد مانع ادرار عرق گردد و از احتباس آن بدن را
سنگینی و کلال و ملال عارض میگردد پس باید که در تصفیهٔ بدن بحمام و اغتسال آب گرم کوشند و ادویهٔ مدرهٔ عرق نوشند
تا از آفات محفوظ بوند مثل نقش آنکه آب گرم که جوشان بود و در ادویهٔ مدرهٔ عرق جوشیده بوند پیش وی خود گذارند در داخل
بر تمام سر و بدن پیچند تا بخار آن به بدن رسیده جلد را نرم و مسام را مفتوح کرده اخلاط تحت جلد را دفع نماید و بیایند
هر قدر عرق که آید پاک کنند تا بیشتر آید و آب گرم با سرکه هم بسیار معرق ست و اگر عرق بسیار آید و ضعف عارض گردد حبس
سازند و جامه نرم نازک پوشند و بدن را خشک سازند و آسایش سازند و سیب بو سازند و نیم من گل سرخ پنجاه درم و روغن
نیم من آب طبخ کنند و مالیده صاف نموده روغن کنجد آمیخته با آتش جوشانند تا روغن فقط بماند آن روغن بر جمیع بدن
مالند یا عود دهند که کوفته بیخته سفوفش را بر جمیع اعضا مالش دهند و طریق ادرار شیر که بامراض مخصوص ست آنکه کباب چینی
و شوربهٔ قلی خردل قاقله صغار اسفوف کرده با شیر گاو یا آب نخود بنوشانند و تمام روز غذا دهند و مرارا شیر با دو چند آن آب نخود شا

ومدرات حیض وغیره بالا ذکر کردیم **فصل چهاردهم در حقنه** که عمل و عمل الطا گیز گویند و آن عبارت از رسانیدن
مائعات بمعاء مستقیم یا رحم است بآله مقرره و وی مواد را از امعا خارج کند و بهترین علاج است در استفراغ و تسکین اوجاع
و مثانه و قولنج و کسی را که ضعیف المعده بود و از مسهل قی آید و مکره ادویه مسهله بود و مفید است برای امراض
مانند صداع و شقیقه و دوار و سبات و لیثرغس و سکته و سرسام و صرع و فالج وغیره و امراض مفاصل و عرق النسا اگر
منضج خورده گیرند بهتر است و بر خلاف معده مضر است باید که قبل آن شربتی مقوی … وقت آن از ابرود و آخر آن است
و بهترین فصل خریف یا زمستان است و حقنه که برای قولنج و امراض دماغیه مانند سرسام وغیره … باید … که
آنکه باید در ادویه مسهله جوشیده بود … مثانه گاو کرده نی باریک … دار قدری … است مریض را بپشت
زیر سر و سرین آن بالش نهاده بطوریکه پشت بزمین بود و سر آن نی در مقعد آن نهاده مثانه را بفشارند تا دوا
بامعا رسد و اگر درین ادویه روغن گل یا روغن بید انجیر نیز داخل کنند تا بامعا خراش … است و تحرز … از حرکت و هوا
بسیار سرد و گرم باز دارند و متاخرین بجای مثانه آله فلزی برای حقنه مقرر کرده اند و طریقه پچکاری مانند حقنه است الا آن از راه
بول است و تفصیل فی المطولات **فصل پانزدهم در شیافه** و آن آنکه اجزای مسهله سفوف کرده با صابون آمیخته
فتیله بدراز انگشت … نمایند و طرف باریک آن داخل مقعد کنند تا … بمقدار شش انگشت تا اثر آن با معا قولون رسد
و اخراج مواد شود و الا طبیعت را مایل طرف دفع براز میکند و مثل شیافه در احلیل هم فتیله ساخته برای ادرار بول … دفع …
می نهند **فصل شانزدهم در فصد** و آن مستفرغ اخلاط اربعه است غایة ما فی الباب آنکه خون از زیاده بر آرد
و حاجت منضج هم ندارد مگر چون خون بسیار غلیظ گردد و چونکه با خون … هم خارج میشود و … اقوی …
بهترین استفراغ است زیرا که انسان مختار است که هر وقت و از هر عرق و از هر عضو خاص هر مقدار خون که خواهد بر آرد
و قبل چهارده سالگی و لاغر اندام و حامله و حائضه و قولنجی را و بروز بحران و شدت گرما و سرما و تا پانزدهم
هر ماه و وقت شب و بعد جماع و تا تحلیل غذا … بود فصد ممتنع است الا در مثل سرسام و خناق و ذات الجنب … و ماشرا
از موانع خفیف نترسند و در حبس طبیعت و قولنج غیر ورمی نیز فصد نگیرند و اگر … باشد او را
بحمام روند و تجبین معمول بمطبوخ زوفا و حاشا نوشانند بعده فصد نمایند و در حمیات حاده نیز فصد نگیرند و ایام …
زوال آفتاب و به ایام گرما بعد آن فصد گیرند و بهترین ایام فصد از زمستان روز است که در آن باد و باران ساکن بود
و مجانین … و سوداوی را در شب بوقت نوم فصد گیرند و پیش از فصد طعام و شراب بسیار نخورند و حرکات … و
و فرح مفرط و خواب نکنند و قبل فصد شربت لیمو یا شربت انار ترش با گلاب آمیخته … و صفراوی را شراب …
ترش غوره و بلغمی را شراب نعناع و چربی خورانید و فصد گیرند و بعد فصد اگر غشی افتد … نمانند و …
را فصد نکنانند مگر در لدغ عقرب جراره و در طاعون نیز منع کرده اند مگر آنکه ماده خون کثیر بود و سمیت با عضای …

اثر کرده باشد اکنون رگهائیکه بیشتر زنند بیان کنم قیفال در لغت یونانی بمعنی کناره سر است و آنرا سرید و هم گویند
زیرا که فصد آن مخصوص باخراج خون از سر و گردن است و برای امراض دماغ و گلو مفید است و میان ابهام است اکحل
عرق دوم مشتق از کلادس یونانی بمعنی شاخ رگ است و آنرا نهر البدن هم گویند چه هفت اندام هم گویند برابر سبابه است
بدن میکنند باسلیق عرق سوم یونانی بمعنی پادشاه عظیم برابر و سطی است و برای ذات الجنب و امراض جگر
و سپرز و امراض گردن تا بزانو را مفید و زیر آن شریانی است و اکثر نشتر بآن میرسد حبل الذراع عرق چهارم
نفع آن مثل قیفال یا باسلیق است و آن رگی است که از انسی ساعد ظاهر شده و بالای ساعد گشته بیشتر
بطرف وحشی رفته ابطی عرق پنجم برابر خنصر است و آنرا اسیلم هم گویند برای اشتها و امراض سفلی رایافع است اسیلم
عرق ششم میان خنصر و بنصر از دست راست امراض کبد را و از دست چپ امراض طحال را مفید و بوقت فصد این رگ دست را
در آب گرم گذارند صافن رگیست در انگشت برابر ابهام علل اعضای اسافل و درد رحم و حیض و جراحات و خارش
ران مفید و قضیب و امراض دماغی خصوصا مالیخولیا را نافع عرق النسا رگیست که در اکثر از جانب وحشی
رجل تا کعب آمده و بپشت پا رسیده اگر بر ساق پای یابند فبها و الا از پشت پای کشایند برای وجع
عرق النسا که مرضی است نافع و دیگر امور قریب صافن چهار رگ چهار رگ اند دو زیر لب پایین و دو زیر لب بالا
در باطن لبهای کشایند فصد آنها قروح فم و قلاع و اوجاع لثه و ادرام و شقاق لب را نافع باسلیق زیر زانو است درد
احشا و پشت و مقعد و بواسیر و رحم و ریه را نافع بدانکه چون خون سرخ خالص بدفق خارج شود و ضعف هم افزاید
معلوم شد که نشتر بشریان رسید فورا سر رگ گرفته این لازم است بر آن گذارند و رفاده نهاده ببندند و دست را بیش تا سه روز
دارند و حرکت ندهند چه علاجش گفته اند حب مرکب از دم الاخوین قلقطار انزروت شب اقاقیا هر یکیدرم صمغ عربی
دو درم کوفته بسفیده تخم مرغ آمیخته با خانه عنکبوت آلوده در زخم بگذارند و اگر نشتر به عصب رسد و اماس
عضو شود صندل سرخ و سفید و کشنیز و محللات دیگر استعمال کنند فصل هشتم در حجامت
و ارسال علق حجامت و در کودکان بجای فصد است و پیش از دو سال و بعد شصت سال حجامت
منع است و اول و آخر ماه جائز نیست که اخلاط درین ایام متوجه بباطن می شوند و در چهاردهم و پانزدهم که کمال
زیادتی نور قمر است هم جائز نیست زیرا که اخلاط هم بکمال غلیه میرسند پس اگر شانزدهم و هفدهم وضع
محاجم کنند بهتر است و بهترین ساعات ساعت سوم از روز است یا چهارم و فصل بهار و ساعت دوم و دیگر ما و بعد حمام
حجامت نکنند و بر فقرهم دماغ حس و ذهن اصفر و بر نقره گردن خلیفه اکحل است آن دو میان شانها
خلیفه باسلیق و بر ساق خلیفه صافن و بر اخدعین و آن دو رگ است بر عنق واقع اند خلیفه قیفال است
... نافع و بر قطن خلیفه باسلیق ... از سر و داء الفیل و بر کعبین اقتباس طمث

وعرق النسا و نقرس والتوا و نجاست بلا شرط اما اگر سواد از عضوی بعضو دیگر کند و میل به تحلیل نماید و در
وحجامت مع الشرط از همان عضو سواد برآرد و فصد را مفید و بعد حجامت آنرا اصلاح کرده شود
مالند و طریقه تجربه ناری مشهور است اما علق ای زلو که بهندی جونک گویند بجذب خون ناقص از
عضو خاص و قریب آن و آنجا که حجامت مع الشرط ممکن نباشد مخصوص نفع بهترین آن متوسط در جثه
و کوچکی سبز رنگ با خطوط دراز برنگ زرد و سرخ شکم است و سیاه رنگ کلان که بر آن خطوط لاجوردی خواه طاوی
بود ناقص است و آن زلوی که مشابه مارماهی بود و مضر بود که خالی از سمیت نیست و نیز از آنکه پشم دار بود اولا
تنقیه از اخلاط فاسده نموده و زلو را نیز زمانی در سرگین و داشته تا آنچه در وی است قی کند و عضو مقصود را با بورک
شوییده تا سرخ شود پس بچسپانند و چندان خون گیرند که اعلا سیر باشد و اگر عضو دیگر مقصود بود تا آب بریزند و المدد
و اگر از خود عضو نگذارد بر دمش نمک اندازند و یا قدری خاکستر و نمک با آب نیمگرم بر دهنش بپاشند و یا آنکه
پیاز بر دهنش رسانند پس موضع آن را از پارچه کهنه باریک پاک نمایند و اگر خون بند نشود گل چکنند و بگدازند
و سفیده و مرداسنگ یا مازو سوخته یا خاکستر یا صدف سوخته سفوف کرده بر زخم پاشند و نسج عنکبوت
که بچه در آن نبود نیز نافع و بر یکبار اکتفا نکنند بل روز دیگر هم ارسال زلو کنند تا بقیه خون فاسد برآید و روز دوم
کم از روز اول بچسپانند و بعده از آب سرد و تولے سرد و ترشیها پرهیز کنند که خوف قرحه خارش است و اگر آنجا
سوزش گردد و خارش نماید زرد چوبه در حنا قیمه پوستیه تکمید نمایند یا ضماد سازند و اما فرغنا عن المقدمة و بلغ
الکلام الی هذا المقام فنشرع فیما هو غایة المسئول و نهایة المامول و هو المرام من ذکر الادویة المفردة علی
ترتیب الحروف التهجیة من الالف والهاء مشتملا علی ثمانیة وعشرین مقالة بتوفیق الله الملک العلام

مقالهٔ اول در بیان ادویه که اول آنها الف است

عربی	فارسی	ہندی	ماہیت	طبیعت	مضر	مصلح	بدل	قدر شربت	افعال و خواص ادویہ
باب الالف مع الالف									
آذربا [illegible]	سرمہ چشم	[illegible]	عصارہ ایست اسود [illegible]	ح ی ۲	خورندہ را کشندہ	قی بہ [illegible]	اثمد		مجفف جالی محلل واکتحال مغسولش دافع حرقت چشم و جوشش آن و نافع بواسیر و نزف الدم
	آبنوس	آبنوس	درخت [illegible] مشہور	ح ی ۲	معدہ	[illegible]	چوب کنار		ملطف جالی مدر مفتت حصاة [illegible] مفتح سدد طلاء اکتحال محکوکش دافع شب کوری
آبیل			بیخی ست	ح ی ۲	ریشہ [illegible] قاتل	-		تا ۲ درہم	مدر دبر لے [illegible] آزمودہ
آجر	خشت	اینٹ	معروف	ح ۲ ی ۲	سعدہ و گردہ	سرکہ و کتیرا			محلل مواد باردہ و یابسہ دافع درد سر کہنہ ضمادش با سرگین گاو محلل اورام و بثور بلغمی و نزلات
	آچین		درختی ست عظیم سفید برگ	ح ی	اسہال آرد و [illegible]	دوغ			دافع آتشک و قروح ضمادش محلل و منضج اورام و پوست بخش مسہل
آذان الفار		چوہہ کنے	حشیشی ست	ح	مثانہ	مرزنجوش و تخم خرفہ		تا ۴ مثقال	نافع برای صرع و سعوطش برای تنقیہ دماغ و لقوہ مفید ضمادش مخرج خار و پیکان و منقی جروح
آذربو			بیخ نباتی ست شبیہ بشلغم	ح ی ۳	بقدر ۲ مثقال کشندہ	علاجش [illegible]	دو وزن آن بادآورد	تا یک مثقال	جالی سعوطش منقی مسکن فواق مدر مسقط جنین محلل مفتت حصاة نافع گزیدگی ہوام
آذریون	گل آفتاب پرست	سورج مکھی	گلی ست	ح ی ۳	محرورین	سکنجبین	زعفران ربع آن	تا ۲ مثقال	محلل جالی مفتح مقوی معدہ و جگر مسہل مدر مسقط جنین دافع سموم و رافع استسقا
آرغیس	پوست بیخ زرد شدہ		پوست بیخ زرشک	ح ای ۲	صاحب [illegible]	عسل	حضض و املیر [illegible]	از ۲ درم ۲ مثقال	مفتح مجفف قروح نافع قلاع و ضعف بصر و استرخاء لثہ رادع [illegible] بار بر شکم زن حاملہ مسقط جنین
	آزاد درخت	بکاین	درختیست عظیم	ح ۳ ی ۱	مصدع و [illegible]	[illegible] و شیر تازہ			مفتح محلل مدر نافع برای جذام و برص و خنازیر و اورام گلش مسکن صداع بارد و غثیان

ع	ف	ی	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
	آس	[illegible]	درختی است	ب ی ۲	صداع حار	بنفشه	سوسن گل	برگ توت / تا ۳ درهم	مقوی قلب نافع خفقان و صداع و دوالی و سده و قلاع و درد دندان و محلل
اسقولوس			نطیست کنار دریا شور و سیاه	ح ی ۲	مورث سحج	صمغ عربی	... آن بهلقدر	تا یک درم	لذاع مغص محلل جشاء ریاح ... و منقی زخم و عسل نافع ورم سپرز و گرده طلا کردن با سرکه
اطریلال بری		کاک جنجی	تخم گیاهی است	ح ی ۳	جگر حار و گرده	سکنجبین و کتیرا	در اطریلال ... سندشش	تا ۳ درم	جالی محلل مدر مفتح منقی گرده و مثانه مجفف قروح و مسقط جنین لقوه و خامعت حصاة
الیسر یونانی			نباتی است	ح ۳ ی ۱	جگر حار	کتیرا	نصف آن حب الغار	تا ۲ درم	محلل جالی مقطع نافع درد سر و زکام ... سگ دیوانه و تعلیقش ... کلف
		آکو	بیخ رستنی معروف	ب					ثقیل دیر هضم مغلظ معده و باد انگیز و مزید منی و مغلظ آن و محرک باه و مقوی مثانه
آنکیلس			نباتی است	مرکب القوی					قابض مقوی جگر و سپرز مفتح سدد نافع استسقا و یرقان ... ریشهای باریک آن مسهل و مقوی اطفال
انسوباسقس			گیاهی است	ح ی معتدل	گرده	عسل	آب انگور مطبوخ	... درم	مقوی حواس و حافظ مفرح مدر ... قاطع بیاض چشم نافع مالیخولیا ... مصفی الوان
		آذرگل	درختی است	ب					جالی و ملحم قروح و ... و دافع آماس اعضا
		آزاد	قسمی از شفتالو						ترش و گران و دیر هضم
		آریا	قسمی از خیار	ب ر	محدث عفونت	سرکه			مولد بلغم و ریاح و ثقیل و اکثار آن محدث حمی عفنه
		آلونی	درختی است	ب ار					... و جالی چشم مقوی ذهن مزید خون و مسکن غلیان آن
									باب الالف مع الباء الموحدة

[illegible]

[illegible]

ع	ف	ﻫ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
ابرایجیه			معجون مرکب است	معتدل					مفرح مقوی موافق معده و جگر حار است
ابریسیم	ابریشم	ریشم	پیله کرمی است	سرخ آب گرم			مروارید محرق	تا ۳ درم	مفرح مقوی ارواح و باه [illegible] دافع خفقان و ضعف [illegible] مجفف مصفی رو و ملطف
ابزار			نباتی معروف به بزاره	ح ی ۲	ثقیل	نعناع سرکه و سعتر			[illegible] عصاره آن مفید ورم رخوه [illegible] تخم آن [illegible] محرک باه بود
اثقر	شوره	شوره [illegible]	بشوره سفید است	ح ی ۳	مری و گرده	کتیرا و عسل	ملح اندرانی	تا نیم درم	مفتح منقی بلغم مسهل قوی [illegible] ربع درهم از آن با دو درهم شکر دافع احتباس بول و مفید سپرز و درد کمر
ابن عرس	راسو	نیول	حیوانی معروف	ح ی ۳	محرورین	سرکه [illegible]	برای صرع [illegible]		[illegible] مقوی جگر محلل نافع صرع و استسقا و سموم بارده [illegible] خنازیر و درد گرده و مفاصل
ابو قانس یونانی ۱۲			نباتی است	ح ی ۳	احشا	آب سرد و عسل			مقطع ملطف جالی [illegible] مسهل بلغم و زرداب نافع استسقا [illegible] قاطع اسهال آنست
ابوسطلس			نباتی است	ح ی ۳	معده	عسل		یک مثقال	صرع و ضیق النفس و استسقا و اوجاع [illegible] نافع [illegible] عصاره آن [illegible] مسهل رطوبات [illegible]
ابهل	[illegible]	ادهیر و هوبیر	قسمی از سرو کوهی	ح ی ۲	معده و حلق و جگر	عسل و سمن و خولنجان	جوز السرو بقدر آن	تا ۳ درم	ملطف محلل مجفف قابض [illegible] نافع سرسام [illegible] فالج و کری گوش و استسقا و [illegible] القلب
		ابراجیا	درختی است	ب					مقوی بصر مصفی آواز دافع آسیب [illegible] درد گلو و جذام و فساد باد و صفرا و بلغم [illegible]

باب الالف مع التاء الفوقانیه

ع	ف	ﻫ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
اتان	ماده خر	گدهی	م						شیر ش نافع سل و تب دق
اتراطون			شرابی است	ح					ملطف جالی موافق مزاج پیران [illegible]

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
اترج	ترنج	بجورہ	م	ح ای ۲	مجلّی و رادع محرور [illegible]	عسل و بنفشہ	آب لیمو	۵ درم	ملطف قابض مصفی روح مسکن قی صفراوی مقطع مرہ صفرا دافع خفقان حار معدہ جگر [illegible]
		ایفس	[illegible]	ح ہ ی ۱					مقوی باہ [illegible] اسہال دافع بلغم صفرا ی فاسدہ استسقا ز قی و بو اسیر
					باب الالف مع الثاء المثلثہ				
اثل	درخت گز	جھاؤ	م	ب ای ۲	معدہ	صمغ عربی	جوز السرو	۵ مثقال	جالی منضج مقوی جگر و جذام و سعفہ سود دردہ دندان [illegible] ورم صحال ورم جگر ضماد اسفید لقوہ
اثلق	فنفنشت	تخم سنبھالو	تخم ذحستی	ح ی ۲	گردہ و مصدع	صمغ عربی	شاہدانہ	یکمثقال	قابض محلل ملطف منضج نافع صداع و جنون [illegible] و احتباس حیض [illegible] دیوانگی [illegible]
اثمد	سرمہ	انجن	م	ب ای ۲	اکال [illegible]	[illegible]	آب ار	نیم درم	قابض مجفف مقوی [illegible] نافع صداع [illegible] و خشکی آتش وقتل سپش
					باب الالف مع الجیم				
اجاص	آلو	آلوی بخارا	تمری سعتر	ب ا ر ۲	دماغ و معدہ	عسل و عناب و گلقند	تمر ہندی	۱۵ دانہ	ملین مسہل صفرا قلیل الغذا [illegible] دافع صداع حار و [illegible] صفرا و [illegible]
					باب الالف مع الحاء المہملہ				
احریض	گل کافشہ	کسم کا پھول	م	ح ای ۱	معدہ سپرز و مصدع	عسل		یکمثقال	منضج محلل منوم مقوی کبد ضماد [illegible] برقوبا و دیا مست بر مثانہ احتباس بول الحجر قابض
احیون یونانی		[illegible]		ح ا ر ۲	[illegible]	شبر			مدر بول و حیض [illegible] مسموم [illegible] دافع درد کمر
					باب الالف مع الخاء المعجمہ				

[illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
اخثاء البقر	سرگین گاو	گوبر گوبروایکه	م	ح ای ۲					محلل و جالیس و مخرج خار و پیکان گزیدن زنبور و پادزهر لسع حشرات جالیس رعاف قطور تازه آن
ارغیتوس			نباتی است						مانع مواد و مختبسه تحلیله قاطع سیلان رطوبت چشم مسکن درد گوش مجفف
اتمیراج			شجر است						ثمر و برگش چو شد از مسکن ضربان اعضا و طلای خاکستر [illegible] دوامل را نافع مندمل جراحات
اخیرو سس			نباتی است						ثمر ش با دو به چشم مستعمل و مجفف محلل قابض
باب الالف مع الدال المهملة									
اورکه	آلوچه سلطانی		م	ب ار ۲					مسکن حدت صفرا ملین طبیعت قاطع تی آب رسیده اش نافع [illegible] و قوت آب برگش قاتل دود
باب الالف مع الذال المعجمة									
اذان الفیران	کف دریا		نوعی از زبد البحر		گرسنه ۲ دانگ				اکتحالش رافع ناخنه و بیاض عین و اب طلایش با آب عرق و ورم پستان و جرب کلف را نافع
اذاراقی	کچله	کچله	م	س ی ۳	سکنجبین و کتیرا	تنکار دستی کشنیز		تا ۲ دانگ	سم حیوانات مبدل مزاج بارد رد کسوی مزاج حار حید نافع اوجاع مفاصل فالج و لقوه و امراض عصبانی
اذخر	کاه مکه	گندهس	گیاهی است	ح ی ۲	گرده و مخرور و مصدع	گلاب و صندل عرق نیلوفر	انیسون و قسط	تا مثقال	مدر محلل منضج مقطع منضج اخلاط لزجه نافع فالج و لقوه و نسیان و درد دندان
باب الالف مع الراء المهملة									
اراقیو	اسیمک		تخمی سیاه مدور است		مورث قولنج و لقاح	سرکه و مربا تیزبیه			ملین محلل دافع آلام اورام و محلل آن

خ

ح	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
اراک	درخت مسواک	پیلو	درختی معروف	ح ۱ ی ۲	موجب حکۃ نزلہا	کتیرا	صندل	تا نیم رطل	جالی محلل مفتح مقوی معده و رطوبات از جگر نافع نزلات عسر البول منقی مثانه مقوی لثه نافع سعال
اربع و اربعین	هزار پا	کنکهجوره	حیوانی ست						اگر در گوش چند عدد در روغن گرم کرده در گوش اندازند والا سرکه و نمک یا اگر گزد گل مولسری و سرکه مالند
	ارتکان		سنگ ریزه است زرد رنگ	ب					طلا بیش با گشنیز و شیر سبز دادرام حاره و جراحات با صلاح کل لحم خبیثه و با قیر وطی ریانند گوشت صالح
ارجوان	ارغوان		درختی ست	ح سع	مقوی قوی	برگ جلنار و نمام	گل سرخ و صندل		مخرج اخلاط لزجه منقی آلات تنفس مفتت مسقی لون طبیخ پوست ریشهای بیخ آن مقدار دو درم مقی قوی
ارزق سیے تم ناپج			نباتی ست						بسیار تند رائحه لاذع و در غایت حرارت حتی بالا سکان از آن بپرهیز ندالا در اطلیه با مصلحات او
ارز	برنج	چاول	م	سبوس و گوسفند و بھای	مولد قولنج	شکر سرخ و عسل	پیست جند با چاول		مولد خلط صالح رافع تشنگی مسمن معدل منی محسن لون نافع زحیر قرح و قروح امعاء و اسهال معوی و لواحق کرده مثانه
		آردو ماش و ماکھو و کلائی	غله است ماکول	ح ا ر ۲	نفاخ بطی الهضم				مولد منی مسقط باعث نفخ چنین ماینده روزی چند مرتبه چند روز بر برص قوبا مالند دفع گردانند
ارخمه		دیک	کرمی ست	ح					مقوی باه اگر بر سر ریشه باقی از روغن گاو چرب کرده طلا نمایند حلقه کرده بروغن سنام بقر نافع بو اسیر
ارغامونی	ماعیناسرخ	بن پوستہ	نباتی ست	ب ی					حار جالی محلل منقی قروح عین مسکن اورام صاد نافع قلاع اکلا بالست و یکدانه فلفل سیاه سائیده
ارقیطون			نباتی ست	ح ی ۲	گرده	روغنها	برگ آن و بیخ آن	تا ۲ درم	جالی مجفف محلل اعراض بان و دندان و سینه و عرق النساء و عسر البول و حرقة النار را نافع
ارقطیون			گیاهی ست						ملطف مجفف جالی مسکن اوجاع اسنان نافع عسر البول عرق النساء و حرق النار و شقاق که از سردی بود
ارکسال و ارکالک		لوده نزد بعضی	پوست درختی است	ح ی ۲	مصدع محرور	کشنیز	کیابه و کیمخت	تا ۲ مثقال	مقوی دل و احشا هاضم مقوی دندان و لثه دافع خمار نافع بواسیر مسکن اوجاع مانع انتشار زخم ها

[illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
ارغمنین [illegible]			نباتی است	ح ی ۲					محلل جاذب سهل با شراب مطبوخش محلل اورام صلبی قطورش با عسل مزیل قرحه چشم و بیاض آن
ارنب بری	خرگوش	کهرہا [illegible]	حیوانی است	ح ۳ ر ۲	محرور بن	کاسنی سرکه [illegible] است			مانند زبان حیض آرد و نافع صرع و فالج و لقوه و اختلاج و خدر و امراض بارده و بول الفراش و رعشه
ارنب بحری		سمندر کا [illegible]	حیوان دریائی	بسیار گرم	سم قاتل	خوردن شیر الاغ			خاکستر شحالی بهتر دندان جمادش با تخم انجره مستر ندره موی کلای خوردنش مزیل بهق و کلف
		اڑوسہ	نباتی است	ح ی ۱					گلش نافع دق و دفع صفرا و تسکین حدت خون و سوزش بول و خشن نافع ربو و ضیق النفس و تپ حمی دق
آرید بحریہ			دوای مند [illegible]	بسیار گرم				یک درم	جذاب جالی جلایش قاطع خون بواسیر و مدر حیض است مجرب
		اڑنی	درختی است	ح					دافع غلبه بلغم و صفرا و آماس و ضعف جگر و قبض و مشهی و کشاینده سده
		ارجن	درختی است	ح					دافع صفرا و بلغم و علتهای زهر و ماندگی مصفی جراحات و مسکن و مقوی بدن
باب الالف مع السین المهملة									
اسارون		تگر	بیخ گیاهی	ح ی ۲	ریه	مویزج	بیخ زنجبیل خولنجان	تا ۳ مثقال	ملطف محلل مفتح مقوی معده مشهی جگر و گرده و دماغ از اخلاط رطبه صرع و لقوه و فالج تشنج را نافع
اسد	شیر	باگھ	معروف	ح ی					گوشت آن [illegible] مصرع موت [illegible] حماد پیه آن برکمر [illegible] مقوی جماع طلاء [illegible] بمن موجب [illegible] در نظر
اسد العدس	.		نباتی شلیغم کلیاه عدس	ح ۲ ی ۲	کرب معصی	بنفشه	افتیمون	تا ۵ درم	محلل بلغم و سودا مدر بول مفتح نافع یرقان با سکنجبین و معتش [illegible] بعد و نافع طلاء [illegible]
اسرار			شجری است	مرکب القوی				یکدرم	بخورش دافع درد دندان شربتش با شیر در محرور و با شراب مبرد محرک باه مفتح منعش حرارت غریزی محلل

ع	ن	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
اسرنج	سرخ و شنگرف زاده سے	سیندور	م	ب ا ی ۲	سم قتال	اسفیدباجات	اسفیداج و مرداسنگ		محلل جالی منقی زخمها خبث لحم نافع حرق النار قاطع گوشت زاید و مرده و بدبوی آن و سیلان خون
اسروزج			گیاهی است سبز و در رنگ شود						ضماد وی عصب مقطوع را در ساعت التیام دهد
اسطوخودوس		دهارو	گیاهی معروف	ح ی ۲	صفراوی را و معطش و مغثی	سکنجبین	فراسیون	از ۳ درم تا ۵ درم	محلل ملطف جالی مفتح تقویت دل و دماغ و حواس جمیع قوی مصفی روح مفرح مسهل سودا نافع امراض سینه
اسطراغالیس			بیخ نبتیست مغبر یکسو						قابض مجفف قرح حابس بطن بول اگر شرحه شیر چون نرم کوبند بر زند بر قروح کهنه یا شند با صلاح آرد و قاطع نزف الدم
اسفاناج	اسفاخ	پالک	گیاهی معروف	ب ر ۱	بارد المزاج و مصدع	روغن بادام و شکر گاو	خرفه و ملطف	از عصاره تا ۳ مثقال	ملین و ادع سریع الهضم جید الغذا نافع تپهای گرم و امراض سینه و درد پشت گرم و سل و تشنگی و جاله
اسفنج	ابر مرده	هوا بادل	معروف	ح ا ی ۲	احشا	آب غوره یا ریباس	کاغذ سوخته	یکدرم	محلل مجفف قروح قاطع نزف الدم مندمل فتح فوهء عروق مجلی بصر مخرج خار و زلو کلیه حبشید جاذب و نافع رمد
اسفیداج	اسفیداب	سفیده	از قلعی و سرب سازند و از دوتینه	ب ا ی ۲	شربا مورث خناق و قاطع حیض	فی و مطبوخ لحم گرم نو شیدن	خبث الرصاص یا مرداسنگ		ملطف مجفف مبرد سرد مغری نافع گوشت زاید مدمل نافع درد سر و چشم و بثور و بیاض و درد و سوختگی آتش
اسفیداج الحصاصین	سفیداب برو		سنگیست براق	ب ی ۲	کشنده اکلا	فی و اکل حب النیل		.	ملطف مجفف جالی مغری مضعف بشره قاطع نزف الدم رافع آثار جرب ملزق شرائین
اسفید باج	شوربا		م	ح ر ۲					لطیف صالح الکیموس نافع امراض سر و فالج و لقوه و امراض صدر و جذام و جنون و سرسام و نسیان و سکته
اسقنقور	ریگ ماهی و نهنگ دشتی	ریت مچھلی و ریگ ماہی	چھوٹے شبیه سوسمار	ح ر ۲	امزجه حاره	عسل	سکنجبین		گوشت آن نافع فالج و لقوه و رعشه و خدر و کزاز و نقرس و اوجاع مفاصل مقوی باه و منعظ و مدر منی
اسقولوقندریون	سرسیر		نباتی است	ح ی ۳			توم الذکر عنصل	۲ درم	محلل جالی مدر تریاق زهر ... جمیع خواص قوی تر از سیر بستانی و ...
اسقولوقندریون			نباتی است ساق و خوشه	ح ا ی ۲	قلب و مثانه	صمغ عربی و عسل	پوست بیخ کبر	۳ درم	محلل ملطف مفتح مدر مفتت نافع صرع و فواق و یرقان و طحال و امراض سوداوی و تقطیر البول

[illegible]

[illegible]

ع	ن	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
		اسگنده	بیخ وپوست تلخ	ح ی ۳				۲ درم	سرفه وضیق النفس ورم اعضا وبرص تقویت بدن وفربهی وقوت باه را نافع
اسل		کبرسانی	نباتی کبار ابیض یا قند	مرکب اجوهر ب خ	مصلحش سیب	کتیرا عسل			محلل مسکن سموم نافع مالیخولیا واستسقا وقطع اسهال ونزف الدم و ادرار بول گزیدگی هوام
اسلنج			گیاهی یک گره وبیخ	ح ۳ ی ۲	ربه	صمغ عربی	تخم تنجبان ابیاروق	تا ۲ درم	محلل منضج رافع اورام و سموم وضیق النفس ورياح وطلاؤ مطبوخش نافع جمره و درد احشا وکرم معده
اسود سالخ		کالاناگ	اسم مار سیاه	ح ی ۳					مجفف تعلیق سلخ الحیه که پوستی است که مار سال می اندازد بر ورک زنی که تعسر ولادت باشد بخورش مسقط جنین
		اشقنتگا	م	ب					مقوی باه و اعضا بلغم انگیز درست کننده شکستگی استخوان رافع فساد صفرا وخون
							باب الالف مع الشين المعجمة		
اشترغار	اشترخار	اوترکناره	نباتی شبیه بیاد آور	ح ی ۳	و نافع گرده بعضی ونافع	شربت غوره در پیاس	الجدان	تا ۳ اوقیه	مفتح مسخن معده مشتهی طعام مدر رافع یرقان و اسهال مرار وضرر سموم بارده وتپ بلغمی وسپرز
اشخیص		نبکم	درختی است	ح ی ۲	مصلح	شکر		۵ درم	نافع جنون وصرع وخوش وحب القرع وعسر البول وگزیدن هوام و استسقا وصمغ آن باتیر مقوی احشا
اشراس	سرشش		بیخی است	ح ی ۱	سدد و مجر معده	سکنجبین گلقند	عرقیات السکر بانسیات	تا ۵ درم	مدر محلل نافع سرفه و یرقان و داء الثعلب بهق سپید جبر و کسر و فتق و قروح و سج و خشونت حلق
اشق	اوشه	کاندر	صمغی است	ح ۲ ی ۱	معده و صورت بول الدم	السون انیسون	سکنجبین و رازیانه	نیم درم	محلل مجفف ملین جالی جاذب مفتح سده جگر و سپرز و افواه عروق نافع مصلح سهلا نافع فالج
اشنان		چوک	گیاهی است	ح ۳ ی ۲	دندان مثانه معده	عسل و مغز تخم کدو	صابون	نیم درم	مجلی منقی محرق مفتح و محلل فضول غلیظه و پنج درم آن مسقط جنین ده درم کشنده

ع	ف	٥	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
اُشتنه	زه الزه دانگ و دوانگ	چهر بله چر بره	لیست چون لیبا بر درخت بید	معتدل	امعا	انیسون	قرو با نا اخو خر	۳ درم	قابض محلل ملین مسهل مفرح قلب مقوی باه نافع صرع و خفقان و وجع کبد و سکته و دافع غشیان و قی ملایم روح
						باب الالف مع الصاد المهملة			
اصابع الصفر	کف عایشه و کف مریم	مثل بدن انسان	بیخ گیاهی گشنیز چون کندنا	ح ۲ ی ۲	آلات بول و مسقط جنین	محرور و مبلوط	برا رحبنان و مسدد	۲ مثقال	ملطف محلل مقوی اعضای عصبانی تریاق سموم هوام نافع جنون و وسواس امراض سوداوی و فالج
اصابع فرعون			سنگیست مانند انگشت	ح ی ۲					قاطع نزف الدم ملحم جراحات محلل اورام بارده استعمال آن ناخون جراحت سر بسته ملتحم جراحات
اصابع الاصفر			نباتیست						چون در دهان نهند پوست آن تنق شده مغزی از آن ظاهر گردد چون پسته و محرک باه
اسطرک			نوعی از میعه	ح ۳ ی ۱	مسقط جنین زنده	مجر زنان	میعه سایله	یک درم	مسخن منضج ملین نافع زکام و نزله و دفع و بحة الصوت والفعل آن که از سرفه بود و مسلح و مسبت
						باب الالف مع الطاء المهملة			
اطریلیقوس			گیاهیست	ح ۲ ی ۲				۲ درم	محلل مجفف قابض نافع ام الصبیان و خناق و ورم و برآمدگی حدقه
اطر کاله			گیاهیست شبیه						تخم آن امراض ملین مانند جرب و سلاق و ابتلاء بد باد را نافع است
						باب الالف مع الظاء المعجمة			
اظفار الطیب	ناخن پرشل و ناخن جرسا	نکه	جسم صلب چیده	ح ی ۲	متعدد سوختنی	سنگ گل ارمنی	قصب الذریره	تا ۲ درم	مذر خصلات ملطف نافع صرع و سکته و خفقان و طوبی و درد باد و دیگر درحم و جذام و جریان منی و سموم
اظفار الجن		آکرن پات	نباتیست	ح ی ۱	درماغ	عناب		۲ مثقال	نافع یرقان اسود و سرفه خشک و بالخاصیة دافع مجنون سلیم و محلل اورام

[illegible] ۵

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
									باب الالف مع الفاء
افیمون مرتم		اکاسی ابیلی اعلی بعید	نباتی است باریکی چون ریسمان	ح ی ۳	صفراوی ونبات کرب ومغص	زعفران کثیرا	الاحرو بصاشا تجار [illegible]	۴ مثقال	محلل ملطف مفتح مسهل سودا و بلغم نافع امراض [illegible] عصبانی صرع مالیخولیا وکابوس وفالج ولقوه وصداع [illegible]
افربیون		•	صمغی است	ح ی ۳	محرورین	مقل ازرق	مازریون	۲ قیراط	جالی ملطف محرق حاد سمی مسهل بلغم نافع لقوه وفالج و استسقاء وعرق النساء وکابوس نافع سموم بارده
افسنتین	مرده	مجتری و ستاره	نباتی است	ح ی ۳	مصدع مخفف	انیسون و مصطکی	غافث	یکدرم	مفتح ملطف مشهی قابض مسهل صفرا نافع صداع ولقوه وفالج ورعشه وصرع وسکته وکابوس [illegible]
افعی		مارلیست	ح ی						گوشت پخته آن ضعف بصر ودرد عصب وازاله برص وجذام ولقوه ورعشه وطول عمر را نافع
افلنجه		بلی برنگ	تخمی است چون [illegible] دل	ح ی ۱	مصدع و مورث خناق	روغن زیتون		۲ مثقال	مقوی دل ودماغ وجگر ومعده مفتح محلل مشهی مسخن معده دافع گزیدگی عقرب
افلیقون یونانی			نباتی است در گندم روید	ب					محذر از خارج وداخلیه را دعه مستعمل است شربش جائز نیست
افیقطس			نباتی است	ح ی ۲				۲ مثقال	محلل منضج نافع وجع کبد ورم بارده ودافع حمیات وعرق النسا وضماداً ورافع سده طحال
افیمیلیان			نباتی است بی گل وثمر	ب ر				۳ مثقال	ضمادش بازیتون مانع بزرگی پستان آشامیدنش نافع تولد مرد وزن
افیوسس			نباتی است	ح ی ۲				۲ قیراط	مقی مسهل مانع رویدن موی زهار عصبیان وقرآن نافع یرقان ومحلل صلابات
افیون	شیر خشخاش	افیم	م	ب ی ۴	قوی ناقص و ظاهر حمی قاتل	فلفل و زعفران	بزر البنج و تخم [illegible]	از یک عدس تا نیم قیراط	محذر قابض مسدد مسوم محلل مسکن حافظ ادویه امراض اسهال چشم وگوش وسرعت انزال وتب [illegible] نافع
عـه لبن الخشخاش									باب الالف مع القاف

[illegible] ۱۲

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
اقاقیا		کیکر	عصارۂ ثوی از مغیلان	ب ی ۲	مسدد	روغن بادام	عدس مقشر صندل	یکدرم	مجفف رادع قابض قاطع نزف الدم و نفث الدم و مقوی معدہ و کبد و بصر حابس نزلات
اقحوان	بابونہ گاؤ	مرہٹی	م	ح ۳ ی ۲	مصدع	سکنجبین و گل بنفشہ	اکلیل الملک	۲ مثقال	مسخن محلل مفتح ملطف مدر مسقط جنین بغایت نافع در دمثانہ و ورم سپرز و سموم
اقسون			نباتی ست	ح ۲ ی ۱	گردہ	شراب	تکاعی	از ۳ تا ۵ درم	ملطف نافع کزاز و تشنج امتلائی و اورام گردن و شدخ عضل شربا و ضمادا
اقیط	کشنک پنیر		روغنی ست	ب ی ۲	ہاضم مسدد زہیر	جوارشات و گلقند			قابض مبرد مسکن حدت صفراء داء الثعلب و دفع نزف الدم و بواسیر را نافع
اقلیمیا	·		نقلی ست	مع ح ب ی ۳		روغن بادام	توتیا مرداسنگ	۲ ماشہ	مجفف مقوی باصرہ و سبل و ناخنہ و دمعہ و جرب و قروح و خفقان و بہق را مفید
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	باب الالف مع الکاف			[illegible]
اکاریغ	باچہ	پاپا	[illegible]	سیہ	[illegible]	[illegible]			[illegible] نافع
اکمکت		کرنجوہ و کنکا	ثمر درختی [illegible]	ب ی ۲ م					محلل مسکن [illegible] نافع [illegible]
اکلیل الملک	گیاہ قیصر	برنگ	معروف	ح ی ۱	انیسون	عسل	[illegible]	[illegible]	[illegible] ملطف [illegible] و سدر
اکلیل الجبل		·	نباتی ست	ح ی ۳	محرور	سکنجبین	افسنتین و مر	۱ ماشہ	محلل مفتح قابض مسکن مدر [illegible] نافع [illegible] و خفقان بارد
				باب الالف مع اللام					
الب			درختی خاردار						سم حیوانات اگر در آغذیہ کنند ہر حیوانی کہ خورد بمیرد و اگر بوی بیش بخورند کر و کور شود

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
[illegible]			بیخ نباتی	ح ی ۲					شربی و ز سقا [illegible] تقطیر البول را مفید
[illegible]			گیاهی ست	ح ی ۲	مسوج	مرزنجوش		۳۰ ماشه	جالی آثار محلل مجفف و ملطف ورم خصیه و گزیدن سگ دیوانه را مجرب خاصة
[illegible]	.	.	رطوبتی [illegible] ست	ح ۳ ی ۱	مسبت	سکنجبین			مسهل و مجرب قروح و درد مفاصل و ظلمت بصر را مفید
[illegible] یونانی	.		نباتی ست	ح ی ۳	[illegible]	کثیرا و عناب		۱۰ ماشه	جالی غسال [illegible] مسهل سودا و جنون [illegible] العلاج و یرقان سود را مفید
الیه	دنبه		۲	ح ر	بطی الهضم	فلفل و زنجبیل	سمین		محلل ملین اعصاب و عرق النسا و کزاز [illegible] مجرب [illegible] مصلح گرده
باب الالف مع المیم									
اباریطین یونانی			نباتی ست	ح ی	تخم معد	شرب آب		۹ قیراط	ملطف مقطع منشف [illegible] هوام و عرق النسا و شدخ عضل و حبس البول را نافع
امبرباریس	زرشک		تخم [illegible]	ب ی ۲	[illegible]	قرنفل	تخم گل سرخ	[illegible] ماشه	قاطع صفرا مسکن تشنگی مقوی دل و جگر و معده [illegible] غشی [illegible] را مجرب
[illegible]			درختی ست	ح ی ۲				[illegible]	منضج مفتح ملطف محلل مقوی جگر مسکن زحیر دافع بیاض چشم
		[illegible]	ثمر درختی	ب ۲ ی ۱					مسهل صفرا [illegible]
[illegible]			نباتی ست	ب ا ی ۲					قابض مقوی اعضای باطنی [illegible]
امعا	روده	انتری	۲	ب ی ۳	مولد قولنج	جوارش [illegible]			قلیل الغذاء دیر هضم [illegible]
امغیلان	مغیلان	[illegible]	درختی خاردار	ب ی ۲					حابس فضلات [illegible] قاطع نزف الدم [illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
آنجکاه	آمله	آنوله	ثمری معروف	ب ۲ ی ۲	سپرز	عسل سنبل	بلیله و بلیله سیاه	از ۳ تا ۵ درم	قابض مخرج سوا مفرح مقوی قلب محرک باه غذا صیتہ قاطع قی و تشنگی و آب رفتن از دہان مجفف مسود مو
ام الکلب			شجری ست						مسکن وجع آشامیدن با مثقال از عصاره تازه آن باز بیون گزیدگی سگ و عقرب مار را مجرب
		امل بید	میوه ایست	ب ر					قاطع صفرا صیح سوا مولد بلاغم مشهی مسکن غلیان خون مقوی قلب نافع طحال
		امل گچائی	نباتی خار دار	ب ر					مفید حمیات حاده شرب آب برگ آن بهلوله بهاشه نمک لاهوری آمیخته نیم گرم کرده
		آمل چانگیر	ثمری ترش بقدر ملوی	ح					مشهی ہاضم دافع سنگرهنی و بواسیر و جذام حابس اسهال دافع فساد باد و بلغم و خون مهیج صفرا
									باب الالف مع النون
اناغالس بے نامے			گیاهی ست	ح ی ۲	مورش سحج	صمغ عربی	ارطنیثا	یکمثقال	جالی جاذب مجفف مفتح منقی سر از بلغم مسکن وجع اسنان نافع جرب و سبل و کلمه
اناغورس بونانے			گیاهی ست	ح ی ۱					محلل اورام تلیین مقی در رطب مخرج مشیمه جنین تعلیق آن بزنان مسهل ولادت
آنبج	انبه	آنب آمم	م	شیرین رسیده ح ر ۲	محرورین صوتی بیمار وجاموں	سکنجبین			مقوی اعضای رئیسه دباہ مضیفے رنگ سمن بدن دافع خفقان و درد سعر و عطش ملین
انتکه		نربسی	درختی ست	ح ی ۲	مورش خنازیر	روغن کنجد		۲ مثقال	محلل نفخ مسکن اوجاع و دافع لسع هوام و بیخ آن قاتل جهار پایان را دافع ریاح
انتلیس ح ۱ ج			نباتی ست	ح ی ۱				یکمثقال	محلل جالی دافع عسر البول و وجع گرده و صرع و مدمل قروح رافع اورام حاره رحم
انجبار			نباتی ست	س ی ۳	مبرودین	زنجبیل	زرشک	یکمثقال	مسکن تب قاطع نزف الدم حابس اسهال مزمن و بول الدم و سحج و شکستگے اعضا دافع سموم و فسخ آن

[illegible]

٥١

[illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
انجدان رومی	انگدان	هینگ کا [illegible]	نبات حلتیت	ح ی ۲	مثانه	تخم خربزه	تخم جرجیر / [illegible]	تا ۲ مثقال	مفتح جالی محلل ملطف مقاوم سموم نافع سده و بواسیر و فواق رافع نسیان و بلادت و لقوه
	انجره	اوتنگن	ساق [illegible]	ح ی ۳	گرده و [illegible]	صمغ عربی و کثیرا	[illegible]	تا ۳ درم	ملطف مفرح محلل مدر [illegible] سینه و [illegible] مفتح و امراض صدر و رعاف و سرطان را نافع
انجیر آدم		کلد	میوه ایست سیاه رنگ						اگر شاخش با هیزم افروزند [illegible] گرمی آن رسد بیهوش گردد و منبت آن کوهستان کابل است
[illegible]			نباتی [illegible] و چوبی [illegible]	ح ی [illegible]					مفتح ملطف قابض نافع طحال و عسر البول و اسقاط دیدان [illegible] با عسل بعد طهر قبل وطی مانع آبستنی
[illegible]			دوای کرمانی معروف				گل ارمنی پوست انار		استطلاق بطن را نافع خاصیه دو یک مثقال آن با گلاب یا آب گرم
[illegible]			نوعی از [illegible]	ح ی ۳				یک مثقال	محلل مفتح مجفف مدر بول نافع استسقاء و [illegible] و سنگ مثانه و احتباس حیض
[illegible]			[illegible] برگ بید خشک	ح ی					مفتح سدهٔ احشاء و درد مفاصل را نافع
انزروت	کنجده	[illegible]	صمغ درختی خاردار	ح ۲ ی	[illegible]	صمغ عربی [illegible] بادام	[illegible]	۲ مثقال	محلل لین مفتح مجفف مسهل بلغم [illegible]
انسان	آدمی	مانس و آدمی و [illegible]	م						[illegible]
[illegible]			نباتی است کوچک [illegible]	مع		عسل یا [illegible]		۲ دانگ	مفرح مسکر رافع توحش و جنون مقوی حواس ذهن [illegible] نافع زیادتی قرح چشم
انف العجل			ثمری است	مع					مدر رافع سموم بالخاصیه محلل مسکن وجع گزیدگی هوام [illegible]
انفحه	پنیرمایه و شیردان	[illegible]	[illegible] حیوانات شیرخواره	ح ی ۲					محلل ملطف [illegible] اخلاط رقیق [illegible] نافع رعاف مقوی [illegible]

ع	ن	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
		انکولو واکول	درختیست بیندی	ح ر ۲					نافع استسقا و انواع سموم جانوران [illegible] دافع دق [illegible] بسرعت نزول [illegible] فساد و بادرد [illegible]
	انگیز		گیاهی نحو ماده سیسود	ح ی				۲ درم	تخم آن بغایت منعظ و تخم ماده آن موجب [illegible] زنان و منوم با شراب تا سه شبانه روز
		انتاس	ثمری کلان [illegible] معروف	سا ر ۲	مبرد و مرطوب	با نمک [illegible]			مسکن حدت صفرا مقوی معده [illegible] هاضم مفرح مقوی دل و جگر رافع خفقان مقوی دماغ مضر [illegible]
[illegible]	بادریان رومی زیره رومی	رندے	نباتیست	ح ۲ ی ۱	احسا	رازیانه	تخم شبت [illegible]	از ۲ تا ۵ درم	ملطف محلل ریاح جالی مسکن [illegible] حیض [illegible] زنگ خسا دافع فالج و لقوه استرخا و صرع
		انباره	نره است	ح ر					دافع باد شکم را و مزید منی رافع غلبه باد و بلغم و [illegible]
باب الالف مع الواو									
[illegible]			نباتیست	تخم آن [illegible]	گرده	کتیرا		تا ۳ درم	حبس اسهال و ادرار بول و دفع سموم و گزیدن رتیلا را نافع و نافع درد [illegible]
اوقز	قاز و مرغابی	هانس	معروف طایریست	ح ۲	دیر هضم	آب کامه و آب انار			غلیظ الغذا بعد الهضم [illegible] تخم [illegible] آن مزید عقل و مزیل نسیان
	اورسکید	.	بیست نیلوفر هندی	ح ی	مثانه	عسل	سیخ اماج	یک درم	محلل ریاح [illegible] دافع صداع [illegible]
او [illegible]			نباتیست	ح ی ۲					ملطف مجفف نافع [illegible] عرق النسا [illegible] و مفاصل
اوتوما			نوعی از [illegible]	بغایت گرم					محلل [illegible] ورم آن مسهل [illegible] و رفع ورم [illegible]
اوتوتیا			عصاره [illegible]	گرم و تند					ظلمت بصر و تنقیه آن و دمعه و سلاق را نافع

[illegible]

[illegible]

ع	ف	لا	ه	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
سلیلی اوردواونا	عسل داود		ریختی است غلیظ	ح ر					جرب بلغمی و درد مفاصل و تاریکی چشم را نافع شربا و اکتحالا و مورث سبات و مسهل
									باب الالف مع الهاء الهوز
اهلیلج	هلیله	هریره	ثمری معروف	ب ا ی ۲	سل و دماغ	عناب و سپستان	پوست انار و زغیر شهال	۵ درم	مقوی شعور و ذهن و حواس مسهل بلغم و صفرا و سودا نافع صداع و مالیخولیا و خفقان مصفی رنگ نافع حمیات
اهلیلج کابلی	هلیله کلان	اهلیلا هر	م	س ب ی ا	دماغ	عسل	اهلیله زرد	تا ۳ مثقال	مسهل بلغم و صفرا و سودا مدر بول نافع صداع و نسیان و دوار و استرخا و اصلاح حال دماغ و مالیخولیا و تقویت
اهلیلج اصفر	هلیله زرد	هر زنگی	م	ب ا ی ۲	ثقل	عناب و سپستان	پوست انار	تا ۵ درم	مقوی دماغ مسهل صفرا از دوار و سدر و زحیر و بواسیر و دوار نافع مجفف رطوبات مقوی دل و معده
اهلیلج اسود	هلیله سیاه	زنگی هر	م	ب ا ی ۲	جگر	عسل و روغن زرد	هلیله کابلی	از ۳ درم تا ۳ مثقال	مقوی معده ... از سودا نافع مالیخولیا و تقویه و جذام و درد سپرز و داء الثعلب و داء الحیه سود سوی
									باب الالف مع الیاء المثناة التحتانیة
ایارایتوکاریا			نباتی است						غرغره به طبیخ او بیخ آب نافع قروح خبیثه دندان و خمر و جذام و دیرینه ...
ایتولیس			نباتی است						آشامیدن طبیخ او نافع نفث الدم و عرق النسا و خشونت حلق و سینه را نافع و نافع شوصه
ایدرانیمز			چیزی است ...	س ی				تا ۳ مثقال	برای اسهال سفید و ذرور ... به نزف الدم جراحات کهنه نهایت موثر
ایدیقون			چیزی ...	ب					محلل طلای آن اورام حاره و ... قروح خبیثه چشم را نافع
ایدرانرمه	-		نباتی است	ب ی ۲				۲ مثقال	قاطع نزف الدم و اسهال و حابس حیض و دافع قروح امعا و حیض قابض و قاطع نزف الدم

ع	ف	لا	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
ارابرغیارون یونانی			نباتی است						ضماد آن نافع ورم معده وخصیه وجراحت عصب وسائر اعضا باو بسته اند
ایرسا یونانی	بیخ بنفشه		بیخ سوسن آسمانگون	ح خ ۲	مشمش	عسل	خاذریون	نیم مثقال	ملطف مسخن مفتح منضج جالی منقی مسهل بلغم وصفرا ومره سودا وبلغم غلیظ
ایبار الوطاقی یونانی			نباتی است	ح ی ۲	سنبل	کتیرا		نیم مثقال	مجفف مفتح ونهش هوام وبرقان وطحال واستسقا وقروح وبثور زبان را نافع
ایل	گوزن و گاو کوهی	باره سنگها	حیوانی است	ح ی ۳					گوشت اقسام آن مولد سودا وسریع الهضم ومدر بول ومقوی باه ومبرد دین
		رابکا	م	ح					ملین ونافع امراض در سینه ومقوی اعضا ودافع فساد باد وصفرا
		ایلیا بالک	م	ب					دافع جرب وجذام وفساد باد وصفرا وبلغم وخون وامراض دل مدر بول قاتل کرم شکم
		مقاله دوم در ادویه که اول آنها بای موحده است							
		باب الباء مع الالف							
بالمنج	بالونه	مرماهی و سوسنبل	گیاهی است	ح ۲ ی ۱	حلق	عسل و شربت انار	قیصوم و برنجاسف و اقحوان	نیم مثقال	گلشن محلل مسکن مفتح مقوی دماغ و اعصاب ... مدر حیض و شیر و بول و حیض
	بادآورد		نباتی است خاردار	ح ی ۱	ریه	افسنتین	شاهتره	از تخم آن ۲ مثقال	مسهل بلغم غلیظ وسودا مفتح مدر بول ومنقی ... دافع درد دندان
بادرنجبویه	بادرنگبویه	بالنگو [illegible]	نباتی است	ح ی ۲	ورک	صمغ عربی و کندر	ابریشم	تا ده درم	مقوی دل و دماغ و ذکا و معده مفرح مفتح ملطف محلل و دافع کابوس وسکته
بادروج	ریحان کوهی	[illegible]	نوعی از ریحان	ح ۲ ی ۱	مورث ظلمت بصر و سدد	سرکه و خیار و خرفه	شونیز	از آب آن ۲ مثقال	مفرح مقوی مسهل مدر مفتح محلل خفقان وغشی وعسر النفس و گزیدن عقرب را نافع

مفردات، سکنجبین، دهنی و مصطفی، انقصو و خفقان، صلاح ساز و ... ، ... عادت ، ... اعتدال ، ... ، ... ، ... ، ... ، ... ، ... ، ... ، ... ، ... ، ... ، الحشیشه، ...

[illegible] باب الباء [illegible]

ع	ف	ہ	ہ	ط	مض	مصر	ب	ق	افعال و خواص
	باد زہر		حجری معدنی	ح ۲ ی ۲	محرور	اشیای باردہ	حجر الابل	ازیک تا دو قیراط	موافق جمیع امزجہ دافع سموم مطلقا مقوی جمیع قوی [illegible]
بادزہر [illegible]			[illegible]	ح ی ۳					برای امراض باردہ بلغمیہ و رفع سموم و تخمہ و ہیضہ و اوجاع گردہ و مثانہ نافع
بادزہر معدنی	زہر مہرہ		حجریست معدنی	ح ی ۲			زہر [illegible]	ازیک تا دو دانگ	موافق جمیع امزجہ دافع سموم مقوی قوی [illegible]
بادنجان	بادنگان	بینگن و بهانٹا	معروفست	ح ی ۲	مورث [illegible]	[illegible]			مقوی معدہ [illegible]
بادیان خطائی	[illegible]	[illegible]	ثمریست [illegible]	ح ی ۲	[illegible]	[illegible]			محلل [illegible] مقوی معدہ [illegible] وقلت الطعام و درد احشا و مدر بول
	بارزد	[illegible]	صمغ [illegible]	ح ی ۲	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ملین محلل جاذب [illegible] اختناق رحم و صرع را نافع
باردو	باروت	باروت	معروفست	ح ی ۳	گردہ [illegible]	[illegible]			جالی [illegible] جسم [illegible] تازہ را نافع
باریلوین			گیاہیست [illegible]	ح ی					محلل [illegible] قطع نسل کند
بازی	[illegible]		طایریست [illegible]	ح ۲ ی ۲	[illegible]	[illegible]			[illegible] سوختہ او [illegible]
باشق و صقر	باشہ	جرہ	طایریست	ح ی ۲				[illegible]	لطیف [illegible] استعمال بار و را نافع
باقلا		باکلا	[illegible]	ب ر ا	[illegible]	[illegible]			محلل [illegible] سینہ را نافع
باقلای قبطی			[illegible]	[illegible]					[illegible] موافق معدہ [illegible] را نافع

ع	ف	ه	ه	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
		بانگر	[illegible]	ب ا					واقع اسهال و بثور و اورام اعضا و فساد بلغم و صفرا و لبن آن رافع و محلل
قالسه	بالسه	پهالسه	ذبیست	ب ۲ ی ا	سهروین	افیسون			مقوی دل و معده و کبد حار و حبس البول و بول الدم و خناق حار و ذرب و عطش را نافع
		پالاک جو	نباتی است	ب ر					بهق و کلف و قوبا را نافع
	بالنگو		[illegible]	ب ر			ریحان	[illegible]	مقوی قلب و خفقان و رفع توحش و اسهال معوی و سحجی را با گلاب مجرب
بادیه			ثمر نباتی	ب ر					قلیل الغذا و خون متولد آن ردی و موافق امزجه حاره
				باب الباء مع الباء					
ببغا	طوطی	طوطه	طایر معروف	ح ی ا					اکل لحم آن [illegible] مورث فصاحت
	ببر	شیر است							در جمیع خواص قوی‌تر از اسد
		بپیته	تخم ثمر است	ح ی ۲	محرورین		[illegible]	[illegible]	باقوت تریاقیت دافع ضیق النفس و استسقای بارد و بلغمی و اوجاع مفاصل [illegible] بارد
		پپلیهه	ثمر درختی است	ب ر	بطی الهضم				نفث الدم [illegible] حار و قرحه مجاری بول و التهاب قلب و معده و کبد را نافع
				باب الباء مع الخاء المعجمة					
بخور الاکراد			نباتی است	ح ی ۲	محرور [illegible]	نیلوفر	[illegible]	یک مثقال	مفتح سدد [illegible]

دستور العلاج [illegible]

منهاج البیان ... روغن ... [illegible]

ع	ف	۷	ه	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
بخور السودان			نباتی ست	ح ی ۲	سورنجان	صمغ عربی		[illegible]	مسکن مفتح جهت عرق النسا مفید
بخور مریم			نباتی ست	ح ی ۳	[illegible]	کثیرا وآب انار		از عصاره [illegible]	مفتح محلل جاذب ملطف مدر بول وحیض مسقط جنین [illegible] نافع
باب الباء مع الدال المهملة									
	بداستقان		گیاهی ست	ح ی			[illegible]	[illegible]	ملطف محلل مدر بول و امراض بارده بلغمیه و رطوبیه را نافع
		پڑهل	درختی ست معروف	ب ر					ثقیل و نفاخ و مولد بلغم و دافع صفرا و اکثار خوردن تخم آن محدث حمیات بلغمیه
باب الباء مع الراء المهملة									
		بڑ	درختی معروف	ح ر					[illegible] محلل ریاح و رادع اورام و محرک باه و دافع بواسیر [illegible]
بردی	پنیرر	گوندل و پهته	نباتی ست	ب ۲ ی ۱	[illegible]	عسل			جالی دندان قاطع نزف الدم [illegible] نافع محلل [illegible]
برسیاوشان	پرسیاوشان	کالی جهانب	نباتی معروف	معتدل	سپرز	گل بنفشه	گل بنفشه	از جمله [illegible]	ملطف مفتح محلل مسهل صفرا و سودا و بلغم مدر بول [illegible]
	برسیان		نباتی ست	ح ی					مقوی [illegible] و رادع [illegible] محلل ریاح و ملطف و مسهل [illegible]
برطانیقی		سروالی	نباتی [illegible]	مرکب القوی	مورث غثیان	عناب	[illegible]		محلل [illegible]
برگ			پوست درختی	ح ی ۲					در حمیات [illegible] کهنه مفید و صداع و امراض [illegible]

ع	ف	٢	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
	برنگ تیراری		برگی ست	ح ی ا					سکر قوی و زیاده آن مورث جنون و کشنده
برنجاسف	بوماداران	کنده ماره	نباتی ست	ح ی ٣	گرده	انیسون	بابونج	تا ٣ مثقال	ملطف مفتح مدر مفتت سنگ آشامیدن دو درهم گل نر در آن با عسل مخرج کرم معده و حب القرع
برم			شکوفه درختی خاردار						مفرح مطیب مفنس منوم خشک آن حابس و تر آن مسهل
	برنگ کابلی	بابرنگ	دانه ایست	ح ی ٢	اصفا	کثیرا	ترمس	تا ٣ درهم	مسهل بلغم غلیظ و سودا مجفف رطوبات و قروح و مخرج کرم و حب القرع
برنوف	شاباتک		درختی است قریب بانار	ح ی ٢	اسعا	صمغ عربی	مرزنجوش	تا ٢ مثقال	محلل مجفف و عصاره او برگش صرع اطفال و سیلان رطوبات و ام الصبیان را نافع
برداق			خنبی ست	ح ی ٢					مانع سیلان خون و خفقان و سپرز شرب او ضماد او انگشتری آن باعث ایمنی از غرق
برولفی			نباتی است پر شاخ	ح ر ا	مثانه	انیسون	ریباس		مفرح مدر مفتت نافع استسقا و بواسیر و بهق و داء الثعلب
		برهمنا	نام گیاهی بزرگ	ح ی					مقوی دل مشهی گداز نده اخلاط دافع درد شکم و کرم معده و جذام
بریا مصری			بقله ایست	ح ی ٢	دماغ	نیلوفر	بسباسه	تا ٢ مثقال	مقوی معده و جگر و محلل و مفتح سده جگر و سپرز مدر بول سبهی
		بریانه	گیاهی ست	ح ر					آب برگ تازه آن جریان منی را نافع و عصاره برگ کوبیده اش دافع زهر مار
									باب الباء مع الزاء المعجمه
بزر قطونا	اسفغول	اسپغول	معروف	ب ر ٣	کوبیده آن قدر ٢ درهم تشنگی	بجای آن عسل خانه	اسبدانه	از ٢ درهم تا ١٠ درهم	مسکن تشنگی محلل طعین و تپهای حاره و هذیان خون و مغص و زحیر و نقرس را نافع

[illegible]

۵۸

ایضاً بزرها ... [illegible] بذور کلیه [illegible] المبادی [illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
بزر القثاء	تخم خیارزه	ککڑی کا بیج	معروف	ب ر ۲	نزله	سکنجبین	تخم بادرنگ	۹ ماشه	مدر مفتت حصاة منقی عروق مسکن غلیان دم و صفرا و دافع عطش
بزر القثد	تخم خیار بادرنگ	کھیرے کا بیج	معروف	ب ر ۲	سپرودین	کتیرا	تخم خیارزه	۵ تا ۷ درهم	محرک سودا سکنه مدر بول مخرج صفرای سوخته و رافع ورم [illegible] البول و ورم کبد و طحال و حمیات حاره
بزر القرع	تخم کدو	کدو کا بیج	معروف	ب ۲ ر ا			تخم خیارین	تا ۲ مثقال	مغز آن مسکن اخلاط [illegible] رافع خشونت سینه و نفث الدم ریه و سرفه حار و تشنگی و تپهای حاره
بزر البطیخ	تخم خربزه	خربزه کا بیج	معروف	ح ا ر ۲	معده و سپرز	[illegible]	چلغوزه	از ۳ تا ۵ درهم	منضج مسمن خشک آن مفتت مفتح سده کبد مدر بول منقی گرده و مثانه و [illegible]
بزر البطیخ الهندی	تخم تربوز و هندوانه	تربوز کا بیج	معروف	ب ر ۲				تا ۵ درهم	مسکن سودا و [illegible] در جمیع افعال مانند تخم کدو
بزر الورد	تخم گل	گلاب کا زیره	زردی سیاه [illegible]	ب ی ۲	جگر	کتیرا	بزر [illegible]	۲ درهم	قابض [illegible] رافع نفث الدم و اسهال
بزر السداب	تخم سداب	[illegible] کا بیج	معروف	ح ی ۳	مصدع	کتیرا [illegible]	برگ سداب	تا ۲ درهم	[illegible] مقاوم سموم قاطع بلغم و [illegible] رافع فواق و مسقط جنین
بزر الکرفس البستانی	تخم کرفس	اجمود کا بیج	معروف	ح ی ۲	ریه	[illegible]	[illegible]	یک درهم	مفتح [illegible] فضول از معده و رحم مفید استسقا و مسکن اوجاع
بزر [illegible]	تخم کلم	کلم کا بیج	معروف	ح ی ۲	تخم [illegible]			۲ مثقال	[illegible] قاتل کرم معده [illegible] رافع کلف و نمش
بزر الکزبره	تخم کشنیز	دهنیان	معروف	ب ی ۳	[illegible]	[illegible]	[illegible]	از ۵ درهم تا یک اوقیه	مفرح مقوی دماغ و دل مانع صعود ابخره بدماغ رافع خفقان و وسواس حار
بزر کشوث	تخم [illegible]	[illegible] کا بیج	[illegible]	ح ی ۲	ریه	کاسنی	بادروج	۲ درهم	[illegible]
بزر الکراث	تخم گندنا	گندنا کا بیج	[illegible]	ح ی ۲	ریه و گرده [illegible]	عسل	جرجیر	تا ۲ درهم	[illegible] نفث الدم [illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
بزر اللفت	تخم شلغم	[illegible]	معروف	ح ۳ ر ۱	مولد ریاح و صداع محرور	سکنجبین	تخم جزر	۳ درم	[illegible] آلات تناسل [illegible]
بزر المرو	تخم مرو	[illegible]	معروف	ح ۲ ر ۱	شش	[illegible]	[illegible]	۲ درم	[illegible]
بزر البنج	تخم بنگ	اجوائن خراسانی	[illegible]	ب ۳ ی ۳	مورث [illegible] دوار و [illegible]	عسل و انیسون	افیون	۲ ماشه	[illegible] نافع نزلات و سرفه و سیلان رحم
بزر الکتان	[illegible]	السی و [illegible]	معروف	ح ۱ ی ۱	مظلم البصر	کشنیز	حلبه	۱۲ ماشه	محلل [illegible] نافع [illegible] سینه [illegible]
باب الباء مع السین المهمله									
بسباسه	بزبار	جاوتری	پوستی ست	ح ۲ ی ۲	جگر و مصدع	صمغ عربی و گلاب	جوزبوا	تا ۳ درم	مفرح مقوی معده و کبد و باه [illegible]
	بستان افروز	[illegible]	نباتی ست	ب ی	جرش [illegible]	سکنجبین	[illegible]	از ۱ تا ۱۰ اوقیه	قابض [illegible] رافع حرارت معده و جگر [illegible]
بسفایج	خلال [illegible]		نباتی ست	ح ۲ ی ۲	ریه	کشنیز	[illegible]	تا دو مثقال	[illegible] مقوی دندان و محلل اورام و مدر بول [illegible] و استسقا و فالج را نافع
بسد			سنگی ست	ب ۱ ی ۲	[illegible]	کتیرا	[illegible]	تا یک مثقال	مفرح قابض [illegible] دافع وسواس و جنون [illegible] قاطع نزف الدم
بسر			غوره خرما	ح ۱ ی ۲	[illegible]	انار شیرین و سکنجبین	خرنوب	از [illegible] تا ۱۰ اوقیه	قابض مقوی معده و امساک بطن [illegible] نفث الدم و بواسیر و تقویت دندان را نافع
	بسفایج	[illegible]	معروف	ح ۲ ی ۱	سپند	پرسیاوشان	افتیمون	از یک تا [illegible] درم	مسهل مره سودا و بلغم غلیظ محلل نفخ دافع سودا و جذام و علل سوداوی
باب الباء مع الشین المعجمه									

[illegible]

[illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
بشام			درختی است حجازی	ح ۲ ی ۱					دمعه آن نافع بیاض عین و تنقیه زخمها و قطع نزف الدم و عرق را نافع
بشنین			گیاهی است	ب ۲ ر ۳	شانه	عسل	نیلوفر	۱۸ مثقال	جمیع افعالش مانند نیلوفر مقوی معده و باه و زحیر و سرفه و جنون را نافع

باب الباء مع الصاد المهمله

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
بصاق	تف	تهوک	م	ح					جالی آثار چون بهق و کلف و قوبا و سیاهی طلا و دافع اکل کرم گوش قطوراً
بصل	پیاز	پیاز	معروف	ح ی ۳	محرورین	شستن آن باب و نمک			مفتح مقوی شهوت و دافع مضرت هوای وبائی و طاعون و اختلاف آبها
بصل القی			پیاز است سیاه ریزه	بسیار گرم					آتش جوشش داده و خوردن مهیج قی و اولی برگ آن است که منجر بخناق میشود
بصل الذئب	پیاز تلخ		مانند پیاز است	ح ی ۳	بطی الهضم	کاسنی			مهیج باه و جالی جاذب خون بظاهر جلد مسمن مخرج پیکان و خار
بصل العنصل	پیاز دشتی	کانده و کندر سے	بیخی چون پیاز	ح ۳ ی ۲	مقرح	مرداسنگ	اسقوردیون	۷ ماشه	نافع ضیق النفس و مالیخولیا و صرع و سبات و دوار و سدر و فالج و لقوه و صداع و درد چشم

باب الباء مع الطاء المهمله

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
بط	اردک	بتخ	طایر است	ح ۲ ی ۱	مصدع	سرکه و زنجبیل	-		کثیر الغذاء دیر هضم بازوهای آن مسمن مبهی خاکستر پر و بالش محلل خنازیر
بطارخ			ماده تخم ماهی است	نمکسود آن ح ی ۲	محرورین و سریع العفن	زنجبیل			قاطع بلغم و جالی قصبه و گرده و سبز زرد و ریاح را نافع
بطم	درخت سقرم		درخت حبة الخضرا	ح ۲ ی ۱					محلل قابض برگ خشک کوبیده آن با آب سرشته ضماد سینه نیکو و با سرکه و روغن بنفشه و سطیل سر

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
بطیخ	خربزه	خربوزا	معروف	ح ر و گویند ب ر	برناشتا سورت تپها	سرکه	در حیلا باقلاو بزرقطونا		حالی مقطع ملطف سریع النفوذ مرطب دماغ و بدن مسمن مفتح و مدر
بطیخ هندی	خربوزه هندی	تربوز	معروف	ب ر ۲.	سپرزه مبرودین	عسل و گلقند			مسکن حدت صفرا و خون و تشنگی مدر بول مرطب بدن تپهای حاره و عفن خالص را نافع
					باب الباء مع الغین المعجمة				
	بغرا		از جمله اغذیه	ح مع	بطی الهضم	دارچینی			مشهی مسکن قی صفرا و سے مقوی بدن مفتح مصلح حال گرده مولد ریاح
بغل	استر	خچر	معروف	ح ی ۳					پیه آن مسکن نقرس و عرق النساء لتق با زهیدن عقیم کننده و مانع حمل و بخور شحمش مخرج مشیمه
					باب الباء مع القاف				
بق	پشه	مچھر	معروف	ح ی ۲	گزیدنش خارش آرد	مالیدن روغن و آب لیمو			بلع نمودنش زنده باحشا رافع عسر البول ۷ عدد در جوف باقلا نهاده و بلع نمودن تپ ربع را مجرب
بقثوفرش			تباشی ست	ح ی				تا ۳ مثقال	محلل ملطف مقطع ضماد برگش مخرج خار و پیکان تخمش محلم خوابهای ردی
بقر	گاو ماده	گاے	معروف	ح ی					گوشت آن بطی الهضم غلیظ محدث امراض سوداوی مثل سرطان و جذام و ورم سپرز و داء الفیل
بقر الوحش	نیل گاو	رژدجه	جانور یست						هر که شاخش همراه دارد درنده گریزد و اگر در خانه بخور کنند مارها گریزند و اژدها و موش موش
بقس	شمشاد		درخت عظیم	ح ی ۲				از تخمش تا یک اوقیه	برگش سم حیوانات خصوصا شتر و ضماد نشاره آن باحشا مقوی مو و دافع صداع تخمش قابض مجفف
بقلة الحمقاء	خرفه	خلفه و لونیا	تره ایست	ب ۳ ر ۲	مورث تاریکی چشم	کرفس مصطکی و نشاء		ابرا ابش ۷ تولہ	حالی مسکن صفرا و قامع آن و مسکن خون و حرارت جگر و معده و عطش و [illegible] سفت حابس حیض

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
بقلة یمانیه	سفید مرز		تره ایست	ب ر ۲	قاطع باه و بطی الهضم	جوارشات حاره			ملین طبع مرطب بدن مطفی خمریه مسکن تشنگی و صداع و حکه و جرب را نافع
بقلة حامضه	تره خراسانی	ساگ چوکه	قسمی از حماض	ب می ۲	عصب	عسل			مشهی و شکم بندد و مره صفرا را سود مند بود و نافع محرور و مضر مبرود
بقلة الخبازی			نباتیست از کاسنی کوچک	ب مع ر					مصلح امزجه و خفقان و استحکام لثه و تقویت گوشت بن دندان را نافع و دافع صفرا
بقلة الاوجاع			نباتی هست	ح ی ۲					جهت درد شکم بهر شخصی و درهر زمانی مفید
بقلة الانصار	کرنب کلم		نباتی هست	ح ی ۲					منفج ملین مجفف طبیخ آن مانع صعود ابخره بدماغ و مسکن صداع و رافع تاریکی چشم و مستی و عصاره آن سموم
بقم	بکم	پتنگ	هیزمیست سرخ و صباغان بکار برند	ح سو ی ۳	کشنده و درم آن	قی و حقنه و فصد	فوه	از آن ثلث تولد ا ۱ ماشه	قاطع نزف الدم مجفف قروح و غسل بآبش مصفی رخساره و کشنده گویند علاج پذیر نیست
بقلة اترجیه	کزدوان		نباتی خوشبو	ح ی	محرورین	سکنجبین			مفرح مطیب نفس مقوی دل و فم معده رافع هموم و خفقان بارد و سموم بارده و سخن
باب الباء مع الکاف									
بکجا			درختیست و بکر	ح ی ۲					منفج دمامیل صلبه و اورام و سوداکش مقوی لثه و دمعه آن دافع وجع اسنان
.		باکو پنجی	تخمی از ...	ح ی					ملین تفاح مشتی منفج و برص و بهق و جرب و جذام را شربا و ضمادا نافع
		بکجان کنکم	گیاهی بهندی مفروش بر زمین	ح ی					آشامیدن آب برگش رافع حمیات بلغمیه و منفج دمامیل و حبس البول را نافع
	بکھون		از جمله حبوب است	ح ی					منفج اگر زن در سالی یکبار تخم نباتش تناول نماید در آن سال آبستن نگردد و اگر هفت سال خورد گاهی حامله نشود

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
		بگهر بیٹه	بوئی از عمر ۴						بنوع ساقه برگ آن ملصق و لحم جراحات تازه و قاطع نزف الدم
باب الباء مع اللام									
بلادر	بلادر	بهلاوه	ثمر بست هندی	ح س ی ا	محرورین	کتیره مقشر	نیع آن روغن بلسان	ا ماشه	مسخن محلل ملطف مقرح جلد باه و فالج و لقوه و نسیان و اختلاج و تقویت حفظ را نافع
		بکل	خیار هندی	تخم آن ح ی ۲	مصلح محرورین	کشنیز		تا یک مثقال	مقوی احشاء و محلل صلابات عصب و فالج و لقوه و امراض بلغمی و قوت باه را مجرب
		بلاس پاپره درخت	درختی است	برگ آن ح ۲					مشهی محلل ماسیل و بثور دریاح شکم و در جبر کسر عظام قائم مقام مومیائی
		بلاس پاپره	ثمر درختی هندی	ح ۲					نوشیدن ثمره اسیر و صمغ آن حب القرع را نافع و قطور شش مع طلا اندر آنی و پوست آن با گلاب رافع بیاض چشم
		بلا سقطور	درختی است درختی لسان العصافیر	ح ی ۲					مفتح عروق مقطع محلل مجفف مقاوم سموم و صرع و نسیان و بخر را نافع
بلح	غوره خرما	بچی کهجور	ثمر درخت خرما	ب ی ۲	شیره مسد و شیرینه	عسل جوشته		۲ ماشه	مقوی اشتها و معده و جگر قاطع قی صفراوی و اسهال مزمن و ادرار بول
بلخته			گیاهی است	ح ا					محلل ملطف منقطع خرخره بعصاره و طبیخ آن بخسی زده در حلق پیچیده و نباید خورد
بلسان			درختی است عظیم	ح ی ۲		صندل	زیتون و ترنج	۱ ماشه	محلل ملطف قطور مطبوخ آن در گوش مسکن وجع آن تکمید بدان مسکن صداع و رطوبت
بلسکی			نباتی است	مرکب القوی					ملطف جالی و آشامیدن نیم اوقیه از عصاره آن با شراب ابیض دافع رتیلا
بلشار		بودار	جرمی است	ب ی					مثل افعال آن جلد ماست که از آن سازند آب در دواء آن مضعف باه
بلور	بلور		سنگی است سفید						تعلیق آن جهت ارتعاش اطفال از خواب جستن ایشان موثر و رافع بیاض چشم

[illegible]

[illegible]

ع	ف	ه	ھ	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص آن
بلوط	بالوط		ثمر درختی است	ب ا ی ۲	مصدع	سکنجبین و قند	خرنوب نبطی	۵ توله	مسقط بطی الهضم کثیر الغذا و خفقان و غثیان و سحج را مفید و مجفف با رطوبات است
بلوط الارض			نباتی است	ح ۲ ی ۱				۱۰ ماشه	مفتح قاطع فضول مدر بول و حیض منقی قروح مزمنه
بلوطی		کجی کهور	نباتی است	ح ی					محلل دافع گزیدگی سگ دیوانه و بواسیر و منقی قروح
		بکول	ثمر گیاهی	ح ا ر ۲					مقوی دل مبهی مشهی دافع سرفه و فساد خون و بلغم و صفرا و سودا و تپ
بلیلج	بلیله	بهیره	ثمر درختی	ب ا ی ۲	سفل	عسل و شکر	آمله مقشر	۱۰ ماشه	ملطف قابض مقوی معده مسهل سودا بالخاصیة و صفرا بالطبع و قاطع رطوبات بخار

باب الباء مع النون

ع	ف	ه	ھ	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص آن
بنات وردان	موسک	تیل چوره و سوسکردا	حیوانی است	ح ی ۲					محلل مجفف و عسر النفس و احتباس بول و حرقت آن و اسقاط جنین را نافع
		بندال	گیاهی است هندی	ح ی ۳					بیخ آن مخرج جنین مرده و با نمک سقی و یرقان و استسقا و تپ ربع و سرفه را نافع
	بندق هندی	ریٹھه	ثمر درختی	ح ی ۲				۲۰ ماشه	مقوی معده و هاضمه و شیره قیراط آن با سکنجبین دافع قولنج و دافع زهر مار و عقرب
بندق	فندق		ثمر درختی	مع ح ر	اکثار آن مولد ریاح	در بسر و ماء العسل	حب الصنوبر و بادام شیرین	۳ درهم	مبهی مقوی امعا مزید جوهر دماغ با انیسون مفید خفقان و حرقة البول و وبا و سموم
بنج	بنگ	اجواین خراسانی	نباتی است	سیاه آن ب ی ۳	ورم و خون سورش سندر	عسل و انیسون	افیون تفاح	۲ ماشه	مانع نزلات مسکن اوجاع گوش مخدر منوم رادع مجفف و عرق النسا و نقرس را نافع
بنطافلن			نباتی است	ی ۳ مع ح	معده	سکنجبین	زمرد	۱ یک توله	محلل و چون بیاشامند برای حمی ربع چهار برگ از چهار شاخ و برای حمی غب برگ از سه شاخ و برای حمی ثانیه دو برگ و برای حمی یوم

[illegible]

ع	ف	ﻫ	ه	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
بنقه			دانه ایست	مع ب ی	اکثار رشتها مولد سودا	روغن			نافع فتق و اسهال و در وران قروح ساعیه را نافع و در سایر خواص مثل عدس
	بنگ		بنگ الاس	ح ی ۱			آس	یکتوله	مقوی معده و جگر و دماغ و مقوی باه مدر بول قاطع اسهال صفراوی و غثیان حادث از برودت
	بن		ثمر درختی است	ب ی ۲	مصدع و مسبت	زنجبیل و زعفران			مفتح مسکن اوجاع و ثوران خون مصفی اخلاط مدر بول مجفف و یرقان و سر خمر را نافع
		پنسکھی	نباتیست هندی	ح ی					برگ و ثمر ش سائیده گرم کرده بر شکم مستسقی ضماد کردن و آن برگ بید انجیر گرم کرده با پارچه بستن و تمام شب گذاشتن مفید
		پنیاله	ثمریست هندی						مسکن صفراوی و مهیج بلغم بلغمی مزاج را مضر و صفراوی را نافع و مورث حمی
باب الباء مع الواو									
بورق ارمنی	بوره	پاپڑی لون	نمکی است	ح ی ۳	معده و مقی	مصطکی و صمغ عربی	نمک	۷ ماشه	محلل جالی جاذب خون بظاهر جلد مسکن مغص و سافع قولنج و مقاوم سموم و مهی نافع استسقا
بول	گمیز و شاش	موت و پیشاب	معروف	ح ی					جالی ملطف مقطع و بول انسان اعدل است بعد بول شتر و گاو دافع ثالیل و سپرز
بول الابل			اقوی ترین ... لازمین آیند	ح ی ۲	مقرح	روغن گل			مندمل جراحات قاطع نزف الدم و حوش قاطع حل و بواسیر و محلل اورام و مقرح
بول البقر	شاش گاو و ثور	گای بیل کا موت	معروف	ح ی					جالی کلف و باسر که مفید جرب و دمامل و تدهین عضو و مخدر از ان باخرول جوشانده رافع خدر آن
بول الانسان	شاش آدمی	آدمی کا پیشاب	معروف	ح ی					رافع قروح عتیقه رطبه و ساعیه و جرب و حکه و خراز و سعفه و آبله و مانع زیادتی قروح خبیثه و دوار الثعلب و برص
بول الخنزیر			نباتی است	ح ی ۲	معده	عناب	بادزهر	سه ماشه	ملطف مجفف جالی مفتح مدر بول و طمث مخرج مشیمه و دافع گزیدگی هوام و سفت

وابن ضماد ... عظیم است ازروی نفع ... [illegible]

ع عربی ف فارسی ک کتاب م ماهیت ط طبیعت مض مضر مص مصلح ب بدل ق قدر شربت [illegible]

ع	ف	ک	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
بوقلم	چغند	آلو	طایر معروف						لطیف و مشی در محلل قوی گرم گرم به صاحب تقویه نافع جگر [illegible] گرفته [illegible] کنند گیرند چنگال [illegible] کنند [illegible]
بوشیون			نباتی است	ح ی ۲	مصدع محشی	عناب و کشنیز تازه دوغ	کندره	۲ ماشه	جالی مفتح محلل ریاح و مفصل مسقط جنین و کرم شکم و کرده و سپرز و خنازیر را نافع
		بوئی	گیاهی است						سوم مسهل مزید منی جنین آلات سوت سکن حرقت تب طلای آب برگش مسکن سوزش عضو به آتش سوخته
باب الباء مع الهاء الهوز									
		پهالسه	میوه ایست	ب	قابض	قند و نمک			نافع حمیات صفراوی و تهوع و مسکن عطش و غلبه صفرا و خون و جوش باد و سوزش اعضا
	بهمن		معروف	ح ی ۲	سفل	انیسون کثیرا عناب	زرنباد	۷ ماشه	مهیج منی بدن مزید ماده منی مفتح محلل مفتت موافق مبرود را قع خفقان
	بهی		نباتی است	ب ی ۲				تا ۷ ماشه	مداومت شربتش حابس اسهال مزمن و نزف الدم و سلسل بول
		بکهرموش	بیخی است	ح ی ۲					مشهی مسهل امراض ریاحی و بلغمی و حمیات مرکبه و ضیق النفس و درد پهلو را نافع
		بهنگره	معروف گیاهی است	ح ی ۲					مقوی بصر و باه و امراض ماخیر و درد دندان و صداع و بهق و جذام را نافع
		بهوئی آنوله	گیاه آمله برگ سبزی	ب					قطور آب نبات تازه آن بتمامه که مطلقا آب از خارج داخل نکایند نافع ناصور و قروح خبیثه
باب الباء مع الیاء المثناة التحتانیه									
		پیارانگا	بیخی است	ح ی ۲					مسکن درد سر و ام الصبیان و درد چشم و هیضه و شبکوری و گزیدگی مار را نافع

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
		بھنڈی	ترکاری معروف	ب ر ۲				بقدر ضرورت	مقوی اعضا و باه مولد منی مدر و دافع [illegible] رياح [illegible] پوست بخش آب [illegible] دفع سوزاک و جریان منی [illegible]
بیر بہوٹی			کرمی است سرخ چون مخمل	ح ۳ ر ۲			خراطین		با پیهایش دور کرده [illegible] نافع فالج لقوه صرع است ضماد وی باعث امساک و قوت باه [illegible]
		بیج بند	تخمی مثلث بیاق	ب ی	لعاب و دیر [illegible]	شکر	اشنگن	۱۰ ماشه	مقوی پشت و کمر و تریدی منی و سعلا آن ممسک
		پیپل	درختی است کلان	ح ی					ضماد [illegible] محلل اورام و نافع زخم ناسور و [illegible] خشک سوخته گرم [illegible] نوشیدن [illegible]
	بیخ زرین گیاه		بیخی است	ح ی				از یک دانگ تا نیم درهم	مفرح مقوی قوی باه چون قدری با گلاب سائیده بیاشامند
[illegible]			ثمری است شبیه [illegible]	ب ی ۲	اکثار آن مسدد البول و مسدد	روغن بادام	بلوط و عفص	از [illegible] تا [illegible]	محلل [illegible] نافع خفقان و طبیخ آن فادزهر سموم
		بلیش	بیخی است سیاه	ح ی ۴	قتال	[illegible] و مشک	زراوند		قتال و [illegible] نافع جذام و برص و امراض سوداویه و [illegible]
		بیش بوش بیشا	جیوانی است مشتی موش						گوشت آن تریاق بیش [illegible] و جذام [illegible] و برص [illegible]
بیضه	تخم خایه ماکیان	مرغی کلان [illegible]	معروف	ب ر ۲	اکثار [illegible] مورث قولنج	ادویه حاره و آب کامه		از ۵ عدد تا ۱۵ عدد	زرده [illegible] مقوی [illegible] و بدن [illegible] کثیر الغذا قلیل الفضول
		رمبل	تری معروف	ح ا ی ۲	اکثار آن مولد بواسیر و سدد	شکر تبرزد			مقوی [illegible] و قلب [illegible] قاطع [illegible] اکثار آن مولد بواسیر و سده

مقاله سوم در ادویه که حرف اول آنها تای مثناة فوقانیه است

باب التاء مع الالف

[illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
		تاڑ	درختی معروف	دانه ثمر خام ب ر	اکثار آن مورث دوار				تاڑی آن نفاخ مقوی باه منعظ مسمن مقوی ارواح منشط مدر رافع تشنگی وحرقت بول را نافع
		تال مکھانا	تخمی معروف	ح ی					تخم آن نفخ مسمن مبهی ممسک مزید منی دافع فساد خون وسودا و استسقا و درد مفاصل را مفید
باب التاء مع الباء الموحدة									
تبن	کاه	گهاس	معروف	ب ای ۲					جلوس در طبیخ کاه گندم و تعرق به بخار آن محلل اورام و رافع امراضی که از برودت هوا و برف شود
باب التاء مع الخاء المعجمة									
		تخم کونچ	دواے هندی معروف	سع حب تخمی			تخم اٹنگن	۲ ی ماشه	مقوی باه و کمر مغلظ منی نافع سرفه و بواسیر
باب التاء مع الدال المهملة									
تدرج	تدرو	لوه	طائریست	ح ۲ ی ۱	مصدع مولد مره صفرا	سکنجبین			گوشت آن لطیف سریع الهضم مولد خون صالح مقوی دماغ و فهم و رافع نسیان و وسواس
باب التاء مع الراء المهملة									
تراب	خاک	متی	معروف	کا سع ب					مجفف رادع و ضماد خاک ظرفیکه دران نمک گذارند بسیار مجفف و محلل و ضماد آن مجفف رطوبات رطبه
تراب مربعات	خاک چهار راه		معروف	سع					مجفف منقی جراحات چرک دار و مستحکم اعضای مسترخیه و استسقا را نافع دلکاً و ضماداً
تراب الصیدا			خاک مغاره جبل صیدا						جبر و کسر را شرباً و ضماداً نافع و صداع را مفید

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
ترابُ الساده			خاک جزیره‌ایست از جزایر روم						اگر مقدار نیم مثقال در آب حل کرده در بینی چکانند زلو که در حلقش چسپیده بود بیرون شود
تربد		نسوت و ناک بیتر	بیخی است معروف	ح ی ۳ دگوبند ۲	اسهال مغثی و کرب محرور	کثیرا شیرین پوست سیاه آن	غاریقون و پوست بیخ	یکتوله ۲ ماشه	مسهل بلغم و صفرا قلیل و باز نجبیل قاطع بلغم لزج و غلیظ منقی دماغ مفتح و مالیخولیا و جنون را نافع
ترمس	باقلای مصری	جهالر	تخمیست از باقلا کوچک تر	ابتدا سدی ح ای ۲	آماس اعشاء زردی رخساره	نمک و صعتر	باقلا	یکتوله ۵ ماشه	مفتح محلل جالی مدر مسقط جنین مزیل کلف و برص و بهق مخرج دیدان و حب القرع قاطع نار فارسی
ترنجبین			معروف	ح ر ا	مپهزو محرور	[illegible]	شیرخشت	۲ تولہ ۲ ماشه	ملین طبیع مسهل صفرا محرک اخلاط جالی تر از شکر و لطیف تر از شیرخشت نافع سرفه و درد سینه و تپ حار
باب التاء مع الشين المعجمة									
تشمیزج	چشمک و چشوم	چاکسو	دانه ایست قدر عدس	ح ی ۲ و گوبند ۳					جالی محلل مقوی باصره و دمعه و غشاوه و اخراج عقدی را نافع و جراحت قضیب را مفید
باب التاء مع الفاء									
تفاح	سیب		معروف	ح ت ر ۲	سینه و سورش ذات الریه	گلقند و عسل و دارچینی	سفرجل	۷ مثقال	مفرح مقوی دل و دماغ و جگر اکلا و شما و خفقان و عسر النفس را مفید
باب التاء مع الميم				[illegible]					
تمر	خرما	چهارا و کهجور	معروف	ح ۲ ی ۱	بطی الهضم و ثقل	آب انار سکنجبین	کشمش		کثیر الغذا مولد خون متین فالج و لقوه و اعیا و تسمین بدن و باه را نافع
تمر هندی	خرما هندی و انبلی	انبلی	معروف	ب ۳ ی ۲ و گوبند ۲	سورش سحج و سعال	کثیر الاستحاض بنفشه و عناب	آلو سیاه	تا ۱۰ تولہ ۳ ماشه	لطیف تر از اجاص مقوی قلب مسکن غثیان و قی و صفرا و مسهل صفرا نافع قلاع
تمساح	نهنگ	مگرمچه	حیوانی آبی	ح ۲ ی ۲					بخور جگر آن رافع جنون اکتحال سرگین آن رافع بیاض عین پیه آن مسکن وجع گزیدگی آن

[illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
									باب التاء مع النون
	تنبول	پان	معروف	س ح ی	ناشستا محرورین را	زوفل کاتب [illegible]	قرنفل	-	مفرح مشتهی مقوی معده وجگر ودماغ و دل وحافظه و فم مفتح رافع رطوبات دهن مقوی دندان
تنین			مارهای بزرگ فربه	س ح ی					خوردن نمک سود آن سم مار ساخدار و ضماد آن گزیدگی سگ دیوانه را نافع
تنباک	تنباکو	تنباکو	معروف	ح ی ۳	دل و دماغ محرورین	[illegible] تازه [illegible] بوئیده			مسعط [illegible] رطوبات و [illegible] را نافع
[illegible]			قرصی سست	مرکب القوی	آشش	کتیرا			رادع محلل قابض [illegible] حاره و بارده و گزیدن هوام وورد سر را نافع
	تنکار	سهاگه	معروف	س ح ی ۳					از سموم ست ملطف محلل جالی مسقط بواسیر [illegible] دندان و گدازنده طلا
تنین	اژدها	اجگر	حیوانی معروف	ح ی ۴					سم قتال ضماد خاکستر سوخته آن با عسل قاطع بواسیر و بهق و برص
تن			درختی است معروف [illegible]	ب					قابض شکم رافع رکت بیت و بثور و جذام
									باب التاء مع الواو
	توبال	لوه چون [illegible]	ریزه [illegible] آهن [illegible]	ح ی ۳					ملطف جالی مجفف اخلاط جرب و حکه را نافع و آب مغسول آن نهایت لطیف
توت	توت	توت	معروف	شیرین آن ح ۱۲ / ۳	مصدع و [illegible] معده	سکنجبین حامض	اجاص		مولد خون جید [illegible] مفتح مصلح جگر و فساد [illegible] مسمن بدن [illegible]
توتیا	.		معروف	ب ای ۲	مسدد	عسل	شادنج	۱/۲ ماشه	مقوی روح باصره و حافظ صحت چشم [illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
	تودرسے		تخم نباتی است	ح ۲ ر ا			بهمن سرخ	یکتوله ماشه	مشهی مبهی منعظ سمن بدن محمر رنگ رخسار مصفی بشره و صوت سعال و موی را مفید
		توری	تخم نبیست مثل خیار معروف	ب ر					ثمر آن سرد و خشک و ملین طبع و دافع فساد اخلاط ثلاثه و قرحه مجاری بول را نافع
									باب التاء مع الهاء
		تهکار	و نخی است نابیک قامت	ح ی ۲					خوردن دو سه درهم از برگ آن با دو رک سائیده حب بسته رافع تپ بلغمی و اوجاع اعضا
									باب التاء مع الیاء
تین	انجیر	انجیر	معروف	ح ا ر ۲	جگر و سرده و ...	[illegible]	[illegible]	از ۱ تا ۳ درم	ملطف محلل ... [illegible] ... نافع کثیر الغذا از سایر میوه مسکن حرارت سمن مسهل
ریتهواج		... اوکالاکوره	پوست درخت لسان العصافیر	ب ی ۲	سفل و معطش و محرور	کتیرا و بزر قطونا		بهم ماشه	در دسر و دندان و تقویت لثه و نزله رطوبی و رعاف و بواسیر را مفید
									مقاله چهارم در ادویه که حرف اول آنها تای مثلثه است
تالسیا			حلق و معده						باب الثاء مع الالف
			صمغ نباتی است سفید	ح ی ۳	حلق و معده و مفرح	کتیرا	در انبات شعر صرف بابلی	۵ قیراط	محلل منضج مقی مسهل بلغم غلیظ و درد پهلو و بطلان اشتها و تحلیل را نافع
ثانیا	صمغ سیاب کوه			ح		لعابات	کتیرا	کوه کنگ	محرق مفتح
									باب الثاء مع الجیم

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
ثجیر	کنجارہ	کھلی و پینا	ثفل چیزہای افشردہ	ی	قابض				ضماد آن ورم حار و ورم پستان و ورم صلب و ورم کبد را نافع و مقوی معدہ
									باب الثاء مع العین المہملة
ثعلب	روباہ	لومڑی و لوکھرے	حیوانی معروف	ح ی					گوشت آن مبرودین و تحریک باہ و استسقاء و درد مفاصل و فالج را مفید
									باب الثاء مع اللام
ثلج	برف	پالا	معروف	ب۳ ی۲	مبرودین	قرنفل و عسل			محذر معطش مسکن درد دندان حار و مخرج زلوی در حلق چسپیدہ قاطع رعاف
ثلج چینی	برف چینی		شبیہ رطوبتی	ب ی					مجلی بیاض عین و ظلمت بصر و ضمادش بر بدن تپ دق را نافع
									باب الثاء مع المیم
ثمام			نباتی شبیہ بگندم	ح ۲ ی ۱	گردہ	کتیرا	تودری	[illegible]	محلل ریاح مفتح و ضماد تازہ آن اورام چشم و تقویت اشعار آن را نافع
ثمرة الاثل و گزمازج	بار گز و گز بار	چھوٹی مائین	بار نوع گز ست	ب ۲ ی ۳	سر	دوقو	مازو یا تخم انار	۹ ماشہ	قابض و قاطع نزف الدم و نفث الدم گزیدن رتیلا و دفع جرب رطب را نافع
ثمرة الطرفا وکثاثہ	گزبار	بڑی مائین	ثمر درخت گز شکست	ح ی ۱	راس	یا تخم کدو	جوز السرو	دو درم	افعال و خواص آن مثل ثمرة الاثل ست و خالی از جلا و تقطیع نیست
									باب الثاء المثلثة مع الواو
ثوم	سیر	لہسن	معروف	ح ی ۳	محرور را	ترشی ہا و روغن	ثوم بری	۳ دانہ	محلل جالی مفتح مجفف رطوبات مسدد مدر مفتح و دافع مضرت آب و ہوای مختلف

ع	ف	ه	هـ	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
لوسون	تخم زرداب		تخمی چون حبه	ح ی ۲		کثیر لو کشنیز		نیم درم	مقی مسهل اخلاط غلیظه وکرم معده ومخرج جنین ومدر حیض وادرار
باب الثاء المثلثة مع الیاء									
ثیل	بید گیاه		گیاهی است که در کنار آب روید	ب ی ۱		بنفشه	طلق	یکمثقال	مفتت رافع سموم مار وسگ دیوانه ومغص وقروح مثانه وعسر البول را نافع
مقاله پنجم در بیان ادویه که حرف اول آنها جیم است									
باب الجیم مع الالف									
جار النهر			نباتی شبیه به نیلوفر	ب ی ۲	عصب	شکر	طباشیر	تا ۲ مثقال	حبس اسهال خون وقطع عطش اشربه نافع وتحلیل ورم ملتحم قروح تازه وخشک
		جام پهل	ثمر درختی	ح ۱	میبودین				مفرح مقوی قلب ومعده وملین طبیع ومدر بول حابس اسهال
		جام گهاکل	گیاهی است که در بساتین روید	ح ی					حابس قی که در وضعه بند نشود اگر بمقدار نخودی از بیخ آن در جوشانیده پخته کرده بلع نمایند تحلیل الحال نماید
جاموس	گاومیش	بهینس	معروف	ح ی	در مفاصل و عرق النسا	آب کامه و دوار چینی			گوشت آن بسیار غلیظ و مرباصین را نافع دود سرو شاخ آن باعث طرد افاعی
	جامون	پهلیندا	معروف	ب ی ۲ وگویند بارد	تا مسه خوردن و معده	نمک			حابس اسهال صفراوی مقوی معده وکبد حار مضمضه آن خناق وقلاع را نافع
جاورس	گاورس	باجرا و کنگنی	جنسی است معروف	ب ای ۲	مسدد و مولد خون سوداوی	روغن بادام یا کنجد یا شیر	در اضعیره شونیز		قابض مجفف ردی الکیموس قلیل الغذا مقوی بدن ونان آن حابس اسهال ودیر هضم
جاوشیر	گاوشیر		صمغی نبات	ح ی ۳	انیسون	مرباخوز	تخمه یا شیر انجیر	۴.۵ ماشه	محلل مفتح مقوی اعصاب ضعیفه ومضعف جگر آن جالی لزوجات واوساخ

[illegible]

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال خواص
		چاول سنگری	ثمر درختی بست	ح ی ۲	محرور برین				مفتح جالی مصلح خون فاسد جذام و جرب و قوبا را نافع
	جای ختائی		معروف	ح ی ۲	۵۲				مقوی قوی دارواح و معدہ و باہ بسرودین منشط و منعظ ملطف مقطع مفتح سدد مسہر

باب الجیم مع الباء الموحدة

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال خواص
جبرہ			گیاہی ربیعی هر سال روید	ح ر ۲	محرور برین	مصلح مغز بادام تلخ	زعفران	تا سہ درم	مقوی دل و فکر و حواس مفرح مصفی خون اگر بیخ آن با گوشت پارہ پارہ کردہ طبخ نمایند آنرا ملصق نماید
جبین بج	سنگ بج		سنگ سست رخو	ب ی ۳	امتلاء پیدا کند	اشیای القابضہ			قابض مغری محلل چون با روغن زیتون و پیہ و شیر گاو بمالند بر قرحہ ملتئم آنرا زائل کند
جبین	پنیر		معروف	تازہ ب ر ۲	محرور بین و بلغی الاصم	عسل النعناع و صعتر			مقوی معدہ و رودہ و گردہ طین مسمن دافع مضرت حرو اسنگ مزید شیر
جلبیج	جبلاہنگ		تخم خاری زرد		یکدرم کشندہ	قی و روغنہا	تربد	تا سہ درم	مسہل مقی تا یکدرم فالج را مجرب یکدرم آن کشندہ

باب الجیم مع التاء المثلثة

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال خواص
جثجاث			گیاہی شبیہ بدر منہ	ح ی ۲	مصدع	مصلح اهلیلہ کابلی	برنجاسف	تا سہ درم	مفتح محلل ریاح قاطع عرق مدر حیض مزیل مغص مکسر ریاح مسقط مشیمہ مسخن احشا

باب الجیم مع الدال المهملة

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال خواص
جدوار	زردار	نربسی	بیخ شبیہ بسعد	ح ی ۳	مصدع و محرور برین	سکنجبین ساذج و شیر تازہ	زرنباد	انیسون آب تا سہ دانگ	مفرح مقوی ترنجی اعضای رئیسہ جادزہر سمیم مفتح ملطف محلل منضج مسکن صبی مسمن منشط

باب الجیم مع الراء المهملة

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال خواص
		چرچرہ چرچر	نباتی از جنس اکثر بہار سپید حبہ الشوق	ح ی	مفید تنہا				تخم مقشر او کوفتہ قدری گندم در یک فنجان شیر آب آمیختہ بخورد تقویت باہ نماید و برگش محلل اورام ضماداً

ع	ف	ہ	ھ	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
جراد البر	ملخ	ٹڈے	معروف	ح ی ۲	سورت جرب و حکہ	[illegible]			مبهی جالی خوردن ۱۲ عدد سر و پا دور کرده آن بایکدرم مویز خشک سائیده استسقا را مجرب
جراد البحر	ملخ دریائی		حیوانی ست سر آن مربع	ح ر					خوردنش هر روز ۳ عدد مشوی مانع زیادتی جذام و سفت و مخرج سنگ گرده
جرجیر	تره تیزک	چنسُر و تالم مُر	معروف	ح ۲ ی ۱	مصدع مظلم بصر منجو سوست سبیر	کاسنی کافور سرکه حرفه	قودری خردل تخم ترب	یکتوله ۵ ماشه	مفتح جالی مدر منفث مولد منی محرک جماع محلل ہاضم طعام ناشتا آن دافع بوی بغل
جرسیلک			بیخی ست						سفوفش رافع تعفن دندان معفنت لحم بن دندان جرا فع زخمهای باطنی
		چروبجی	متغیر ثمر درختے	ح ۲ ر ۱					جالی منفط مسمن کثیر الغذا مصفی لبشره دافع مضرت صفرا و غلیان دم
جری	مارماہی	کجیا مچھلی	ماہی ست عظیم الجثہ	مکسو و آن ح ی	بطئی الہضم و مورث برص	سرکه			جالی کثیر الغذا مولد خون منقی مصفی قصبه ریه و صوت ملین بطن
					باب الجیم مع الزاء المعجمة				
جزر	گزر	گاجر	معروف	ح ر ۲	محرور سین و بلغی الہضم	ادویه حاره و آب کاسه		ارحرم تا ۲ تولہ	ملطف مبهی منفط مفتح مقوی معده و قلب و دماغ و مزید منی مدر ذات الجنب و سرفه را نافع و مسمن
جمع			سنگی ست	ح ی ۳					جالی پیچیدنش بموی آن مسهل ولادت و نگاه داشتنش مورث هموم و غموم و خصومت مردمان
					باب الجیم مع الصاد المهملة				
جص	گچ	گچ	معروف	ب ی	قابض	شوربای چرب	طین قیمولیا		مجفف قابض مسدد
					باب الجیم مع العین المهملة				

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
چقندہ	عنبر بید		نباتی	ح خ ۲ و گویند ۳	سعد و صرع	حماما کزبرہ	[illegible]	از ۲ درہم تا ۳ درہم	مسہل سستی مسلط ... [illegible] ... ہوام و عقرب نافع
باب الجیم مع الفا									
جفت آفرید			گیاہی بقدر شبر	ح ۲ ی ۱	گردہ	کتیرا	شونیز	۲ درہم	مقوی باہ ... [illegible] ... استسقا لحمی
باب الجیم مع الکاف									
	جگنی	کٹھل	معروف	ثمر آن ح ۲ ی ۱	ثقیل بطی الہضم	[illegible]			مبہی ... [illegible] ... مولد خون غلیظ سوداوی
		چکوترہ	نوعی از لیمو	ب ر ۲					افعال و خواص آن قریب به نارنج است
		چکونڈ [illegible]	گیاہی ہست	ح ی ۲					محلل جاذب رافع اذیت ... [illegible]
باب الجیم مع اللام									
جلاب			از جملہ اشربہ				[illegible]		مقوی قلب رافع خفقان و مالیخولیا و توحش
		جلاپا	بیخ گیاہی ہست	ح ی ۲			مجوقان	۲ ماشہ	مسہل صداع و صرع و نوازل ... [illegible] ... و قولنج و استسقا را نافع
جلد	پوست	چمڑہ و کھال	معروف	مع	دیر ہضم	[illegible]			[illegible] ... بالعسل ... [illegible]
جلنار	گلنار			ب ی ۲	مصدع مسدد	کتیرا	اقاقیا و رمان بلوط	تا ۲ ماشہ	قابض حابس سیلان ... [illegible] ... دافع بوی بغل

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
جغبین	کلنگبین		گل اصل بالا بر شتر	ح ی ۲	کبد و معطش	خشخاش		از جوم ۳ ۵ ماشه	مقوی طبع و معده و مجفف مانع صعود بخار سوی دماغ منفت غشے سر و دین سکری و محرورین را نافع
جلغوزہ	بادام کوہی			ح ی ۱	دیر ہضم بطئ الانحدار	سکر	چلغوزہ		مسمن مدر بول منی و در درد پشت و عصب و عرق النسا و گزیدگی عقرب و رتیلا را نافع
جلید	تگرگ	اولا	معروف	ب ۳ ی ۲					چون بر پارچہ گرہ بستہ بر پستان نهند و بر گردن صاحب سلعه اگیگه بنهند تحلیل نماید لیکن وجع آرد
		جل نیم	رہ بیدگہ ہندستے						۴ ماشه نهایت کیتولہ آن آب پایه خوردن مسهل قوی دافع جرب و آتشک و قوبا و خارش
باب الجیم مع المیم									
جمار	پنیر نخل		چیزیست سفید شیرین	ب ی ۱	ریه و سودا را	سکنجبین	حماض		مقوی معده و احشا قاطع اسهال خون و سرفه و نفث الدم و نیکوئی آواز و گزیدن زنبور را نافع
جمد	یخ	پالا	معروف	ب ۳ ی ۲	اورام باطنی	قرنفل			قایم مقام بخ است و هیضه و تپهای محرقه و محرورانافع و ضماد اش بر پیشانی مانع رعاف
جمجم			بیخ شبیه بزرگ	ح ی ۳	سپرز	صمغ عربی	سکنجبین	لذ ماشه	محرک باه و خناق و بواسیر و نزف الدم و ذات الریه و ذات الجنب را نافع
جمست			سنگی ست	ح ی ۳				لذ ماشه	آشامیدن ... را خفقان و غشی و ... انگشتری کان ... قضای حاجات و ...
جمل	شتر	اونٹ	معروف	ح ۳ ی ۲	ثقیل و مولد خون سودا	باناتک شیرین			گوشت آن مسمن ... قوی ... وجع مفاصل و عرق النسا و یرقان و حرقة البول و قوبا را نافع
جمهوری			شرابی ست	ح ی					منضج محلل مسمن ... جماع ... خون ...
جمیز	انجیر ادوم	گولر	معروف	ح ی ۲	معده و نفاخ و مورث حمیات	انیسون و سکنجبین			و سواس و درد سینه و نفث الدم و سرفه مسمن ... مانع ... آتشک ...

تخم ذات بعد ... سرکه ... [illegible]

[illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
									باب الجیم مع النون
		چنیا	درختیست	ح ی					بوئیدنش مقوی قلب بارد و خوردنش دافع بلغم و ریاح و قاطع اشتهای طعام
جند بیدستر	آشن بچگان		خصیه جانوریست بحری	ح س ی ۲	محرورین	شربت بنفشه	مثل آن ابیج	تا یک دانگ	مفتح محلل تریاق ادویه بارده و قتال سموم حرارت غریزی را ... فالج و لیثرغس و نسیان را نافع
جنطیانا	گوشاد	پکهان بید	بیخیست سرخ رنگ	ح ی ۳	محرورین سینه	مقوی [illegible]	اسارون	۲ ماشه	ملطف جالی محلل منقی مفتح مسکن مدر مخرج جنین و گزیدن سگ و عقرب را نافع
									باب الجیم مع الواو
		چوب چینی	بیخیست سرخ رنگ شیرین	ح ار ۲	محرورین و اطفال	قرص گل	صاصفراس		ملطف مفتح محلل معرق مرقق مصفی خون و ارواح منوم مقوی اعضای رئیسه مبهی مدر مجفف
	چوب چیوه		چوب درختیست هندی	ح ی ۲					برای بیضه که قی و اسهال بند شود نافع و سموم مشروبه و مدهوشی را نافع و محلل و مسکن
جوز	گردکان و چهار مغز	اخروٹ	ثمر درختیست	ح ۲ ی ۱	محرور	سکنجبین	حب الخضرا	۲ تولہ ۱۱ ماشه	لطیف ملین مبهی محلل مانع تخمه مقوی دماغ و حواس باطنه و موافق پیران مسکن [illegible]
جوزابه			طعامیست که از آرد گندم [illegible]	ح ر	صاحبان [illegible]				ملین موافق سینه و شش نفاخ قلیل الغذا
جوز ازرقم			بیخ گیاهیست معتدل	ح ی ۲	تا ۲ درم قاتل	ریختن آب سرد بر اعضا		۲ و قیراط	مجفف مسکر مفتت مخرج کرم مسدد محلل اورام بلغمی
جوزبوا	جوز [illegible]	جائیپهل	ثمر درختیست	ح ی ۳	محرورین و صداع	کشنیز	البسباسه	۲ تا ۴ ماشه	مفرح ملطف مسکر حافظ حرارت غریزی هاضم طعام مبهی [illegible] محلل معطر دهان
جوز جندم	گل گندم		تخم [illegible] گیاهیست	ح ی ۳	مثنی و مقی	ریباس انار		تا ۷ ماشه	مبهی منعظ مسمن مفتت رافع عسر البول نزف الدم و قوباه و بعضی را نافع

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	بد	ق	افعال و خواص
جوز الخس			تخم درختی هندی	ح ی ۲				تا ۷ ماشه	مسهل بلغم و اخلاط سوداویه محلل منضج
جوز الزنج			تخم ... بقدر تفاحی	مع					سائیده بقدر یکدانگ آن با آب گرم نوشیدن قولنج ریحی را نافع و مقوی معده
جوز السرو	بارسرو		تخم درخت سرو	ب ی ۲	سعد و عفر زعفران	عسل و روغن بادام	بیخ انار	۱۰ ماشه	منشف قاطع نزف الدم معطر بوی دهن منضج ودره تشقیقه را نافع
جوز السرک			درخت عظیم	ح ی ۳	ربه و مصبح	کثیرا	فلفل	تا ۴ ماشه	محلل مفتح شدید منضج مسکن وجع وورک و عرق النسا و مهیج باه مدر مسقط جنین
جوز العبهر			دانه شبیه به بلمه	ب ی					قاطع اسهال بایوسین بارب مورد اورام بلطنی را نافع
جوز القطاة			دانه ایست	ح ی					آشامیدن برشش با شراب لتقطیر البول مجرب مثانه را نافع و قولنج ریحی و خلطی را نیز
جوز القی		حین بهیل	تخم درختی معروف	ح ی ۲			ورده و خردل	۱۰ ماشه	مقی بلغم و مسهل فالج ولقوه و سرفه و ضیق النفس و جذام و دوامیل و تحلیل اورام را نافع
جوز الکوثل			تخم گیاهی هندی	ح ی ۲	مرخی سهما	فواکه رحوة		نا یکدانگ	بغایت مقی و مسهل و منقی بدن و مفتت حصاة و رافع سده و صلابات و اوجاع بارده
جوز الماثل		دهتورا	درختی معروف	ب ی ۴	مورث جنون	فلفل و راز یانه	دو چند آن نفاخ	تا یکدانگ	مخدر قوی مسکر جمیع اجزای آن و مسکن صداع صفراوی و دو بوی منوم رادع محلل مانع قشعریره
جوشیصا			باروسحتی بقدر نخود	ح ی ۲	محرورین	انارین		۱۰ ماشه	مشهی آرشیخ آرنده و مسمن و مسکن زرد معده و کمر و تهیگاه و هاضم طعام در همه حال
		چولائی	نباتی معروف	حی					سریع الهضم رافع صفرا ... بیخ آن تا ۷ ماشه حضض هندی وناقسیر سیاه ...
باب الجیم مع الیاء المثناة التحتانیة									

[illegible] ... صحه ... [illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
		جینتت	درختی معروف	ح ی ۳					آب برگ آن مسهل بلغم و قاتل دیدان و محلل ورم پستان برگ درخت گرم کرده محلل حرول آب جائیکه باشد
	جیدار		نباتی است شجر بیت نبات آن	ب ی ۲				۲۴ ماشه	ممسک بطن دافع خمیر بلغم جراحات مقوی اعضای مسترخیه مسکن و مجفف
جیسکک			تخمی شبیه بدان کنجد [illegible]	ب ۱					مقوی دل و مطفی صفرا و مرطب بدن امزجه سوداویه و خفقان و سعال یبسی را نافع
									مقاله ششم در بیان ادویه که حرف اول آنها حای حطی است
									باب الحاء مع الالف
حاقطی			شجریست	ح ی ۲	ریه	عسل		۳۰ ماشه	مفتح مزیل استسقا و مولد بول نافع اوجاع رحم و امراض مقعد و نواسیر و مفرط آن مسقط کرم و مدمل
حاج	خارشتر	جواسا	گیاهی که ترنجبین بران [illegible] خراسان [illegible]	ح ی					رادع مفتح جالی تریاق سموم رافع بواسیر و صداع مزمن
حاشا			نوعی از پودینه کوهی	ب ی ۲	ریه	نعناع	افتیمون	۵ ماشه یک توله	مسخن مدر مخرج جنین و مشیمه مفتح منقی سینه و شش مقوی معده و کبد و محلل [illegible] منجد
حشیش	حسن یوسف	تخم کرمی	دانه ایست سفید و سخت	ح ی ۴	مصدع [illegible] آن	دوغ گاو یا قرص کافور			قوی تر از افیون و مقوی ضماد و جالی و محمر رنگ رخسار و از مقدار نیم درم آن قی کردن و وجع شدید دفع کند
حاماسوقی			نباتی است بزمین افتاده	ح ی ۱					برای گزیدن عقرب شربا و ضمادا نافع و فرزجه آن برای اصلاح رحم نافع
									باب الحاء مع الباء الموحده
حباب			حیوانیکه بدرخت بید [illegible] مانند		[illegible] گزد	جدوار [illegible] کافور			اگر کسی را بگزد فورا بنهایت تا سه روز هلاک شود

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
حباحب	کرم شب تاب	بہگ جگنی	کرمی معروف	ح ی					عدد آن قتال و نوشیدن یکعدد مقطوع الراس خشک شده آن با [illegible] ریزه سنگ گرده و مثانه
حباری	هوبره	چرز	مرغی بریست	ح ی ۲	محرورین	سرکه و دواء [illegible]			موافق مبرودین پرده سنگدان آن نافع خفقان و امراض سینه تعلیق سنگدان آن قاطع [illegible]
حبحبو			ثمر درختی	ب ۲ ی ۲	سینه و صوت و مورث سعال	کثیرا	سماق	۳ ماشه	قاطع اسهال و نزف الدم و تشنگی و التهاب صفرا و قی [illegible] آن یکهفته رافع صداع حار
حبرج			مرغی معروف	ح ی	مولد سودا	بی روغن خوردن			مولد خون سوداوی و غلیظ مصلح آن همراه پختن و با مصطگی و دارچینی و سرکه خوردن
حب البان		بکاین	دانه ایست	ح ی ۲	جگر و معده	رازیانه	سلیخه	۷ ماشه	مفتح مسهل بلغم مقی [illegible] محلل دافع مواد سوداوی و بلغمی و کلف را نافع
حب بلسان			تخم درخت بلسان	ح ی ۲	مثانه	کثیرا	سلیخه	۷ ماشه	مقوی معده مجفف رافع صرع و سدر و دوار و [illegible] مفتح گزیدن هوام را نافع
حب البقر و کرسنه	سنگ کاوی و [illegible]	متر و گراو و کلاه	دانه ایست مدور معروف	ح ی ۲	اکثار آن مولد اخلاط فاسد	گلاب	دو وزن آن لوبیا	۱۰ ماشه	مفتح سدد و مقطع و جالی منقی سینه شستن طبیخ آن با عسل مفید سر [illegible]
حبة الخضرا		بن	ثمر درخت بطم	ح ی ۳ خشک آن	محرورین	گلاب	مغز بادام تلخ	یکتوله ۵ ماشه	مفرح مقوی حواس و جگر مسهی مسمن مسکن مفتح منقی بدن [illegible]
حب الراس			دانه ایست	ح ی ۲	...		راسن	تا ۲ ماشه	مسهی مقوی [illegible] مفتح نفخ آن و امراض بارده را نافع
حب الریباس	تخم ریباس		دانه ایست	ب ی			تخم حماض بستانی		حابس قی و صفراوی و جرب و حکه را نافع شربا و ضمادا
حب الزلم			تخمی است	ح ر ۲	حلق و مولد سده	سکنجبین	حبة الخضرا	برای تحریک باه [illegible] ۲ توله	محرک باه و مسمن [illegible] گرده و مقوی جگر و امراض سوداوی و حرقة البول را نافع شربا مزیل کلف
حب السمنه	نقل خواجه	چیرونجی	دانه ایست بقدر فلفل [illegible]	ح ی	ثقیل و بطی النزول	سکنجبین و عسل	پسته و کنجد	از مغز آن [illegible] ۳ توله	مسهل بلغم و حلوای شیرین آن [illegible] مسمن [illegible]

صحت حب الآس ... برگ ... حکیم ... فی الاعراض بول الدم ... [illegible]

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
حب السلاطین	تخم سپید انجیر خطائی	جمال گوٹہ	ثمر درختے	مغز آن ح ی ۴	محرورین	مدبر گردنش		یک عدد	جالی مسہل بلغم سودا و اخلاط غلیظہ جاذب رطوبات مفتح و باقوت سمیت [illegible]
حب الآس	تخم مورد		م	ب ی ۲	صداع حار و زکام و سہر	گل بنفشہ	برگ توت و اقاقیا	تا ۱۰ ماشہ	حابس اسہال و نزلات مفتح سدد حابس قاطع نزف الدم و خون حیض مقوی معدہ
حب السوداء	سیاہ دانہ و شونیز	کلونجی و شکر بیلا	م	ح ی ۳	گردہ	کتیرا	انیسون و تخم شبت	۱۰ ماشہ	مقطع بلغم محلل ریاح غلیظ قاتل کرم دیدان [illegible] رافع زکام مدر [illegible]
حب القطن	پنبہ دانہ و بنولہ	بنولا	معروف	ح ر ۲	گردہ	تخم بنفشہ	تخم کنگر و بادام و خشخاش	۵ مثقال	مفید امراض صدر مقشر آن ملین سینہ [illegible]
حب الدود	کرم دانہ		جی ست	ح ی	[illegible]	علاج [illegible]			مسہل مادہ صفرا مخرج کرم معدہ و سحق قبل و مصفی آن از فضلات
حب العزیز			حبی مانند حب الزلم	ح ار ۲	حلق و ثقیل و سدد	سکنجبین	حب الخضرا	۴ تولہ	مسمن بدن و گردہ لاغر و مولد خون صالح و تقویت باہ و کبد و حرقۃ البول و خشونت سینہ و سرفہ را نافع
حب القلت	ماش ہندی	سکر گلقند	معروف	ح ۳ ی ۲	مرید	عسل		۳ ماشہ	مفتت [illegible] مصفی رنگ رخسار
حب الکلی		کوکنج	تخمی ست	ح ۲ ی ۱	۲ درم کشندہ	روغن بادام و مصطگی		۳ ماشہ	مخدر مسکر جالی آثار [illegible]
حب المحلب	پیوند مریم	کھیونی	حب درختے	ح ی ۲	دماغ و احشاء حار	گلاب و روغن بنفشہ	مغز گردکان و بادام تلخ	یکتولہ تا ۳ ماشہ	مفرح مقوی حواس مخرج رطوبات غلیظ [illegible]
حب المنسم			دانہ ایست [illegible]	ح ی ۲	مصدع	شیر	کبابہ	۲ ماشہ	مفرح مفتح [illegible] رطوبات غریبہ معدہ [illegible]
حب النیل	تخم نیل فرنج	مرجان [illegible]	دانہ گیاہے	ح ی ۳	کشندہ	[illegible]	تخم حنظل	۲ ماشہ	جالی بہق و برص [illegible] مخرج حب القرع و دیدان
حب الکتم	تخم وسمہ		تخم نبات کتم	ح ی					اکتحال آن مانع نزول آب [illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
باب الحاء مع الجیم									
حجر الابیض			سنگی [illegible]	مع					عسر البول را نافع و در سائر افعال مانند فاد زهر حیوانی و مراد اکسیر [illegible] جلاء آئینه
حجر الاحمر			نوعی از [illegible] برنگ سرخ [illegible]				[illegible]		یکدانگ آن سم قاتل ست
حجر الارمنی			سنگی لاجوردی	ح ی ۱	غیر مغسول آن مقیء و مسهل	کثیرا	لاجورد مغسول	۲ ماشه	مفرح قلب بالخاصیة و مسهل سودا و جالی گرده و جذام را بالخاصیة مفید و مستعمل مغسول آنست
حجر الاسکفه			سنگی ست	ب ی			[illegible]		ذرور آن جهت ورم لهات و جراحات و قطع نزف الدم نافع و کفشگران [illegible] آنرا استعمال کنند
حجر الاسفنج	[illegible]		[illegible] بافته شود	ح ی ۲					مجفف قاطع نزف الدم ذرور ش ملتحم جراحات محلل صلابت و یرقان را نافع
حجر الاعرابی	سنگی [illegible]		سنگی ست						جالی قاطع نزف الدم و سنون محرق آن مجلی دندان و مستحکم لثه
حجر الافروج			سنگی ست						مجفف قابض آشامیدن یکدانگ سحوک آن [illegible] رفع سم گزیدن عقرب نماید
حجر الافروحی			سنگی ست						باموم روغن برای سوختگی آتش و امراض چشم سفید و استعمال محرق غیر مغسول آن جائز نیست
حجر [illegible]			سنگی ست						قطور آن با شیر زنان در چشم ورم و درد [illegible] سفید آید
حجر الایلی			سنگی ست	ح [illegible]					موافق جمیع ادویه [illegible] دافع اکثر سموم حاره و بارده حیوانیه و نباتیه و معدنیه
حجر البارقی			سنگی ست						اگر حوالی ناف [illegible] بدان بندد جذب رطوبات استسقا کند

جهت الجامد ... ازمعاون ۱۲ برای ... دردوستیا ... ترک ولادت ... جواز ... ام احمد کان ... ریح ... دفع ... وضعف تحلیل ... و تقوی معده ... در هفتاد ... و مرکن ... فاقی ... شفاف ... از ... لام ... فتاق ... و تعلق ...

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
حجر البحری			حسبی سفید						اشامیدن و کیک آنکه آن منفعت حصاة و یا تیکه باشد
حجر البحیر			سنگی رقیق						باخلاط حلالی با مجففات مجفف و تحلیل ریاح و رکبین و التیام جراحات را نافع
حجر البرم			سنگی ست						برای تقویت لثه دندان و نزف الدم نافع
حجر البسر			سنگی سفید						در مقوی قلب منفعت بالخاصیة تعلیق آن بالای مثانه مدر بول
حجر البشب	یشم	سنگ یشم	سنگی ست	ب ی ۲				یکمدانگ	مقوی قلب و معده و خفقان را اسفید و نزف الدم و قروح باطنی و زحیر و حرقة البول را نافع
حجر البقر		نگامی زرهن	مهره ایست	ح ی ۲	محرورین و مصدوع	کثیرا		۲ قیراط	محلل سمن منفعت و یرقان و ذبحه که بپهلوی جیهیا طفال میشود نافع و رافع بیاض چشم
حجر البلور			سنگی معروف						نگاه داشتن آن با خود دافع ترسیدن ... بر پستان ... شیر آن اگر ... کنند ... برتر
حجر الجبس			سنگی ست	ح ی					محلل مقوی اگر ... جهت ... بالبدن ماندگی را زود دفع نماید
حجر الحبشی			سنگی ست	ح ی					سنون جالی مزیل آثار قرحه العهد و بیاض و نقطه تازه غیر صلبه را نافع
حجر الحام			جرمی است	ح ی					دافع سرطان غیر مزمن ضمادا
حجر الحیه	مهره مار		[illegible]					تا ۳ قیراط	برای آنکه مار قوی الاثر و منفعت حصاة و سنگ مثانه دافع زهر گزدم و هوام دیگر
حجر الخزفی			سنگی ست						بخور آن گریزانند ... هوام و با خود داشتن آن صرع ... اذیت حیوانات موذی را نافع

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
حجر النجف لطیف			سنگی ست	ح ی ۲					یرقان و خفقان و تفتیت حصاة و تفتیح سده دافع و تعلیق... آن دافع غم و در حریر برداشتن باعث جاه
حجر الخزفی			سنگی ست	ح ی					ستر بند موی قاطع خون حیض یکمثقال آن بعد طهر قاطع حمل و ابهام و ضماد آن مانع انتشار پستان
حجر الخمار			سنگی سنگین						یک و نیم مثقال سائیده آن نوشیدن خمار را دفع کند و عرق نماید و سرد می و سرد آرد
حجر الدم	شادنه	شادنج	سنگی عدسی شکل	مسوول آن ب ی ۲	شاذه	کتیرا	حجر مغناطیس	تا نیم مثقال	مجفف رادع قابض قاتم... مقوی عصب با عسر حابس سیلان خون مغیر حصر البول
حجر الدیک			سنگی سفید	ح ۲ ی ۱					دافع حزن و وسواس غنت شرباً و تعلیقاً آشامیدن آب شسته آن دافع تشنگی مفرط
حجر الرحی			سنگی ست	ح ی ۳					محلل حابس خون آن بیض ... استسقا و حرارش ... و قطع حیض ...
حجر الرغام			سنگی ست	ب ی ۲					رادع قاطع نزف الدم محلل ... دافع استسقا و ذرور ... دافع ...
حجر الزبده			سنگی ست						ذرور آن دافع اندمال جراحات
حجر السلوان			سنگی سفید						آشامیدن آب محلول آن خفقان و نزف الدم و حرارت معده و رفع مرض عشق را نافع
حجر السطر الطلیه		سنگ مرمر	معروف						سفوف محرق آن مقوی لثه و ضماد آن با موم واقع درد شکم معده و ذرور در خام آن رافع و ... سوختگی نار
حجر السمک		سنگ سر ماهی	سنگی سر ماهی	ح ا ی ۲					آشامیدن سائیده آن مفتت حصاة گرده
حجر العسلی			سنگی سفید	مائل بحرارت					منقی ... و در افعال ضعیف تر از حجر لبنی ست

تحقیق نام ... ١٢ ... بالخاصیت ... عاشق ... ١٧ ... معشوق ... عاشق و نام ... بنام ... ٧

مفردات [illegible] ی کرسنه ۲ [illegible] مضر مصلح [illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مضر	مصلح	ب	ق	افعال و خواص
حجر الغاغاطیس			سنگی سنگین	ح ی ۲	ریه	زعفران		۲ ماشه	محلل طحال، آشامیدن آن قاطع حمل و حیض و سفوف بخورش گریزاننده هوام
حجر الفقیه			سنگی ست						برای التیام جراحات حیوانات سعید بلی گفته اند
حجر الفسان			سنگ بربانند	سا					در اطلیه کلف و امثال آن مستعمل میکنند
حجر المثر		چندرکانت	سنگی سفید	با ی ۱	گرده	کتیرا			آشامیدن بقدر یکدرس صرع را نافع و وسواس و جنون و خفقان و نزف الدم را نافع
حجر الیشپور			سنگی ست	ح ای ۲					محلل حابس نزف الدم و طلای آن سترنده موی اگر بر نوشته طلا کنند حک شود و شبکور را نافع
حجر الکرک			سنگی ست	با ی ۲					رادع جالی و خفقان و غشیان و عطش را نافع
حجر الکلب	[illegible]		سنگی ست						عداوت و تفرقه را بسیار مؤثر اگر در آب اندازند و آن آب بنوشند
حجر الکلی	[illegible]		سنگی ست	ح ی					مفتت سنگ مثانه و سنگ گرده و اکتحال آن رافع بیاض عین
حجر اللبنی			سنگی اغبر	با ی ۱	مورث سده مثانه	عسل	ساذج	۲ ماشه	قاطع نزف الدم مفتت دافع نزله رادع مواد و خشونت اجفان را مفید
حجر اللوزی و عرانس			سنگی ست	مجفف					قاطع سیلان مواد و اسهال و درد مثانه و نفث الدم مجفف جراحات
حجر المثانه		[illegible]	سنگی ست	ح ی					آشامیدن آن مفتت سنگ مثانه و اکتحال آن رافع بیاض چشم
حجر المحک		کسوتی	سنگی سیاه	ب ی ۲				یک دانگ	عسر النفس و درد گرده را نافع و رافع بیاض چشم

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
حجر المسن	فسان		سنگی ست	ح ی	گرده	کتیرا			سلاق و بیاض چشم و حکه و جرب را نافع و مانع درازی پستان کلان
حجر [illegible]			سنگی ست						قطور آن با شیر دختران قروح عمیقه چشم و التیام طبقه قرنیه و برآمدگی حدقه را نافع
حجر [illegible]	سنگ آهن ربا	چمکت پتھر	سنگ لاجوردی	ح ا ی ۳				تا ۲ قیراط	فالج و اوجاع مفاصل و عرق النسا و نقرس و تقویت جگر و سپرز و عسر ولادت را مفید
حجر المنفی			سنگریزه یست						طلای سائیده آن موجب بی حسی عضو بحدیکه اگر قطع کنند دردی معلوم نشود
حجر النار	سنگ چقماق		معروف	ب ا ی ۳					ذرور سائیده آن خنازیر و التیام افواه آن و قروح عسر الاندمال را نافع
حجر النمر			سنگ ابلق						طلای آن التیام جراحات را مفید و تعلیق آن مانع آبستنی
حجر الهندی			سنگی ست						ذرور آن قاطع خون بواسیر و جراحات و آشامیدن آن یکدانگ قاطع سم عقرب
حجر الیهود	سنگ یهودان		سنگی ست	ح ا ی ۲	جگر	صمغ			در مفتت حصاة و مانع تولید آن غریب خون منجمد در مثانه و با خون خفاش منبت شعر
									باب الحاء مع الدال المهملة
حداة	غلیواز	چیل	معروف	ح ی ۲	گوشت آن مورث جنون				خاکستر سوخته آن [illegible] سر آن [illegible] نقرس [illegible] سلعه [illegible] اگر چشم آن بر بالین کسی گذارند مانع خواب شود [illegible]
حدید	آهن	لوها	معروف	ح ۲ ی ۳	خوردن براده آن [illegible]	شیر تازه			آب آهن تاب مقوی باه و قابض و براده آن [illegible] خاییدگی دندان خواب را نافع آید
حدق	بادنجان دشتی	[illegible] / دورنگنی	معروف	ح ی ۳	[illegible]	سکنجبین			[illegible] آشامیدن زیره گل آن [illegible] را نافع و نوع کوچک آن برای گزیدن هوام نافع

مسطحه

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
باب الحاء مع الراء المهملة									
حرمثت			گیاهی است	ح ی ۲	مصدع	کشنیز	بدرنجاسب	۱۰ ماشه	مفتح رافع بوی دهن و سوء الهضم و قولنج اگر گوسفند آنرا خورد شیر و گوشت او خوشبو گردد
حربا	آفتاب پرست	گرگٹ	معروف	ح ی ۴	گوشت آن سم قاتل	قی و اسهال روغن			چون فربه گان کنند و خوش کمال اند باز زنده بود و اکتحال زهره آن غشاوه و بصر را ببرد
حرذون		باهمنی	حیوانی است	ح ی ۳					تعلیق آلت آن صاحب سلسله تب ربع را نافع و پوست محرق آن با عسل مخدر اعضا و سرگین آن نافع بیاض عین
حرشف	کنگر		نباتی است	ح ۲ ی ۱	سودا دماغ و مولد	ادویه حاره و روغن و شکر	حلیون	از صمغ او ۲ مثقال	مسهل مدر حابس طبع مسخن گرده و مثانه محرک جماع محلل با ضم ضماد آن داء الثعلب را نافع
حرف	تخم سپندان	حالم	تره ایست	ح ی ۲	معده و مثانه	کاسنی و شکر			ملطف کشنده کرم معده و حب القرع محلل قاطع بلغم ضماد او با خل آن مانع ریختن موی
حرف ابیض	اسفندان سفید	سرسون	معروف	ح ی ۲					منشف رطوبات و آروغ آرنده مفتح ملطف مقطع مسهل بلغم و مره صفرا
حرف البابلی			گیاهی است	ح ر				۳ ماشه	مقوی قوی و مسهل خون حیض مفسد جنین و مخرج آن و امراض بارده و عرق النسا را نافع
حرف المسکو			گیاهی است					بکدانگ	منفجر دبیلات اندرونی و مدر طمث و مفسد جنین مقوی و عرق النسا و اخراج بلغم را نافع
حرف الماء			نباتی است	تازه آن ح ی ۲					مسخن مدر و علتهای بارده باطنی و ضماد آن قروح و شیوه و کلف را نافع و شب المذ صبح شوید
حرف المشرقی			نباتی است						در مدت قایم مقام فلفل مطبوخ گیاه آن با گیاه جو برای نزلات بارده و تحلیل ریاح نافع
حرمل	اسپند سوختنی	اسپند	نوعی از سداب	ح ۳ ی ۲	محرورین	سکنجبین	قر دمانه	تا ۹ ماشه	ملطف جالی سینه و شش از رطوبات محلل مبهی سمن مدر مسهل سودا و بلغم و حب القرع

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
خرخله			نباتی است	ح					اگر منبه را با شیر آن تر کرده گذارند تا بدبو شود و انسان صاحب جرب در آفتاب ایستاده جرب را طلا دهد و آنرا بمالد شفا یابد
					باب الحاء مع الزاء المعجمة				
حزاء	دنیا رویه	گیندو	نباتی معروف	ح ی ۲	مصدع وقاطع منی	کاسنی سونف و آب سرد			مسخن قابض محلل منضج هاضم مدر کاسر ریاح دافع حبس حیض برای سم عقرب و سائر هوام بارد نافع
حزاویری			از جمله سداب بری	ح ی ۳	مسقط منی	بادرنجبویه	سداب	تا ۱ ماشه	مقوی هاضمه دافع ریاح و ادویه قتالہ بارده و مدر و مجفف منی
حزاز الصخر	گل سنگ		چیزی بر سنگ شبیه سیاه شود	ب ی					جالی مقوی باه و حرارة و قطع نزف الدم و تسکین حرارت اعضا و یرقان را با عسل ضماد نافع
حزنبل			نوعی از بهمن سفید	ح ۳ ی ۲	ربیه	انیسون		تا ۵ ماشه	مفتح محلل ملطف منی مقوی احشا آشامیدنش برای سموم مطلقا و تقویت باه بسیار نافع
					باب الحاء مع السین المهملة				
حسک	خار خسک	گوکهرو	معروف	ح ی ۱	سر	روغن بادام و روغن بنفشه	عصی الراعی	یک توله تا ۵ ماشه	جالی سنگ گرده و مثانه مزید منی و غلظت منفخ مدر و عسر البول و قولنج و قلاع را نافع و منعظ و مقوی
حسل			گیاهی است	ح ی ۲				یک توله تا ۵ ماشه	پخته آن مقوی معده و هاضم و مصلح طعام فاسد و معطر دهن و آروغ و با شراب برای گزیدن رتیلا نافع
					باب الحاء مع الشین المعجمة				
حشیشة الداخس			گیاهی است	ح ی ۲					محلل ملطف ضماد آن ... و قروح شهدیه و داخس را نافع
حشیشة الزجاج	گیاه آبگینه		گیاهی است	ب ی ۲	سر	نبات ختمی	لسان الحمل	تا ۷ ماشه	محلل رادع مفتح جالی ... و مالیدن برگ آن ... و غرغره آن ورم لوزتین را نافع

[illegible]

نکته ... دوم ... اثرات ... در ... سنگ

ح	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
حشیشة العلق			نباتی است						زلوی در حلق بچسبد را بالخاصیت اخراج نماید
حشیشة المعدن			نباتی است						جالی و صورت صحت و طراوت جلد و داخل فصادات ملوکی میکنند
باب الحاء مع الصاد المهملة									
حصاة	سنگریزه	کنکر	معروف	ب ی					رادع حفظ و رسانیدن آن مانند غبار نزف الدم جراحات و غیره آنرا نافع
حصرم	غوره	کچی اکهه	انگور خام	ب ی ۲	سعتر و بابونه	گلقند و انجبیر انیسون	کاهو و ترنج ریباس	۲ او قیه	مطفی حرارت خون و صفرا قاطع صفرا و بلغم مقوی جگر و بدن رافع تشنگی حابس بطن
حسن لبان الحاذی	حسن لبه	لبان	صمغی معروف	ح ۲ ی ۱	مصطکی نحو و رین	روغن بنفشه و خشخاش	لادن و مصطکی	تا ۲ ماشه	مقوی دل و صورت سرور شراب بخور رافع قولنج مفتا قطور آن نافع درد گوش حابس نزله طلاء
باب الحاء مع الضاد المعجمة									
حضض	بتل	رسوت	عصاره نباتی	س ح ب	سپرز	انیسون و حنا	حضض هندی	تا ۳ ماشه	قابض رادع محلل مبرد قاطع سیلان رطوبات عدم حیض اکتحال آن دمعه و درد و ضعف بصر را نافع
حضض هندی		رسوت	عصاره دار الحد	ب ی					امراض چشم و تحلیل اورام حاره و شبور و تسکین حدت خون و صفرا را نافع و حابس خون بواسیر
باب الحاء مع اللام									
حلاب			گیاهی است	ب ی ۳					ضماد آب آن با آرد گندم مستحکم عضو مکسور و کوفته بدر شود یا حنا برای خارش کف دست اطفال
حلبه	شنبلیله	میتهی	معروف	ح خ ۲	انیسون	سکنجبین و حامضه	بزر کتان	۲ ماشه	برگ آن منضج و ملین [illegible] و حسین و تخم آن محلل سپرز مقوی و طلای آن مصفی رنگ رخسار

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
حلبیب			دوائی است	ح ی ۲	سپرز	کثیرا و کاسنی		تا ۱۰ ماشه	آشامیدن آن نقرس و درد مفاصل و زانو و تقویت بدن و اخراج بلغم خام و دیدان را نافع
حلبوب			گیاهی است	ح ی ۲					محلل طین مستقال آب طبیخ آن مسهل رطوبات مائیه حمول برگ کوفته آن بنوع طور و خوردن بیخ مسلک آن جهت حمل [illegible]
حلتیت	انگژد و انگوزه	هینگ	معروف	ح ی ۲	دماغ و جگر	انار ترش و افیون	جاوشیر	از یک دو سه تا ۲ ماشه	فالج و رعشه و صرع و خدر و ام الصبیان را نافع شربا و غرغرهٔ آن با سرکه مخرج زلو در حلق پیچیده
حلزون	سفید مهره	سنگهه و کوریسے	معروف	بلد جزرتای اب ی ۲					چکانیدن آب گهونگهه هنگام ظهور جدری در چشم مانع بروز آن و یا محلل آن بعد بروز
حلفا			نوعی از بردی	ح ی ۱					خوردن ۵ درم آن با عسل و سرکه کشندهٔ دیدان معده و امعاء مفتح سدد و اخ دار باخ آتش افروخته آن با ساویه نافع
حلق			عصارهٔ گیاهیست	ب ی				یکتوله تا ۱۰ ماشه	آشامیدن ۵ درم محلول آن در ۱۰ درهم آب برای قی مره صفرا و تسکین حرارت معده نافع
باب الحاء مع المیم									
حماحم		کلفه	نباتی است	ب ی ۱	شاهتره	کمندر	بستانی افروز	تا ۷ ماشه	محلل اورام صلب و برگ آن سوختگی آتش را نافع مسکن حرارت معده تخم آن مقوی دل
حمار اهلی	خر و الاغ	گدها	معروف	ح ۲ ی ۳					بخور سم آن مسهل ولادت و طلای سرگین آن با سرکه بر پیشانی برای منع رعاف مجرب است
حمار وحشی	گورخر		معروف	ح ی ۳					تعلیق پوست پیشانی آن بر سر و یا بازو دافع صرع و خصیهٔ قضیب آن بغایت مقوی باه
حماض	ترشه	چوکا	نباتی است	ب ی ۲	باه	شربت ها	حماض اترج	۵ توله	منقطعه عصارهٔ آن مسکن عطش و خوردن آن دافع خارش و غثیان صفراوی
حمام	کبوتر	کبوتر	معروف	ح ۲ ی ۱	محرورین	بادام کشنیز و سکنجبین			گوشت آن فالج و لقوه و رعشه و خدر و استسقا و تسکین بدن باه و تولید منی را مجرب

یبوست ۱۳ در اول آن ... گاؤزبان ...

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
حماما			نباتی ست	ح ی ۳	سدہ	تخم کرفس	قرنفل یا دو چند وزن او	۷ ماشہ	مفتح محلل مسکر سموم سورت سرد و مستی سدہ مقوی جگر نقرس و گزیدہ عقرب را نافع
حمص	نخود	چنا و نبوت	معروف	تازہ آن سرد و خشک آن ح ی ۲	قرحہ مثانہ	خشخاش	لوبیا و باقلا		مسہل منقی مفتح جالی جرب ... مقوی حرارت غریزی مولد منی صالح کثیر الغذا مسمن بدن
باب الحاء مع النون									
حنا	حنا	مہندی	معروف	ب ی ۲	علق ریہ	کتیرا و لعاب بزرقطونا	آس	تا ۳ ماشہ	مدر و قلاع و صداع و شقیقہ و قروح را مفید و بلغم قروح و فتوح آن با مثقال شکر رافع جذام
حیاء القوابل	بہرجوبہ	رتن جوت	گیاہی ست	ح ی ۲	مصدع	روغن بنفشہ و کدو		۷ ماشہ	قابض اسہال محلل اخلاط مراری مدر حیض مجفف معدہ مفتت یرقان و تپ کہنہ را مفید
حندقوقی	اندروقوقو	گورہ چرندہ بسکھپرہ	نباتی ست	ح ۲ ی ۱	مورث درد گلو	کاہو و کاسنی	رطبہ	تا ۱۰ ماشہ	ملین مشہی استسقاء و یرقان و قولنج و مغص رفع سموم قتالہ و اصلاح اخلاط ...
حنطہ	گندم	گیہون	معروف	ح ار ۲	مسدد	سرکہ کہنہ			کثیر الغذا مسمن ... گندم سوختہ با سموم و روغن مجلی رخسار محلل و دافع گزیدگی سگ و زنبور را
حنظل	خربزہ تلخ	اندرائن	ثمر گیاہی ست	ح ۳ ی ۲	محرورین	صمغ عربی و کتیرا	حب الخروع	از شحم آن تا ۱ ماشہ	محلل مقطع مسہل اقسام بلغم و صداع و فالج و لقوہ و صرع و نسیان و مالیخولیا و جذام را نافع
باب الحاء مع الواو									
حوصل		گگن بھیر	از جملہ طیور آبی	ح ر ۲	دیر ہضم	جوارشات یا دار چینی			گوشت آن دیر ہضم و غلیظ پوستین آن موافق محرورین و ... را مفر
حور	توز		درختی ست	ح ۳ ی ۱			مرزنجوش	۲ ماشہ	آشامیدن صمغ آن با سرکہ خفقان و صرع و تقطیر البول و عرق النسا و قطع حمل را نافع
باب الحاء مع الیاء									

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال خواص
حیّة	مار	سانپ	معروف	ح ی ۳					تعلیق سلخ الحیات یوست آن که بسال می اندازد بر ورک زن عسر الولادت و بخور آن مسقط جنین
حیس	چنگال		غذائی است		دیر هضم و سدد	سرکه و عسل			کثیر الغذاء مسمن و غلیظ و دیر هضم
حی العالم	همیشه بهار	سدا بهار	از جمله ریاحین است	ب ی ۱	سبز	با بونه یا طین ارمنی	عصاره کاهو	از آب یک تولد ابه ماشه	رادع منضج مقوی معده مسهل صفرا قاتل دیدان مانع نزف الدم و سحج و مفتح
									مقاله هشتم در ادویه که اول آن خای معجمه است
									باب الخاء مع الالف
خاماسوقی			نباتی است	ح ی ۲	سینه	کثیرا		یک قیراط	حاد جالی رافع آثار قرحه چشم و ظلمت بصر و نزول آب خوردن آن با نان مسقط دانه بواسیر
خانق الذئب	خانق زنگی	کنکی	گیاهی است	ب ی ۳					کشنده گرگ بالخاصیة اگر کوفته بگوشت خام افشرده بخورد داده شود
خانق الکلب	فلوس ماهی	کهیاری کچلا	معروف	ح ی ۴	بکنقال کشنده	قی و شکر و عطریات		تا ۲ دانگ	کشنده سگ و سائر حیوانات محلل اورام بارده نافع فالج و امراض عصب و درد کمر و وجع مفاصل و قوباء کلف و جرب
خانق النمر			مازریون سیاه	ب ی ۴	نیم درم کشنده	کتیرا [illegible]			از سموم قتاله سباع رادع مسکن درد چشم مسقط دانه بواسیر و نیم درم آن کشنده
									باب الخاء مع الباء الموحدة
خبازی	نان کلاغ		نباتی است	ب ر ا	[illegible]	ترشی در محرورین	خطمی	تا ۶ ماشه	طین مسیح منضج رادع مفتح سدد مرمره شیر دافع گزیدگی عقرب با روغن گل برای سوختگی آتش
خبز	نان	روٹی	معروف	مانند حبوب مصنوع دارد	مجفف	آب شستن	[illegible]		گرم آن مسخن مجفف دافع کندی دندان و مسمن بدن خشک آن دیر هضم و مجفف و معطش

[illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
خبز الخشکار			نانی ست		مورث بها...	شیر خچ...			سریع الانحدار قلیل الغذا طبیع مولد خون سوداوی ضعف بدن مورث بواسیر و جرب
خبز السمید	نان میده		نانی ست		مورث سده	افسون			کثیر الغذا سریع الانحدار مورث سده جگر و سنگ گرده
خبز الرقاق			نانی ست						قابض سریع الانحدار موافق اسهال و بواسیر و این را نان ساجی هم گویند
خبز الطابون			نانی ست						کثیر الغذا مولد خون صالح دیر هضم مضر محرورین را
خبث الحدید	ریم آهن	... زنگ	...	ح ۲ ی ۲	شش	کثیرا و عسل	اطریفل کبیر	۱۰ ماشه	مجفف مقوی معده و قلب دباغ مانع نزف الدم و مانع حامله شدن منقی جرک گوش
خبث الذهب			تفل طلا	حا					قوی از خبث الحدید و نائب مناب اقلیمیا رافع بوی بغل و کهیر ران طلا با آب
خبث الرصاص	ریم قلعی		تفل قلعی	ب ی			اسفیداج رصاص		مستعمل آن ملتئم جراحات چشم و مقوی باصره و مانع ریزش مواد به چشم و مانند رصاص محرق
خبث الفضه			تفل نقره	ب ی					قروح چشم و سعفه و جرب و بواسیر و نواسیر و القیام جراحات بدن را نافع
خبث النحاس			ریم مس	ح ی ۲		کثیرا صمغ عربی	روغن ...	در ادویه ... ماشه	لطف جالی در ادویه چشم زحیر را نافع خوردن آن سم قاتل
خبه	خاکشی	خوب کلان	تخمی ...	ح ۳ ر ۱	...	کثیرا	...	۲ ماشه	... مقوی هاضم مسقی ... نافع جدری و حصبه ...
خبیص البیشی	خاکینه		معروف						کثیر الغذا دیر هضم مولد خون غلیظ و باد ...
									باب الخاء مع الثاء المثلثة

ع	ف	ه	عر	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
خشو	سح		نان [illegible]						چون بالای [illegible] استخوان پیشانی آن [illegible] مسموم [illegible] عرق کند بخور استخوان آن [illegible] سگان آن [illegible] نافع
باب الخاء مع الراء المهملة									
خراطین	زغاز	کینچوا و چیزه	کرمی سرخ طویل	حرا		روغن بادام	زلو	برای یرقان ۷ باشه	مدر و باب گوشت [illegible] سیاهی حبش [illegible] آن بروغن کنجد [illegible] اختناق و سرفه کهنه و بزرگ کند [illegible]
خرامقان			گیاهیست	ح ی ۱					محلل لطیف و در همه افعال مثل سنبل الطیب و از آن ضعیف‌تر
خربق ابیض		بتیس	بیخ گیاهی	ح ی ۳	اکثار آن کشنده	مصطکی	جوز القی	۲ باشه	مسهل بلغم [illegible] مقیی معده و فالج و [illegible] و صرع [illegible] و لیثرغس [illegible] امراض بارده دماغیه را نافع
خربق اسود		کتکی	بیخ گیاهی سیاه	ح ی ۳	گرده محرور	کثیرا و صعتر	خربق سفید	۲ باشه	مسهل مره سوداء و بلغم و صفرا و از سفید [illegible] آن با کرسنه مسکن درد دندان
خردل		رائی	معروف	ح ی ۴	محرورین	کاسنی و کافور	[illegible]	۱۰ باشه	جالی جاذب [illegible] مفتح [illegible] فالج و لیثرغس [illegible] امراض بارده دماغی را نافع
خرفقان		بنداء	گیاهی	ب ی					[illegible] مقوی معده مفتح محلل قاطع نزف الدم [illegible] سیاق آن [illegible] بکمر [illegible] بواسیر
	خرتوم		گیاهیست	[illegible]					جالی مقوی [illegible] سموم [illegible] آن [illegible] حفظ آن [illegible] باعث [illegible] روغن آن [illegible] نافع
خرنوب نبطی			درختی عظیم	ب ی ۲	معده [illegible]	نبات [illegible]	عفص	یک توله [illegible]	مدر مقوی معده [illegible] خلط [illegible] اوجاع سینه و سرفه [illegible] را نافع
خرنوب بری			ثمر خاری	ب ی ۲					مقوی معده قاطع نزف الدم حابس اسهال و یرقان [illegible] بواسیر [illegible] دندان را نافع
خروع	بیدانجیر	ارند و اریندی	معروف	ح ی ۲	[illegible]	کثیرا [illegible]	[illegible]	[illegible]	محلل [illegible] خلط بارد [illegible] مقوی اعضا و صداع و فالج و لقوه [illegible] را نافع

[illegible]

ع نام عربی ف فارسی ه هندی م ماهیت ط طبیعت مض مضر مص مصلح ب بدل ق قدر شربت [illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
خرموش		گهوس	نوعی از موش است						بخور پوست خشک آن دافع بواسیر و سنجاب طبیخ آن نیز در افعال از موش اقوی است
باب الخاء مع الزاء المعجمة									
خزامی	گل خیری		گیاهی است	ح ی ۲	مصدع محرور	مورد	بابونه و بانه	از گل تا ماشه	گل آن لطیف سخن مفتح رافع صداع محلل مقوی دل و جگر و سپرز منقی رحم مفتت سنگ سدد
خز			حیوانی معروف	ح ی ۲					پوشیدن آن برای حفظ حرارت و دفع ضرر سردی از پشت و گرده و فالج و نقرس و ضعف باه نافع
خزف	سفال	ٹھیکری	معروف	بسیار خشک	اعصاب و دماغ	روغن بنفشه و نیلوفر	قیشور		ضماد آن با سرکه و بوزه [illegible] التیام جراحات با موم روغن برای ورم مزمن و خنازیر نافع
باب الخاء مع السین المهملة									
خس	کاهو		معروف	ب ر ۲	باه	نعناع	تخم خشخاش بادام	تا ۵ ماشه	مسکن حرارت دافع مضرت آنچه هوای وبائی مفتح نافع صعود بخار نافع درد سر و نزله و سیر خر و [illegible]
		خس	ریشه گیاهی که خسخانه سازند	ح ی ۲					مفرح مقوی قلب و دماغ بارد
باب الخاء مع الشین المعجمة									
خشخاش ابیض	کوکنار	پوست	معروف	پوست آن ب ۲ ی ۱	زیره و دین	شکر عسل مصطگی	کاهو و بادام	تا ۲ ماشه	مخدر دافع سعال اسهال صفراوی و دموی التهاب معده حرقت مثانه و درد سر و سعال گرم و تر را نافع
خشخاش اسود			خشخاش سیاه	ب ۲ ی ۲	دماغ	رازیانه	کاهو بری	از تخم آن سه ماشه	در جمیع افعال از بستانی قوی و حرارت جگر و سیلان خون و عرق النسا را نافع
خشخاش زبدی			گیاهی سفید	نهایت گرم	قاتل	سعالیل سابجه جلا بنگ		تا یک درم	منقی مسهل بلغم منقی دماغ دافع بلغم و صرع تخم آن زیاده از یک درم قاتل

ع	ف	٥	هر	ط	مصـ	مص	ب	ق	افعال و خواص
خصاتین [illegible]			گیاهی سفید	ح ی ۳					جالی مقطع اخلاط منقی جراحات و خشکریشه و [illegible] تخم آن مسهل قوی و عرق النسا را نافع
خشاب			[illegible]	[illegible]	مولد ریاح	انیسون مصطکی			از آن آب لوسکن عطش و درد سر زرد و [illegible] مقوی اعضای رئیسه [illegible] و از سیب رافع خفقان
خشکنجبین			[illegible]	[illegible]			عسل	تا ۲ مثقال	مجلی مقطع محلل [illegible] آن قوی از سفید و سبز آن بسیار گرم و سیاه آن [illegible]
خشکنانج	خشک نان		نان [illegible]	[illegible]	دیر هضم	سکنجبین [illegible]			مولد خون جید و مغذی و مسمن و مقوی باه و مولد ریاح غلیظ
									باب الخاء مع الصاد المهملة
خصیة الثعلب			[illegible] سفید	ح ر ۱	[illegible]	شکر	[illegible]	تا ۲ مثقال	مبهی مقوی عصب و فالج و لقوه و تقویت معده و منع سقوط آن را نافع و منعظ
خصی الدیک			نباتی	ح ی ۲	[illegible]	[illegible]	زیره	[illegible]	مسهل بلغم لزج محلل عرق النسا و مفاصل را نافع و مصدع است
	خصیه مرغ		معروف	دیر هضم					مبهی مولد منی و خون صالح
خصیة الکلب			نباتی	ح ی	[illegible]	صمغ [illegible]			محلل [illegible] آن محرک جماع و کوچک آن قاطع آن [illegible]
خصی العجل			خصیه گوساله						اگر خشک کرده با شراب آشامند نعوظ بسیار آرد و مقوی باه بود
[illegible]	خایه بزکوهی		خایه بزکوهی						اگر خشک کرده با شراب آشامند نافع گزیدگی افعی بود
									باب الخاء مع الطاء المهملة

[illegible]

ع عربی ف فارسی ه هندی م ماهیت ط طبیعت مض مضر مص مصلح ب بدل ق قدر شربت افعال وخواص

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
خطاطیف	پرستوک	سیالی	طایر معروف	ح ی ۳					کباب آن مفتح دافع یرقان و امراض سپرز و خناق و قوت باصره و داغ و ظفره را نافع
خطمی	خیرو	[illegible]	گیاهی معروف	ب ر	معده	عصاره زرشک	خبازی	[illegible]	محلل منضج رادع ملین مفتت سرفه حار و بیخ زحیر و قولنج و اسهال صفرا را نافع
					باب الخاء مع الفاء				
خفاش	شب پره	چمگادر	معروف	ح ۳ ی ۲		خشخاش			سمن صفات استسقاء و مدرک و فالج و رعشه نقرس و عرق النسا را نافع طلاء خون آن بر پستان نافع
					باب الخاء مع اللام				
خل	سرکه	سرکه	معروف	ب ی ۳	سوداوین	شیرینیها	آب لیمو	۲ توله تا ۱ توله	قابض مجفف سریع النفوذ ملطف قاطع اخلاط غلیظه و برای صداع و تقویت دماغ و قتل کرم گوش نافع
خلاف	بید ساده		درختی است	ب ۲ ر ۳	تهی گاه	شکر و گلاب	ریباس	از ۲ آب به توله	ملطف مقوی دماغ مفتح رافع صداع و درد و خفقان و تشنگی و تپ محرقه
خلاف بلخی	بید مشک		درختی است	ب ر			نیلوفر		ملطف مفتح مقوی دماغ و دل و مسکن صداع ملین طبیع مبهی محرور مح محلل
خلد	موش کور	چھچھوندر	معروف	بغایت گرم	از سموم قتاله				خون موضح دنباله آن دافع بیاض عین و برص بهق و کلف و خنازیر و دندان آن مستفرق جراحات
خلنجان		صبر کابلی	دانه ایست	ب ی ۲	اعصاب و دوار آور	شراب عسل		۲ توله تا ۱ ماشه	ملین محلل مسمن گاو آشامیدن طبیخ آن با عسل سرفه و درد سینه و تصفیه ریه را نافع
خلنج			درختی	ح ی ۲					شکوفه و برگ آن گزیدن را نافع ضماد و روغن آن رافع اعیاء و تخم آن حافظ دل از سموم
					باب الخاء مع المیم				

ع	ف	۸	ه	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
خفاش کبیر			درختی است						محلل مجفف ملتئم جراحات مضاد او در بو مشابه بشراب است
خمان صغیر			درختی است	ب ی ۲	ربه	عسل		تا ۲ ماشه	رادع مسهل مجفف با مثقال بادسائیده بیخ آن برای جبر کسر [illegible] و نقطه نافع
	خامان		حجری سیاه	ب ی ۲	مسدد	عسل		تا یکدانگ	انگشتری آن مقوی دل و رافع وحشت تاریکی مکان و طلا سفعه ادری و درد چشم را نافع
خمر	شراب انگور	واکه مد	معروف	خ ۳ ی ۲	حواس	فواکه ترش	نبیذ	۲۷ توله	مفتح مقوی اعضا [illegible] مفتح جالی [illegible] ملطف [illegible] دافع هموم باعث سرور
				[illegible]	باب الخاء مع النون				
خنثی			گیاهی است	ح ی ۲	گرده	مصطکی	مثقال	۱۰ ماشه	مسخن ملطف مجفف محلل [illegible] مفتت [illegible] درد پهلو و سرفه را نافع ثمر آن طین
خندروس	قره گندم	جوار	نباتی است	مع حب			ذره		محلل بلغم [illegible] قابض [illegible] کثیر الغذا [illegible] و تغذیه بدان رافع سل
خندیقون			شرابی است	ح ی ۲					مولد خون صالح مقوی باضمه مفتح [illegible] بدان [illegible] حمی ربع
خندریلی			نوعی از کاسنی	مجفف	سورنج	نشاسته		یکدانگ	قاطع اسهال [illegible] مفتح [illegible] محلل [illegible] و طلای آن [illegible]
خنزیر	خوک کراز	سور و براه	حیوانی معروف	ح ۲ ر ۳	مورث داء الفیل	خمر			مفتح مسمن [illegible] مورث حرص شدید و صداع [illegible] و فساد عقل و معده و زوال مروت
خنف	جعل خردک	کهروانه	دابه ایست	ح ی ۲					جالی [illegible]
					باب الخاء مع الواو				

[illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
خوخ	شفتالو	آڑو	ثمری معروف	ب ر ۲	مرطوب معده	عسل و مربای زنجبیل	مشمش	یک کف	ملین مسکن بخارات حاره و تشنگی و غلیان صفرا و دم مبرد دماغ رافع بوی دهن مبهی محرورین
خولنجان		کلنجن	بیخی سرخ	ح ی ۲ ای در آخر آن ۳	دل و مصدع محرورین	صندل و طباشیر	دارچینی	۲ ماشه	مقوی معده و احشا کاسر ریاح ماسک بول مصفی صوت و دافع بوی دهن و معطر آن منعظ
باب الخاء مع الیاء المثناة التحتانیة									
خیار شنبر	خیار چنبر	املتاس	معروف	ح ر ۱	معده و منفخ	مصطگی و انیسون و ورد و منقوها	ترنجبین	۷ تولہ	ملین سینه مسکن حدت خون محلل مسهل صفرا با تمر هندی و با تربد مسهل بلغم و با سفایج مسهل سودا
خیری	گل شبو		گلی ست	ح ی ۲				یک تونه ۲ ماشه	محلل ملطف جالی مدر مسکن اوجاع عسر و جنین و مشیمه رافع بلغم طین سعوطا و تخم آن مفتح
خیزران	خزران	بنیت	نباتی ست	ح ی ۲		نافث	بیخ طلیق	۷ ماشه	آشامیدن سائیده آن قاطع نزف الدم و رادع و محلل اگر در جامه گذارند رفع سانی [illegible]
مقاله هشتم [illegible] حرف اول آنها دال مهمله است									
باب الدال مع الالف									
داذی	جوجلو		دانه ایست	ح ای ۲	مثانه	انیسون	بادام	۲ ماشه	قابض مسکر ملین مفتح محلل و برای درد رحم و مقعد و استرخای آن و دافع سموم
دار چینی	دارچینی		پوست درختی	ح ی ۲ ای در آخر آن ۳	مصدع محرورین	اسارون و کثیرا	اهیل و کبابه	یک توله ۵ ماشه	ملطف مفتح مفرح تریاق سموم حیوانی و نباتی و معدنی مجلی البصر محلل مجفف مدر مبهی رافع بوی دهن
دار شیشعان		کاکی پهل	پوستی معروف	ح ای ۲	سپرز و جگر	مصطگی	اسارون برابر آن ۲	۲ ماشه	محلل قابض مانع نزلات دافع درد سر بارد و وسواس سوداوی مجفف مفتح مخرج جنین
دار فلفل	فلفل دراز	پیپل	معروف	ح ی ۲ ای در آخر آن ۳	سر و معده	صمغ عربی	انیسون [illegible]	۲ ماشه	محلل مفتح هاضم طعام مقوی معده رافع قی معطر دهن و [illegible] محرک باه و [illegible] مدر

نام	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
دار ہلد	کسمہ چوبہ	آنبہ ہلدی	چوب زرد	ح ی					مجفف رادع زردہ ہضم امراض سردہ گوش و دہن نافع مفتت سل برای تپ بلغمی مفید
[illegible]	[illegible]		تخم امرود جنگلی	ح ا سلہ	مفسد معدہ	شیرینی			مسہل مسمن مدر و موافق سینہ و حنجرہ و اعصاب متشنجہ و غذائیت بران غالب
	دانگ		تخم بست	ح ر					برای علل بلغمی سودہ نافع فرزجہ آن معین بر حمل مخرج جنین و مسمن بانان گندم خوردن
					باب الدال مع الباء الموحدة				
[illegible]	خرسک	بہال دریچہ	سیب معروف	ح ر					زہرہ آن مفتح صرع و درد جگر و استسقای لحمی زقی و قولنج و دابہ خراز بسیار مفید
دبس	دوشاب		[illegible]	ح ۲ در ا	مصدع	تخم ریحان خشخاش		۷ تولہ	مسمن مولد خون صالح مفتح [illegible] برای صرع و با افتیمون [illegible] زعفران برای [illegible] مفید
دبق	مویز [illegible]		[illegible]	ح ۲ ی	دل	بادرنجبویہ	اہیل نصف آن ۱۲	۴ ماشہ	ملطف محلل ملین منقی سودا و بلغم مفتح عرق النسا و بواسیر و امراض باردہ را نافع
[illegible]			گیاہ [illegible]	ح ۲ ی ۲	محرور [illegible]	بقول باردہ		۱۰ ماشہ	قابض معطش محرق لقوہ و فالج و امراض باردہ را نافع و با شیر محرک باہ
					باب الدال مع الجیم				
[illegible]	کبک دری		مرغ بزرگ از طاؤس	معتدل ح					بخور آن رافع طاعون و وبا نگاہداشتن بر آن با خود باعث یمن و برکت
دجاج	مرغ خانگی و ماکیان	مرغ و ککڑی	معروف	ح ۲ ی	ہوا و ستان [illegible]	ادویہ حارہ و نان پاک	دراج		گوشت او مولد خون صالح مزید عقل و منی محلل ملین مخرج سودا مصفی رنگ و صداست مسمن مقوی دماغ و قلب
					باب الدال مع الخاء				

[illegible] ل ازن [illegible]

ع	ف	ه	ص	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
دخان القوارير			دوده شیشه که وقت گداختن بر سقف کوره آن جمع گردد	ح ی					مقوی باصره جالی و برای سبل و ناخنه و بردن گوشت زاید زخمها مفید
دخان الکندر			دوده کندر						برای ورم و قرحه چشم و رویانیدن مژه و رفع موی زاید و التیام قروح اعضا نافع
دُخن	ارزن	کنگنی و چینا	نوعی از جاورس	ب ا ی ۲ ی در آخر اول	مولد سده	شکر و عسل	برنج		قلیل الغذا مجفف حابس بطن مدر بول بطی النزول و قشر آن با شیر و روغن مصلح الغذا
باب الدال مع الراء المهملة									
دُرّاج	تیلج و تیهو	تیتر	مرغیست	سع	محرور و یا بسین				گوشت آن مزید جوهر دماغ و فهم و حفظ و ماده منی و مقوی معده مبرد المزاج
دَردَواپ	دستنبویه	خربزه چینی و کچری	قسمی از خیار کوچک مدور						بوئیدن آن مقوی دماغ مفتح خام و پخته آن مدر بول و حیض اگرچه در خوردن غذا کمتر کننده گوشت
	دردار		درخت پسته	ب ی ۱	مولد سودا	شکر	و خشیرک	۲ م باشد	قابض رافع ظلمت بصر برگ آن مقوی دندان و لثه و پخته آن ملین طبیعت و با سرکه رافع جرب و طب
دردنکایس			گیاهی پرورش بلوط که نشاء دیده	ح ی ۲	یکدرم گشنیز	مصالح خربق اسود کنند		یکدانگ	قابض معفن کزاز و فالج و خنازیر و ستردن موی را مجرب طلای آن بر و مصفی اوساخ
دردفیقون			گیاهیست	ح ی ۳				یکدانگ	مجفف فرو آن قاطع خون و طمث و نطول آن محلل و بروغن زیتون قطور کردن رافع کری گوش و قالع دندان
دُردی	لای		ته نشین عصارات	ح ی ۳			زرنیخ سرخ		محلل رافع حمره و قروح و قلاع و مانع نزف الدم و ضماد آن زیر ناف رافع سیلان حیض
دردی الخل	لای سرکه		ته نشین سرکه						در جمیع افعال ضعیفتر از سرکه گردد مع اکله که قوی تر است
[illegible]	درونج عقربی		بیخی عقربی شکل	ح ی ۳	سحر و دریان و مصلح	راز یانه	قرنفل و زرنباد	۲ باشد	محلل طعم و سودا مقوی حواس و دل و معده مفرح مسکن ملطف ریاح رافع ضرر گزیدگی عقرب

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
[crossed out]	کسنورباس		گیاهی است	ح ی ۲	سینه و مصدع	کشنیز و کثیرا			مبخر مسکر محلل مفتح رافع یرقان و سپل و دزدی روی و مجمر آن مسمن
دریان			میوه‌ایست	ح ر					مقوی اشتهی بطیء الهضم
باب الدال مع الفاء									
دفلی	خرزهره	کنیر	نباتی است	ح ی ۳ [illegible]	مشش	عسل	بابونه [illegible]	[illegible]	محلل ورم صلب مجفف جالی مسکن اوجاع ظهر و زانو و رافع آثار جلد و از خارج استعمال کنند
باب الدال مع اللام									
دلب	چنار		درختی معروف	ب ر	غبار آن قرحه ریه	شیر تازه	قشور [illegible]		جالی مقشر طبیخ پوست تازه آن در سرکه درد دندان را مفید و سوخته آن بغایت مجفف
دلبوث			بیخ شبیه به پیاز [illegible]	ح ی ۲	حلق	در شیر پختن		تا ۲ [illegible]	جاذب جالی مسمن مسهل بیخ بزرگ فوقانی آن محرک باه و کوچک زیرین قاطع باه زنان [illegible]
دلع	خارپشت	سیلوه	حیوانی است						در روسوخته آن جراحات را نافع و در سایر افعال مثل قنفذ
دلفین	خوک ماهی	سونس	حیوانی دریائی	ب د ر				-	مقوی اعضا و مواد اخلاط غلیظ و تعلیق دندان آن بر اطفال برای رفع فزع ایشان موثر
دلق	دله		جانوری است کوچک [illegible]	ح ر					گوشت آن [illegible] جلوس بر پوستین آن بواسیر را نافع و تعلیق چشم راست آن بکتان تب ربع را مفید
دلیک			ثمر گل صحرائی	ب ی ۲	جرم آن [illegible]	گلقند	ثمر گل سرخ بستانی	تا ده درم	قابض [illegible] مقوی دل و جگر و معده رافع اسهال صفراوی و دموی مضمضه آن مقوی لثه
باب الدال مع المیم									

[illegible]

[illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
دم	خون	لهو	معروف	ح ر					مجموع آن جالی بیاض ومحلل ورشته آن قاطع اسهال ورافع سموم
دم الاخوین	خون سیاوشان	هیرادوکهی	صمغی دست	ب ی ۳	گرده	کثیرا	شادنج	سه بشه	قاطع وحابس خون از اعضای باطنی ملتحم قروح وسحج وشقاق مقعد وضعف بصر وقرحه چشم را نافع
دمادم			نوعی از لوبیا هندی	ح ی				یکدانگ	مقوی دماغ رطب اطفال قاطع سیلان لعاب از دهن
دماغ	مغز سر حیوان	بهیجا	معروف	ب ر	سعده	نقوع سرکه ادویه حاره	مغز ساق		دیر هضم مقوی دماغ ومولد منی رافع خشکی دماغ وسرسام وشقاق طلا ادمین خصوص دماغ کنجشک بسیار باهی
دمعة الشجر	صمغ لبلاب		صمغ لبلاب						جالی وبرای ستردن موی مجرب
					باب الدال مع الواو				
دوای اخرنیا			قصب جیلی	ح ی ۲					مقوی حرارت معده ومصلح فساد آن مدر بول تازه غیر مطبوخ آن طین بسته محلل رافع آروغ معطر دهن
دود البقل	کرم سبز		کرم سبز یه	ب ی					خوردن آن نافع سموم شتر ویضماد آن با روغن گزیدن جانوران سمی را نافع
دود الحریر	کرم ابریشم		کرمی سرخ رنگ	ح ای ۲					سودرصم از خشکی آن رافع خفقان بهمان قدر با عرق گندم سوده چند روز خوردن مسحق بیهی وصفی رنگ رخسا
دود خشب الصنوبر	کرم درخت کاج		کرمی سبز	حار جاد	یک مثقال کشنده	معالجه ذراریح			ضماد مدقوق آن منفجر دمل واورام ومزیل مجروح کننده اعضا یکمثقال آن کشنده معالجه آن معالجه ذراریح
دود الخل	کرم سرکه		کرمی زرد						سعود آن رافع کرم دماغ وضماد آن رادع ومحلل مقوی عصب
دود الزبل	کرم سرگین		کرمی زرد	ح ر					یکراضماد مطبوخ آن بروغن زیتون کهنه سه اینجه برای قرطه کرمن ... سر وحقنه به کچلی سنه داء الثعلب مجرب

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
دوسر			نباتی	ح ای ۲	افتیمون	کتیرا	بهموزن حب النیل	تا دو درم	منضج محلل مجفف ملین ورم آن مسهل مخرج کرم معده ضماد آن [illegible] جهت غرب غیر منفجر
دوس			نباتی	ح ی ۲				دو مثقال	مسکن [illegible]
دوقو		لالکا	تخم جزر بری	ح ۳ ی ۲	باه مرور	کتیرا	بدو وزن تخم زردک		مدر کهنه و فضول سینه و تقویت معده [illegible] و تحلیل نفخ ریاح و تفتیح سدد نافع
باب الدال مع الهاء									
دهن بلسان	روغن بلسان			ح ی ۳			تا دو وزن روغن زیت	نیم مثقال	مقوی دماغ و باصره و رحم و امراض بارده دماغیه و عصبانیه مانند فالج و لقوه و غیره و کری گوش و ربو را نافع
		دهن انگزه	روغن [illegible]	ح ی					محلل اورام [illegible]
دهنج	دهنه فرنگ		سنگی سبز	ح ی ۴					جالی ملطف [illegible]
دهن کاوی		کیوره کا تیل	معروف				روغن گل و روغن بان		مقوی حواس مفرح و سرور آور مانع اعیا رافع خفقان مستحکم اعضا [illegible]
دهن بزر کتان	روغن تخم کتان	السی کا تیل	معروف	ح ز	دهن آن مفسد [illegible]	سکنجبین			حقنه آن با روغن گل سفید وجع جراحت [illegible] وجع فواد [illegible] و مسکن درد قروح
دهن اللوز الحلو	روغن بادام شیرین	بادام کا تیل	معروف	ح ح ب	ضعیف احشاء	سکنجبین		دو مثقال	مرطب دماغ موافق تشنج یبسی [illegible] رافع سرفه خشک
دهن اللوز المر	روغن بادام تلخ		معروف	ح ۳ یابس برطوبت				۲ مثقال	مسهل اخلاط سودا [illegible] و قولنج
دهن یاسمین		چنبیلی کا تیل	معروف	ح ر				یکتوله ۵ ماشه	مفتح [illegible]

[illegible]

ع ۵ دگویند استخوانی است که از آن دسته کارد و غیره سازند

نزد اهل تجارب بجای دوغن [illegible] ... ۵

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
		دهماسا ودهاچه	گیاهی است شبیه به سنکاهی	ب ی					دوار و حبوب شستن بان سر و ضیق النفس و حمیات و تصفیه خون و فاسد صفرا و تسکین عطش و جذام را نافع

باب الدال مع الیاء المثناة التحتانیة

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
دلیفر و حبس			چیزی است سفید	ح ی					نفوخ آن در حلق نافع اسهال خناق و قلاع و ... دو قروح ... و برص و ... موی غلیظ و خوردن آن مهلک
	دیگ برویک			ح ی					ذرور آن برای اکله و ... عضو و ناسور و قروح ساعیه و طلای آن با عسل قاطع آثار و دوالی و بواسیر
دیناقوس			نوعی از خار	ح ی ۲	گرده	صمغ عربی		تا سه درم	مجفف جالی محلل ... مفتح رافع لرز ... آن مدر بول و محلل خناق و مخرج کرم معده و محذر
	دیو دار		درختی بزرگ	ح ی ۳	ریه	کتیرا صمغ عربی و روغن بادام		یکدرم	رادع محلل اورام بارده مسکن ... خشب آن فالج و لقوه و سکته و صرع را مفید

مقاله نهم در بیان ادویه که اول آنها ذال معجمه است

باب الذال مع الالف

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
ذانقی الاسکندرانی			گیاهی است	ح ی ۲				۲ مثقال	شرب طبیخ بقدر شش درم با طلا نوعی از شراب مدر و مخرج مشیمه و رافع تقطیر البول و حابس آن
ذاقنی دیدالس			قسمی از مازریون است	ح ی ۳	مطش	نشاسته کتیرا		۳ قیراط	مفتح محلل مسهل بلغم و مقی و مدر حیض

باب الذال مع الباء الموحدة

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
ذباب	مگس	مکهی	معروف	ح ر ا					محلل جاذب ... سهولت ولادت و سر بزرگ آن بریده باقی را بر شیره ... چند بار مالیدن مزیل آن
ذبل	کچکوا	کچکوا	پوست سنگ پشت	ب ی	جگر	سیب	استخوان قنفذ	۲ درم	جالی قابض مسقط دانه بواسیر ... و اورام و سرطان و خنازیر را ضماد او ... مقعد و خروج آن را نافع

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
باب الذال مع الراء المهملة									
ذراریح			حیوانی	ح۳ ی۲					مقرح منفط از سموم قتاله و فتح و نفث مدر دار البول جرب و برص و تحلیل اورام را نافع
ذره		جوار	حبی سفید	ب ی					قوی الغذا و مجفف حابس اسهال و ضماد آن مبرد و مجفف قروح و غلیظ تر از گندم
باب الذال مع النون									
ذنب الخیل			نباتی	ب ی ۲	مولد سودا	مکرر و مخرج جگر	انجبار	یکدرم	قابض قاطع نزف الدم و نفث دم زنانی و سرفه مزمن و امراض سینه و عسر النفس حار و استسقا را نافع
ذنب الخروف			گیاهی است	ح۲ ی۲					مسکن مفرح محلل ریاح قاطع خون نافع سپرز دافع گزیدگی سگ ضماد آن رافع بیاض چشم
ذنب السبع			گیاہ ہے	ح۱ ی۲	مصدع	عنب الثعلب		یکمثقال	رافع اورام ملتحم جراحات و مسکن و مخرج مستحکم کننده استخوان شکسته شرب و تعلیق آن مسکن درد اعضا
ذنب العقرب		[illegible]	ثمر گیاہ ہے	ح۱ ی۲					دافع سم کژدم و دیگر سموم بارده حیوانی و بخور آن
ذنب القط			گیاہ ہے						دافع گزیدگی تنین بحری ضماد ابا سرکه
باب الذال مع الهاء									
ذہب	زر و طلا	سونا و کنچن	معروف	م ح	مضر مثانه و آلات بول	عسل و مشک		تا دو قیراط	ملطف مفرح مقوی قلب و دماغ و حرارت غریزی و فکر و وهم و باد و امراض سوداوی را نافع
باب الذال مع الیاء المثناة التحتانیة									

[illegible]

[illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
ذئب	گرگ	[illegible]	معروف	ح ی ۳				از کبد او آن یک درم	پیه آن مراض کبد را نافع و به سکنجبین برای یرقان با آب کرفس برای سپرز و زهره آن با عسل برای [illegible] نافع
									مقاله دهم در بیان ادویه که اول آنها راء مهمله است
									باب الراء مع الالف
راتیانج			صمغ صنوبر	ح ی ۳			علک البطم و قسط		سرفه مزمن بود و جراحت [illegible] نافع از کشیدن [illegible] روز اول یکبار و روز دوم دو بار
رازیانج	رازیانه	سونف	معروف	ح ی ۱	محرور	سکنجبین	تخم کرفس	تا ۳ مثقال	مفتح سده مسکن [illegible] محلل [illegible] تریاق سموم [illegible] تخم آن با گل [illegible] نافع
	رازیانه بری	نباتی است		ح ۳ ی ۲					برای [illegible] رحم [illegible] احتباس حیض و تفتیت حصاة نافع
راسن			بیخ نباتی	ح ی ۲	محرورین	سرکه	قند و شیرینی	تا ۲ درم	مفرح مقوی [illegible] معده [illegible] نافع مالیخولیا و توحش
رامک			دوای مرکب	ب ی ۲	مثانه	عسل	[illegible]	تا ۳ مثقال	ملطف [illegible] مجفف مقوی معده و کبد [illegible] مسکن حرارت حابس اسهال صفراوی
راوند		ریوند چینی	بیخ ریباس	ح ی ۲	سنبل	صمغ عربی	گل سرخ	تا ۲ درم	مجفف قابض جالی منضج مقطع [illegible] سموم [illegible] مسهل [illegible] محلل مسکن
		رای بیل	گل نباتی هندی	ح ر					دافع صفرا مسکن حرارت [illegible] و فواق و خفقان نافع مفرح [illegible] آن [illegible]
									باب الراء مع الباء الموحدة
ربیثا			ماهی کوچک	ح ر	معطش	تخم کاهو			مهیج باه و مصلح حال معده

ح	ف	لا	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
ربّ السوس	خصابه جهک		م	جی ۲				سه ماشه	نافع ربو و خشونت سینه و نزف الدم و تشنگی و ضیق [illegible] و حمیات [illegible] و لذع ادویه مسهله
باب الراء مع التاء									
رتکم			نباتی ست	ح ی ۳	معده	سکنجبین		یکمثقال	جاذب محلل ورم ثمر آن مقی مخرج کرم و جنین مرده و قاتل زنده آن و مدر بول
رتیلا	ابخورک	مکڑی	حیوانی مانند عنکبوت						یکعدد خوردن آن قاتل ضماد کوبیده آن بموضع گزیده آن جاذب سم آن [illegible] آن برباز و رافع تپ
باب الراء مع الجیم									
رجل الغراب			گویند نبات اطریلال است	ح ای ۲					مفتح [illegible] محلل رافع قولنج [illegible] و درد کمر و پشت و مفاصل و اسهال مزمن
رجل الارنب			نباتی [illegible]	ب ی					شربش با شراب خالص [illegible] و با آب حابس بطن [illegible] و اورام حاره ضماد او تحلیلا
[illegible]									
باب الراء مع الخاء المعجمة									
رخبین	لورد		نام [illegible] شیر	ح ی ۱					کثیر الغذا [illegible] و بروا [illegible] آن مسهل
رخم	مردار خوار	[illegible]	پرنده ایست	ح ۲ ی					تخم آن [illegible]
باب الراء مع الدال									
[illegible]		[illegible]	[illegible]	ح [illegible]					مقوی [illegible] دارد

[illegible]

شفاء الاسقام ... [illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
باب الراء مع السین									
		رسکپور	شنجرف سفید (ازو ساختن دیگها بنویسند ۱۲)					۲ سرخ	برای جدری اقربحیه و آتشک و نمر فارسی و سعفه خبیثه و قروح کلیه و مثانه و ناسور الفم نافع
باب الراء مع الصاد									
رصاص	ارزیز	رانگا	معروف	ب ۳ و ر					آشامیدن آن کشنده قاطع حمرت تسکین التحال الطلای ساحیه آن با آب کشنیز تر با برگ کاسنی تر حابس نزله
رصاص الاسود	سرب	سیسه	معروف	ب ر ۲					قابض رادع و ضماد آن با روغن و آب کشنیز نافع سرطان متقرح و اوجاع مفاصل
باب الراء مع الطاء									
رطب			خرما تازه	ح ۲ ر ۱ (در یبوست آن)	دندان چشم صوت	کاهو سرکه خیار			مداومت آن با مغز بادام مسمن و مبهی و مقوی گرده و کمر و ملین طبع
رطبه	اسپست تازه			ح ر ۱				از ۲ تا ۵ درم	ملین مبهی نفاخ مداومت آن با شکر مسمن و ضماد طبیخ آن روز دو بار مفید عشه
باب الراء مع العین المهملة									
رعاد			ماهی رعاش	ح ی ۲					بستن زنده آن بر سر رافع صرع و صداع و بیه و گوشت آن اعاده شهوت پیران نماید
رعی حمامی			گیاهی است	ح ی ۲	اعصاب	سنبل الطیب		از برگ و تخم ۲ درم	ملطف مفتح محلل مقاوم سموم حیوانی مسکن درد دندان مضمضه ... طبیخ آن ۱۲
رعی الحمار			خار بست	ح ی ۲	مسقط توت	شقاقل		نیم درم	مدر جذاب ربع درم آن برای طحال نافع و عسر نفس و جنون ... نافع و مسهل قوی

ع	ف	ہ	ہ	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
زرق الحمام	گوہ مشک		گیاہے	ح ی ۲	گردہ	کثیرا	قوۃ الشیخ	۲ درم	ملطف مجفف محلل آشامیدن آن مفید لقوہ و مدر حیض و ضماد برگ آن ملتئم قروح
				باب الراء مع القاف					
رقعہ			بیخی از روب معلب	ب ی					مثقال آن با زردہ تخم مرغ نیمبرشت نافع ضربہ و سقطہ و ریزہ شدن استخوان سہ روز متوالی
رقعہ کیانے وقاع نیز گویند			درختی ست	ح ی ۲	معدہ	کثیرا		از تخم و ریشہ سہ درم	قاطع نزف الدم و نفث الدم و جالی قصبہ ریہ و صوت و شیر آن قوبا و آثار را نافع
				باب الراء مع المیم					
رماد	خاکستر	راکھ	معروف	گ ی	ریہ	کثیرا		نیم درم	مفید بیضہ و خوذہ و شقیقہ و تحلیل اورام و گزیدگی جانوران سمی ضماداً با سرکہ
رماد قصب	خاکستر نی			یاقوت محرق		کثیرا و قند		یکدانگ	مفتح سدد و ملتئم قروح و قالع آثار
رماد بلوط									قابض حابس نزف الدم جمیع اعضا مسکن مانع آکلہ رافع قرحہ قضیب
رماد قرع	خاکستر کدو								قرحہ قضیب و مقعد را نافع
رماد عش خطاطیف	خاکستر آشیانہ پرستوک			ب ی	شش	سکنجبین			آشامیدنش درد زہرا بسیار مفید
رمان حلو	انار شیرین	انار	معروف	ب ی ا ای در آخر آن	مما جیان بچگی [illegible]	انار ترش			قلیل الغذا قابض معدہ مولد خلط صالح و نفاخ مسخط صفرا و جالی مفتح [illegible] تشنگی [illegible]
رمان مز	انار میخوش			مع ب ر					مسکن حدت صفرا و ثوران خون رافع تپہای صفراوی و یرقان و جرب و حکہ

افعال وخواص	ق	ب	مص	مض	ط	م	ه	ف	ع
قابض مسکن لهیب معده و کبد و ثوران صفرا و خون و دافع صعود بخار بدماغ			انار شیرین	[illegible] و [illegible]	ب ی ۲			انار ترش	رمان حامض
ضماد پخته آن با [illegible] مساوی الوزن ضرب و سقطه را در دو سه بار مجرب									رمان بری
دخان آن دافع زکام و باعث گریختن هوام و قلی که از سوختن آن بهم رسد بهتر از قلی اشنان						نباتی است			رشت
گرم کرده آن نشف رطوبات و مستسقی را در آن دفن کردن سفید و آب بد مزه را خوش طعم کند و بالعکس					ی ۳	معروف	ریت بالو	ریگ	رمل
دافع مضرت سم مار و گزدم و انواع هوام						قرطم بری			رم رام
باب الراء مع الواو									
کثیر الغذا بطی الهضم مزید منی و برای اصحاب ریاضت نافع			[illegible]	مضعف	ب ۱	کهو مغز حیوانات		گله	روس
مسکن صفرا و حدت خون و مبرد و محرور را نافع				مبرود	[illegible]	عبارت از [illegible]		بورانی	رواصیر
مبهی مولد خون صالح و منی مسخن گرده و رحم و معین بر حمل و کثرت اولاد مخرج حب القرع			[illegible]	بطی الهضم	ح ۲ ر ۱	معروف	جهینگا مچهلی	ماهی سیک و ماهی روبیان	روبیان
ملطف محلل ریاح [illegible] و بارد [illegible] در آب جوشانیده نطول کنند					ح ۳	[illegible]			رود وار دنیا
قابض مجفف جذاب [illegible] اکال گوشت زائد و [illegible] قتال					ح ی ۳	مس سوخته		روی سوخته	روسختج
باب الراء مع الهاء									

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
ریشی	اردو		کنجد مقشر	ح ۔	مفسد اشتها	عسل و سرکه			مبهی مسمن و غلیظ و دیر هضم مفسد اشتها و بطی الخروج از معده و [illegible] مفتح و مدر بول
				باب الراء مع الیاء المثناة التحتانیه					
ریباس	ریواس و ریواج		نباتی شبیه بسلق	ب ی ۲	سینه و باه	عسل و انیسون	حماض اترج	از آب تولہ ۹ ماشه	لطیف قابض مفرح مقوی معده و احشا و جگر حاره و محرک اشتها قاطع قی صفراوی و تشنگی
ریه	شش	پهیپهڑه	معروف	[illegible] ب ر	سوء الخلط بلغمی	کرویه و سرکه			قدری از آن اطراف نرم دور کرده بریان کرده ناقهین مرضی را مفید [illegible]
ریت البحر			[illegible] شبیه شیشه						ضماد آن نقرس و شقاق را از سر تا به هم رسید نافع
ریحان السلیمان			گیاهی از جنس [illegible]	ح ی ۴	مصدع	روغن نیلوفر و کافور	مرزنجوش عنب الثعلب	از برگ یک توله ۱۰ ماشه	لطیف مجفف مسهل سودا منقی خون از احتراق مسکن نفخ محلل ریاح بواسیر را نافع
ریحان الکافور	سوسن		گیاهی است	ح ی ۲	محرورین	سکنجبین			مفتح سدد یرقان و قطع سیلان حیض [illegible]
ریش	پر		پر طیور						دود سوخته اقسام [illegible]
ریشه خطمی			م	ب ۱	معده محرور	[illegible]	خبازی	۱۰ ماشه	رافع زحیر و قولنج و سعال [illegible]
				مقاله یازدهم در بیان ادویه که اول آنها زای معجمه است					
				باب الزاء مع الالف					
زاج احمر			قسمی از زاج						[illegible]
زاج اخضر	زاج سبز	[illegible]	معروف	[illegible]	[illegible]				[illegible]

[illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مصلح	ب	ق	افعال و خواص
زاج اصفر	زاج زرد	کسیس	معروف	ح ی ۳	زیاده [illegible] خطرناک	قی بشیر تازه	زنجار	یک دانگ	[illegible] محلل [illegible] رانافع
زاج الاساکفه	زاج کفشگران	چهرکس	زاج [illegible] سیاه [illegible]	ح ی ۳					قابض جالی [illegible] و سیاه کردن [illegible] رانافع
باب الزاء مع الباء الموحدة									
زباد		[illegible]	[illegible]	[illegible]	مصدع [illegible]	معتدل [illegible]	غالیه		مفرح مقوی [illegible]
زبد	[illegible]	[illegible]	معروف	ح ر ۱	[illegible]	[illegible]	[illegible]	۵ توله	ملین [illegible]
زبد البحر	کف دریا	[illegible]	م ۳	ح ی ۲	[illegible]	لعاب [illegible]	[illegible]	یک مثقال	[illegible]
زبرجد			م ۳	ب ی ۲	مسقط باه	عسل	زمرد	۲ ماشه	جالی مفرح قاطع نزف الدم [illegible]
[illegible]			[illegible]	ح ی ۲					محلل [illegible] رانافع
زبیب	مویز		[illegible]	[illegible]	محرورین	سکنجبین	کشمش	[illegible]	ملطف [illegible] جالی معدین اور مسهل
زبیب الجبل	مویزک		[illegible]	ح ی ۳	[illegible]	کتیرا	[illegible]	۳ ماشه	جالی [illegible]
باب الزاء مع الجیم									
زجاج	آبگینه شیشه		معروف	ح ی ۲	[illegible]	کتیرا	زبرجد	۲ ماشه	[illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
باب الزاء مع الراء المهملة									
	زراوند طویل		بیخ است	ح ۳ ی ۲	جگر و سپرز	عسل	زراوند مدحرج	تا ۲ ماشہ	تریاق سموم نباتی و حیوانی جالی جاذب محلل مقطع ملطف مفتح [illegible] کشند کرم معده و حب القرع
زراوند مدحرج	زراوند گرد		بیخ مدور زرد	ح ی ۲	سپرز و ضعیف اعضا	عسل و روغن کدو و بنفشہ	زراوند طویل نیم آن [illegible]	۷ ماشہ	محلل ملطف تر از طویل فادزہر سموم منقی معده و دماغ و درد کرده [illegible] صرع و جنون [illegible]
زرنب		برہمی	نباتی است	ح ی ۲	ضعیف محرور در	کشنیز [illegible]	دو وزن دار چینی و کبابہ [illegible]	۷ ماشہ	ملطف مفرح مقوی معده و جگر و مسخن آن و مقوی اعضای رئیسہ و مصفی [illegible] و ضیق النفس و فواق را نافع
زرنباد		جدوار	بیخ است [illegible]	ح ی ۲ [illegible]		جندبیدستر	بوزیدان		مفتح مفرح مقوی دل و دماغ و معده موافق [illegible] تریاق زہر جانوران و حابس [illegible] مسهل سودا
زرافہ	اشترگاو پلنگ		جانوری	ح ا د ی [illegible]	ضعیف محرور	[illegible]			مواسیر اخوردن آن با روغن و اغذیہ با ضم و زہرہ آن برای نزول آب مفید
زررذبر	ساز		[illegible]	ح ی ۱	[illegible]	[illegible]			[illegible] کرده آن را نباید خورد [illegible] آن بل پرورده خورند
زرنیخ		ہرتال	معروف	زرد آن ح ی ۴	[illegible]	پوست بیلہ زرد	صمغ عربی	۱/۲ ماشہ	لذاع محرق اکال گوشت زائد جالی آثار [illegible] کرم معده حالق موی با آہک و خاکستر
زربر			گیاہی [illegible]	ب ی	مصدع	سکنجبین		[illegible] ماشہ	جالی [illegible] آب مطبوخ آن [illegible] سفید [illegible] یرقان و استسقا [illegible]
زرعیق			طائری [illegible]	ح ی	بطی الہضم	آب [illegible]			محرک باه [illegible] سموم [illegible] چشم [illegible] استرخا آن
	زرین گیاہ		درختی است	ح ی	مثانہ	[illegible]	[illegible]		عصاره آن [illegible] مفید عرق النسا و اخراج خون منجمد در مثانہ و احتباس بول و عسر آن
باب الزاء مع العین المهملة									

[illegible]

ع	ف	٧	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
زعرور	کیل		میوه ایست	س ۲ ی ۱	گرده [illegible]	انیسون و عود و گشنیزی	سیب ترش	[illegible] آن ۷ تولہ	مسکن [illegible]
زعفران	زرکیاس	کیسر	معروف	ح ۳ ی ۱	گرده	انیسون و سکنجبین	[illegible] آن و قسط	۱ ماشه	مفرح قوی [illegible]
زعفران الحدید			زنگ آهن	ح ی					قابض [illegible]
					باب الزاء مع الفاء				
زفت بحری			[illegible]	ح ی	ریه	کتیرا	قطران [illegible]	۲ ماشه	محلل قوی [illegible] و مسهل
زفت الرطب			[illegible]	ح ۳ ی ۱	سرد ریه	کتیرا و بنفشه	[illegible] آن قطران	۱ تا ۱۰ ماشه	منضج ملین صلابات [illegible]
زفت یابس			زفت خشک	ح ۳ ی ۲				۲ تا ۹ ماشه	ملتئم قروح [illegible]
					باب الزاء مع القاف				
	زقال		ثمر [illegible]	ب ی	سینه	شکر			مسکن عطش و التهاب [illegible]
زقوم		[illegible]	شجر خاردار	ت ی				یک تولہ تا ۱ ماشه	محلل [illegible]
					باب الزاء مع اللام				
زلابیه	حلوای [illegible]	جلیبی	از جنس حلوای	حار مسدد	سکنجبین و انار				مولد خلط صالح [illegible] رطوبت ریه و سرفه

ع	ف	ه	ھ	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
باب الزاء مع المیم									
زمج	چرغ		طائری است شکاری	ح ی					مفید ضعف دل طبیعی خفقان، رضی زهر و آن دافع غشاوه و ظلمت بصر و شبکوری اکتحالاً
زمرد		پنا	جوهریست	ب ۲ ی ۲			زبرجد	یکدانگ	مفرح مقوی حرارت غریزی دل و دماغ رافع صرع و غم و خفقان و سموم قتاله و استسقا
	زموره		زفت یابس است						برای احتباس حیض مجرب، یک مثقال آن با زرده تخم مرغ نیم برشت مانع نزف الدم هر عضو
باب الزاء مع النون									
	زنبا		گیاهی است	ح	دماغ	در سرکه پخته	اقلیمیا		سحق آن برای درد و دیار و حدت بصر پیدا کند کردن سباح شر با و لطوخاً نافع
زنجار	زنگار		معروف	ح ی ۴	حلق	شیر تازه و سکنجبین	اقلیمیا		قتال اکال لذاع عفن مقرح قالع بیاض و ناخنه و دمعه و سبل و سلاق
زنجبیل		سونٹھ	بیخی معروف	ح ۳ ی ۲	حلق	عسل و روغن بادام	دار فلفل	۲/۱ آن باشد	مقوی حافظه باه، ناصمه معده و کبد مفتح سده محلل قاطع بلغم ملین طبیعت فالج و کرم معده و یرقان مسهلی نافع
زنجبیل الکلاب			گیاهی است	ح ۳ ی ۱					ضماد تازه آن رافع کلف و آثار، ضماد برگ آن محلل اورام صلبه و خوردنش جائز نیست
زنجفر	شنگرف	اینگر	معروف	ح ی ۲	کشنده	قی بروغن گاو	شادنج		قابض جاذب قاطع نزف الدم ذرور آن مدمل جراحات و از سموم قتاله دو مثقال آن کشنده
زنبق	سوسن آزاد			ح ۲ ی ۱					ملطف مقوی دماغ و روغن آن ملین مقوی اعضاء و درجه آن مسهل خلط عراقی و غیره
زنبور	کلفیر	بھڑ	معروف	ح ی					طلای آن با عسل بمکه رافع برص و رام دموه، گزیدنش صاحبان اخلاط بارده را نافع

[illegible]

[illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
									باب الزاء مع الواو
زروان			اسم بالهندی شیلم	ح ی ۳	سبک	سپنو ... ادویه القوات			سده جاذب مخرج پیکان ... مثبت مو طلا ... دافع صرع ...
زروفامی یا سبز			گیاهی ست	ح ی ۲	جگر	صمغ عربی	صعتر	یکتوله ۵ ما	ملطف مسهل بلغم مخرج ریاح و کرم معده و خون جامد محلل اورام و فالج و ... مفید
طلب زرد فامی	سنگی سبیتی		چیرکی	ح ۲ را	محرور و مکرب	سکنجبین و سرکه	زاون و شعیر ساق گاو	یکتوله ۱ ما ۱ شه	منفتح ... محلل مفید استسقا و ... صلابت جگر و سپرز ... احشا و گرده ...
									باب الزاء مع الهاء
			...						
زهره الملح			چیزی ...	ح ی	معده	عود هندی		۱ ما ۱ شه	مجفف محلل دافع غشا و ... قروح خبیثه و آثار قروح و مانع روئیدن موی دافع اعیا و ...
زهره النحاس			چیزی ...	ح ی ۴					اکال ... قابض ... مسهل محلل غشاوه بصر ... مصلحی ... کم کند و مجفف ... بواسیر
									باب الزاء مع الیاء المثناة التحتانیه
			اسم ...						
زیبق	سیماب	پاره	معروف	ب ۲ ر ۲	دماغ		رصاص محلول	۲ ما ۱ شه	قابض اگر بر آتشک ... دافع قمل و آثار و اکله و سعفه و قروح ساعیه
زیتون			درختی ست	ح ی ا	...	مغز بادام			مرخی ... و سریع الاستحاله ... التعلیق ... نافع گزیدگی عقرب
زیت			روغن زیتون	ح ۲ و ی				۲ تولہ ۷ ما	مسهل مفید درد اعضا و عرق النسا و قولنج و مغص ... اخراج کرم معده و تفتیت حصاة
زیتار			ثفل روغن زیتون	ح					... العسل نافع درد دندان ... برای جرب ...

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
[illegible]			روشن [illegible]	ح ۲ را					مولد خون صالح و ملطف اخلاط و مدر فضلات [illegible] فالج و خدر
زیرباج	زیرباے		م ا	مع	افزجه باره				ملطف موافق امزجه [illegible] صفراوی و مسکن مره صفرا و حدت اخلاط و مفرح و مشتهی
مقاله دوازدهم در بیان ادویه که اول آنها سین مهمله است									
باب السین مع الالف									
ساج		دساگون	درختی هندی [illegible]	ب ی ۲	جگر	عناب		توله [illegible]	محلل اورام حاره و [illegible] آن مسکن [illegible]
[illegible]			صمغی [illegible]	ب ی ۲	[illegible]	شکر	دو وزن [illegible]	[illegible]	[illegible]
ساذج		[illegible]	[illegible]	ب ی ۲	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	ساکروند			ح ۲ را				۷ توله	[illegible]
[illegible]			[illegible]	ح ی				-	[illegible]
سالان			نوعی از [illegible]	ب ی					[illegible]
سام ابرص	[illegible]	[illegible]	معروف	ح ی ۲	خوردن آن [illegible]	[illegible]			[illegible]
باب السین مع الباء الموحدة									

[illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
سبج	شبه		سنگی سیاه	[illegible]	سپرز	آب انجیر			دافع خفقان [illegible] مفتح و مفتت [illegible] با صره دل با خود داشتن آن رافع چشم بد رافع درد سر تعلیقا
سپستان	سپستان	لسوڑا	ثمر درختی معروف	[illegible]	نفخ معده	[illegible]	خطمی	از ۱۰ عدد تا ۳۰ عدد	ملین سینه و حلق و اورام مسکن حدت صفرا و عطش و حرقة البول مخرج کرم [illegible]
باب السین مع التاء									
ستاور			بیخ درختی [illegible]	ب ۱					[illegible] آن با سرکه [illegible] اقسام [illegible] با نیم آثار شیر رافع سوزاک و سوزش [illegible] و حرارت [illegible] با شکر [illegible]
باب السین مع الخاء المعجمة									
سخار			گیاهی است [illegible]	ح ی ۳	محرورین	رب ریباس ترش	[illegible] آن او خر	۲ ماشه	مفید صرع و سکته و فالج و تقطیع بلغم لزج و ریاح و تقویت معده و انهضام طعام و تفتیح سده جگر
باب السین مع الدال المهملة									
سذاب [illegible]	سداب	[illegible] و ساتری	گیاهی است [illegible]	ح ی ۳	مصدع ضعف باه	سکنجبین و [illegible]	صعتر و فودنج و نعناع	۱۰ ماشه	مزید [illegible] مقطع محلل ملطف مدر منقی مفرح مفتح مشهی مجفف منی مسقط جنین قاطع باه
سراب [illegible]				ح ی ۲	[illegible]				چار درم آن [illegible] چون بر آهن بمالند زنگ نگیرد اگر بمکان مرغ و گوسفند اندازند از موذی نجات یابد
سدر	کنار	بیر	معروف	ثمر آن [illegible] ب ی ۲	مبرودین	سکنجبین			ثمر آن قابض و برگ [illegible] و نفاخ و پخته آن قلیل الغذا دیر هضم مصالح الکیموس مسهل و مطفی حرارت
باب السین مع الراء المهملة									
سراج القطرب			گیاهی است	ح ی ۱		کثیرا	رد فا باد آورد	۱ ماشه	قابض مخدر رافع سموم و گزیدن رتیلا

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
	سرخس	[illegible]	بیخ سیاه	ح ۲ ی ۱	ریه	شیخ ارمنی	قتبیل	۳ توله ۹ ماشه	[illegible] مفتح محلل نفخ مجفف ملین مخرج دافع قمل مخرج سودا و مسهل کرم شکم
		سرس	درختی معروف	ب ی					خوردن برگ [illegible] عصاره برگ آن دافع شبکوری مطبوخ [illegible] آن [illegible] مفید جذام و خدر
سرطان نهری	خرچنگ	کیکڑا	معروف	ب ر ۲	مثانه	[illegible]	سرطان بحری	[illegible]	کثیر الغذا [illegible] محلل [illegible] وضماد [illegible] جاذب سموم و مخرج پیکان و خار
سرطان بحری	خرچنگ [illegible]		مانند نهری	ب ی					مجلی ملطف مقوی عضلات [illegible] آن [illegible] مفید [illegible] و سلاق و دمعه [illegible] دندان
		سرنجی	نباتی هندی	ح ر					دافع [illegible] مفاصل [illegible] آن [illegible] دافع حمیات مرکبه بلغم و داحس را مفید
	سرو	سرو	معروف	ح ای ۳	ریه	کتیرا	اززوت سرخ		برگ آن قابض محلل قاطع نزف الدم [illegible] دافع بول الفراش و عسر البول و مخدر
		[illegible]	نباتی ست	ی او سر ح					مفتح سده خیشوم و دافع فضول دماغی و رافع ثقل سر و صداع و جذام مفید کسر استخوان
		سرپهونکه	معروف	ح ر					مفتح سده دافع سرفه و تنگی نفس و حمیات سوداویه و امراض جگر و سپرز
باب السین مع الطاء المهملة									
سطاخیس		.	نباتی ست	ح ۳ ی ۱				۳ ماشه	مزیل توحش و خوف و وسواس مالیخولیا و خفقان بارد و بیخوابی و مدر و مخرج مشیمه
سطاریون			نباتی ست	مرکب القوی					رادع اورام حاره و بارده و ضماد [illegible] برگ و گل آن بر گزیدگی عقرب و رتیلا و زنبور نافع
سطراطیوطس		حل کنبهی	نباتی ست	ب ر					رادع و مفید حرقة البول و ادرار و حبس خون کرده و التهاب اعضا و مانع جراحات ضماد آن با سرکه

[illegible]

ق قدر شربت ۱۲۱ ب بدل الدوی مص مصلح مض مضر ط طبیعت م ماہیت ۵ ہندی ف فارسی ع عربی

ع	ف	۵	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
سقطوریون			نباتی	ح ی ۳					جالی محلل مسہل رطوبات باردہ باعسل مفید امراض جگر و یرقان سدہ و مدر حیض و بقت
									باب السین مع العین المہملہ
سُعد	شکر زمین / مشک زمین گرہ بند	موتھہ	معروف	ح ی ۲ / ابی در آخر	حلق و صوت	شکر	سنبل الطیب	تا ۹ ماشہ	مجفف مدر بول و حیض و مفتت مفتح مزید فہم و عقل و مصفی رنگ رخسار و مقوی معدہ و باہ
									باب السین مع الفاء
سفادلیس			نباتی ست	ح ی ۲	جگر	کتیرا			مقوی معدہ و مسکن درد گردہ و مثانہ مفتح مدر تریاق سموم و یک مثقال آں با آب شکر و سنجد ... زرد
سفرجل حلو	بہ و آبی		معروف	معتدل ح و ب				ازآب تا ۹ تولہ ۹ ماشہ	مفرح مقوی دل و دماغ و معدہ مدر مسرت افزا روح حیوانی و نفسانی طلاء آب گرم آں رافع بہق و جرب
سفرجل حامض	بہ ترش		معروف	ب ای ۲	سوء ہضم و قولنج	عسل و انیسون			مقوی معدہ حار مسہل رافع ربو و نفث الدم و قی و خمار و تشنگی مدر بول و مفید نزف الدم
سقیدلیون			نباتی	ح ی ۲	گردہ	کتیرا		۹ ماشہ	مفتح مسہل بلغم مفید صرع بلغمی و عسر النفس و ربو و درد جگر و یرقان سدہ و قولنج و داء اسیر
									باب السین مع القاف
سقمونیا	محمودہ		معروف	ح ۳ ی ۲	تحلیل رحم آن شدہ	قے و خوردن دوغ	ہلیلہ زرد	تا ۲ دانگ	مسہل صفرا جالی محلل مفتح مقوی فعل ادویہ مسہلہ مدر فضلات قاتل جنین و مخرج کرم معدہ
									باب السین مع الکاف
سُک			ستخذ از عفص آملہ رطب	ب ۲ ح ۱			رامک	۹ ماشہ	مفتح محلل قاطع نفث الدم و نزف الدم حابس قے و بطن جاذب رطوبات و دافع بوی بدن

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
ساک المسک			همان سامک است مشک آمیخته	مائل بحرارت					محلل مفتح مبهی مفرح رافع درد دل و مفاصل و اسهال و نزف حیض
	سکباج		نوعی از غذا مرکب از سرکه	سرد و مرطب	نحیف البدن	حلویات پالوده			ملطف مفتح قاطع بلغم و صفرا و مسکن غلیان خون
سکنجبین	سکبینه	کمندل	صمغ نباتی	ح ی ۳	مثانه و گرده	کثیرا	[illegible]	[illegible]	مسخن ملطف جالی محلل مفید قولنج و اورام صلبه و طحال و مسهل [illegible] مصلح ادویه مسهله
سکر	شکر	[illegible]	م	ح ۲ ی ۱	صفراوی	شیر تازه	ترنجبین	۸ تولہ تا [illegible]	ملین طبع جالی مقوی ارواح و کبد محلل مبهی [illegible] مسکن قولنج
سکر العشر	خرک	آک	[illegible]	ح ی ۱	محرور صداع	روغن بادام	شکر تیغال	یک اوقیه	مفتح مقوی جگر و ریه جالی ملین طبع و آلات نفس مفید سرفه بارده و قرحه شش و درد سینه و ریه [illegible]
سکرجه			نباتی است	ح ی					مسهل سودا مفید صلابت سپرز

باب السین مع اللام

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
		[illegible]	[illegible]	ح ی					تریاق و دافع فساد اخلاط و ضیق النفس و دق [illegible] و جریان منی [illegible]
سلاله			[illegible]	ح ی ۲					مسهل اخلاط سوخته [illegible]
سلت	[illegible]	[illegible]	نوعی از جو	ح ی	معده	[illegible]			مسمن [illegible]
سلخ الحیه	پوست مار	[illegible]	معروف	ح ی ۲	[illegible]	کشنیز		۳ ماشه	خوردن آن [illegible]
سلحفاة	سنگ پشت	کچهوا	معروف	ح ۲ ی ۱	[illegible]	عسل		[illegible] ماشه	مقوی باه [illegible]

[illegible]

[illegible]

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
سقلمونیون			درختی است	ح ی ۲					برگ و تخم آن سحق تعبیہ بیضتی شود و دفع حشرات آن شربا و دافع سموم حیوانی نطول برگ آن محلل
سلق	چقندر		نباتے	مرکب القویٰ	معدہ و مشیمہ	بختن آن با عدس	شلغم		جالی محلل مفتح مقطع بلغم و مبرد و مسطفی و جرم آن حابس طبع و قلیل الغذا و نفاخ و ملین و محرک باہ اکلا
سلوی		لوا	طائری آبی	ح ی	الغا آن کرید	طبخ با حموضات			سریع الانحدار محرک باہ بصورت تشنگی و محرک حکہ و بثور
سلیخہ		تج	پوست درختی	ح ی ۲ در آخر آن ۱	گردہ	کتیرا	دار چینی و قرفۃ الطیب	تا ۲ ماشہ	ملطف مسخن مفرح منضج محلل مقطع اخلاط مقوی اعضاء معدہ و کبد مدر محرک حیض مقوی بصر معطر رحم
سلیمانی	دار شکنہ	رس کپور	چیزیست مصنوعی	ح ی ۴	ہلاک	شیر تازہ و قے			سم قاتل واقع گوشت زائد در غیر مرہم داخل نکنند خورند آزار دوران و غشیان عارض شود
باب السین مع المیم									
سماق		[illegible]	ثمر درختی	ب ی ۲	معدہ و جگر بارد	مصطگی و انیسون	سرکہ و اقاقیا	یک تولہ دہ ماشہ	قابض رادع مقوی معدہ دافع غثیان و سیلان و نفث الدم و کثرت البول و اسہال مراری
سمانی		بٹیر	طائری معروف	ح ی ۲	التہاب آن صورت کردہ	روغنہا			کثیر الغذا مسمن مبہی مہیج باہ زن مفرحت بصورت رقت قلب خاصیت بخور پر آن رافع تپ ربع
سمسم	کنجد	تل	معروف	ح ر ۲	بطی الہضم	بریان نمودن	تخم کتان	یک تولہ ۵ ماشہ	مغزی مفتح صالح الکیموس قلیل الغذا مسمن ملین صحت خشونت حلق و امعاء و مقعد محلل مبہی مولد سنگ گردہ
سم الفار	مرگ موش	سنکھیا	جسمے معدنی سفید	ح ی ۴	نیم درم کشندہ	مسالہ زنبق			سمی آن محلل سعفہ ملتحم قروح بارزہ شدیدہ مزیل رطوبات چشم اکتحالاً یک رتی کشندہ موش
سمغ حلیتی			گیاہیست	ح				یک تولہ ۵ ماشہ	محلل مفرح جالی مصلب اعضا قابض منقی مسکن عطش مفید تشنج عضل و عصب و قروح امعا
سمک	ماہی	مچھلی	معروف	ب ۲ ر ۲ مطلقا ۱۲	دماغ و معدہ و مبرودین	روغن گاو یا بادام یا شہد			مرطب مسمن مہیج باہ مولد منی و شیر [illegible] مصفی قصبہ ریہ دود آن دسل و دق و سعال یابس

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
سکة الصیلہ			ماہی ست	ح ی ۳		[illegible]			سکتہ از کف آن باز رد و تخم مرغ نیم برشت نہایت ... باد کہ قریب بہلاکت رساند
سمن	روغن	گھی	معروف	ح ی در اول ...	[illegible]	[illegible]		ورتد اوسے تا ۲ اوقیہ	محلل ... سموم ... [illegible]
		سمندر سوکھ	تخم ...	ب ر ا	نفاخ	شیر	تخم ...	۲ ماشہ	نافع سوزاک و سوزش بول ... قابض ... و مسکن ... مولد منی
		سنہ ...	۰	ح ۲				نصف عدد	نافع ... [illegible]
سمندر			حیوانیست						[illegible]
سمور			حیوانی در ترکستان ...	ح ی					[illegible]
سمیرا			[illegible]	ح					در ضمادہای امراض باردہ استعمال کنند
سمن		[illegible]	معروف	ح ر					[illegible] ... روغن تازہ

باب السین مع النون

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
سنا مکی		حمار	برگی معروف	ح ی ا	[illegible]	[illegible]	برابر آن ...	۲ درم تا ... ماشہ	مسہل اخلاط ثلثہ ... [illegible] ... قولنج و ضیق النفس
سنباذج	سنگ سنباذہ	کرند	سنگی ست	ب ی ۲	عصب	زعفران	[illegible]		[illegible] ... مستعمل
سنبل الطیب		بال چھڑ	گیاہی معروف	ح ی ۲	گردہ	طباشیر یا کثیرا	بوزن آن ...	۳ ماشہ	محلل ... [illegible] ... ضیق النفس

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
سنبل رومی			خوشبو سیاہی گلابی	ح					محلل نافع درد گردہ و مثانہ مدر ترياق مفيد امراض باردہ معدہ و جگر و گردہ و يرقان و عسر البول
سنبل جبلی	ریشہ دار		نباتی ہست	ح ی					مقوی اعضا محلل ریاح و نفخ نافع استسقا و قی و غثی و عسر البول محلل کبد و مقوی قوت ماسکہ
سنبوسہ	سنبوسہ	سنبوسہ	م سلہ	ح ر	مسدد	سکنجبین			کثیر الغذا مقوی اعصاب مسمن مہیج اشتہا و ثقیل و مسدد و مولد ریاح
سنجاب			حیوانی ہست	ح و ر ۲	مولد قولنج	روغن بادام			گوشت آن مسکن حرارت و مفید درد سینہ و خشونت و پوست آن معتدل المزاج و نافع اوجاع عصب
سندروس		چندروس	چیزی مانند کہربا	ح ۲ ی ۲	گردہ	صمغ عربی	کہربا شمعی سادج ہندی	۱ ماشہ	مجفف حابس نزف الدم و نفث الدم جميع اعضا قاتل کرم معدہ و حب القرع مدر بول و حیض نافع خفقان
سند الطیس			گیاہی ہست	ب ۲ ی ۳					قاطع نزف الدم و قابض طمث و قروح [illegible] نافع اورام [illegible] زیر و [illegible] شراب آن برای قرحہ امعا و اسہال نافع
	سنگسبویہ	چکوندر کا	دانہ ایست صنف قرنی	ح ی ۳					ضماد آن [illegible] اورام خبیثہ و کلف و نمش [illegible] و جرب [illegible] امراض سوداوی و صفراوی
		سنگھاڑا	معروف	تازہ آن ب ر	سیر و دین				مقوی باہ محرورین مفید [illegible] و اسہال الدم سنگ گردہ و مثانہ و سوزش [illegible]
سنور	گربہ	بلا و بلی	معروف	ح ۲					طلای گوشت آن با روغن [illegible] سرخ بروز تپ [illegible] نافع آن [illegible] آن [illegible] سیاہ آن [illegible]
	.	سنگھاپولے	گیاہی معروف	ح ۲ گوید ۳					طبیخ [illegible] ماشہ آن [illegible] محلل ریاح [illegible] آن [illegible] مزید منی و مقوی باہ
		سُنسُر	دانہ مثلث	ح ی ۲					[illegible] آب سرد [illegible] خام و غلیظ محترق [illegible] سوداوی و مفید [illegible]
باب السین مع الواو									

ع	ف	ه	ہ	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
سودالی	دار لور دار بر		طایر بست	ح ی					بسیار مضر برای دماغ و صاحبان ہزال
سورنجان		بربری	بیخی ست	ح ۳ ی ۲	سعده	کتیرا	حنا ثه	۳۰ ماشه	مسهل اقسام بلغم و مفتح جاذب اخلاط از بدن رافع یرقان و سپرز و باعسل مفید عرق النساء و نقرس
سوس	مهک	بیخ بیهی و	نباتی	ح ۲ ی ۱	گرده	کتیرا	کتیرا	یک توله ۵ ماشه	منضج اخلاط غلیظه مسکن تشنگی و التهاب معده مسهل رطوبات مقوی اعصاب محلل ورم مفید ربو
سوسن			نباتی	ح ا ع بر					مفید امراض ریه و طحال و کبد و رحم و بوی اسپرغم ناز بر و مدر حیض و سنبل قروح رافع سموم ملدوغ
سولان			بیخی سرخ بشکل گرم	ح ی ۴					محرق جلد سعوط یک حبه آن آب چقندر نافع لقوه طلا ایش محلل سلع و اورام بارده
									باب السین مع الهاء
		سهدیوی	نباتی معروف	ب ر					مقوی بدن دافع غلبه صفرا و تپ گرم و بوی سپرغم آن بقدر یک فنجال تا هفت روز رافع سنگ مثانه
		سهجنه	درختی معروف	ح ی					محلل اورام مقوی باصره مشهی مدر بول عصاره بیخش تازه با شیر گاو رافع حبس البول و سقوط مشیمه
									باب السین مع الیاء
سیو			گیاهی خوشبو	ح ی ۳					مفتت سنگ گرده و مثانه مدر شیر با محلل اورام و صلابات
سیسارون			بیخ نباتی	ح ی ۲					محلل مقوی معده مشهی طعام مدر بول نافع ضعف معده و اعضای باطنه
سیسالیوس			درختی ست	ح ر ۲	مصدع محرور	کشنیز	بادآورد	۲ ماشه	مقوی و بدنع معده حابس اسهال و نفث الدم رافع سپرز و با شیر تریاق سموم

آن نقل ۱۳ نقد ورق ۱۴ ... ۱۲

[illegible] ۱۳ [illegible] آنست به [illegible] ... سیاه [illegible] شیرین [illegible] اندر [illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
سیسیا			ماهی ست	ح ی ۲					بطی الهضم یلین البطن خاکستر آن مقید [illegible] الثعلب [illegible] جرب [illegible] کسر استخوان آن جالی
		سیسبول	درختی معروف	ح ر					مصلح ذہن مفرح رافع جذام و برص [illegible] درد مثانه و فساد خون قاتل کرم شکم و [illegible] چوب اندرون آن
		سیسنبل	درختی معروف	ح ر و گویند ب ی					براده موسله درخت یک دو ساله آن برابر آن نبات تا ۶ ماشه تا ۹ روز خوردن بغایت مقوی باه و کمر و مسک
سیلان			عصارهٔ خرما	ح ی ۲	محرورین	میوهٔ ترش			منضج محلل مرقق طبیعت حالی معده امعا مقوی کبد باه و منعظ [illegible] الغذا محرق خون [illegible] مسدد
سیسالیوس	کاشم رومی		نباتی ست	ح ی ۲	محرورین	کثیرا	انجدان	۴ ماشه	محلل ملطف مسکن مفتح مقوی معده مدر سفید صرع و عسر نفس مقوی باه مخرج جنین
سیسنبر	سیسنبل	برنان	نباتی ست	ح ی ۳	ربه	کثیرا	بادروج مرزنجوش	از خشک آن ۴ ماشه	مفرح مفتح مقوی احشا و روح دماغی مدر بول و حیض مخرج کرم معده جنین مرده محلل رافع درد
		سیسم	ترکاری معروف	ب					مقوی معده گران [illegible] قابض [illegible] باد انگیز و چون که اندکی عفونت دارد مقوی معده گفته اند

مقالهٔ سیزدهم در بیان ادویه که اول آنها حرف شین معجمه است

باب الشین مع الالف

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
شاهطل	ریشمک	ساتهل	دوای هندی	ح ی ۳	مصدع	فواکه بارده		۷ ماشه	مسهل قوی بلغم سفید فالج و لقوه و رعشه و صرع و امراض بارده دماغی و از جمله اجزای معجون نجاح
شارف		بدهارا	شبیه بانور تربد	ح ی ۱					مسهل بلغم مائی سفید امراض بارده تبین [illegible] مقوی باه سفید [illegible] اعضا و امراض بارده
شاهترج	شاهتره	پت پاپره	معروف	مرکب القوی معتدل	ربه	کاسنی	نصف آن سنا	از جرم آن یک تولهٔ ۶ ماشه	مفتح سدد کبد و طحال و مقوی کبد و معده مسهل اخلاط ثلاثه مصفی خون مدر بول [illegible] اسفید [illegible]

١٢٩

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
شاهسفرم	شاهسپرم	تلسی	نباتی معروف	ح ا ی ۲					مفتح محلل اورام جمیع اعضا عصارهٔ آن با شکر رافع درد سینه و ربو و شرب [illegible]
شاه چینی			عصارهٔ جاوه سیاه	ب ی ۳					مجفف قابض طلای آن دافع صداع حار و با گلاب [illegible] اورام و [illegible]
	شاهبیاک		بنفشه [illegible]	ح ی ۲					مفید صرع و آب [illegible]
شاهل	وشاهسپرم وشاهل	ازهسر و نور	غله معروف	ح ی ۲	ثقیل	ترشیبا			نفاخ بطی الهضم قلیل الغذا [illegible]
باب الشین مع الباء الموحدة									
شب یمانی	زمرد زاک سفید	پھٹکری	معروف	ح ۲ ی ۳	[illegible]	شکر [illegible]	[illegible]	[illegible]	مجفف قاطع نزف الدم [illegible]
شبت	شوت و شود	سوا	معروف	ح خا ۲	محرورین	آب لیمو	تخم آن [illegible]	[illegible]	محلل مفتح [illegible]
شبرم			نباتی	ح ۳ ی ۲	محرورین	[illegible]	مازریون	یکدانگ	قتال مسهل [illegible]
شبه	رودی توتیا	کبهو [illegible]	جسد [illegible]	ح ی ۲	طحال	عسل		یکدانگ	مقوی [illegible]
باب الشین مع التاء المثلثة									
شت			گیاهی	ب ی ۲	شاته	عناب	سماق	[illegible]	آب آن [illegible] قاطع نزف الدم [illegible]
باب الشین مع الجیم									

[illegible]

۱۳۰

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
شجرة ابی مالک		.	نباتی ست	ح س ع ی	مثانه	سکنجبین	مجرا رینی	تا ۱۰ ماشه	مقطع بلغم جالی مسهل سودا دافع امراض سوداویه جذام و قرحه ردیه نزف الدم و فساد
شجرة الرب			درختی است	ح ی				تا ۵ دانه	دانه شاخ بالایی آن مقیی و دانه شاخ زیرین آن مسهل و دانه شاخ وسط آن مقیی و مسهل
شجرة مریم		۰	نبات بخور مریم	ح س ع ی	ریه	کثیرا		تا ۱ ماشه	مفتح رافع بلغم محمر بشره و جالی مفید زکام بارد و نزول آب در چشم و رافع عسر الولادت
									باب الشین مع الحاء المهملة
شحرور			طائری	ح ر ۲	معده	روغن			سریع الهضم صالح الغذا مفید کزاز و مالیخولیا و فالج خورش با روغن بادام مورث حسن صوت
شحم	پیه	چربی	معروف	ح ر	معده و مفتح و رشح	سکنجبین	روغن بنفشه		شحم خرس مفید داء الثعلب و پیه خوک منضج و ملین اورام حاره و مسکن اوجاع
									باب الشین مع الراء المهملة
	شربین		قسمی از سرو	ح ی ۳	مصدع	کشنیز			عروق آن دافع داء الفیل نافع بخور بخته موتطولا و رافع قمل و محلل طحال دافع درد دندان
		شریفه	معروف	ح ر ۲	نفاخ بطیء الهضم				مسخن مجرب معده محرک سوداوی و ساکن بلغم طبیعی اکثار آن مولد خون بلغمی محدث حمیات
									باب الشین مع الشین المعجمة
ششترت			بیخ نباتی	ح ی					مجرب برای استسقاء و مخرج آب زرد
									باب الشین مع الطاء المهملة

ع	ف	ﻫ	ه	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
شطیبه			نباتی	ح ی					مفید تبهای حاره خاصة مدر مفتت محلل ریاح معده مفید علت شوکه ضماداً
باب الشین مع العین المهملة									
شعر	موے	بال	معروف	ب ی					سوخته آن سخن مجفف قروح محلل و قاطع ثالیل با سرکه کلف و تقعید بیرون آمده رورا
شعر الجیاد			نباتے	ح ی					بخورش مفید تب ربع و تعلیق آن مانع ماندگی پیاده روندگان
شعر الغول			گیاهیست	معح ی					مانند پرسیاوشان منقی سینه بخورش دافع تب و تعلیق آن بر بازو مانع ماندگی
شعیر	جو	سیج	معروف	ب ی اَ در آخر اول	مثانه و سوزش لاغری	برو عنبا و انیسون			جالی قابض مجفف ادر مسکن غلیان صفرا و خون عطش و حدت حمیات حاره سل و دق مناسب
باب الشین مع الفاء									
شفنین البری	بو تیمار	بگلا	مرغیست	ح ی ۲	محرور	مهرکه کشنیز			سعفن حجیم و آن سخیل بخون صالح و مقوی قوت ماسکه موافق مفلوجین حجر گرد باد و مقوی حفظ
شفنین البحری		ساکوچ	حیوانی دریائے						خار آن بر جای حراب نهادن برست بجرا بی و دفن آن در خانه متفرق اهل خانه باشید مسحوق آن برد [illegible]
باب الشین مع القاف									
شقاقل	گزر دشتی	ستالے	بیخی بر گره	ح ا ر ۲	اشتهاء و صداع	عسل	حب الصنوبر و بهیدان	بمقوله ما شه	مبهی مفتح قاطع بلغم مسخن معده و کبد و گرده و مقوی پشت و بے [illegible] و اعضا
شقائق النعمان	گل لاله		نباتیست	ح ی ۲			شیخ	از گل ۱ ماشه	جاذب ملطف مفتح جالی مجفف آشامیدن گل خشک آن [illegible]

[illegible] جمرة الجبان [illegible] دوا [illegible] برص [illegible] آن طلا سازد قدرا

[illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
شقراق	کاسکینہ	لٹورہ	مرغی ست سبز	ح ی ۲	مصدع	سکنجبین عسلی و شکر سفید			محلل ریاح غلیظہ و مواد بلغمیہ و بیرون برہم ... سحر و درین طلای سرگین آن دافع کلف
باب الشین مع الکاف									
شکاعی			شبائی ست	ح ی ۲	ریہ	صمغ عربی	باد آورد	۲ ماشہ	مجفف قابض ملطف بلغم مفتح قاطع نزف الدم ... آن مفید امراض معدہ و کبد و حمیات مرکبہ [illegible]
شکرتیغال	تیہال		غلاف حیوانی	ربع ح	مغثی	شکر و ترنجبین	نبات	یک تولہ تا ۵ ماشہ	ملین صدر و خشونت آن مسکن حدت اخلاط و سوزش مری مفید سرفہ و مصفی صوت و خشکی گلو و معدہ
شکرقند	زمین قند	شکرقند	معروف	ح ر	نفاخ مسدد				مولد منی و مقوی باہ و مغلظ منی و باعث تقویت دماغ
باب الشین مع اللام									
شلل			ثمر درختی	ح ۳ ی ۱	ریہ	عسل		۱۰ ماشہ	محلل قوی ملطف مسهل و دافع ریاح مفید صلابت عصب و فالج و عرق النسا و قولنج
باب الشین مع المیم									
شمع	موم	موم	معروف	ح ۲ مع ر	دافع شقیقہ	نان	آرد باقلا	۱ ماشہ	محلل نضج ملین عصاب ... قروح و سعلہ و حافظ ... روغن کنجد حل کردہ خوردن ... قروح باطنی و سحج
باب الشین مع النون									
شنند		ست	خوشبوی ...	ح ۲ ی ۱	... مخشن معدہ	روغن کنجد		۲ قیراط	مقوی دل مفتت دافع اخلاط لزجہ سینہ ... فضلات مفرح ... زعفران مفید خفقان و سرفہ
باب الشین مع الواو									

صاحب اسهال

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
شتراز	کباب بریان	کباب	گوشت بریان	ح ی	انکشاری نفاخ و ثقیل				بدیدن آن وقت بریان نمودن مقوی تقلیل امراض و نافع و مریع الانهضام جیلکیموس مقوی اعضای رئیسه
شوشمرو			گیاهی است	ح ی ۲					مفرح مقوی ارواح و مقوی حیض مفید تشنج النفس با شراب و حقنه برای اوجاع مفاصل و اخلاط مشود
شوصف			نوعی از یادریج خبیث	ح ی					قابض مغیر برای اسهال و جلوس در سایه آن ممنوع
شوکران	بیخ نفت		بیخ نباتی	ب ۳ ی ۳	و دودرم کشنده	قی و اسهال	بزرالبنج	نیمدانگ	مخدر مسکر سم مانع کسر استیضال و مانع شیر آن بر خصیتین مانع احتلام بر عانه مانع سر آمدن پستان
شوخه			نوعی از نقش	ب ا ر ۲	سبرودین	سرکه و خردل			رافع ریاح و عفونت و مسخن جاذب دم از عروق ظاهر جلد و مبهی
باب الشین مع الیاء المثناة التحتانیه									
شیبه			گیاهی است	ح ۳ ی ۲				۱ مثقال تا ۳	مفتح محلل مدر حیض منقی فضلات مواد مسکن شر با ضماد شش رافع اورام ریحی بلغمی جاذب جنین تر با
شیح	درمنه		نباتی	ح ی ۳	مصدع محرق	مصدع و ترس	افسنتین	۱ تا ۳ ماشه	مفتح قاطع بلغم محلل ریاح مسهل اخلاط فاسد مدر فضلات مخرج کرم معده دافع زهر عقرب ریتلا
شیخ البحر			حیوانی بحری						ولش نافع داء الثعلب و بهق و تعلیق پوست آن مانع تولد نقرس و دافع آن و رافع تبهای بلغمی بحور
شیرخشت	شیرخشک		شبنمی است	ح ا ی ۲ بر	مولد ریاح و مسرع الانزال	رازیانه و روغن بادام	ترنجبین	۵ تا ۱۰ ماشه	جالی ملین طبع مسهل صفرا مقوی جگر معده مسکن حرارت معده قلب و جگر رافع تبهای حاره و سرفه و خشونت سینه
شیطرج		چیتیه	گیاهی است	ح ی ۳	ریه	صمغ عربی و کتیرا	مرجان	۲ تا ۳ ماشه	جالی محرق منقط مقرح جلد مفتح مسهل مصفی آواز دافع ریاح و سموم و مبهی و مسقط جنین ضماد آن بر کبد مفید برص
شیلم	گندم دیوانه		دانه ایست	ح ی ۲	مسکر و مخدر	قی و روغن و شیر	حند قوقی		مخدر مفسد صوت و سوم موجب سده جاذب خار و پیکان محلل و با زرد کتان و سرگین کبوتر برای کشند قروح

[illegible] ای درم سوم ۱۲ — سمور درم [illegible] اوزان — بوعلی — [illegible] برهان — [illegible] — فارسی [illegible] — دیفقین [illegible] — اصطلاح الادویه ۱۲ — [illegible] — ای صاد — درم اول ۱۲ — ای در — علل [illegible] — قرآن [illegible] — دور بنا ۱۲

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
مقاله چهاردهم در بیان ادویه که اول آنها حرف صاد مهمله است									
باب الصاد مع الالف									
صابون			معروف	ح ی ۳	۲ درم کشنده	قی با سرکه گرم و روغن کنجد		تا ۷ ماشه	مقطع معفن اکال منضج ملین اورام جالی مانع حمل اگر محمول کنند مخرج جنین ... مدر حیض رافع درد زانو
صاصفرامن			پوست درختی	ح ی ۳					ملطف مرقق رطوبات لزجه منضج مفتح مقوی اعضای رئیسه محلل مزیل عسر البول رافع بواسیر
صاصلی			نباتی ست	ح ر					مفید درد فواد و ابرده و ریاح و فم معده و اکثار بیخ آن مهیج تخم آن در افعال مانند شونیز
صامریوما			نباتی ست	ح ی ۲	سپرز	عسل		تا ۲ ماشه	محلل جالی مسهل بلغم و مره سودا مدر حیض مخرج جنین تریاق زهر کزدم و رتیلا با شراب شربا
باب الصاد مع الباء الموحدة									
صبر سقوطری	ایلوا	ایلیا	صمغی ست	ح ی ۲	امعا	کتیرا	حضض کی	۴ ماشه	مفتح محلل مسهل اخلاط مجتمع در معده و سر و مفاصل مزیل یرقان مقوی معده و بصر و حواس دافع تنخیه
باب الصاد مع الحاء المهملة									
صحناة	ماهیانه			ح ی	محرور و سوداوی	زنجبیل کابو			مجفف رطوبات معده قاطع بلغم و جالی آن دافع بوی کاهش مفید فالج و امراض بارده و مقوی هضم و مشتهی
باب الصاد مع الدال المهملة									
صدف		سیپ	معروف	ب ی					ملطف جالی حابس اسهال و نفث الدم و نزف الدم و مقوی لثه و جالی دندان ... مزیل قروح الیل

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
باب الصاد مع الراء المهملة									
صریمة الجدی			نباتی	ح ی ۲	گرده	عناب		۷ ماشه	مفتح مدر بول ملین مخرج مشیمه منقی رحم دافع عسر نفس محلل وشموم گل آن مقوی دماغ و تمو محرک باه
صرصر	چرواشک	جهینگر	معروف	ح ی ۲					بریان آن مفید مثانه اگلاو سائیده خشک آن با علفل مفید قولنج مرفوع العلاج
باب الصاد مع العین المهملة									
صعتر	ایشن	ساتر	برگ گیاہے	ح ی ۲	ریه	سرکه		تا یک تولہ ۱۰ ماشه	مفتح مقطع مجفف محلل ریاح و بلغم و ملطف اغذیه غلیظه مشهی منقی ریه معده و جگر و امعا
باب الصاد مع الفاء									
صفرا غول	سنگ بچه سنگ گز	ممولا و کهنجن	مرغی ست	ح ی ۲					گوشت آن تلخ و با قوت تریاقیت تمام و محرق آن با ماء العسل تفتت سنگ گرده و مثانه بدرد و مفید عسر البول
باب الصاد مع المیم									
صمغ	آردو کوج	گوند	معروف	ی س ح	سفل	کتیرا و گلاب و صندل	صمغ بادام و حب الآس		مغری ملین صدر قابض مقوی معده و حافظ استخوان رافع حدت و نکایت ادویه حاده و اسهال صفراوی
صمغ البلاط			نقاوه بلاط الکبر و غیر المجلو						ذرور آن برای التصاق موی اندر چشم و التیام جراحات تازه و مانع آنها از تفتیح قوی
صمغ الدامیثا			صمغ تلخ	ح ی				۱ ماشه	ملطف مسخن محلل و قائم مقام حلتیت الا کریه الرائحه نیست
باب الصاد مع النون									

شقاقل العاقل بیدا سازد ۱۲ در گوش درد نفع نمود ... دفع ... قوت ... رانی ... کرده در ... سیاه را ... ماکسر ... حاشیه

ذکاءالله … ۱۲۸۶ …

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
صندل		چندن	معروف	ب ای ۳	قاطع باه و صوت	عسل و نبات	کافور و نشمنه	سوده ماشه	سفید آن مفرح مقوی دل و معده و … قابض محلل اورام حاره جالب سوداء … سفید خفقان حار و … صفراوی … سرخ آن در افعال مذکوره ضعیف تر و مقوی … و سفید در …
صمغ العربی			… اقراصی	ح ی ۳	مقرح	روغن گل			قاطع اسهال … و … مندمل جراحات … قاطع سیلان … و محلل … قاطع حمل
صعتر			… درختی	ح ی ۳					برگ … دندان
باب الصاد مع الواو									
صوف	پشم		معروف	ح ی ۲					سرخ آن برای … بدن … خارش و سخت … جلد
…			…						قاطع اسهال … الدم جمیع اعضا
مقاله پانزدهم در بیان ادویه که اول آنها حرف ضاد معجمه است									
باب الضاد مع الالف									
ضان	گوسپند	بهیڑی	معروف	ح ر ۲					… مولد خون متین کثیر الغذا … مقوی … دل جگر و گرده و مقوی … و معده
باب الضاد مع الباء الموحدة									
ضب	سوسمار	گوه	جانوری است	ح ی ۳	محرور	…			مقوی باه … آن … کلف و بهق …

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
ضبع عرجا	کفتار	بجو دچرکہ	حیوانی بزرگ	ح ۲ ی ۲	ربہ	عسل			جلوس بضبیخ آن مفید وجاع مفاصل و تمدد وکزاز و استرخا و عرق النساء و نقرس و ریاح غلیظ و زہرۂ آن مسہل
باب الضاد مع الجیم									
ضبجاج			صمغ درختی	ح ی ۲					ضماد آن برای بردن گوشت زائد قروح و ملتئم آنہا و با عسل برای ام برام بارد و سستی اعضا و صفی تجا
باب الضاد مع الراء المہملۃ									
ضرو	درخت کک		درختی است	ح سے			بدل وزن آن وزن حب البطم		جاذب مفید سرفہ بارد و سیلان رطوبات از دہن و رحم شرباً و حابس بطن و مفید درد دندان و گوش و قلاع
ضریع			برگ نباتی	ح سے					مفید زرد و مفاصل رطوبات رافع جرب و حکہ و مفید کام بخور او ملتئم جراحات و خورندۂ آن ہرگز فربہ نگردد
ضرع	پستان	چوچی و تھن	معروف	ب ا ی	مبرودین	خولنجان مصطکی			صالح الغذا اگر خوب ہضم شود و الا مولد خلط خام بلغمی و مدر بول و مزید شیر و دافع خمار
باب الضاد مع العین المہملۃ									
ضغیوس	سنجہ		غنای کوچک						برگش قاطع باہ و بیخ زیر زمین آن محرک باہ و کاسر حدت صفرا و ملذذ طعام است و کشک
باب الضاد مع الفاء									
ضفدع	وزغ	ینڈک	معروف	ب ۳ ی ا	سم قتال	قی آب و نمک			بری سم قتال اگر زنش بریسمان بستہ الماس خورده بلع نماید و بکشد الماس چسبیده بر آید
باب الضاد مع المیم									

[illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
زعفران			نباتی	ح ی ۲					سفید امراض بارده و زکام سفید قراح ضماد آن سوختگی آتش را نیز مفید و دماغ محرور گلاب پاشیده
مقاله شانزدهم در بیان ادویه که اول آنها حرف طای حطی است									
باب الطاء مع الالف									
طالیسفر				ح ی ۲	رئه	عسل	کمون	۴۰ ماشه	مفید لقوه و فالج و نفث الدم و نزف الدم حابس اسهال مع اسیر قروح امعاء مفید درد دندان و قلاع
طالیقون	مس		سی زرد	ح ی ۳			و گویند سنبل و گرم آن ۱۲		سم و چون منقاشی از آن ساخته موی را از آن کشند بر نیاید نظر بآئینه آن بجانه تاریک مفید صاحب لقوه
طاوس		مور	معروف	ح ی ۲ ی در آخر ۱۲	گوشت آن بسیار گرم	ابازیر			بطی الهضم مولد خلط غلیظ و مقوی باه و مرقه آن دافع درد معده و قولنج و مفاصل
باب الطاء مع الباء الموحدة									
طباشیر		منبلوحین و تباکوهیر	معروف	ب ۲ ی ۲	مداومت آن با عسل	مصطکی	تخم خرفه	۷ ماشه	قابض مفرح مقوی دل حار و بارد و معده و جگر حار و مسکن عطش قاطع قی صفراوی و اسهال دموی
طباق	امیر عمر بیابانی		نباتی است	ح ی ۲				۷ ماشه	گل صغیر آن مقوی کبد و مفتح و مفتت و دافع سموم و مسهل و مخرج جنین و برگ آن رافع صداع
باب الطاء مع الحاء المهملة									
طحال	سپرز	تلی	معروف	ب ی	سوداوی غیر بد	پاک کرده از عروق			بطی الهضم ردی الکیموس مولد خون سوداوی و ذرور خون خشک آن ماسک قی و قاطع نزف الدم جراحات
طحلب	ججرابه	کائی آب	سبزی است	ب ر ۲					حابس دم ضماد آن محلل مفید ورمهای حاره و نقرس و فتق اطفال و قابض مخرج زلو من حلق

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
									باب الطاء مع الخاء المعجمة
طختیقون		ه	دوائی مسمی	-					ضماد آن سفید قو باد و گوسپند حلقیت یاد زہر آن ست وضماد کردن بموضع جراحت آن (ترنا ۱۲)
									باب الطاء مع الراء المهملة
طراثیث			نباتی ست	ب ی ۳	ربه	شکر	عفص ۲	تا ماشه	قابض قاطع حابس اسهال وسیلان خون و عرق و مقوی کبد و معده و محلل مقوی مفاصل
طراشنه			نباتی ست دو قسم	ح ی					اکتحال عصاره صنف اول رافع بیاض چشم و عصیر آن دافع نفخ و ضعف کبد و طحال و دوم نیز کذلک
طراغیون (جرجیر)			نباتی ست						اکتحال آن مانع کثرت دموع و معطر بوی دهان سعفا
طراغیس			نباتی ست مغروس	ح ی					ده دانه آن با شراب برای اسهال و سیلان رطوبات کهنه نافع
طراغیوث			نباتی ست	ح ی ۲					سفت باشراب و عدم حیض مخرج جنین شرباً جاذب خار و پیکان ضماداً و کهنه آن قابض حابس اسهال
	طرخون		نباتی ست	ح ی ۳	محرورین و قاطع باه	بقول بارده			محلل ریاح و انحلاط مفتح مقوی معده مشهی مجفف ناشف معطر دهن و محمد آن مفید قلاع
طرفا	گز	جهاؤ	درختی ست	ب ای ۲		-	اقل		قابض مجفف رادع محلل مفید جذام و یرقان و مفتح و مقوی لثه و دندان و حابس اسهال
طریخ	سلوا ماهی	ماهی ست	ح ی ۱	محرورین	بروغن کنجد بریان				مشهی بهی جالی مقطع بلغم معده ملطف سودای غلیظ مفید حمیات حادطین
طریفلن		نباتی ست	ح ی ۳	گرده	کثیرا			ده ماشه	مفتح مقوی معده و جگر مدر بول حیض مزیل صرع و شوصه و استسقا و عسر البول و سموم و هوام

ولطریخ [illegible] اُمّ نصو [illegible] ف [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بربطان [illegible] درطلاد رس [illegible]

[illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
طريقوليون	-		نباتی ست	ح ی ۳	سفل	کتیرا		تا ۷ ماشه	مقوی معده وجگر قاطع اخلاط بارده مفید خفقان دافع سموم ودو درم بیخ آن برای اسهال البطن
باب الطاء مع الفاء									
طفشل	عدسے		عدس مقشر	باه وامراض سوداوی	شیرینا				قلیل الغذا مقوی معده حار مسکن حدت خون وصفرا مفید تپهای مرکبه بلغمیه صفراویه قاطع جنین
باب الطاء مع اللام									
طلع	بهار خرما		شگوفه درخت خرما	ب ی ۲	اکثار آن مولد قولنج	شیرینها			مقوی معده قابض طبع مسکن حدت خون ونیم اوقیه خشک آن دافع عطش شرباً واسهال
طلق	ابرک	ابهرک	معروف	ب ۲ ی ۳	سپرز وگرده	کتیرا وتخم کرفس		تا ۲ ماشه	بادویه مناسبه برای اسهال دموی وکبدی ونزف الدم همه اعضا نافع شرباً ومفتت سنگ گرده ومثانه
باب الطاء مع الیاء المثناة التحتانیه									
طیرانه			نباتی ست	ح ی ۴					از سمیه وقتاله تا آنکه اگر بوبیند ولمس کنند
طین	خاک	مٹی	معروف	ب ی	مضر صحاب حصاة ودیدان				قابض مجفف جالی سده حابس اسهال مسکن التهاب گرمی معده ومقوی اعضا
طین الابیض			خاکی سفید	ب ی					جالی محرک موی بعد غسلاً ومفید قروح فرسنه ودامیل ومحلل اورام حاره ومسکن آنها
طین الاخضر			خاکی سبز	ب ی					بریان نموده آن دافع حرارت قلب اکلاً وغسل سر بآن مسکن حرارت ودافع حرک وشپش
طین الارمنی	گل ارمنی		گلے سرخ	ب ی ۲	طحال	مصطکی وگلاب	طین مغره وحجازی	تا ۲ ماشه	قابض سفری مقوی قلب حابس نزف الدم ونفث الدم مفید ربو وسل وسرفه وضیق النفس

ع	ف	ه	هـ	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
طین الاصفر			خاکی زرد	ب ی					قابض حابس مفید نفث الدم و نزف الدم و احتقان باطنی و قیام الکبد و قیام المرة شرباً
طین الاقریطس			خاکی ست	ح ی					جالی مفید قروح چشم و تعلیق آن حافظ جنین [illegible] و شان [illegible] ثبات [illegible] آنرا مستعمل [illegible]
طین الانائی			خاکی سیاه لطیف						محلل اورام ضماداً و طلاءً
طین الجلود			خاکی سرخ	ح ی					محلل قابض و آب باران تنگ برای اسهال مفید و خوردن آن جائز نه
طین الخراسانی			گلی سفید	ب ی	اکثار آن مفسد مزاج	انیسون و تخم کرفس		یکتوله ا ماشه	سطر دهن و مقوی معده و مسکن غثیان و قی مانع سیلان لعاب دهن وقت خواب رافع هیضه
طین البرعنستانی			خاکی ست	ب ی	مسدد و مفسد لون	شستن و بریان کردن			مفرح رافع خفقان و غشی و سمیت اخلاط و تپ بائی حادث از اخلاط فاسده
طین البرتوقی			خاکے	ب ی	مسدد	شستن			قابض مجفف حابس اسهال [illegible] و [illegible] زیل و ساخ بدن و موی مفسد رنگ
طین الکرومی			خاکی سرخ	ب ی					قابض مجفف محلل و مانع اورام اجفان با آب کاسنی طلاءً و دافع خون آمدن از دهن
طین شاموسی			خاکی سفید	ب ی ۲					قاطع خون حیض و جریان [illegible] بقدر یکمثقال با گلنار شرباً و دود هم آن با آب و سرکه مفید قرحه [illegible]
طین [illegible] جمید			خاکی سفید						تریاق سمیت هوام طلاءً و شرباً و با خود داشتن آن موثر و در افعال مانند طین قبرسے
طین الفارسی			گلی سفید	ب ی ۱	ریه و مثانه	آب سرد [illegible]		۹ ماشه	برای درد شش مفید
طین القیمولیا		کهری مٹی	خاکی	ب ی			طین مصری		مجفف محلل قابض ناشف مقوی معده و [illegible] حابس اسهال صفراوی و مسکن سوزش [illegible]

[illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
طین قبرسی			گلی سرخ	ب ی			طین مختوم	یک تولہ تا ۱ ماشہ	قابض مفید نفث الدم و قرحہ امعا و سحج آن و سحج کبد دافع حرارت باطنی و سمیت ادویہ
طین الکرمی			خاکی	ب ی					جالی حلل و عدہ اکتحال برای نزول و سیلان اشفار و در ادویہ نافع کلف و حکہ مفید نزف الدم باطنی
طین المختوم			خاکی سرخ	ب ی ۲	انیسون و سیر	کتیرا و عسل	گل ارمنی	۷ ماشہ	مفرح مقوی دل و معدہ و مسخن مقاوم سموم قابض افواہ عروق مفید قرح و زیہ حلق
طین المصری			خاکی	ح ی ۲					جالی مجفف قابض مسکن و دافع اسہال الدم و استسقا و طحال و اورام کہنہ رخوہ و بواسیر قدیم
[illegible]			خاکی	ح ی ۲					جالی مفتح جاذب خون از ظاہر جلد و مصفی رنگ رخسار مفید سوختگی آتش کہ متقرح شدہ باشد
[illegible]				ب ی					در افعال مانند طین تربت مرقد منور حضرت سید الشہدا است کہ برای استسقا قدری از آن با دعا و شرائط خورند
طین السلقا			خاکی	ح ی					جالی محلل اورام طلاءً
طیہوج	طیہو		مرغی	ح					افعال و خواص آن مانند کبک و برای ناقہین و ضعیف الاحشا نہایت مفید است

مقالہ ہفدہم در بیان ادویہ کہ اول آنہا حرف ظای معجمہ است

باب الظاء مع الفاء

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
ظفرہ	علف کنی داغ		گیاہی است	ح ی ۳					اکال لذاع سم قاتل ضماد آن جرب زردہ و تاثیل و ناصیر و اکلہ و بکلی و قایم مقام دیک برد یکت
ظفر الفط			نباتی است	ب ی ۲	سقل	صمغ عربی	اقاقیا	۲ ماشہ	قابض عصارہ تازہ آن قاطع رعاف و نفث الدم صدر و اسہال و نزف الدم رحم و بواسیر شرباً

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
ظفر قطورا			گیاهی است	ب ی ۳					معجون کوبیده خشک آن با عسل نافع قرحه امعا و سحج آن قاطع نزف الدم [illegible]
باب الظاء مع اللام									
ظلمت	[illegible]	کهور		ب ی ج					سوخته آن مسهل اخلاط صفرا و ضماد آن با شراب نافع گزیدگی سوام و با عسل برای نقرس و مفاصل
باب الظاء مع الیاء المثناة التحتانیه									
ظیان	یاسمین بری	جوهی	نباتی است	بیخ آن ج ی ۴	[illegible]	روغن بادام شیرین		۷ ماشه	محلل ملطف [illegible] صداع [illegible] نافع [illegible] فالج و لقوه [illegible] النفس را نافع
مقاله هجدهم در بیان ادویه که اول آنها حرف عین مهمله است									
باب العین مع الالف									
عاقر قرحا		اکرکره	نباتی است	ح ی ۴	ربه	کتیرا و مویزج	دار فلفل و عسل	۳ ماشه	مفتح سدد [illegible] دماغ [illegible] فالج و رعشه و کزاز و لکنت زبان و درد سینه و دندان
عاج	فیل دندان	هاتهی دانت	معروف	ب ی					دو درم براده آن با ماء العسل یا آب مقوی حافظه و فهم و رافع درد مفاصل [illegible]
عاقول			نباتی معروف	ح ی ۳	گروه	کتیرا	حند قوقا		مفتح تریاق سموم مفید بواسیر [illegible] خاکستر آن مفید [illegible] اگر [illegible] درم زیاده نگردد
باب العین مع الباء الموحدة									
عبیثران			نباتی است	ح ی ۲				۷ ماشه	مفتح محلل مقوی دماغ ضعیف و بارد و قلب و معده [illegible] محرک جماع [illegible]

[illegible]

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
باب العین مع الثاء المثلثة									
عثق			نباتی ست	ح ی ۳					محلل محرق مصاره خشک آن بسترنده موی صغاؤ اکبر ۲
باب العین مع الجیم									
عجین	خمیر	ماوا	آرد گندم	ح ی ۲	سپیده علیل	کتیرا		۱۸ درم	منضج جالی محلل مفتح منضج ومایل مسکن درد دندان ضماد آن با حنا و روغن گل محلل صلابات
باب العین مع الدال المهملة									
عدس	مرجومک	مسور	معروف	ب ی ۲	سوداوی	روغن بادام مخشخاش	ماش		جالی نفاخ بطی الهضم مولد خون سوداوی قابض مسکن غلیان خون مغلظ آن مظلم خواب پریشان و مظلم بصر
باب العین مع الراء المهملة									
عرعر	سرو کوهی		درختی ست	ح ی ۳	مخشن سینه	کتیرا		۱ ماشه	سنجن مفتح قابض مقاوم سموم مدر بول وحیض مضر سینه وحال ضعیف معده ومقوی
عرق	خوی	پسینه	معروف	ح ـ			ـ		محلل جالی عرق واید زرد رنگ وسبزی آن خناق ایسیه کند اکثر علاج آن تنقیه بماء العسل پس روغن گل
عرق الحیات	سومیائی		جبر ریشت نقیبیه تقشیر	ح ۳ ی ۲			قفر الیهود	ربع درم	مقوی ارواح ودل مفرح محلل مواد بارده معین باه مفتح جالی ملتئم قروح مفید عشیه وفالج ولقوه وجذام ودوالفیل
عرن			رد الجدید ...	ب ی					شیدرم آن با سرکه مفید صرع مرطب دباب برای سموم وبخور آن برای اشتیاق رحم وحمی ربع مفید
عروق الصفر	زردچوبه	هلدی	معروف	ح ی ۳	قلب	آب لیموترج	توت الصبغ	۷ ماشه	جالی بصر مفتح مسکن درد دندان مشوی کرده مفید جرب وبیاض وقوی چشم ومجفف قروح ورافع ورد آن

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
باب العين مع السين المهملة									
عسل النحل	انگبین و شهد	مده	معروف	ح ی ۲	مصدع محرور	سرکه و کشنیز	دوشاب انگور	۵ مثقال	جالی مفتح مقطع منقی بلغم [illegible] استسقا و یرقان [illegible] و نموم بارد [illegible]
باب العين مع الشين المعجمة									
عشبه مغربیه	[illegible]	نزد بعضے ۲	شاخ نباتی	ح ی ۳	محرور	روغن بادام شیرین	چوب چینی	۷ ماشه	محلل مرقق ملطف معرق [illegible] امراض بارده دماغ و صدر و معده و کبد و گرده و مثانه و رحم وغیره
عُشر	درخت [illegible]	[illegible] مدار	درختی است	شیر آن ح ی ۴	محرور قتال	قے		از لبن ۱ ماشه	اکال مقرح جلد قاطع بلغم مسهل [illegible] آن نافع کچلی و سعفه و قوبا و دانه بواسیر
عشرق		[illegible]	سنای [illegible]	ح ی					[illegible] آن منقی رحم و تخم آن مدر بول [illegible] آن مفید بواسیر و مسود موی [illegible]
باب العين مع الصاد المهملة									
عُصفور	گنجشک	چڑیا و گوریا	معروف	ح ی ۲	محرور	سکنجبین [illegible]			مسخن [illegible] محرک باه [illegible] مفید صاحبان فالج و لقوه [illegible]
عصی الراعی	کسته	لال ساگ	معروف	ب ۲ ی ۱	[illegible]	[illegible]	[illegible]	از آب [illegible] مثقال	قابض رادع حابس [illegible] الدم و [illegible] و صفراوی [illegible] قاتل کرم گوش
عصب	پے	پٹھہ	معروف	ب ی					دیر هضم [illegible] الغذا [illegible] ازان [illegible] الصاق [illegible]
باب العين مع الضاد المعجمة									
عضل			معروف	ح ر	محدث قی	[illegible]			[illegible] و لذیذ خفیف [illegible] اعلی بدن [illegible] ازا سفل است

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
باب العین مع الظاء المعجمة									
عظایه			دابه بست						دو دانگ آن ... گزیدن آن ... سرگین آن قاتل
عظم	استخوان	ہڈی	معروف	ب ۲ ی ۲				۷ ماشه	قابض ... طفل ...
باب العین مع الفاء									
عفص	مازو	مازو پھل	معروف	ب ۲ ی ۲	سینه و حلق	کثیرا و صمغ عربی	پوست انار	۲ ماشه	قابض ... سیلان رطوبات قاطع رعاف ...
باب العین مع القاف									
عقاب	[illegible]	گیدھ	طائر	ح ی ۲					... مرارة آن ... سرگین آن جالی
عقرب	کژدم	بچھو	معروف	ب ی ۲	ریه	گل ارمنی		[illegible] ۱ ماشه	روغن آن برای فالج و لقوه و استرخا ... نافع طلاء ...
عقرب بحری		سینگی مچھلی	ماہی ست						زہرہ آن دافع نزول آب و غشاوه و بیاض ... طلاء
عقعق	عکه	بھوکرا / مھوکا	طائر	ح ی				—	... جالی غشاوه ... [illegible]
عقیق			سنگی معروف	ب ی ۲	گرده	کثیرا	بسد	۱ ماشه	مقوی دل ... خفقان جالب ...
باب العین مع الکاف									

ع	ف	ه	ه	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
عکبر	بر بوم		چیزی مانند موم	ح ی ۲				۰٫۰ باشد	خوردنش منع جاذب خار و پیکان نماید و حمول آن قاتل جنین و بخور آن ساقی رفع باد نافع
عکر			دردی دان	عکر زیت ح ی ۲					قالع دندان کرم خورده مفید نزول آب در چشم محلل ریاح طحال مفید عرق النسا و نقرس
عکرب			نوعی از جرجشت						مقوی باه و آنرا با قهوه مغشوش نمایند
عکنه			نوعی از سوختگیان	ح ی ۲					سبب و محمر رخسار بسیار حتی اسر را نیز و مستعمل زنان بست در وسمه
باب العین مع اللام									
علس	گندم کهی		حبی است	ب ر					قابض چون طبخ نموده با حب البیسر ار النشا شند مسکن وجع آن گردد و حرقت آنرا زائل کند
علق	زلو و دیو	جونک	معروف	ب ی					سوخته آن محلل خناق و مفتت و مجفف و بر بواسیر مالیدن سوخته آن با روغن زیتون معطر کرد اگر ... آنرا با مثقال خراطین شسته خشک کرده و بیم آثار روغن کنجد جوشانده ضماد نمود ...
علک البطم	سقز		صمغ درخت بطم	ح ی ۲	محرور	سکنجبین		۰٫۰ باشد	محلل لطیف مقوی باضمه مدر بول منقی او ساخ جاذب رطوبات بلغم از دماغ
علیق	درد		نباتی	مرکب القوی	گزنه	شکر		۰٫۰ باشد	مجفف مسبر وداع حابس نفث الدم و نزف الدم و سیلان رحم مقوی احشا مفید امراض عین
علیق الکلب	درخت گل		نباتی	گل آن ب ی			شوکه المصریه		طبیخ پوست ثمر آن قابض طبیعت و حابس الحکه گل آن قابض مجفف مفید اسهال مزمن و ضعف معده
باب العین مع النون									
عناب	جیلان	ولایتی پیر	ثمر درختی	سعرح	معده بارد	شکر و مویز	سپستان یا مویز	در مطبوخ تا ۱۵ عدد	منضج اخلاط غلیظه ملین صدر مسهل اخلاط رقیقه رافع خشونت سینه و حلق و تشنگی و خمر در بخور مبتلی جو...

[illegible]

[illegible]

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
عنب	انگور	داکھ	ثمریست	ح ر ا	معده رطب و مجلد ریاح	[illegible]	زبیب		جالی مفتح مدر سریع الانحدار کثیر الغذا مولد خون صالح معدل امزجه غلیظه مصفی خون مسمن بدن [illegible] گرده
عنب الثعلب	روباه تربک	مکوی	معروف	ب ی ۲	مثانه	تخم یا عسل	[illegible]	[illegible]	ملطف مسکن حرارت رادع قابض محلل اورام حاره [illegible] صداع ضماد آن مفید امراض [illegible]
عنب الدب			درختی	ب ی ا					ثمر آن مفید نفث الدم و سویق خشک آن حابس اسهال [illegible] آن مجفف جاذب محلل
عنبر			رطوبتیست مشهور	ح ۲ ی ا	[illegible] در محرور	کافور	مشک و زعفران	یک دانگ	حافظ ارواح مفرح مقوی حواس محرک شهوت [illegible] مفتح مقوی دماغ و دل [illegible] دافع امراض بارده
عندلیب	هزار داستان	بلبل	معروف	ح ی ۳					محرک باه [illegible]
عنقود			خوشه نباتی	ب ی				۱۰ ماشه	مقوی اعضا مانع ریختن مواد با عضا دافع اورام حاره ضماد او مسکن حدت خون و صفرا
عنکبوت	کارتنا و دیوپا	مکڑی	معروف	ب ی					بستن تار آن حابس خون جراحات و نسج سفید غلیظ آن [illegible] دافع تپ غب
عنم		سکر داری	نباتیست	ب ی					برگش مقوی دندان [illegible] آن مقوی معده و حابس اسهال و حیض [illegible] نزف الدم و مجفف

باب العین مع الواو

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
عود		اگر	چوب درختی	ح ی ۳	محرور	سکنجبین کافوری	قرنفل و دارچینی	۳ ماشه	مفرح ملطف مفتح مقوی اعضا و حواس و دماغ و قلب و کبد و معده و احشا و گرده و منتشر ریاح
عود البلسان	چوب بلسان		شاخ درخت بلسان	ح ی ۲	امعا	کتیرا	حب آن	۲ ماشه	مفتح مقوی [illegible] دماغ مفید [illegible] صرع [illegible] ضیق النفس [illegible] مزیل عقم
عود الحیه			نباتیست	ح ی ۳				۲ ماشه	مقوی حواس محلل ریاح [illegible] دافع سموم [illegible] مانع گزیدن هوام

[illegible]			بیخی ست	ح ی ۲ ای تازه آن					معطس جالی محلل رافع نمش وکلف وبرص وخنازیر وه زیر جلد ومستعمل بطیار آن بجراحت دواب
[illegible]			بیخی ست	ح ی ۳					ملطف جالی مفتح قاطع بلغم محلل تریاق سموم منقی دماغ مفید فالج ولقوه
[illegible]			درختی	ب ای ۲	سپرز و سورث قولنج	کتیرا	آشنه و فوفل	۱۲ ماشه	رافع بیاض عین ورمد وقلاع وحمره وجذام وجرب وامراض سوداوی
باب العین مع الیاء المثناة التحتانیة									
عیشون			نباتی ست	ح ی ۳	مغثی	عناب و انیسون		۱۰ ماشه	مسهل اخلاط ثلثه بالجبر ومفید درد پشت ومفاصل وعرق النسا ودبرک
عین الدیک	چشم خروس	گهنگچی	تخم درختی	ح ۳ ی ۲	محرور ومصدوع	کشنیز		۱۲ ماشه	مفرح مقوی اعضا حافظ قوتها مانع پیری مهیج مزید منی ومقوی باه غایة
عین	چشم	آنکهه	معروف	ح ر	مبرد وتن	نمک وصعتر			بهترین همه چشم گوسپند وباقی روحی مزید منی وسریع الاستمرار در محرورین ورد
مقالهٔ نوزدهم دربیان ادویه که اول آنها غین معجمه است									
باب الغین مع الالف									
غار	ہاشتان		درختی	ح ی ۲	صداع و مثقی	کتیرا	حب المحلب وساذج	نیم مثقال	محلل مفرح مقوی مدر تریاق سموم دافع صداع بلغمی وصرع وشقیقه ولقوه واعیا ودرد گوش
غاریقون			چیزی مانند بیخ	ح ای ۲	مکرب ومورث خناق	قی وجند بیدستر	تربد	۱۲ ماشه در مطبوخ ۱۲	مسهل اخلاط ثلثه وملطف اخلاط غلیظه مقطع مواد غلیظه محلل نفخ ورياح اورام وقولنج مفتح سدد
	غاز		نوعی از مرغابی	ح ر					روغن آن محلل مفتح ومقیء ریاح ومغص واستسقا ودرد مفاصل شرباً وضماداً

آشنه محلل ۱۲ — ابرسه درم — ماوقان و بیلجین — والبیخ و بیوه — تقاصل وعرق النسا — جمیع اورام — عصب و نافع — درمفاصل — درد و سیاتیقی — مخزن آن ۳ — و فوفل ربع ۱۲ — و زنجبیل ربع — دم خطل الصفر — واسقاط و زنه ۲ — ای وزنه ۳ — ذیم دالفطار — ورافع قویا ۱۲ — بمفاصل ضمادا — والقوی معده — ویاه و مانع نزف — قاطع دم البواسیر — وقروح راس — عضلات الانثیین — نافع و صرع ورد الطب

ع	ن	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
غافافص			نباتی	ح ی ۲					دافع ورم گوش ضماد او سرفه را مشوش النفس [illegible] مفتح مفتت مرّه محلل مفید طحال صفرا [illegible]
غافث			گیاهی خاردار	ح ی ۲	طحال	افسنتین	اسارون	بیخ طیبوخ درم	ملطف مقطع جاذب جالی مفتح سقی مجاری مفید تپهای مرکبه اسهال اخلاط سوخته و مدر
غالیون			نبات [illegible]	ح ای ۲					حابس ... الدم گل آن سفید ... آتش ... قاطع خون ... جراحات ...
غالیه			دوائی مرکب	ح ی					مقوی قلب ... مفرح مسکن صداع ... مقوی ... محلل ... مدر
									باب الغین مع الباء الموحدة
غبار الرحی	گرد آسیا		معروف						مجفف سعوط آن قاطع رعاف ضماد آن بر پیشانی مانع ریختن مواد به چشم و تقویت اعصاب
غبیرا	سنجد		ثمر درختی	ب ای ۲	معده	فانید	بندق	۵۰ عدد	مفرح مقوی معده ... صداع ... مسکن ... قاطع صفرا مانع صعود ابخره حابس اسهال و تقطیر البول
									باب الغین مع الذال المعجمة
غذاف			نوعی از کلاغ	ح ی					گوشت آن ... لحم ... آن بابت ... تهیگاه ... سرگین آن ...
									باب الغین مع الراء المهملة
غراب	کلاغ	کوّا	معروف	ح ی ۱					مفید سپرز و ... زیادتی منی و ... آن ... در آب جوشانده ... کرده
غراب البحر			زاغ البحر	ح ی ۲					... قاطع ... تعلیق ... آن ...

ع	ف	ه	م	ط	مضر	مص	ب	ق	افعال وخواص
غرب			درختی	سه ی ۲	گرده	صمغ عربی	نیم آن اقاقیا		مجفف مسکن وجع گوش و دافع حرکت آن و مجلی بصر و برای دافع بیاض و درهم تخرج زلوی در حلق مانده
غری الجلود	سریشم	سریس		ح ی ۲		طبیخ الاصول		ا ماشه	مغری مجفف مفید سعفه و قروح سر طلا الفتم مفید حرق النار و جبر کسر استخوان و فتق تازه و جراحت را
غری السمک	سریشم ماهی		رطوبتی	ح ی ۱					مداومت یکمثقال آن مفید سل و ضماد آن [illegible] نافع و یکمثقال آن حابس نزف الدم
باب الغین مع الزاء المعجمة									
غزال	آهو بره	مرگ	سیوانی	ح ی ۲	کمو النفس	سکنجبین [illegible] حامضه			موافق مزاج انسان و مبرودین و مرطوبین مجفف مفید مفلوج [illegible] و مطول [illegible]
باب الغین مع الضاد المعجمة									
غضار	کاسه چینی		معروف						مجفف مجلی دندان سنون قاطع زخمهای تازه و اگر سائیده بر رنگی که خواهند با صمغ آمیخته بنوشند مفید اسهال
باب الغین مع اللام									
غلغل			[illegible]						لبن آن مسهل قوی و طلای آن دافع ثالیل
باب الغین مع النون									
غنم			م	سه	معده	[illegible]			موافق محرور المزاج و دیر هضم
باب الغین مع الواو									

[illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
قوابضها			عصارهٔ است	ح ی ۲	شکر یا گلقند			[illegible]	مسهل مخرج اخلاط فاسده مفید امراض بارده و رطبه و بلغمیه و عصبانیه و معدیه و صدریه و کبدیه عینیه
	غوشتنه و [illegible]		نوعی از کمافیطوس	س ی					مغلظ دم و کاسر حدت آن [illegible] پرهیز [illegible] اگر بسیار خورد بران شراب جدید نوشند

مقاله بستم در بیان ادویه که اول آنها حرف فاست

باب الفاء مع الالف

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
	فاخته کوکو	پندک	طایر است	ح ی ۲	[illegible]	سرکه و شکر و کشنیز			گوشت آن مفید رعشه و فالج و مفید امراض عصبانی بارده و ریاح غلیظ و مفتح تعلیق زبل آن [illegible]
فار	سوسمار	چوها	معروف	ح ی ۳	مورث نسیان			[illegible]	جلوس در طبیخ آن رافع عسر البول [illegible] آن محلل اخلاط غلیظه [illegible] مخرج سنگ گرده و مثانه
فاسی			تخمی سرخ	ح ر ا				۷ ماشه	ملطف قابض مفتح مفید [illegible] مفاصل و عسر النفس [illegible] آن با عسل نافع [illegible]
فاشرا	هزار افشان		نباتی است	ح ۳ ی ۲	[illegible]	[illegible]	درونج		جالی ملطف مجفف [illegible] آن [illegible] رافع صرع و سدد و فالج و استرخا و نسیان
فاشرستین			نباتی است	ح ی			گزنه البیضا		صرع و فالج را بسیار مفید [illegible] ضماد برگ آن برای زخم حیوانات نافع
فاط			دوائی است	ح ی					برای سم [illegible] و لسع هوام با آب سرد نوشیدن نافع
فاغره	فاغره		بزرگ از کبابه	ح ی ۳	مصدع محرور	[illegible]	کافور صندل و گلاب	۷ ماشه	محلل قابض مفید امراض بارده و ریاح غلیظه [illegible] آن مقوی دماغ و قلب و معده
فالیرسیس			نباتی	ح ی					آشامیدن تخم و برگ و عصارهٔ آن با آب یا شراب مفید اوجاع مثانه

ع	ف	۵	ه	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
فانجعقن			نباتی						برای گزیدن حیوانات سمی مفید برگ و گل و تخم آن با شراب برای لسع عقرب و رتیلا نافع
فالوفیج	بالوده		معروف	ح ی					کثیر الغذا مفید امراض صدر و ریه و اسهال اگر بران تخم ریحان و یا تخم شربتی پاشند قوی معده بود
فانید	قند		م	ح را					غلیظ از شکر و گرم تر از آن مفید سرفه و خشونت حلق و نفس در سینه و ملین بطن دافع برودت رحم و امعا
فاوانیا			عود صلیب	ح ی ۲		کتیرا	غاریقون	نیم مثقال	۲۵ حبه آن با ماء العسل مفید کابوس و صرع و لنج مفید منقی رحم و وجع گرده و مثانه و یرقان حابس بطن مطبوخ
باب الفاء مع التاء									
فتات الابریسم			نباتی ست	ح ی ۲					زکام و خشونت و عسر نفس و تقویت باه و اوجاع مفاصل و نقرس و عرق النسا و تحلیل صلابات نافع و معطر و هاضم
فتیت			نان گندم خشکانه خرد کرده	مع ح ی	مولد امراض بارده	شکر			قلیل الغذا اجفف رطوبات مولد ریاح سوداوی دیر هضم مولد امراض بارده و ریحیه با قند قولنج
باب الفاء مع الجیم									
فجل	ترب	مولی	معروف	تخم آن ح ی ۲	سردندان جلق معده	نمک و عسل		از تخم ۳ ماشه	لطیف محلل مولد ریاح محرک آروغ هاضم مدر بول و گرمی منشر ریاح مغز آن مدر بول بیخ آن قاطع بلغم
فجل با شلغم			فجل شامی	مرکب القوی	مغثی	نمک			از فجل و شلغم روحی ترد مدر بول و محلل رطوبات
باب الفاء مع الراء المهملة									
فراخ	چوچه		بچه مرغ						مداومت کباب بچه کبوتر با دویه حاره و سیر مولد جذام و مطبوخ آن با به ... خروس بچه مفسد طبائع جمیعه

[illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
فراسیون	افراسیر		نباتی ست	ح ۲ ی ۲	گرده و مثانه	کثیر الاعسل ورای یابه	بر سیاوشان	تا ۱۰ ماشه	محلل جالی مقطع مفتح تریاق محلل بصر دافع زردی یرقان مستحکم دندان و مفید ربو و سرفه بلغمی
فرس	اسپ	گھوڑا	معروف	گوشت ح ۲ ی ۲	کباب آن محرورین	[illegible] نوشیدن	[illegible]	دو مثقال تا ده مثقال	مورث شجاعت و قساوت دل سرگین آن [illegible] آن بر ساق مانع ماندگی
فرفیر	بنفشه		گیاهی ست	ب ا ر ۲	بوئیدن آن باعث زکام	خیری و مرزنجوش	نیلوفر و برگ خبازی	از درم تا ۵ مثقال	مسهل صفرا مسکن عطش و حدت خون مفید تپهای حاره و خفقان و غشی و صرع اطفال و زکام و نزله و سرفه
فرسیوس			ثمر نباتی مانند حنظل	ح ی					تمریخ آن با دهان مدر عرق و ضماد آن با شراب برای نهش افعی نافع
فرنجمشک	بلنگمشک	تخم و ابیل	نوعی از ریحان	ح ی ۲	مولد سودا محرور	سکنجبین و بنفشه	قرنفل و بادرنجبویه	۱۰ ماشه	مفتح سدد دماغی و منخرین مفید وسواس و معطش [illegible] مستحکم [illegible] مقوی دل دافع خفقان محلل مسکن مغص
باب الفاء مع السین المهملة									
فساقس	حیوانکی است سالم و شب کور	کٹشل	معروف	ح ی ۳					بوی سائیده آن مرض آبی و دافع گذاشتن سوده آن در حلیل رافع احتباس بول بلع یکعدد آن دافع زهر مار و مفید داء الثعلب [illegible] بخور آن مصروع نافع
فستق	پسته		معروف	مغز آن ح ر ۲	سفل	زرد آلو	مغز بادام و حبة الخضرا	از پوست بیرون شیرم	مقوی ذهن حافظ دماغ و قلب دافع خفقان و مغص [illegible] سدد کبد سمن بدن مقوی معده با شکر [illegible]
باب الفاء مع الشین المعجمة									
فشاغ	سرم		نباتی [illegible]	ح ی ۳				۳ ماشه	برگ و ثمر آن [illegible] دافع ضرر ادویه [illegible] طفل سالم العوق [illegible] با عسل
باب الفاء مع الضاد المعجمة									
فضه	سیم	روپا	معروف	ب ی ۱	اسعا	کثیرا و صندل	فیروزه	۱ ماشه	مفرح رافع مالیخولیا و جنون و وسواس اکتحال [illegible] محلل بصر [illegible] مقوی معده [illegible]

ع	ن	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
									باب الفاء مع الطاء المهملة
فطر	سماروغ	چهتری چهتر	نباتی است	ب ر ۳	مولد سیضه	مری و خزول	تخم کرفس بستانی [illegible]		مورث خدر و فالج و سکته و عسر البول قاطع نسل الکحال تازه آن مجلی بصر و خوردن آن جائز نیست
فطراسالیون			کرفس کوهی	ح ی ۳			دانهٔ [illegible]		قاطع لزوجات محلل نضیج مفتح مفید در دبیله [illegible] مخرج جنین [illegible] مقاوم سموم
									باب الفاء مع القاف
فقع	تشنج		دوائی است	ب ر ۲	مولد قولنج	اصلاح [illegible]			نفاخ بطئ الهضم و غلیظ
فقاع	بوزه و بکنی		اهم [illegible]	موافق آن [illegible]	نفاخ	عسل [illegible]	ب		ردی الغذا نفاخ مولد اخلاط غلیظه [illegible]
فقاح الکرم	ول		شکوفه انگور	[illegible] ۱					مقوی [illegible] مسکن [illegible]
									باب الفاء مع اللام
فل	پهل		شمری [illegible]	ح ی ۳					مفتح منقی دماغ [illegible] صداع [illegible]
فلفل	پلپل گرد	ولول مرچ	معروف	سیاه آن ح ی ۳	مصدع محرور	[illegible]	[illegible] فلفل	۲ ماشه	محلل جاذب جالی مسخن [illegible] بلغم تریاق [illegible]
فلفل السودان			[illegible]	ح ی ۲	حلق	عناب		۲ ماشه	محلل ریاح غلیظه و بلغم مفتح [illegible] مفید درد دندان [illegible]
فلفل الماء			فلفل [illegible] اسامه [illegible]	ح ی ۲				۲ درم	مسخن معده و جگر [illegible]
فلفل موبه		پیپلامول	بیخ دار فلفل گره دار	ح ی ۲	محرور [illegible]	صمغ عربی	[illegible]	۲ ماشه	سعوط آن [illegible]

[illegible] ... فنجیون ... فنک ... فو ... فودنج ... فوفل ... فوه ... [illegible]

ن	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
باب الفاء مع النون									
فنجیون			نباتی است	ح ی ۳					محلل ریاح نافع برگوش و دردهن گرفتن مفید سرفه و ضیق النفس و تشنج اعصاب و سود ترحه سینه و تلین و مخرج بلغم
فنک	وله		پوستی حیوانی	ح ی ۲					پوشیدن پوستش مسخن بدن و ملطف و محلل اخلاط بارده مفید قولنج ولقوه و رعشه ضد و نقرس حمیات
باب الفاء مع الواو									
فو	بیخ سنبل	چهال گری	نباتی	ح ی ۲	گرده	عسل و رازیانه	کبابه	یک مثقال از جرجیر	مفتح محلل طبیخ آن مفید امراض بارده سینه و درد پهلو و مغص و سپرز و ادرار بول و حیض و عرق النسا
فودنج	پودینه		م	ح ی ۳	امعا	کتیرا	نصف آن پودنه نهری	تا ۱۰ ماشه	ملطف مفید کزاز و منقی فضول سینه و معده و فواق و محلل ریاح و مخرج مشیمه و مدر و مسهل سودا
فودنج نهری	پودینه نهری		معروف	ح ی ۲	باه و گرده	کتیرا	یا قرد مانه نعناع	تا ۳۰ ماشه	تریاق مفید گزیدگی گوش نقص و انتصاب و القاء تپ بلغمی و سوداوی و دفع دیدان و مدر و رافع قی صفراوی
فوذنج	پوده		مایه مرچ						ضماد آن باسرکه و روغن گل مفید جرب و خارش و نضج دمامیل و محلل اورام
فوفل	پهوپل	سپاری	معروف	ب ی ۲	مخشن سینه	کتیرا	صندل سرخ	یک مثقال	قابض رادع مانع صعود بخره بدماغ مستحکم اعضا دافع رطوبت دهن مفید قلاع و لثه و دندان رافع درد پهلو
فوه	روناس	مجیٹه	بیخی سرخ	ح ی ۲	سر	انیسون	کبابه	۴ ماشه	مفتح مفید فالج و لقوه و یرقان و تقویت معده و ادرار بول و حیض و شیر و عرق النسا و سپرز
باب الفاء مع الهاء									
[illegible]		چیته	حیوانی است	ح ی					بولش اگر بسوراخ موش ریزند موشان گریزند و اگر قدری ازو بخورند کسی آن را بیاشامد [illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
باب الفاء مع الیاء المثناة التحتانیة									
فیروزج	پیروزه		سنگی معروف	ب ی ۳	گرده	کثیرا		۱ ماشه	مفرح تریاق [illegible] رطوبات چشم [illegible]
فیلفل	پیلی	ہاتھی	معروف	ب ی					زهر آن [illegible]
فیلزهرج	بیل زهر		نباتی	ح ب					برای درد [illegible]
مقاله بست و یکم در بیان ادویه که اول آن حروف قاف است									
باب القاف مع الالف									
قاتل الکلب			خانق الکلب	ح ی					[illegible] سگ [illegible]
قاقله			خیری سیاه	ح ی ۲	[illegible]	[illegible]	[illegible]	۳ ماشه	منضج اخلاط [illegible]
قاطا نیقے			نباتی						[illegible]
قاقالیا			نباتی	ح ر					[illegible]
قاقله کبار	هیل کلان	الایچی بڑی	معروف	ح ی ۲	اسہال	کثیرا	قاقله صغار		مفرح مقوی [illegible]
قاقله صغار	هیل خرد	گجراتی الایچی	معروف	ح ی ۲	صداع	کثیرا	قاقله کبار	[illegible]	تریاق [illegible]

[illegible]

[illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
قاقلی	کاکل وشوره		نباتے	ح ی ۲		کثوث	ایرسا	ازبیرعاشم	مسطر جشا ومضم قلیل الغذا مسہل اصفر رافع ضعف معده ودرد کمر وطحال وورک مدر حیض
قاقم			پوست حیوانے						پوستین آن اگرچه کم از سمور و موافق ابدان معتدله وفراوان گرم از فنک وسنجاب
قالقه	سنگدان	پتھری	معروف	ح ر	مولد قولنج ودوپر مضم	سرکه ونمک ابازیر			کثیر الغذا مولد خون صالح رافع خفقان وسنگدان مرغ مفید ضعف معده
قاونه			پیه حیوانے	ح ی ۲				۱۰ ماشه	محلل ریاح غلیظه محرک باه مفید سعال بارد وشربا والعابها وسائر اوجاع وضعف اعصاب
باب القاف مع الباء الموحدة									
قبج	کبک	چکور	طائر یست	ح ی ۲	محرور	ورشیها سکنجبین			کثیر الغذا سریع الهضم مولد خون صالح مفید فالج ولقوه وامراض بارده دماغیه مزید منی ومسمن
باب القاف مع التاء المثناة									
قتاد	کم		درختی است	ح ی ۲					آب آن رافع سفیدی وضیق النفس وقرحه ریه وباسرکه طلاءً رافع بهق وآثار جلد
باب القاف مع التاء المثلثة									
قثاء	خیارزه	ککڑی	معروف	ب ر ۲	نفاخ	نمک و نانخواه	بادرنگ		حابس مسکن عطش وحرارت وصفرا وخون مفید سعده حار واوجاع مذاکیر ومثانه وملین بطن
قثاء الحمار	خیارزه سپید			ح ی ۳	محرور ومبقی وباعث متنج	لعاب بهدانه وادوهان	ماهو دانه	ازعصاره قثاء الحمار	ملطف جالی محلل منقی دماغ مسهل صفرا وبلغم خام مفید فالج ولقوه وصرع وکزاز
قرشه	بادرنگ	کھیرا	معروف	ب ر ۲	سرد و دین	زیره ونانخواه وعسل			مفید صداع حار اکلاً وضماداً واز عطش واورا فع یرقان اخصیا حاره مسکن حرارت صفرا وخون وتشنگی

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
				باب القاف مع الدال المهملة					
قدید	گوشت خشک	سکا ہوا گوشت / سوکھا	گوشت شاق وخشک شده	ح ی	سورت قولنج	کشنیز خشک و تعول ...			مفید تر ... استسقا و امراض بارده بلغمی مزاج مولد اخلاط غلیظ سوداوی ... باعث حکه وجرب
				باب القاف مع الراء المهملة					
قراد	کنه	کلنے	حیوانی است	ح ی ۲					طلاء خون کنه سگ مانع انبات شعر زائد و شعر منقلب بعد کندن و اگر بعد قطع شعر پلک چشم بمالند زائل سازد
قراصیا	آلو بالو		ثمر درختی	شیرین آن ح ر ۲	مصعد ... و باعث تخمه	جوارشات حاره مقوی معده جلنجبین	اجاص	۳ ماشه	شیرین آن گیلاس سریع الانحدار از معده مسکن حدت صفرا ...
قراطا خونین		نباتی گرده دار ...		ح ی					اگر زوجه و شوهر چهل روز بمقدار نیم درم یا پانزده مثقال آب ... حامله شود
قرة العین	کنکر آبی		نباتی در آب ...	ح ی ۲	سفل	عناب و کاکنج	کرفس	در مطبوخ ۵ درم	مسخن محلل ... دافع یرقان و طحال و تپ لرزه
قرد	بوزنه و میمون ...	بندر	معروف	ح ی					خونش مانع روئیدن موی ...
قرومانا	تخم آنزا الحجم ...		نباتی مانند کرویا ...	ح ی ۳	سپرز	انیسون و انیسون	...	۳ ماشه	مسخن مجفف ... مفید فالج و صرع و عرق النسا ...
قرصعنه			نباتی خاردار ...	ح ی ۱					محلل ... مطلقا نفخ
قرطاس	کاغذ		معروف	ب ی ۲	کثیرا	بردی سوخته		۳ ماشه	نفوخ محرق آن حابس ... دافع زکام ...
قرط	شبدر ...		نباتی مانند ...	ح ر					تازه آن مسهل و خشک آن ...

...

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
قرطم	تخم کاجیره و تخم کافشه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	سده	[illegible]	[illegible] و بادام	۲ درم	قلیل الغذا مسهل و مخرج بلغم و شیر و بخار ... آن با شکر یا عسل محلل ریاح
قرطم بری			تخمی است	[illegible]					اکتحال برگ و ثمر آن ... اگر برگ یا ثمر ... دروز ...
قرطمان			درختی ... مانند						خشک آن دو مثقال رافع اسهال
قرظ	کرت ...	کیکر	ثمر نوعی از مغیلان	ب ی					سوا کشن ... آن ... و مستحکم و مصفی ... برگ و خار آن حابس اسهال
قرع	کدو	کدو	معروف	سرد ی	سرد و ترین	سکنجبین ...	ترنج	از آب ... رطل	مبرد مرطب ... مدر بول ملین ... یرقان و حمیات حاده ریخته آن مناسب محرور
قرع المر	کدوی تلخ	تونبری	مانند شیرین ...	ح ی					... یرقان
قرفة الدار صینی	چوب دارچینی	تج	پوست درختی ...	ح ی ۲			سلیخه	۲ ماشه	... مفید فالج و لقوه و صرع و امراض عصبی و اوجاع مفاصل ...
قیر ...			چیزی ...	ح ی					حابس ... الدم ... دندان ... کنند جلد
قرقو ...			... زعفران ...	ح ی ۳					... مقوی ... روح باصره ... محرق آن
قرن			معروف	ب ی ۲		سداب	حاضر	نیم درم	... مفید یرقان ...
قرن البحر / مصباح الروم	کهربا	کیسو ...	صمغ درختی ...	ح ح ب	مسرد صدع	بنفشه	سندروس	نیم مثقال	مفرح مقوی قلب و حابس نزف الدم و قاطع نزف الدم ...
قرون ...	شاخ ...	...	معروف	ب ۲ ی ۳					... شاخ ... آن ...

۱۶۱

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
قرنفل	میخک	لونگ	معروف	ح ی ۳	گرده حاره وامعا	صمغ عربی با قوت لی	دارچینی و خولنجان	یکمثقال	محلل ریاح و تریاق مفرح مقوی ارواح و اعضا [illegible] مفید دماغ [illegible] رافع صداع بارد و فالج
قرنفل شامی			نباتی خشن	ح ی ۲	محرورین	بنفشه		۳ ماشه	مفید صرع شربا و ضمادا و ورم [illegible] و رطوبی و ابتدای [illegible] و ورم پستان و محلل انجماد شیر [illegible] گل آن مفید زکام
قربص			[illegible]	مع بار	مبرودین و سوداوی				مسکن صفرا و خون قاطع بلغم مفید محرور المزاج
				باب القاف مع الزاء المعجمة					
قزاح			نباتی شبیه [illegible]	ح ی ۳					محلل ریاح محرک جشا مسکن اوجاع بارده مدر بول و حیض ملذذ اطعمه
				باب القاف مع السین المهملة					
قس			[illegible]	ح ی		شاه بلوط			عصاره آن رافع عفونت [illegible] مدر حیض فرزجه آن مخرج جنین آب بیخ آن با سرکه رافع زهر [illegible]
قسب	خرمای سنگ شکن		خرمای خشک نیم رس	ح ی	دندان و لثه	[illegible] حامض			مقوی معده ناشف رطوبات حابس [illegible] منضج محلل اخلاط سینه قاطع اسهال بلغمی
قسط	کوشته	کٹ	بیخی است	ح ی ۳	مثانه و ریه	گلنگبین [illegible]	عاقر قرحا [illegible]	۴ ماشه	مقوی اعضای رئیسه و باه مفتح سدد مفرح [illegible] محلل ریاح رافع صداع بارد و [illegible]
قسطرون			نباتی [illegible]	ح ی ۲					تریاق برگ آن رافع صرع و جنون [illegible] آن با عسل [illegible]
				باب القاف مع الشین المعجمة					
قشار کندر			ریزهای کندر [illegible]	ح ی ۲				دو ثلث درم	قابض مجفف مفید نفث الدم و قرحه امعا و اسهال منبت لحم قروح [illegible] رطوبات [illegible] آن رافع حکه

[illegible]

[illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
قشر	پوست	چهلکا [illegible]	پوست [illegible]	ح ی					لطیف بالفصل [illegible]
قشر اترج	پوست ترنج	[illegible]	معروف	ح ی ۲	[illegible]	عسل			مقوی [illegible] و قلب [illegible] بقدر قلیل نافع است
قشر اصل البرنج	پوست بیخ [illegible]	[illegible]	معروف	ب ی [illegible]					مسهل [illegible]
قشر اصل الکبر			پوست بیخ کبر	ح ی ۲					ملطف مفتح مدر بول [illegible]
قشر الخیار شنبر			پوست خیار شنبر						[illegible] باعث آسانی وضع حمل
قشر الفستق			پوست پسته	ب ی ۲					قابض مجفف [illegible]
قشر نارنج	پوست نارنج		معروف	ب ی ۲					مفرح [illegible]
قشر البیض	پوست تخم مرغ	[illegible]	پوست بیرون بیضهٔ مرغ	ب ی ۲					[illegible] قاطع سیلان خون
باب القاف مع الصاد المهمله									
قصب	نی	[illegible]	[illegible]	ب ی	ربع	[illegible]			[illegible]
قصب الذریره	نی [illegible]	[illegible]	[illegible]	ح ی ۲	کمرگاه	[illegible]	[illegible]	تا ۲ ماشه	ملطف محلل قابض [illegible]
قصب السکر	نیشکر	[illegible]	معروف	ح ا ر ۲	[illegible]	[illegible]			ملطف [illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
باب القاف مع الصاد المعجمة									
قضاعه	سنگ آبی	[illegible]	حیوانی دریایی						اکتحال وضماد دماغ آن [illegible] تاریکی چشم
باب القاف مع الطاء المهملة									
قطا	سنگ خوارا	لوا	مرغی است	ح ۲ ی ۳	دیر هضم سودا [illegible]	سرکه و روغن [illegible] ادویه طیبه			گوشت آن [illegible] فالج [illegible] قولنج [illegible]
قطاف	سفیوسه	[illegible]	غذای معروف	[illegible]	دیر هضم مولد سده	[illegible]			[illegible]
قطائف	رشته خطائی		غذائی است	ح ر ۲	اکثار آن	سکنجبین			[illegible]
قطف و سرمق	سرمک	[illegible]	نباتی است	[illegible]	مبرد و مولد ریاح	ادویه حاره حطره			[illegible]
قطلب			[illegible]	[illegible]	معده [illegible]				[illegible]
قطن	پنبه	[illegible]		ح ی ۲					ضماد [illegible] سوخته رافع [illegible] جراحات
باب القاف مع العین المهملة									
قعبل		[illegible]		ح ی ۲					عصاره [illegible]
باب القاف مع الفاء									

ولن ایر ... مفرح ... صحیح ... بعض ... مصلح ... معتدل ... ق مقدار شربت ...

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
قفر الیهود			موميائی با لود	ح ی ٣	محرورین	کسرون فواکه	زرشک رطب و خیره	تا یک درم	قائم مقام زفت و قیر و قطران عنبر و جبر کسر و رض لحم و فتق ... [illegible]
باب القاف مع اللام									
قلافش			نباتی ست						عصارهٔ آن مفید نفث الدم سینه و مفید نزف الدم حمولاً
قلب	دل		عضو معروف	ح ی	دیر هضم ردی الغذا	سرکه و روغن			مقوی دل و رافع خفقان دیر هضم و ردی الغذا ... [illegible]
قطب	سنگ سبوبه	-	حب نباتی	ح ی ٣	مضعف باه مجفف منی	سرمه جلغوزه		تا ١٠ ماشه	مفید سرفه بارد و ... اسهال ... ادرار بول ... [illegible]
قلفونیون			نباتی صغیر	ح ی ٣					طبیخ آن مفید نهش هوام و شدخ عضل و تقطیر البول و ادرار طمث و اخراج جنین و قطع ثوالیل
قلقاس		ارهی و کچو	معروف	ح ا ر ٢	دیر هضم مولد سودا و سده	عسل و کرکه و سکنجبین		٧ ماشه ... [illegible]	مسمن بدن ... [illegible]
قلقطار	زاک ... [illegible]		نوعی از زاج	ح ی ٢			شوره با جزء ب	زاج اران		محرق گاوی مسح
قلقل	دانه ... [illegible]	کوار حکینه	نباتی است	ح ر ٢	مصدع	سکنجبین	... [illegible]	تا یک اوقیه	نهایت ... [illegible]
قلوس			نباتی است	ح ی ٣	گرده	کثیرا	اناغورس	٧ ماشه	محلل ... [illegible]
قلوبایت			نباتی است	ب ی					حابس ... نفث الدم سینه و نزف الدم ... [illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
قلی	قلیا	سجی وساجی	چیزی که از خاکستر اشنان سوخته	ح ی ۴	سوکند رم کشنده	لبن و شرب ادهان	زرنیخ		سم جالی محرق اکال رافع بیاض چشم حیوان ریح البول طلاء و نواصیر و برص و بهق مجرب طب و سعفه
باب القاف مع المیم									
قمری	قمری	ونوتر و قمری	مرغی معروف	ح ی ۲	اکثار آن مجذوم جذام و وسواس	ادهان و ادویه لطیفه			موافق مبردین و مرطوبین مولد خلط فاسد و داشتن آن بخانه مانع تاثیر سحر و چشم بد
قمل	سپش	جوئین	حیوانی معروف						چون سپش زنده در باقلا کرده بلع نماید نافع تب ربع بود و در سوراخ ذکر رافع احتباس آن و انداختن آن در چشم نسیان
باب القاف مع النون									
قنابری	برند و بخسند		نباتی است	ح ی ۱	مولد سودا	تلیله کابلی و ستر	کبر		ملطف جالی مقطع مغید سپرز و جگر منقی سینه و ریه مفتح سدد کبد و طحال مدر بول و حیض و شیر و عرق
قنب	بنگ	بهنگ	نباتی معروف	برگ آن مرکب القوی ح ی ۳	معده ای تخم آن	بریان کردن		۲ ماشه	مفرح مصفی رخسار مسکر مخدر ملطف فکر و خیال معطش مبهی مشهی مکدر روح و دماغ ظلمت بصر سقوط گریز منقی دماغ
قنبره	چکاوک		مرغی است	ح ی	محرورین	کاسنی و سرکه			مرقه آن ملین طبع گوشت آن حابس کباب آن صالح الغذا مفید صاحبان قولنج دا و جاع مثانه
قنبیط	کرم و کرنب رومی		نوعی از کرنب	ح ای ۲	مضعف بصر و دماغ	ملح و جو شانده روغن گاو و پخش			مفتح محلل مبهی نفاخ مجفف مدر بول مولد خون سودا و مضعف دماغ و مسحر و رد می الغذا مسدد
قنبیل	کنبلائی	کمیلا	م	ح ی ۲	امعا	کتیرا و سپیدی ارمنی	از زیاده یا بنگ کابلی مقشر	۷ ماشه	مخرج کرم معده وحب القرع و مسهل رطوبات از جهه مجفف قروح رطبه و ملتحم جراحات و سعفه و جرب طب و بثور
قنطوریون صغیر	لوفای خرد		نباتی که از آب روید	ح ی ۲	امعا ای مصلح آن	صمغ عربی و کتیرا	برسیاوشان و افسنتین	تا ۲ درم	مقطع مفتح ملطف مسهل بلغم مدر حابس مجفف منقی دماغ و اعصاب مغید صرع و عسر النفس
قنطوریون کبیر	لوفای کبیر		نباتی است	ح ی ۲	دماغ	عسل و شیر میما	حفص و دوا و سوز ریحان	۷ ماشه	محلل قابض جالی بیخ آن مدر طمث مخرج جنین مفتح منقی دماغ و سینه مغید ضیق النفس

[illegible]

ح	ن	د	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
قندس		ادویه [illegible]	حیوانیست [illegible]	ح ی					پوشیدن آن مزیل برودت و [illegible] از بدن ونشستن بر آن مفید نقرس
قنفذ	خارپشت	[illegible]	حیوانیست	ح ی ۲	[illegible]	سرکه [illegible]		از گوشت ۵ درم	گوشت آن مجفف محلل [illegible]
باب القاف مع الواو									
قوباغیثا			صمغی زرد رنگ مائل بحمرت	حی ۱				سه حبه	[illegible]
قوطولیدون			نباتیست	مرکب القوی					[illegible]
قوقی			حیوانی [illegible]	ح ی					گوشت آن [illegible]
باب القاف مع الیاء المثناة التحتانیه									
[illegible]			[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	۲ ماشه	[illegible]
قیقهر	[illegible]	[illegible]	صمغ [illegible]	ح ی ۳				۲ سرخ	محلل [illegible]
قیشور			نوعی از [illegible]	ح ی			[illegible]		جالی منقی

مقاله بیست و دوم در بیان ادویه که اول آنها حرف کاف است

باب الکاف مع الالف

ع	ف	ک	ه	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
کاذی		کیوڑا [illegible]	—	ح ی ۳			تکمید [illegible] و چوب [illegible]		مفرح مقوی [illegible] حواس [illegible] خفقان [illegible] [illegible]
کرکسم			[illegible]	ح ی ۳	تحرز [illegible]	[illegible]	زیرہ سفید	یکدرم	مفرح [illegible] منضج [illegible] مفتح [illegible]
کافور			صمغ [illegible]	ب ی ۳	[illegible]	عنبر و مشک	[illegible]	یکدانگ	مفرح مقوی [illegible] و قلب [illegible] مسکن [illegible]
		کاکڑا سینگی	دو [illegible] نیست	ح ای ۲					مفید [illegible] اسہال الدم [illegible]
کاکنج	کاکنه و [illegible]	راجپوتکه [illegible]	[illegible] الثعلب	ب ی ۲	تحذر	گلقند	حب الثعلب	از [illegible] دانه [illegible] درم	[illegible] بستانی مفید [illegible]
		کاکاکوٹ	[illegible]	[illegible]					در افعال و خواص مانند سنگهیا ست که نوعی از نیش است ذکر یافت
		کالی زیری	دانه [illegible]	ح ی ۲					[illegible]
کاکج	کامه		[illegible]	[illegible]	طحال				[illegible]
		کانجی	[illegible]	ب [illegible]	[illegible]	[illegible]			[illegible]
		کاگ [illegible]	دوالی [illegible]	ب					[illegible]
		کاسر [illegible]		ح					[illegible]
		کانا [illegible]	از [illegible]						[illegible] امراض چشم [illegible]

و كاسه ... [illegible] ... مقدار آن ... [illegible] ... مسهل ... [illegible] ... صفحه كبير

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
		كاچه لون	كف آبگينه						مزيد خون و صفرا دافع بلغم و قولنج بگشايد و سبز زرا نافع آيد دافع سپيدى چشم و خارش و جرب مجفف رطوبات
				باب الكاف مع الباء الموحدة					
كباب	نواهيه و سپيد و تباه بچه	كباب	گوشت بريان	ح ى	متصدع محرور	سكنجبين و اطريفيل			مولد خون متين مقوى اعضا سخت آن گرده نشستى سحاق و نفع معده مرطوب مقصود و نوشيدن آب بر آن بسيار مضر
كبابه		كباب چينى	ثمر درختى	ح ى ٢	مثانه	مصطكى	قاقله و دارچينى	٤ ماشه	ملطف مفتح رافع صداع معطر دهن مقوى كرده و معده دافع قلاع و خفقان مصفى آواز رافع اسهال محلل رياح
كباث			ثمر رسيده اراك	ح ى ٢			برنگ كابلى دو ثلث آن قرنفل		٥ درم سفوف آن با هموزن شكر خورده بر آن آب سرد نوشيد مسهل و مقوى معده و مطبوخ آن مدر و منقى مثانه
كبد	جگر	كليجا	معروف	ح ر	محلل سقوط الاراض سريع التعفن	در محرور سركه و كشنيز			غليظ دير هضم جگر بره محرور سريع الهضم بالخاصيه و جگر كبك [illegible] نافع و جگر معز مفيد صرع و قطور آب و وقت
كبر			ثمر نباتى خار دار	ح ى ٢	معده محرور	سكنجبين	هر يك از اجزاى آن	از بيخ آن تا ٣ درم	مفتح جالى محلل ملطف مقطع بلغم مفيد امراض بارده ماغيه و مسكن درد دندان عصاره آن كشنده كرم گوش و بينى
كبريت	گوگرد	گندهك	معروف	ح ى ٣	معده	كتيرا و شير تازه	زرنيخ	تا ٤ ماشه	محلل مسخن ملطف مجفف جاذب دافع جذام و امراض سرد و فساد بلغم و فساد مقاوم سموم و دافع يرقان و قوبا مدر حيض
كبسون			برگ نبات و خبيث است	ح ى ٣					نرم كوبيدن با عسل يا شكر سرشته با شير نوشانيدن مسهل و مخرج ديدان و حب القرع و برنگ كابلى بقوى فعل آنست
كبيكج		صلبيل و شتوبرى	نباتى است	ح ى ٣	دو مثقال كشنده	مداوى استقيل كنند			حاد مقرح جالى مقشر جلد لذاع محك سوطيخ تشنگى آن معطش و طلاى آن از خارج بر اضربان اسنان مفيد
		كپاس	درخت پنبه	گل آن ح ر				از آب ٧ ماشه	شراب گل آن القدر ٢ درم شربت مفيد ابتداى جنون و وسواس و خفقان حار و احتناق رحم و مفرح و ضماد آن محلل اورام
				باب الكاف مع التاء المثناة الفوقانية					

ع	ف	ی	هر	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
کتان		اسی و [illegible]	نباتی معروف	ب ی					لباس آن رافع حرارت مقلل عرق ناشف آن مفید جرب حکه و ورم صلب تخم نبات آن مقیح [illegible] و زکام
کتم	وسمه		برگ نیل	ح ی ۲	مضعف دماغ	قرنفل و لادن			جالی [illegible] محلل خضاب [illegible] آب و نمک مفید صداع [illegible] و [illegible] دافع زکام [illegible] مقوی و طبیخ آن [illegible]
کتبه			نباتی است	ح ی ۱				۷ ماشه	مخرج بلغم خام شربا و مفید اوجاع ورک و مفاصل بارد ضماداً مطبوخش رافع قوبا محلل قاطع [illegible]
کتیله			نباتی است	ح ی ۳					اگر در خم شراب قبل از جوش آن اندازند مانع فساد آن بود و این شراب مفید امراض بارده است
		کتهه و کهیر	صمغی معروف	ب ی ۲	مضعف باه	الکبار ادکن شکر و عنبر			قابض مجفف حابس [illegible] [illegible] منقی دندان [illegible] و دافع قلاع و کرم شکم و [illegible] برص و رکت [illegible]
		کتائی	نباتی است	ح ی					دافع کرم معده و باد و تپ و درد پهلو و عسر البول و [illegible] جنس [illegible] مشهی [illegible] دافع [illegible]

باب الکاف مع الثاء المثلثه

ع	ف	ی	هر	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
کثیرا	کون و زوال	کتیرا	صمغی معروف	ح ب	[illegible]	انیسون	صمغ عربی	از یکدرم تا ده درم	مغری مجفف [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خون و [illegible] صلابت و مسکن لذع و حدت اخلاط و [illegible]

باب الکاف مع الجیم

ع	ف	ی	هر	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
		کچنار	درختی معروف	ب ی ۲					قابض مجفف [illegible] حابس بطن دافع اسهال و دیدان و حب القرع و [illegible] و [illegible] جذام
		کچلون	برگ شیشه	ح					مشتهی [illegible] مفسد فساد خون و صفرا

باب الکاف مع الدال المهمله

[illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال خواص
	کدرم	کودو	غله بست	ب ی					مقوی و مغلظ معده مقلل منی

باب الکاف مع الراء المهملة

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال خواص
کراث	گندنا	گندنا	نباتی معروف	ح ۳ ی ۲	[illegible] و مضر محرورین	کشنیز و کاسنی تازه	ابصل		مفتح لطیف مبخر طلایش با سرکه برص سر حابس رعاف خوردنش منقی قصبه ریه مقوی باه مضمد کم ملین طبع
کراث بری			نباتی است	ح ۳ ی ۱	مورث اسهال الدم				مفتح مقطع جاذب مدر بول و حیض حمولش جاذب جنین عصاره آن مسهل دافع سموم هوام رافع برص ثالیل
کراث			درختی کوهی						شیر آن در اطعمه داخل کرده خوردن مفید جذام است
کراع	پاچه	پایه	پایه گوسفند وغیره	ح ر					مولد کیموس لزج غیر غلیظ قلیل الفضول مفید خشونت سینه و حلق و قشر حار سریع الهضم ملین بطن
کردناج	کروناک		کبابی است	ح ی	ضعف معده	سکنجبین			مقوی بدن مرتاضین و ابدان متخلخل و معده حار و کثیر الغذا
کرش	شکنبه	اوجهڑی	معروف	ح ر گوشت ب ی	مورث بلادت	سرکه و ادویه حاره			کثیر الغذا دیر هضم مولد خلط غلیظ مورث سکته و صرع و تاریکی چشم
کرفس	کرفش	اجمودا	نباتی	ح ی ۲	مصدع محرک صرع	انیسون	رازیانه	از عصاره ۵۱ درم	آشامیدن آن بوی خوش نفس و درد پهلو و فواق و قی و سحج و تحلیل ریاح را نافع
کرفس جبلی	کرفس کوهی		نباتی	ح ی ۲					بیخ آن مدر بول و حیض و داخل ادویه حاره و مرکبه کرده میشود
کرفس صحرایی			نباتی	ح ی ۲					مفتح محلل نفخ معده و امعا و قولون و رافع درد پهلو و مغص و وجع گرده و مثانه و مدر بول و حیض
	کرگدن	گینڈا	حیوانی	ح ی					بخور شاخ و سم آن مفید بواسیر و عسر الولادت و گریزانیدن هوام و بند ستور پوشیدن انگشتری طلائی آن [illegible]

۱۷۱

ع	ف	ﮨ	ﻫ	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
	گرکند		سنگے است سرخ و گویند لعل است						مفرح مقوی دل رافع خفقان و توحش شربا [illegible]
کرکرین			بیخی است	ح ی					جهت فالج و امراض عصب نافع است
کرکے	کلنک	کونج	طائری است	ح ی ۲	سرکه نمک اباز یرحاره	دربه‌ هضم [illegible] خلط غلیظ			مفتح سدد مقوی بدن محلل قولنج [illegible] حابس اسهال و خشک [illegible] مطبوخ سفید [illegible]
کرم	تاک و رز	داکهه کا جهاڑ	نباتی است بجاور [illegible]	ب ی ۲	سرخه	عسل			مجفف جالی قابض [illegible] مسکن [illegible] مقوی معده حار و مانع قی [illegible]
		کروندا	ثمری است [illegible]		[illegible]				قابض [illegible] بلغم [illegible] صفرا [illegible] اسهال و [illegible]
		کرنا	درختی است مانند [illegible]	[illegible]					مفرح قلب مقوی [illegible] مانع [illegible] خفقان [illegible]
کردیا	[illegible]		تخم نباتی	ح ی ۲	[illegible]	مصتر	[illegible]	۷ ماشه	ملطف محلل ریاح مفتح قابض [illegible] مانع [illegible] خفقان [illegible]
		کریلا	ثمر نباتی است مانند [illegible]	ح ی ۳	محرورین	سکنجبین مبرودات	ماهی [illegible]	۲ دانگ	مقوی معده قابض محلل ریاح قاطع بلغم مقوی [illegible] دافع [illegible] مفاصل
		کریل و کریر	درختی	ح					ملین دافع فساد بلغم [illegible] دافع بلغم و صفرا [illegible] مفلوج [illegible]
		کریل	میوه است						[illegible] بسیار لذیذ [illegible] مقوی باه [illegible] قابض [illegible] دافع [illegible]
		کرطا	نباتی است	ب ی					مشتهی دافع فساد صفرا و خون و بلغم مفتح دافع جذام و حابس اسهال [illegible]

باب الکاف مع الزاء المعجمه

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
کزبره	کشنیز	دهنیان	معروف	ب ی ۲			برگ خشخاش و کاهو	از آب یک وقیه	[illegible] استقال آب آن [illegible] و مانع صعود ابخره بدماغ [illegible] قطور آن بچشم مانع بروز آبله و قابض [illegible]
کزبرة الثعلب			نباتی با خطوط مفروش	ح ی	آب نفوع عشر [illegible]	[illegible]			عصاره آن با شکر مجالی البصر خوردن [illegible] برگ خشک آن [illegible] مفید شبکوری
[illegible]		•	منبهی ست	ح ی ح ا				تا ۲ درم	جالی اسهال [illegible] دماغ و ریاح غلیظه و تلیین سینه و [illegible] و رافع خشونت آن و مفید ضیق النفس [illegible]
باب الکاف مع السین المهملة									
کسب و الکنجد	کنجاره	کهلی	ثفل ست	ی					بسیار ثقیل [illegible] الغذا مولد نفخ و ریاح [illegible] ضعف نور چشم و از خوردن [illegible] عارض شود
کسموتا			خشیشی است	ح ی					اگر در آب حل کرده بعقرب گزیده خورانند فوراً رفع زهر آن کند
کسول			ثمر است	ب ی					قابض نوشیدن یک درم آن قاطع خون و اسهال دموی
		کسونجی و کسونجی	نباتی ست بهندی	ح ی					دافع سموم [illegible] اخلاط [illegible] آن [illegible] رافع [illegible]
		کسیرو	بیخ نباتی	ب ر ۲					[illegible] قوت قابضه [illegible] رافع خفقان [illegible] و اسهال بسیار [illegible]
		[illegible]	چوب نباتی	ح ی ۱	رئیه	کثیرا		تا ه درم	سفوفش [illegible] دندان [illegible] و مفتح سدد [illegible]
		کستوری [illegible]	[illegible]	ح					گوشت آن [illegible] گوشت تازه آن سرد و رافع تپ [illegible] و فساد خون
باب الکاف مع الشین المعجمة									

[illegible]

ع	ف	ہ	ھ	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
	کشت برکشت	بہیلے	گیاہے	ح ی ۱	قاطع باہ و شیر	حب الصنوبر	[illegible] و بزرہ [illegible]	یکدرم	محلل ملطف مسہل بلغم غلیظ ضماد آن مفید اورام باردہ و تو با وجرب
	کشمش		معروف	ح ۲ ی ۱	محرق خون	تخم خرفہ و بادام [illegible]		دہ درم	[illegible]
کشوث	برش	اکاس بیل دام لتسہ	گیاہی زرد مانند ریسمان	ح ی ۲	مغثی	کتیرا و لعوط	تخم کاسنی و اکشوث	از جرم آن در طبیخ دہ درم	ملطف مفتح مخرج فضول لطیفہ از عروق و منقی آنہا از اخلاط فاسدہ ملین طبع منقی بدن
									باب الکاف مع العین المهملة
کعب	شتالنگ	اینڈی	استخوانی معروف	ب ی		رب السوس	استخوان ساق	تا نیم مثقال	کعب بقر محرق مفید سیلان و مقوی باہ با عسل قروح را و مقوی جگر [illegible] اکتحال آن مقوی بصر و سفوف آن مقوی دندان ضماد آن [illegible]
کعک	کاک		نانی ست	ح ی	صاحبان قولنج				حابس بطن و مجفف رطوبات آن داخل بعضی اقراص می سازند
									باب الکاف مع الفاء
کف آدم			نباتی بقدر ذرعی	ح ی ۱				نیم ماشہ	رافع خفقان محلل ریاح مقوی جگر در جمیع افعال قایم مقام بہمن سرخ
کف [illegible]			نباتی [illegible]	ح ی ۲					ملطف مقطع جالی محلل رافع بیاض اکتحالا و رافع ثالیل ذرورا اکال گوشت زائد منبت لحم صحیح منقی [illegible]
کف مریم		[illegible]	نباتی ست	معتدل و ح ی ۲					محلل تریاق ادویہ قتالہ و در افعال قریب بنطافلن ست کہ ذکر کردیم
کف الہر			نباتی بقدر شبری	ح ی ۲					قرزجہ آن معین بر حمل سفید قروح خبیثہ ذرورا و ضماد آن با عسل قالع ثالیل
کفری	غنچہ خرما		غلاف غنچہ نخل	ح ی ۲					مفرح مقوی قوی [illegible] قلبی و دماغی و کبدی [illegible] مقوی اشتہا [illegible] اکلہ و قروح خبیثہ طبخ آن [illegible]

عجائب المخلوقات عقرب ... [illegible] ... از تجربات ... [illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
باب الکاف مع الکاف									
		گکرول	ثمر نباتی ہندی	سع ور	نفاخ مخشی اُهضم				سفید سرفه و درد سینه و بدن ... [illegible]
		گکروندا	نباتی معروف	ح ی ۲					مفتح محلل عسار ... [illegible] ... بقدر فلفل ... اسهال ... بسیار و ضعف بدن
		گکوڑا	نباتی ہندی						رافع جوشیدگی ... [illegible] ... بالخم گکوڑا از زهر رانافع
		گکن ڈھول	اسم کهنبی						با مصالح و نمک ... [illegible] ... در گوش انداز ندریم آمدن گوش منع کند
		گگیرن	درختی ست						شکم براند و هنگام بچگی ثقیل ست باد خون و تخمه دفع نماید
باب الکاف مع اللام									
کلب	سگ ...	کتا کتے	معروف	ح ی ۲					طلا از زهر آن مانع روئیدن موی ... [illegible]
کلب الماء	سگ آبی		معروف	ح ی ۳	زهر آن قتال	شرب روغن گاو			دماغ آن رافع ظلمت چشم ست ... [illegible] ... آن رافع نقرس
کلخ			نباتی برگ آن مانند برگ تفاح	ب ی					قابض دافع نفث الدم و اسهال ... [illegible] ... تخم آن مدر عرق
	گل داؤدی		گلی معروف	ح ی ۱				از سعوف ... [illegible]	عرق آن مقوی مفرح دل شرب ... [illegible] ... سنگ گرده و مثانه
	گل مهندی		گلی ست معروف	ح ر					مطبوخ آن ... [illegible] ... رافع سوزش اعضا با آتش و آب گرم

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
ککز			جبی هندی	ح ر					برای شکستگی استخوان و بیجا شدن عضو و بید رفتن آن شربا و ضماداً و در سائر افعال مثل سعات
کلس	آهک	چونه	معروف	ح ا ی ۲ آب ندیده آن					سترنده موخصوصاً با زرنیخ و مالیدن نعل عصفر و برگ شفتالو رافع بوی آن و ضماد روغن گل و
کلس مغسول			م	مع	شرب آن قاتل	او بان وامراق		ا	قاطع نزف الدم و فتیله السعید تخم مرغ آلوده با آهک آغشته در بینی داشتن مانع رعاف و مانع ادرار عرق
		گلوی گرچ	نباتی پیچیده بر مجاور	ح ی ا ع					مفید سرفه و یرقان و غشی و قی و تقطیع بلغم و مفید امراض صفراویه و بلغمیه و مقوی معده و مشتهی و سوداوی و باد روغن دافع ریاح سودا
		گلهار	گل نباتی	ب ر					مفید حمیات صفراویه و یرقان و مسکن عطش مفرط و عرق نشان مانند عرق نیلوفر و مانگلش مسکن حدت صفرا و قابض شکم
	گلچکان	مهوا	درختی است مانند انبه	ح ر					دافع بلغم و باد و مندمل جراحات و مبهی و محلل منی و شیر مزید بلغم دافع فساد صفرا و خون و دق و باه
	کلیان کاته		نباتی ست	ح ی					نیم مثقال او پوست بیخ آن با نیم مثقال پودینه جبینی بر رافع وجع طحال و فراطرف روی برگش بر جراحات سیستن زخم اصلاح نماید
کلیه	گرده	گرده	معروف	ب ی	بطی الهضم ردی الغذا	باب یه آن با روغن کنجد پختن			مقوی گرده و کمر و بیه آن ملین اورام صلبه
									باب الکاف مع المیم
کماة	سماروغ سمالوه	کهنبی	اسم جنس فطر	ب ر ۲	ردی الکیموس مولد سکته و فالج	با سنبت نمک و صعتر پختن			آب آن شفاست برای چشم آتش که وقت بریان کردن بر آید جا بیاض عین و سبل و بیمه سائید آب آن زیره بصر
کمادریوس	اندار رسته تلخ		نباتی ست	ح ی ۲	اسعا	کثیراً مصفر محلل	ربع آن سکنجبین	۱۰ ماشه	مفتح مقطع اخلاط غلیظه ملطف مسخن مطبوخ آن مفید ضیق سرفه مزمن سطوحی مدر بول و حیض و محلل صلابت طحال
	کماشیر		صمغی ست	ح ی ۲	ربه	کثیرا		تا ۲ ماشه	مسهل زرد آب دافع استسقاء لحمی و زقی مدر بول و حیض مسقط جنین محلل صلابات

[illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
کمافیطوس	باش وارو		نباتی ست	ح ۲ ی ۳	زیره	انیسون	[illegible]	[illegible]	مفتح سدد [illegible] مسهل بلغم [illegible] مفید [illegible]
کمثری	امرود	ناشپاتی	ثمری است معروف	[illegible]	سیر درین	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کمثری حامض			ثمری است	ب ا ی ۲	[illegible]	[illegible]			[illegible]
کمثری بری			درخت و ثمری است کوهی [illegible]	ب ۲ ی ۲	[illegible]	[illegible]			قابض [illegible]
کمثری جبلی			مانند بری است	ب ی ۳					از بری قبض آن زیاده و در باقی افعال مانند آن
	کمر زبیره		نباتی ست	ح ی					[illegible] نبات آن تریاق نهش هوام و عقارب
		کمرک	ثمری ست هندی	ب ی ۲	سیر درین	جوارشات [illegible]			قابض مسکن [illegible] عطش [illegible] دافع فساد باد و بلغم
کم کوت			صمغی ست						اگر آنرا با چهار برابر آن [illegible]
کمون	زیره	زیره	تخم سیاه و سبز	ح ی ۳	زیره [illegible]	کثیر الاکل	کرویا	[illegible]	[illegible]
کمون بری			شبیه شونیز	ح ی ۳					[illegible]

باب الکاف مع النون

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
کندر			صمغی ست	ح ی ۲	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

۱۷۸

ع	ف	ہ	ھ	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
گندهری			نباتی ست	ح ی ۳					مدر محلل منضج [illegible] نایب مناب کندر
کمدش	بیخ گاوزبان		بیخ نباتی	ح ق ۳	[illegible]	کتیرا و شیر تازه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	کنکرزد		صمغ درخت	ح ۲ ی ۱			[illegible]	[illegible]	[illegible]
		انگلی	درختیست معروف	ح ی ۲			[illegible]		[illegible]
کنوس طیری			اسم نوع کبیر	ب ۲ ی ۱					[illegible] تقطیر البول
کنهان	کورنان		درختیست	ح ی ۳	ثقل و تحریق			[illegible]	[illegible]
		گینهار	نباتی ست						[illegible]
		کند	[illegible]	[illegible]					[illegible]
		کنکول	دانه مشابه فلفل	ح					[illegible]
		کمدورے	[illegible]						[illegible]
		گورگیرن	از جمله ریاحین	[illegible]					[illegible]
		گنیار	[illegible]						[illegible]

[illegible]

دستور العلاج ... [illegible]

ح	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
		گیندروبے	نوعی از کاه	ب					قابض شکم دافع گرمی و سوزش اعضا و تشنگی و فساد بلغم و خون و صفرا و تپ جذام و نرم کنندهٔ آهن
		گندیل	گیاہی ست						دافع امراض گلو و بیماری دل و فساد صفرا و خون بلغم و ضیق النفس و تپ و سرفه
		لنگیرک	درختے						ثمرش رسیده لین و گران و دافع فساد باد و خون خام او زاینده صفرا
									باب الکاف مع الواو
کوسنبل			نباتی ست	ح ی ۲	[illegible]			از بیخ آن تا یک درم	مسکر و مورث خواب ... دافع سلسل البول و بول الفراش و اوجاع مفاصل و امراض بارده
		گوندہ	ثمر درختے	ب ر ۲					مفرح قلب دافع خفقان مسکن حدت خون و صفرا و تشنگی و سوزش معده و جگر مدر بول پوست آن مقوی
گوجه			نوعی از ثمر						قریب به ثمری که ... آنجا سه گویند اکثار آن مورث تپهای عفنی و اورام مزمنه
		گوبیٹ	ثمر درختے	ب ی ۲					مفرح قابض مقوی قلب جاذب و معده و کبد غرغره آن مفید جوش دهن و درد گلو و مانع بروز آبله
		گوجیا	گل کوزه	ب					سیب دافع فساد اخلاط اربعه و مقوی دل قابض شکم مصفی رنگ رخسار عرق آن رافع خفقان
		گود	درختے	ح					دافع بریدن ناسور و فساد و زهر کرم معده و جذام و فساد بلغم ثمرش مزید بلغم صمغ آن مبهی دافع فساد باد
		کوکلا	طائری						گوشت آن قابض شکم و مقوی چشم و دافع فساد بلغم و باد
		گوگان	نباتی معروف	ح ی					دافع فساد صفرا و بلغم و یرقان و ورم اعضا و کرم معده و نزل حمی بلغمیه مزمنه

ع	ف	ک	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
		گوپی	معروف	ب می					قابض شکم و مقوی آن فساد بلغم و صفرا و خون ... سرفه و دماسیل و بثور ... دافع سازد
		گوندنی	میوه هندی		اکثار آن مغثی				ملین منضج مخرج کرم معده مفید سرفه و مصفی صوت خصوصاً از بیخ زمین آن و سوزاک
باب الکاف مع الهاء الهوز									
		کهرنی	ثمر درختے	ح ا ر ۲	اکثار تازه آن مولد قولنج	دوغ			مفرح مقوی اعضا رافع ثقل سر و سهو و تشنگی و مسکن هیجان اخلاط اربعه و قی مفید قے و قرحه ...
		کهرسنی و کهرہٹه	درختے بقدر ...	ب ر					قابض شکم دافع سرخ باد و فساد صفرا نافع امراض ...
		کهیلا کهیلے	پوست درخت کوهی						ازادویه مقویه گرده و کمر و مانع رفتن آب از فرج زنان
		کهیپ	رستنی ست						برگش ... تولہ آن ... سیاه ... دافع ...
باب الکاف مع الیاء المثناة التحتانیة									
	گیاکو		بیخچونی رنگ ...	ح ۲ ی ۳					ملطف محلل جالی مصلح اخلاط محترقه مجفف مقوی مفید امراض بلغمیه سوداویه فالج جذام آتشک و غیره
	کیک ...		گیاهی ست						چون آنرا فرش سازند کیک گریزد و اگر تخم آنرا سائیده پاشند نیز بگریزد
		گیتی	نباتی ست						سعوط برگ خشک سوده آن نافع زهر مار گزیده
		کیوتهری	...	ح و گرم ...					دافع برص طلاءً و اکلاً

[illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
		کیتهه	ثمری هندی	ب ی ۲					خام آن قابض [illegible] رافع فساد باد و صفرا و بلغم [illegible] آن [illegible] [illegible] معوی معده
		کیت پهرے	درختی	ح ر					رافع سم و غلبه کف و سیلان منی
		کیوانچه	درختی	ح					مبهی مولد منی ممسک رافع فساد باد و [illegible]
		کهیلوا و دهلوار کاپته	درخت صبر	ح ی ۲					[illegible] رافع امراض [illegible] و بلغم [illegible] [illegible] آن [illegible] از آتش [illegible]
			مقاله بست و سوم در ادویه که اول آنها حرف لام است						
			باب اللام مع الالف						
لاذن			رطوبتی غلیظ چسپیده	ح ای ۲	کرب	مستعمل [illegible]		سه ماشه	ملطف [illegible] مفتح [illegible] رطوبات غلیظه [illegible] مسکن اوجاع باردہ رافع صداع
لازورد	لاجورد سنگ	راوت	سنگی است	ح ای ۲	قم معده	مصطکی یا حماما	حجر ارمنی یا زراق الذهب	سه ماشه	[illegible] خصوصا [illegible] اخلاط [illegible] اخلاط غلیظه [illegible]
لاعیه			نوعی از یتوعات	ح ی ۴	امعا	کثیرا	قراسیون	یکدانگ	[illegible] مسهل [illegible] اخلاط [illegible] [illegible]
لالا			گیاهی است	ح ی	الشاران [illegible]	تخم مورد			[illegible] [illegible] سفید [illegible]
	لاله سرنگون		نباتی						اگر [illegible] آب جوشانند [illegible] مفید [illegible]
	لاله نعمانی		نباتی	ح ر				سه ماشه	[illegible] آن [illegible] و [illegible] رخسار

ع	ف	ه	هر	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
		لاسے	صمغ درختی ہندی	ح ی ۳	مشدع محرور	کشنیز	-	[illegible] ماشه	مسخن ملطف مفتح گداز کننده بلغم رافع امراض بارده بلغمیه مفید ضعف عصب و شکستگی و اعیاء بارد مورث مقوی
		لال مرچ	معروف	ح ی ۳	محرق خون	ادیان و لعابها	۲ وزن فلفل دراز		حاد محرق خون مولد صفرا اطلای قرصیش با آب حل کرده آن رافع درد بلغمی
		لانکھی	درختی کہجک	ح					حاد رافع فساد باد و بلغم و [illegible] معده و اسهال و مسهل و مسقط جنین
باب اللام مع الباء الموحدة									
لبا	فرکبک	پیوسی	شیر که بعد ولادت دوشیده شود	ب ر	مورث قولنج	عسل و شیر			مسخن محرک باه محرور و [illegible] مولد خلط غلیظ سده و نفاخ مورث فواق و حصاة و باعث [illegible]
لبنج			درختی عظیم	ح فا ۲	مصدع				صمغ آن مسکن وجع دندان شرب آن قاطع نزف الدم [illegible]
لبلاب صغیر		عشق پیچہ	بیل پیچیده بجاور	مرکب القوی	عصب	قند یا تمر هندی	آب برگ خطمی یا خیارزہ	از آب آن تا ۳ درم	محلل قابض مسهل مره صفرا رافع [illegible] طبع بود و قولنج حار و با خیارشنبر محلل ورم احشا
لبلاب کبیر		چاندنی بیل	معروف	مرکب القوی	شانه و عصب	نبات		از آب تا ۲ درم	مفتح محلل [illegible] مسهل سطو عصاره با [illegible] و نطرون مسهل رافع درد [illegible] کهنه رافع درد گوش [illegible]
لبن	شیر	دوده	معروف	مرکب القوی	اکثار آن سورث [illegible]	عسل		نیم رطل	مجموع شیر جامع [illegible] سمن [illegible] قوی [illegible] سفید [illegible] و وجع آن [illegible] شانه داو [illegible]
لبن الاتان	شیر الاغ و شیر خر	گدھی کا دودھ	معروف	ر ۲ ب ۲	مبرود	سکنجبین	شیر زنان یا بز یا شتر	تا نیم رطل	بسیار [illegible] مفرح جالی مفتح [illegible] و ربطی [illegible]
لبن الاسد	شیر شیر	باگھ کا دودھ	معروف	در کیفیات گرم و هدت [illegible]					نهایت جالی و ناقد و مدر
لبن البقر	شیر گاو	گائے کا دودھ	معروف	ح ب ۲ ح ر ب	اکثار آن مورث سنگ گرده	سکنجبین عسل	شیر بز	یک رطل	مفتح جالی سریع الهضم کثیر الغذا شرب گرم [illegible]

[illegible] ۵

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
لبن الحامض	ماست	دہی	معروف	ب ر ۲	مبرودین	مصلحش [illegible]			مرطب مسکن تشنگی مقوی باه محرور مشتہی مقوی اعضا قابض شکم مزید بلغم و صفرا و خون و آب از بینی براند
لبن جاموس	شیر گاومیش	بھینس کا دودھ	معروف	ب و گران تر از شیر گاو	ثقیل بطی الہضم				سریع الاستحالہ بخلاط [illegible] اگر آن را [illegible] طبخ [illegible] نبات [illegible] سفید [illegible]
لبن الخفاش	شیر شب پره	چمگادڑ کا دودھ	معروف	بسیار گرم	[illegible]				جالی ربع درہم آن مخرج حصاة و قریب بشیر شیر است
لبن الخنزیر	شیر خوک	سور کا دودھ	معروف	ب ر	سورت برص و وضح				مفید است برای سل و دق
لبن الرماک	شیر مادیان	گھوڑی کا دودھ	معروف	حار رطب از غیره					جالی [illegible] محرک [illegible] قرحه مثانه و مجاری بول و مدر حیض [illegible] علاج [illegible]
لبن الضان	شیر میش و گوسفند	بھیڑ کا دودھ	معروف	ح ر	محدث [illegible]				مقوی [illegible] و نفث الدم مصفی [illegible]
لبن الفیل	شیر فیل	ہاتھی کا دودھ	معروف						گران است و مقوی اعضا
لبن اللقاح	شیر شتر	اونٹنی کا دودھ	معروف	ح [illegible]	معطش و بطی الانحدار				جالی [illegible] مقوی چشم [illegible] ضیق النفس [illegible] جگر و استسقا [illegible]
لبن المعز	شیر بز	بکری کا دودھ	معروف	ب ا ر ۲	مبرزین و احشا	کتیرا	شیر گاو		[illegible] جالی [illegible]
لبن النساء	شیر زنان	عورت کا دودھ	معروف	ب ر ۲			شیر الاغ	[illegible]	مرطب مقوی [illegible] قروح [illegible] و حمی دق [illegible] نفث الدم و نزف الدم
لبن الیتوع				ح ی ۴	قتال	علاج فربیون			از سموم قتاله [illegible]
لبن الیتوعات			شیر نباتات شیر دار						از سموم مسهل قوی العنف و شیر بعضی نباتات در ذیل آن ذکر کرده ام

۱۸۳

ع	ن	ﻫ	و	ط	مص	مصل	ب	ق	افعال و خواص
		لبیهڑا		ح					دافع فساد زهر و دمامیل و جذام و سعفه و موی ... دافع فساد باد و بلغم و صفرا و خون و دق
		لسلے	درخت						دافع غلبه باد و تخمه و خون و بواسیر بار خام آن قابض است و پخته آن مضر بخلاف بار ... دیگر درخت
		باب اللام مع التاء المثناة							
		لٹاکو	ثمر درخت	ب ی					مسکن حدت صفرا و خون مفید بعض امراض صفراویه و دمویه و شربت آن نیز مفید امراض مذکوره
		لٹوجیرے	درختی است						[illegible]
		باب اللام مع الجیم							
		لجالو	گیاهی است	ب ی ۲					محلل ... مفتح رادع امراض دمویه و صفراویه و فساد بلغم و ... و درد فرج زنان
		باب اللام مع الحاء							
[illegible]	گوشت	[illegible]	معروف	[illegible]		[illegible]			گوشت پستان ... لذیذه و گوشت ... لذیذ و سریع الهضم گوشت ... بطی الهضم ... قلیل الغذا و گوشت ...
لحیه التیس			[illegible]	گرد ی ۲	گرده	شراب	[illegible]	[illegible]	قابض قاطع نزف الدم ... [illegible]
		باب اللام مع الخاء المعجمة							
لخنیس		[illegible]		[illegible]					[illegible]

جامع ابن بیطار که شیخ داود در جمع آورده از ابن بیطار نقل شود و ازو نقل ... ازو ثابت نافع شود ... اگر ... البوزنه طه

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
باب اللام مع السین المهملة									
لسان	زبان	جیبه	معروف	ح ر	سریع التعفن بوزیدن مبرد	مصلحش ...			خفیف سریع الانحدار مرطب بدن با ادویه حاره خوشبو مزید منی
لسانة			نباتی است	ب ر ۲					مفید علل لسان حیوان مانند قلاع و امراض حاره دهان و خفقان حرارت معده
لسان الایل			نباتی است	ب ی ۲ و گویند حرّی ۲	گرده	صمغ عربی		از رجم الی ۳ درم	منفعت جالی طبیخ برگ و شاخ و مضغ آن رافع لکنت و ادرار بول و حیض و اخراج جنین
لسان الثور	گاوزبان	گاؤزبان و سندکا پهولی	معروف	ح ر ۱	سپرز	مصلحش سکنجبین یا [illegible]	ابریشم خام	تا ۵ درم	مفرح مقوی ارواح و حرارت غریزی و اعضای رئیسه و حواس ملین مسهل مره صفرا و سودا
لسان الحمل	بارتنگ		م	ب ی ۲	ریه	سماق یا عسل	حماض بستانی	از ۲ تا ۳ مثقال	مبرد قابض حابس نفث الدم و نزف الدم رافع قلاع و درد گوش و درد دندان و ریه حار و مدمل
لسان السبع			نباتی است	ح ی ۲					طبیخ آن مفتت سنگ گرده و مثانه و فرزجه بیخ آن برای ادرار حیض و اخراج جنین نافع
لسان العصافیر	زبان گنجشک و تخم اسہر	اندرجو	ثمر درختی	ح ی ۲ و گویند ر ۱	محرور	کشنیز و گندم مقلی	[illegible] جوز بوا	در بادیه ... ۳ درم	مبهی مسکن ریاح ثمر آن مسکن درد پهلو و تهیگاه و رافع خفقان و فتق و ضیق النفس نافع ...
لسان الکلب			نباتی است	ح ا ی ۲					یک رطل آن با عسل رافع صلابات طحال شرب او ضمادش ملزق جراحات و ملتئم زخمهای تازه
باب اللام مع الصاد المهملة									
لصیقی			نباتی خاردار	ح ی ۱					محلل جالی طبیخ آن با عسل رافع ... سینه ... روغن گل رافع ضربان ورم مقعد
باب اللام مع العین المهملة									

ح	ف	ه	هر	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
[illegible]	آب دہان	تھوک	معروف						جالی حصول لعاب دہن صایم رافع اذیت کرم گوش محلل خنازیر ... بہق کلف و قوبا و اگر ...
[illegible]			بچھے مانند سورنجان	ح ی ۲	سورت امراض حارہ	کشنیز	ہموزن بذر کدکان	۷ ماشہ	محلل ریاح قاطع بلغم مقوی حرارت غریزی قاطع بواسیر و اوجاع صدر و سم افعی و محمر
لعل		لال	حجری معروف	مع ی ز ی ۲				تا یک دانگ	مفرح مقوی قلب و اعصاب و قوت باصرہ قوی تر از یاقوت و حابس نزف الدم و بواسیر
					باب اللام مع الفاء				
لفاح	شابیزک و مغلہ		ثمر بیروج بری	ب ی ۳	دو درم کشنیز	فی بروغن و عسل	جوز ماثل یا بزرالبنج	تا نہ ماشہ	مخدر مجفف مسکن ضربان و جع او حار و غلیان خون و صفرا و قابض و مسکر مسموم ... رافع درد سر حارہ و سعوط ...
لفت و شلجم	شلغم و برشہ و شیلم	شلغم	معروف	ح ۲ ر ۱	برنش بطی الہضم و نفاخ	فلفل و زیرہ			کثیر الغذا رافع سعال ملین سینہ و بطن مقوی بصر مشہی باہ ... منی ... حصاة مدر ...
لفش			درختی عظیم						طلای برگ خشک مسحوق آن رافع برص و بہق و عصارہ تازہ آن رافع قوبا
					باب اللام مع القاف				
لق لق	لک لک		طائر معروف	ح ی ۳	محرورین	روغن کنجد و سرکہ و کشنیز			گوشت آن جہت فالج و لقوہ و خدر و ریاح غلیظہ و برودت مستحکمہ و ضعف باہ و سموم منہوسہ مفید
					باب اللام مع الکاف				
لک	لاکھ	لاکھ	صمغ نباتی	ح ۲ ی ۳	سپرز	مصطکی	در نفخ و ثلث ریوند	۳ ماشہ	جالی محلل منقی اخلاط حابس شیر ... مفید فالج و نفث الدم ... مقوی معدہ و جگر ...
					باب اللام مع النون				

[illegible]

جامع ابن بیطار ... [illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
لیخیطس			نباتی است	ح ی				از جرم آن [illegible]	بیخش مدر شیر با و خشک صحرائی آن بسیار کم مفید سپرز با قدر دو درم ضماد آن مانع زیادتی جراحات
باب اللام مع الواو									
	لوبیا	لوبیا	غله ایست مشهور	ح ار ۲ [illegible]	نفاخ [illegible]	[illegible]			جالی محلل مرطب سینه و ریه ملین مسمن محرک باه و منقی نفاس مخرج جنین رافع وجع گرده
لوز الحلو	بادام شیرین	بادام	معروف	ح را و گویند مع	احشا	مصطگی و شکر		۱۰ درم	مسمن مفتح حافظ قوی جوهر دماغ جالی مقوی بصر ملین موافق سینه شیر آن رافع سعال و خشونت سینه و حنجره
لوز المر	بادام تلخ		معروف	ح ۲ ی ۱ و گویند خ ی ۲	امعا	بادام شیرین و سکرنجبین			محلل جالی مزیل اصلاح و غلیظ رافع صداع ضماداً با سرکه مقوی بصر اکتحالاً رافع ربو و قیء و ورم سینه و ریه
لوز البربر			شبیه از لوز بر شجره بجنب صنوبر	ح ی					بسیار قابض است و روغن آن از زیت السودان گویند
لوسیماخیوس			نوعی از سراج القطرب	ب ی ۲	ریه	عناب		از آب سه ماشه	قاطع رعاف و نزف الدم فرزجه برگ آن قاطع سیلان حیض ضماد آن با حماض طول ...
لوعجید بطوس			گیاهی است						شربت برگ خشک و ضماد پوست آن بسرکه رافع جرب و ملتئم زخمهاست جمیع اجزای آن
لوف الحیه	فیل گوش		نباتی است	ح ی ۲	جگر و مولد خلط غلیظ	صمغ عربی	افسنتین	۲۰ ماشه	ملطف مخرج و مقطع بلغم و مفتح قصور ... آن رافع بیاض عین مفید عسر النفس و نفث الانتصاب ربو و غسل ...
لوف الجعد			مانند لوف صغیر	ح ی					مفید امراض سینه ضماد او با سرگین گاو مفید نقرس بیخش سفید بود اگر بیخش سیاه و سبز بود و یکسان ...
لوف الصغیر			مثل لوف کبیر	ح ی ۳					محرق اللذاع بیخش نیمه شیر در بود عسر النفس و ضیق النفس انتصاب و نزله و مخرج رطوبات سینه و مفتح
لؤلؤ	مروارید	موتی	معروف	ب ی ۲	مثانه	کثیرا یا سکنجبین گل	صدف سفید	۲ ماشه	مفرح ملطف ... و قوی ارواح سائیده آن رافع خفقان و جنون ... نفث الدم

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
		نیوده سیب		ب ر					مقوی احشا قابض شکم دافع فساد صفرا مدر بول باد و بلغم افزا
		لوده	م						ملین مقعد ملین دافع فساد اخلاط حابس خون حیض اسهال گلشن مغلظ منی مهیج مفید امراض
		لونیا	م	ب ی	نفاخ				ملین افزاینده بلغم و باد و صفرا قسم دیگر گذرست سرد و بطعم شور و هنگام هضم شیرین
		لونگ سنگ	گلی است	ح					مقوی دل و دماغ است و آن گل سفید و خوشبو است
باب اللام مع الهاء الهوز									
قیسر [illegible]			شجر مصری	ب ی					مجفف بلغم قابض و مانع سیلان مجرا و مفید نفث الدم و نزف الدم و اسهال [illegible]
باب اللام مع الیاء المثناة التحتانیه									
لیسانهوس			نباتی است	ر ح ی					محلل ملین جالی [illegible] مفید [illegible] ادرار بول و حیض و بهق
لیف			غشاوه نخل	ح ای ۲					جالی [illegible] آن جالی بیاض [illegible] مفید [illegible]
لیف البحر			نیخی است	ح ی ۲					جالی [illegible] آن مفید ناخنه و بیاض عین
لیفیه			گیاهی سرخ		از ربع زائد [illegible]			ربع درم	قسمی آن مسهل و دافع حمیات و قسمی قتال
لیموان	لیمو	[illegible]	م	ب ۲ ی ۱	مورث مغص	عسل و شکر	اترج		ملطف [illegible] قاطع اخلاط غلیظ دافع صداع حار و دوار و اورام حاره حلق و خفقان سوداوی

[illegible]

[illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
									مقاله بست و چهارم در بیان ادویه که حرف اول آنها میم است
									باب المیم مع الالف
ماء	آب	پانی جل	معروف	ب ر		اکثار آن مبرد دین			در جنب که عطش و سوزش معده تقوی قلب دافع فساد صفرا و دوران سر و اعیاد بیهوشی و غثیان
ماء الجبن			آب پنیر زار			مورث استسقا			موجب امراض دیگر مثل ضعف معده و کبد و سوء هضم و قلت اشتها و عفن اخلاط و سدد
ماء البئر	آب چاه	کوئین کا پانی	م			ثقیل بطی الانحدار			مزه صحیح او شیرین مقطع بلغم و بهترین چاهها چاه وسیع و عمیق و بسیار آب که مجرای آبش از شمال یا مغرب بود
ماء الحار	آب بسیار گرم		م			اکثار آن مفسد معده			محلل ریاح و تفتیح سفید البلغم لیا و صداع بارد و بثور حلق و قروح حجاب و ریه و نواح صدر
ماء البحر	آب دریا	شور	م	ح ی		مولد حکه و جرب	شوربای مرغ صمغ عربی		جالی محلل جلا [illegible] بلغم جعفر انا شف رطوبات مفسد چون شوئیدن سر عقرب بدان مفید
ماء الحیات			آبهای گرم [illegible]	ح ی		اکثار آن بسیار مضر	طینات		محلل قابض مانع تولید قمل جالی [illegible] و ماء الشبی مفید نفث الدم و سیلان بواسیر و فضول طمث
ماء الحمه			آبی که از معدن [illegible]	ح ی ۲					ربیع درم آن جا [illegible] مفید است برای [illegible] نافع آثار و قروح و حکه
ماء الثلج			آب منجمد در سردی [illegible]						موافق معده و معده ضعیفه و احشا و مسکن خارش و [illegible] در جوش ربیع آن سوز و دافع فساد
ماء الرماد			آب که در آن خاکستر جوشانند	ح ی		مخشن بطن	روغن بادام		جالی [illegible] قالع او [illegible] مخشن بطن [illegible] و معده و حالبس قی
ماء الراکد			آب ایستاده			محدث حمی			ردی [illegible] موجب امراض [illegible] اگر صاف شیرین و عمیق و مکشوف و از باد شمال متحرک و خالی از اشجار بود

ع	ف	٥	ه	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
ماء الکدر			آب گل‌آلود		[illegible] سنگ گرده و مثانه				مولد سده و سنگ گرده و مثانه و مفسد غذا و در حکم ماء الکدر
ماء المطر	آب باران		معروف		سینه و آواز				سبک و مروح و مفرح دل و مقوی باه و اعضا و رافع تشنگی مفرط و بیهوشی و سوزش اعضا و احیاء مزید عقل
ماء العیون			آب چشمه‌های جاری						اگر شیرین و صاف و خالص التربه بود و آب آن از بالای کوه آید بسیار مفید ست و الا مضر
ماء مروق و مقطر									در افعال و خواص قریب آب باران ست
ماء [illegible]			آبیکه [illegible]	ح ی	مورث [illegible] امعا	[illegible]			مفتح مسخن محمر رنگ رخسار و مورث امراض حاره
ماء الکبریتی			آبیکه از زمین گوگرد بهم رسد	ح ی	بصر و معده و امعا	العرق و [illegible]			مسخن مجفف مفید امراض سوداویه چون جرب و قوبا و بهق و اوجاع مفاصل بارده و سعفه
ماء المر			آب تلخ	ح ی	مبرز و [illegible]	[illegible]			ملطف اخلاط غلیظه مقطع بلغم مفتح و مفسد خون
ماء الملح			آب شور	ح ی	معده	[illegible]			جالی محلل جاذب ملین مسهل بلغم و صفرا نشف رطوبات مفسد خون
ماء المعدن			آبیکه از فلزات آید	مانند آن فلزات	[illegible]				مفید جوشش [illegible] و مقوی اعضای ضعیفه مقوی باه و دل و دماغ وغیره
ماء [illegible]	آب مس		از معدن مس آید یا مس تافته	ح ی	باطن	ماء الزفت			مفید فساد مزاج و جوشش دهان و ورم لهاة و درد گوش و تقویت اعضای ضعیفه مفید قروح دهان و گوش
ماء الحدید	آب آهن		آبیکه آهن تفته [illegible]						برای استسقا و طحال و تقویت اشتها و [illegible] امراض [illegible] اسهال [illegible] مفید نفث الدم
ماء الرصاص	آب ارزیز [illegible]		آبیکه سرب [illegible]		[illegible]				[illegible] محبس بول و حرارت آب سرب زیاده از آب [illegible] است

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
ماء الذهب والفضه	آب سیم و زر		آب سیم و زر و نقره						مقوی دل و دماغ و معده و کبد باه و مالیخولیا و خفقان منعظ و ممسک بطن و دافع امراض سوداویه
ماء الهتون			[illegible]	ح ی					انفع قروح و بن مخرج اخلاط غلیظه و عرق النسا و قروح امعا مجفف جراحات مصلح آن آب عطش
ماء الشب	آب زاک سفید								مفید نفث الدم و مانع قی و برای منع اسقاط و ادرار حیض مفید
ماء القدح			عرق بهار	ح ی	کبد				ملطف محلل مفید صداع بارده و زکام و نزلات و خفقان بارده مفتح و رافع امراض بارده
ماء الشعیر	آب جو و کشک		م	ب ر	احشاء و معده	گلقند		صدر درم	افضل اغذیه است برای امراض حاره منضج اخلاط مستفرغ اخلاط محترقه منقی معده مسکن تشنگی و حدت اخلاط
ماء اللحم	آب گوشت		م	ح ر					انفع اشیا است برای ضعف دل
ماء الجبن	آب پنیر		م						مفید کلف و جرب و یرقان مسهل صفرا مسکن حرارت جگر با افتیمون مسهل سودای سوخته
ماء الکافور	آب کافور		م	ح ی ۳	مصدع محرور	روغن بنفشه			محمار آنکه بروغن طبسان باشد بارد المزاج و پیران را بزمستان موافق و در شهرهای سرد نیز
ماء العسل	آب شهد		م	ح ر	اصحاب صفرا و ورم گرم	ربوب ترش حامضه		تا بیست مثقال	مشهی و مفید علل بارده مسهل بشرط استعداد و خلط چون بشربیش قرار گیرد ناف زن شود آبستن
ماء الورد	گلاب	گلاب	معروف	مع	محشن سینه	جلاب نبات			مقوی دماغ مسکن صداع گرم مقوی دل و معده و چشم شموما و شربا مسکن درد چشم دافع غشی و نفث الدم و خفقان گرم
	مارگیاه		نباتی ست	حی ۲					[illegible]
	مارگیوا		نباتی ست	حی ۲					[illegible]

ع	ف	ہ	ھ	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
[illegible]	مار ماہی	بام مچھلے	ماہی ست	ح ی					مقوی و مزیل ریاح و مسمن بدن بیرون رافع وجع ظہر قاطع سیلان خون
[illegible]			برگ درختے	ح ی ۴	محرور اطفال	[illegible] خیسانیدن	ایرسا	۳ [illegible]	جالی منقی مقشر حریف سیاہ آن مسکن وجع دندان مسہل آب زرد صفرا و حیات و حب القرع رافع استسقا و یرقان
ماس	الماس	ہیرا	حجری معروف	ب ی ۴	قاتل	فی الشیر تازہ			مقوی دل العلیقا رافع خوف و فزع عسر ولادت باعث غلبہ برخصم مسدس شکل آن مانع صرع جالی [illegible]
ماش [illegible]	بنو ماش	مونگ	حب ماکول	ب ۱	مبرود و پیران	زیرہ و [illegible]	باقلا مقشر		کثیر الغذا مولد خلط صالح بطی الانحدار خصوصاً مقشر مسکن حرارت حدت التہاب صفرا و خون
-		مافودون	نباتے	ح ی					با فعال و خواص مانند سنبل برگش را داخل دہان برای خوشبوی می کنند
ماعز مغز	بز و میش	بکری بکرا	معروف	ح ر	سوداوی مزاج	بادام			[illegible] محرور مصلح صالح الکیموس مولد خون لطیف گوشت بزغالہ مافوق گوشت میش مسکن غلیان خون لطیف
مالک الحزین	بوتیمار و ماہی گیر	بگلا	طائر آبی	ح ی ۲	مولد ریاح	ادویہ حارہ			گوشت او غلیظ مولد ریاح مقوی گردہ [illegible] قاطع خون بواسیر ضماد خونش بکام نافع نزلات
		مال کنگنی	تخم نباتی ہندی	ح ۳ ی ۲	محرور				مقوی دماغ و حفظ و ذہن مفید نقرس و عرق النساء و درد کمر و علل بارده دماغ و اعصاب [illegible] فالج و لقوہ و رعشہ
مالیا			درختی [illegible] مشہور		[illegible]				برگش رافع سم افعی طلای پوست محرق آن رافع برص
[illegible]			نباتیست	ب ی ۲	سپرز	بادام شیرین	سماق	۳ ماشہ	قابض رادع محلل مقوی اعصاب رافع صداع مانع انصباب مواد بچشم و قلاع تخمش رافع خفقان و مسمن
مامیران			نوعی از عروق الصفر	ح ی ۳	گردہ	عسل	زردچوبہ و [illegible]	نیم مثقال	جالی محلل مفتح مقرح مشقق ناخن با عسل منقی دماغ سعوطا و مجلی بیاض چشم و ناخنہ و روشنائی بصر
		مانذ	[illegible] بیخ [illegible]	ب ر					مشہی معدل مصلح بلغم و باد و صفرا و نرم سازندہ عروق و عضل دافع تپ صفراوی و بلغمی قابض

[illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مص	مض	ب	ق	افعال و خواص
		باچهک	اسم عصبیت نوبا	ب ی					مقوی بصر مزید عقل دافع بسیه و سبکر نست و مصلح فربهی
		ماث	اسم سنگ است						بجای پوست بیخ ماث دور کرده مغز ش بقدر صد توله صد توله شیر گاو و صد توله عسل جوشانند مزید شیر بود
	ماهودانه		نباتی شیردار	ح ی	ریوند	انیسون	انزروت	ازسه تا ده عدد آن	مسهل محلل قولنج مدر بول رافع درد مفاصل و نقرس و عرق النسا مخرج بلغم غلیظ
ماهیزهرج	ماهی زهره		پوست گیاهی	ح ی ۲	امعا	انیسون کثیرا		۴ ماشه	مسهل قوی بلغم غلیظ محلل ریاح رافع اوجاع مفاصل و نقرس و عرق النسا گویند آن مخرج ماهی آب
باب المیم مع التاء									
		متبهکر به	بیضه ماهی	ر	گران				مبهی مقوی اعضا مسمن افزاینده بیه و بلغم دافع برسیو پیدا کننده گرانی طبع
باب المیم مع الثاء المثلثة									
مثنان	درخت گرم		نباتی ست	ح ی ۳				تا ۳ ماشه	بلع دانه آن مسهل بلغم مانع صعود ابخره بدماغ مخرج کرم معده طلا کویند اش در عرق معطر رحم
مثلث			ابیلیکوریکو دوثلث البختج	ح	الکثار آن محرور	بسیار آب آمیختن	خمر		حول خون صالح لمستسقین و افق ذات الجنب و ذات الصدر مقوی ما خمه باه مبرود و مزید منی
باب المیم مع الجیم									
مجنجنج	گل خوش نظر	گدگا	نوعی از ریاحین	ب ی ۲					تا انقباض رافع سیلان خون و اسهال مفید جنبهای تازه عصاره آن برای کرم گوشت و قرحه و جرب آمیخته
	مجوقان		بیخ نباتی سفید	ح ی ۲				۳۰ ماشه	مفید نواز ل درد مفاصل و گرده و قولنج مسهل بلغم رافع آتشک و جرب و حکه و حمیات مزمنه مفتح

ع	ف	٨	ھ	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
									باب المیم مع الحاء المهملة
محروث	بیخ انگوزه		اصل الانجدان	ح ی ۴	ششش	عصاره فرزد تیک		۱ ماشه	باضم مصفی معده محلل ریاح و نفخ ملطف و در منفعت مانند حلتیت نیست
									باب المیم مع الخاء المعجمة
مخ	مغز استخوان	گودا	معروف	ح ر	اکثار آن مفسد معده	نمک صعتر دار چینی			ملین مرخی اعضا کثیر الغذا مسمن محلل صلابات مفید شقاق دست و پا مغز ساق گاو و بز بهتر میشود
مختصه			نباتی است	ح ی ۳				۴ ماشه	خلاصه دوهند از سم افعی رافع قولنج محلل اخلاط لزجه مقوی معده و کبد طحال رافع اوجاع مفاصل
مخیض	دوغ	چھاچھ	ماستی است	ب ر ۲	صاحب عفونه	سے			مسکن غلیان خون مبهی محرور مشتهی مسمن مطفی حدت تپ دق و سموم حاره حرارت معده و جگر
									باب المیم مع الدال المهملة
مداد	مرکب سیاهی	مسی	م	ح ی ۳		روغن گل	خاکستر خسته خرما		قابض مجفف رادع سعوط و ضماد مداد هندی بر پیشانی حابس رعاف و رافع وجع شقیقه و کف پا جاذب حرارت
									باب المیم مع الراء المهملة
مر	.	بجول	صمغی است	ح ی ۲	شانه و محرور	عسل	صمغ بادام تلخ	۱ ماشه	جالی مجفف قابض مفتح منضج مسهل ملین طبع محلل ریاح نشف رطوبات دافع تعفن منقی دماغ مانع نزلات
[illegible]			خاری است	ح س ۲ ی ۳	مصدع	کثیرا		۱۰ ماشه	مفتح ملطف ضماد رافع وجع مفید جرب و حکه مطفی حرارت خون و مصفی آن
مراره	زهره تلخه	پیتا	م	ح ی ۲					جالی شدید النفوذ مفتح نافع تاریکی چشم ابتدای نزول آب انیز و مسهل مدر حیض

[illegible]

[illegible]

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
مرارة الاسد	زہرۂ شیر	باگھ کا پتا	م	ح ی					قوی ترین مرارات حیوانات است نافع تاریکی چشم ابتدای نزول آب بہ اشیار و با عسل مانع تزاید اورام
مرارة الارنب	زہرۂ خرگوش		م				زہرۂ تیس		اگر با آب دجاجی کنند بسداب آمیختہ با شراب نوشند خواب نیاید و اگر خلاصی خواہند سرکہ او را بو یا سند
مرارة الافعی			م	ح ی					مہلک تلخی دہن بسدی عین تیز اعراض شود علاج آن تریاق فاروق شیاف الخم و رب بہ و سیب سازند
مرارة ثور		بیل کا پتا	م	ح ی	جگر و زہرہ	التیراوسل		یکد انگ	با عسل برای قروح متعفنہ و باطرون جیلطین قیحی یا مفید خنازیر و دلوک و مقتح افواہ عروق و بلو اسیر
مرارة التیس			م	ح ی					نافع دوالی و داء الفیل خناق و قروح و بثور گوش و رافع نہش ہوام و قالع گوشت زائد
	مرارۂ بوم	الو کا پتا	م	ح ی					با خاکستر چوب گز رافع بول در فراش و سلسل البول و رافع شبکوری
مرارة الکلب البلدی	زہرۂ سگ آبی		م	ح ی					قدر عدس آن کشندہ علاج آن بروغن گاو و جنطیانای رومی و دار چینی نمایند
مرارة القنفذ	زہرۂ خار پشت		م	ح ی					شیر با نافع جذوم و اثر ریشہا کہ در چشم بود زائل کند
مرارة العصفور	زہرۂ گنجشک		م	ح ی					با عاقر قرحا و قدری زنبق بر کنج ران و قضیب و خصیہ و ران طلاء منعظ بغایت مرتبہ
	مرارۂ مرغ سیاہ		م	ح ی					طلای آن بر احلیل مورث لذت جماع زنان و محبت مفرط ایشان بمردان
مران			درختی و عرب	ح ی					برگ یا عصارۂ برگش بقدر یکدرم رافع سم افعی با شراب پوست درخت وی سوختہ قاطع حبر
مرجان	مرجان	مونگا	م	ب ی ۲					قابض مجفف حابس تعلیق آن بعضد رافع جمیع امراض آن و رافع خوف اطفال و ام الصبیان

[illegible]

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
مرداسنج	مرداسنگ		جسمی حجری معروف	مائل بگرمی ی ۲	سم قتال	قی	اقلیمیا	وازجرم آن تا دو مثقال	مجفف محلل قابض مبرد مسدد حابس جالی بر زنده گوشت فاسد منبت گوشت صالح ملتئم اکال
مرزنجوش	مرزنگوش	دونامروا	م	ح ۲ ی ۱	گرده و مثانه	کاسنی و تخم خرفه	سوسن و افسنتین	در مطبوخ ۲ مثقال	ملطف محلل مفتح جالی جاذب رافع صداع بارد رطب و حابس زکام مقوی دماغ و منقی آن مفرح
مرسطلس			درختی است	ح ی ۳	درد او صداع آن گیشنده				طلاء آن نافع لسع سایر هوام سنو نس مقوی دندان نافع لثه دروغ مشلش ملتئم جروح رافع عسر ولادت تعلیقا
مرغ		دوب	کاه معروف	ب					شیره برگ و ساق نازکش برابر برنج سفید با قدر مصری رافع قی و هیضه و سمیت مارگزیده و سوزش اعضا
مرغری	مرغز		نوعی از پشم بز	ح ر					لبس آن سخن سبز و دو موافق امزجه و مقوی کمر و گرده و محرک باه بدن را نیکو کند
مرمر			نوعی از رخام سفید						چون سحق خشته با نمک اندر را سحق کند معوی دندان شسته بود و مفید سوختگی آتش و با موم روغن مسکن وجع معده
مرقشیشا		سوناکھی	سنگی است	ح ی ۲ و گویند در سوم	سم قتال	قی کردن	مغنیسا یا اقلیمیا		محلل جالی قابض منضج مسخن باه فرع طفل تعلیقا مجلی و مقوی چشم ملتئم جروح و منقی آن اکال گوشت زائد
مرماحوز	مروخوش		نوعی از مرز	ح ۳ ی ۲	مصدع معطش	ورد و چوب یا حین	بادرنجبویه	۷ ماشه	ملطف محلل مسکن ریاح مفتح سدد منضج مسکر شراب با شراب رافع خفقان سوداوی مقوی معده و امعاء رافع قی
مرمازاد	مروآزاد		نباتی است	ح ی					باروغن بنفشه سعوطا مفتح سدد دماغ و مقوی آن و مقوی معده و جگر و اعضاء باطنی و محلل ریاح امراض بارده جگر و رحم
مرماهوس	مرو سفید و مرو تلخ		نباتی مانند مرماحوز و گویند	ح ی					مفرح مجفف مسکن ریاح مفتح سدد بلغمی ملطف محلل رافع خفقان سوداوی مقوی معده
مرو	مرو خوشک	کنوجھہ	نباتی است هم جنس نوع	ح ی ۲					ملطف محلل ریاح و نفخ و بلغم مفتح سدد مسکن وجع کمر رافع صداع مقوی معده و امعاء و استسقا و ریاح
مرهطیس		سنگی است سیاه مخطط							شرب شیر آن رافع وجع فواد و ضماد آن برای نمله نافع اگر آنرا بسایند بوی خمر آید

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ع	ف	×	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
		عربی							مسهل واقع فساد صفراو بلغم وخون و باد و تشنگی و امراض [illegible] جذام و جرب و حمی
[illegible]	آبکامه	.	[illegible]	ح ی [illegible]	[illegible]	[illegible]	لعاب [illegible]	انهیانه ... ماشه	جالی اخلاط غلیظ منقی بلغم [illegible] محلل [illegible] افع نقصان ذائقه
[illegible]			[illegible]	ح ی [illegible]					مقوی معده و جگر رافع صداع [illegible] کرم معده مقعد
باب المیم مع الزاء المعجمة									
مرمار الراحج			نباتی است	ح ی [illegible]	طحال	باد آورد	اشنان	٩ ماشه	جالی محلل رافع سموم مفتح سدد حیض قابض شکم مسکن فواق [illegible] سفید برای درازی مو
باب المیم مع السین المهملة									
مستعجله			[illegible]	ح ٢ را	خلق	عسل	خمیر مایه	١٠ ماشه	باصندل مقوی قوی باه اعصاب مانع فساد اخلاط مهیج باه سرعتا مصلب ذکر مسمن
مسحوقونیا	آلف آبگینه		سنگ مطبوخ مصنوعه	ح ی					حاد جالی رافع بیاض ناخنه ظلمت بصر و سلاق و شرناق جالی دندان قاطع گوشت زائد
مسک	مشک	کستوری	م	ح ی ٢	[illegible]	گلاب و کافور	[illegible]	١ ماشه	[illegible] مفتح سدد محلل [illegible] مفرح مقوی دل و دماغ و حرارت غریزی [illegible] سفید صرع و رعشه
مسیر			[illegible]	[illegible]					[illegible]
مسن			سنگی که بآن کارد تیز کنند	ب ی		بابونه	طین قیمولیا		مجلی محلل
باب المیم مع الشین المعجمة									

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
مشط الغول		کنگھی	نباتی است	ح ی ۲					محلل قوی ریاح غلیظه مفتح سدد سده او قیه آب برگش رافع سم سگ دیوانه شربا
	مشک دانه		دانه ایست	ب ی				۱۴ ماشه	جالی عین رافع امراض دہان و بدبو مرگی زبان و ثقل معده و ریاح آن و برص و سوزاک
مشکطرا مشیع	رنگ		پودینه جبلی	ح ی ۳	مقعد	صمغ و سرکه	پودنه و تخم نانخواه	۳ ماشه	مقوی اشتها مخرج رطوبات از سینه و رحم مفتح قولنج مفید غشی کربا در بول و حیض و نفاس و مفتت
مشمش	زرد آلو	خوبانی	ثمری معروف	ب ر ۲	سبزه و دہن و نفاخ	شکر مصطکی	خوخ	ایک کف	مفتح ملین موافق محرورین رافع بدبوی دہن مسہل صفرا مسکن تشنگی و التہاب معده و رافع آروغ قامع
باب المیم مع الصاد المهملة									
مصطکی	کندر رومی		صمغ درختی	ح ی ۲	مثانه	کسیر کتیرا استعمال کمون	کندر و ذکر	۳ ماشه	ملطف محلل جالی قابض مقوی تقویت اعضاء رئیسه معده و جاذب رطوبات و بلاغم از دماغ رافع صداع بارد
مصل			مائیت دوغ	ب ی ۲	معده [illegible]	ادویه مسخنه و جوارشات			مسکن حدت صفرا و خون و تشنگی حرارت معده و کبد و اسهال مرار و حمیات حاره
مصوص			عبارت از سیخ کباب						صالح الغذا سریع الہضم مفید صاحبان امزجه حاره و معده کبد حار و غلبه صفرا و امراض حاره و حمیات حاره
باب المیم مع الضاد المعجمة									
مضغ			رمان بری						ضماد بیخ آن با مسا و آن بعیر سقوط رحم و طلی ارمغی جهت وجع ضربه و سقطه نافع
باب المیم مع الغین المعجمة									
مغاث			بیخی است بیخ تمامی	مثانه	عسل	عقر قرحا		۲ ماشه	محلل قابض مقوی اعضاء و اعصاب مسمن بدن رافع وجع مفاصل و جنون و امراض بلغمی و جذام [illegible]

[illegible]

جامع کبیر دورہ دوندان ۱۲ [illegible]

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
مغرہ	گل سرخ	گیرو	گلی است سرخ	ب ی ۲	امعاء ومثانہ	شیر ینیرہ	گل ارمنی کتیرا	۷ ماشہ	قابض مجفف حابس رادع مفید اوجاع کبد وحبس بطن وقتل کرم وحب القرع مسکن حرارت اعضا
مغنیسا	زنگ کاسہ		سنگے است	ب ی ۳	دل	عسل	قرشیشا	۱ ماشہ	جالی قابض مقوی معدہ منقی رطوبات رافع حصاۃ وعسر البول رافع کلف ملتئم جروح
									باب المیم مع القاف
مقل	بوئی جہوداں	گوگل	صمغ درختے	ح ی ۳	ریہ وکبد	کتیرا وزعفران	مربی وثلث [illegible]	۳ ماشہ	جالی محلل ملین نافع کزاز ودرد گلو وسرفہ رطبہ وربو وضعف جگر وعسر ولادت ونقرس ومفتح
مقل مکی			م	ب ی					قابض مقوی معدہ حابس اسہال وسیلان خون طبیخ آن مفید تقطیر البول ونفث الدم
مقشمہ			عہ						مفید مالیخولیا وخشونت سینہ وتسکین تشنگی وتلخی دہان ودفع تپہا واخلاط سوداوی
									باب المیم مع الکاف
	کہار کہانا		بیخ نباتے	ح ر					مقوی بدن وباہ مزید منی در سبر ودبریان کردہ آن باغذائیت وحابس اسہال
									باب المیم مع اللام
ملح	نمک	نون	م	ح ی ۲	سوزش حلق وبصر	استسقای زردہ رطبہ	نوشادر وبورق		جالی ملطف محلل قابض مجفف مسدد ودافع عفونات اخلاط واگداز زائدہ اخلاط جاذبہ مسہل بلغم سودا
ملح اندرانی	نمک سنگ بلوری	نمک لاہوری	م	ح ی ۳					مقوی فہم وذہن مسہل بلغم ولزوجات رافع تخمہ وجشاء وازدیاد عین
ملح اسود	نمک سیاہ	کالا نون	نمکی سیاہ	ح ی ۲					در اسہال وتلیین وجلای زائد از اندرانی ہاضم طعام رافع فواق وجشاء

[illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
ملح سانبهر	نمک سانبهر		نمک مائل بسرخی	ح ی ۲					مقوی فهم مسهل بلغم ولزوجات رافع حبشا وتخمه
ملح انجبین			نمکی که داخل خمیر نان کنند	ح ی ۲					قریب بملح اندرانی وقوت اسهال وحدت مصنوع آن زیاده
ملح طبرزد			نمک جبلی حجری	ح ی ۲					جالی مجفف قاطع بلاغم ولزوجات هاضم طعام
ملح المر	نمک تلخ	بادالون	نمک مائل بزردی وسیاهی	ح ی ۴				۱ ماشه	مندمل جراحات بالجمع عربی وزیست گویند همین ملح نفطی ست وگویند مصنوع است
ملح نفطی			نمکی سیاه بدبو	ح ی ۳				۳ ماشه	مسهل مقی مخرج بلغم وسودا رافع جرب وخوشش بدن اگر باروغن گل سرخ طلا نمایند
ملح هندی		سفید بالون	م	ح ی ۳				یک ونیم درم	مسهل ماء اصفر وبلغم وسودا مشتهی محلل ریاح ودر سائر افعال مانند دیگر اقسام
ملح فرنگی			نمک شفاف	ح ی					مسهل بلغم وسودا وماء اصفر وحمیات عفنه اگر باب گرم حل کرده نوشند خوب اجابت کند
				باب المیم مع النون					
		[illegible]	م						ملین دافع زهیر وبلغم وخون وتنگی نفس وسرفه ومصفی رنگ سمن دافع آسیب دیو وجن
				باب المیم مع الواو					
موم	[illegible]		[illegible]	ح ی ۲	[illegible]	[illegible]	[illegible]	۲ مثقال	قابض مسمن ملطف مفتح سموم مصفی آواز مفید امراض عصب ومفاصل ضعف معده وجگر وطحال
موز وطلح		کیله	سرخ	ح ی ۲	نفاخ	[illegible]			جالی کثیر الغذا بطی الهضم مولد اخلاط غلیظ مسمن مفرح ملین سینه مرطب معده مصلح یابس وخشونت حلق

[illegible]

تالیف ... [illegible] بیماری ... سفوف ... [illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
		موسلی	بیخی است سفید و سیاه	ح ی ۲					مبہی مزید منی رافع ضیق النفس و بواسیر محلل ریاح دافع الطحال رافع پریود باکنجد سفید جمی ریح
		مولسری	درختی کلان معروف	ب ی					ثمرش ممسک منی حابس بطن لعقوع پوست درختش منفید حرقة البول قروح مجاری ... آتشک
		مونج	پوست درخت نوعی از نی است	ب ی					غرغرہ بآب مطبوخ آن رافع جوشش دہن ... و اماة ... سفید بواسیر خونی و ریحی
		مونسر	نوعی از ریاحین	ح					مشہی دافع بواسیر و فساد باد مولد منی شیرین است و تلخ و گران
		موہک	معروف						دافع فساد باد و بلغم مزید صفرا
		موکہن	درختی است	ح					قابض دافع فساد باد و بلغم و کرم معدہ و درد ... و استخوان صمغ آن مبہی مسمن دافع فساد صفرا
		موکل							قابض شکم و گران و مقوی اعضا دافع فساد صفرا و باد و مبہی و مشہی
		مونگرا	گلی است	ب					مفرح دافع صفرا و امراض عین و دہان و شیرین
		مورشکا	درختی است						دافع فساد باد و صفرا و بلغم و حرارت تپ حابس اسہال
		موبڈی	نباتی ہندی	ح ر ۲					مقوی اعضای رئیسہ و قوی ارواح و معدہ و محلل ملطف مفتح رافع خفقان و یرقان
			باب المیم مع الہاء الہوز						
مہا	سنگ بلور		سنگی است	ب ی ۲					جالی محلل قاطع بیاض عین دافع لکنت و ثقل زبان مفتت مدر مزید شیر رافع عشہ تعلیقا

سلہ قرآن ونگارش ح ی ۱۲ ۱۳۵۲ ... [illegible] ... ۱۲

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال خواص
مغلیه	قرنی		غذای بدن و کبد بیخ و شیر و بسیار	ح ر					رافع مالیخولیا و خون و دهن مشتمل مولد خون صالح و منی مهیج رافع قی سوداوی
		جهکی	م	ح ر					دافع فساد باد و سموم مولد منی مقوی قوی و حافظ صحت
باب المیم مع الیاء									
		عیبه		تراب به					مفرح منشط مقوی معده
ملیسن			درختی عظیم	ح ی ۲					ثمرش رافع قی مقوی معده حابس اسهال مسکن عطش یا نشر آن بیشار و چوب آن مفید قرحه امعا و سحج و دا الفیل
میسوس	کرم ابوب		باریک حسمی حجری	ح ی					شربا مفید استسقا و سپرز و مفتت حصاة در گرده و احتباس حیض مجفف رطوبات ذروریا
میعه سائله		سلارس	صمغ درختی	ح ی ۲	رئه	مصطکی	جند بیدستر	۱۰ ماشه	مقوی محلل منضج ملین محجت مفید خشونت زکام و صداع و گرانی در گوش و گرفتگی آواز و سپرز و استسقا و سموم
میعه یابسه			نقاسی سائله	ح ی الداو سائله	مصدع	رازیانه	حاجی شیر	۹ ماشه	قابض مسکن طحال جالب رطوبات دماغی بخورا رافع لقوه و وبائی نافع خون رعاف اسیر حمولا مسقط جنین
میغنج	میغنه		آب انگور جوشانیده	ح ی	محرورین	میوه سرد و ترش	شراب انگوری		موافق سینه و ریه و آبله محرک باه مفید درد گرده و مثانه
میور سکها		جهان سیدا	دوائی است	ب					مزید منی و باه و شیر و کف برانگیزد و خلیه تخمه و باد را ببرد و مقوی حواس خمسه مقوی بدن
مقاله بست و پنجم در ادویه که اول آن نون است									
باب النون مع الالف									

و تحلیل اورام

ازو وزن ... کرده ... زیاده

ع	ف	لا	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
نارجیل [illegible]	نارگیل	ناریل کهوپره	م	ح ی ۱	مسهل	شکر	پسته	۳ مثقال	مسمن مقوی حرارت غریزی [illegible] نافع فالج مفید جنون و مالیخولیا [illegible] و قطره [illegible] مسخن گرده
نارجیل بحری	نارگیل دریائی		ثمر درختی بیست	مرکب القوی				۲ قیراط	نافع مفرح قی و تهوع بگلاب [illegible] حرارت غریزی [illegible] تشنگی و حمی
ناردین			سنبل [illegible]	ح ۲ ی	ریه	کثیرا و عسل	سنبل هندی	۳ ماشه	یکدرم آن مفید فالج و لقوه [illegible] مواد معده [illegible] اکتحالا [illegible]
نارقیه		انگیسر گرائی	نباتی ست	ح ی ۲				۴ ماشه	مفرح مقوی معده [illegible] مدر بول و حیض محلل صلابات و دافع اوجاع مفاصل
نارکیوا			خشخاش [illegible]	ح ی ۲					محلل [illegible] نافع کلف و نمش و آثار جلد [illegible] و مسقط [illegible]
	نارشک	ناگکیسر	شکوفه [illegible]	ح ی ۲	[illegible]	روغن بادام	[illegible]	۲ مثقال	ملطف رقیق اخلاط نافع [illegible] مفید وسواس و مالیخولیا مقوی دل و جگر و معده [illegible]
نارنج	نارنگ	کرنا	ثمر درختی عظیم	ح ی [illegible]	حصب	شکر و عسل [illegible]	اترج	از رب او نیم مثقال	ترشی آن موافق [illegible] سینه [illegible] با شکر مسهل صفرا و مسکن حدت آن و خون و دافع حمار و ملطف
ناطف	قبطیه		م	ح ی	محرورین	اشیای حامضه			موافق سینه و ریه [illegible] مسمن مانع انصباب مواد بمعده و مصنوع از خشخاش مفید حرقة البول
		ناگیسر	درختی عظیم	ح ی ۳					بقدر یک حبه عطر آن [illegible] مقوی [illegible] دافع صفرا و بلغم [illegible] و حمی [illegible]
	نانخواه زنیان	اجوائن	تخمی ست	ح ی ۳	[illegible] محرورین	کشنیز عناب	شونیز	۱۰ ماشه	مجفف طین محلل ریاح نافع فالج و رعشه و استرخا و درد سینه و صلابات [illegible] عسر البول [illegible]
		ناگدمنی	چوبی شبیه به مار						مسمن مقوی بدن دافع صفرا و بلغم و سوزاک و آتشک و بثور و زهر و قابض

باب النون مع الباء الموحدة

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
نبیذ			لتقویات مسکر حادة	ح ی	صاحب ورم طحال				محرق خون مضعف دماغ مکدر حواس مولد سودا
نبیذ الزبیب	مویز آب		م	ح ۳ را	دماغ				مولد دم طین منضج ... مسخن بدن مقوی معده منقی سینه وریه محلل ریاح مبهی مدر
نبیذ العسل			شراب عسلی	ح ی ۲	محرور				محلل اخلاط غلیظ مجفف حافظ صحت مبرود و پیر مقوی حواس نافع فالج لقوه رعشه و استرخا
نبیذ السکر			از آب شکر سازند	ح ی	مصدع	انار			لطیف نافع گرده و مثانه و حرقة البول و عسر آن مسهل موافق ناقهین
نبیذ التمر			از خرما سازند	ح ی	ثقیل				موافق پیران و بلغمی مولد سودا و جذام و خنازیر و سرطان و مضر دماغ و معده و امعا
نبیذ الارز			از برنج سازند	ح ی	مصدع	ماهی تازه			مسهل بطن مدر بول قلیل السکر ساقط کننده شهوت
باب النون مع الحاء الحطی									
نحاس	مس	تانبه	م	ح ی ۳	محرق	کثیرا	[illegible]	۱۰ ماش	محلل مدمل قابض رافع نزله و سترا کنحاس باعث حدت بصر شرب حامض و مالح و لحوم بظرف آن مضر
نحام	مرغابی		طائری آبی	ح ر	محرور	سرکه			مولد خون متین منی مقوی چشم و بدن حرکات ... دیر هضم نافع بهق و مشایخ بدبو کننده عرق و بول
نحل	مگس عسل	[illegible] مکی	م	ح ی ۳					بچه برنا آورده او را به آبسایه خشک کرده یکدرم با پالوده آرد گندم نوشیدن مسمن بسیار طلای ...
باب النون مع الخاء المعجمة									
نخاع	حرام مغز		مغز استخوان پشت	ح ر	بطی الانحدار	نمک			ملین صلابات رافع شقاق لب خشکی اعضا ضماد آن اکال قروح و در پا افعال قریب دماغ

ع	ف	ه	م	ط	مضر	مصلح	ب	ق	افعال و خواص
نجاد	سیوتا	[illegible]	م	ح ی [illegible]		نشاسته	آرد جو		مجلی طین محلل منقی [illegible]
باب النون مع الدال المهملة									
ند	کشنه		[illegible]	ح ی					مقوی قلب و دماغ و حواس [illegible]
باب النون مع الراء المهملة									
نرنقس			[illegible] است	ح ی					سعوطا دافع [illegible]
نرجس	نرگس		گلی معروف	ح ی ۲	محرور	بنفشه نیلوفر	نسرین خیری	۱۰ ماشه	جالی جاذب محلل [illegible]
	نرگک		[illegible] است					یک طسوج	نافع آبستنی تعلیقا [illegible]
باب النون مع السين المهملة									
نسر طائر	کرکس	گده	طائری معروف	ح ی ۳	ردی الغذا	سرکه			محلل ریاح [illegible]
نسرین	گل [illegible]	سیوتی	گلی سفید	ح ی ۲	معطش	کافور	نرجس یاسمین	۱۰ ماشه	ملطف مفتح محلل منقی مقوی دل و دماغ و حواس [illegible] رافع سردی اعصاب
باب النون مع الشين المعجمة									
نشا	نشاسته		م	ب ی ۱	مسدد	شیر [illegible]	برنج مغسول	۷ ماشه	رادع قابض [illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
نشاره	براده		براده خشاب	ح ر					قابض جالی نشاره چوب بوسیده قابض سایجالی منقی مجففها نافع قروح خبیثه و نمله ساعیه
نشفت			سنگی پر سوراخ	ی					قاطع خون طمثم زخمها و لحم آنها خصوصا باشب و در سائر افعال مانند بسد
باب النون مع العین المهملة									
نعام	شتر مرغ		مرغی است	ح ی ۴	محرور	سرکه			گوشت آن محلل ریاح قاطع بلغم رافع فالج و لقوه وضعف خدر واوجاع مفاصل و عرق النسا
نعنع	هزار بابا		نباتی معروف	ح ی ۲	مولد ریاح	کرفس	پودینه	۹ ماشه	در افعال مانند پودینه مفرح معده [illegible] محلل نافع درد سر و خنازیر مقوی معده و جواش قبل الرجوع
باب النون مع الغین المعجمة									
نغر	چکاوک	محوله	اسم جنس عصفور	ح ی					قدید نمک سود آن برای اسهال و غیر نمک سود آن برای عسر البول و تفتیت سنگ گرده و مثانه نافع
باب النون مع الفاء									
نفط	نفت		روغنی است	ح ی ۴	محرورین	قطران	لعاب اسپغول	۲ ماشه	مفتح محلل صلابات ترياق امراض بارده نافع فالج و لقوه و رعشه و کزاز و خدر و استرخا
نفل			نباتی است	ح ی ۲					تخم و گل آن رافع سپرز و مدر بول و گل آن اقوی و طبیخ آن در افعال ضعیف تر است
باب النون مع الکاف									
		نکاچونی	یتوعی است	ح ی ۲					عصاره آن بشرب رافع سموم [illegible] و باشیر مسهل اخلاط فاسده

[illegible]

در العلاج · نفع و ضرر · بود علاوہ شناو · در ارض غلیظ · مغز مبیض · مخفف اسہال · کی فتلون · علامت او · سود مالہ · بر زیادہ · بارانتخاب · مصلح

ح	ن	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
باب النون مع المیم									
نمر	پلنگ	تیندوا	حیوانی معروف	ح ی	قاتل آن	لبنی شیر			پیہ آن نافع فالج و خدر و وجع مفاصل و نقرس و امراض بارده و طلا و بخور موش گریزانندہ ہوام
نمل	مورچہ	چیونٹے چیونٹا	م .	ح ی ۳	تخم درش عرب	عسل و زیرہ		۱۰ عدد	۱۰ عدد مورچہ با مقابر کیم او قیہ روغن زنبق ۴ ہفتہ با آفتاب گذاشتہ طلا کردن نہایت محرک باہ و موی شہوت است
نمس			حیوانی است						طلا از سرگین آن با خرزل نافع داء الثعلب موی سوختہ آن رافع بہق سیاہ و جرب و آتش افع
باب النون مع الواو									
	نوشادر	نوسادر	تیہری مانند نشوتہ فلکی	ح ی ۳	آن کشندہ	اگر بہ شیر و انگور حرب	شب یا نمک اندرانی		ملطف جاذب مفتح قاطع نزف الدم ملتئم قروح رافع و معدہ باردہ نزلہ و در حلق حبیبہ غرغرہ آب سیلاب
باب النون مع الهاء الطوانی									
نهنا			درختی است	ح ی ۲					مقوی مفرح شام رافع نزلات و زکام و خفقان و مدر و منقی رحم و باسر کہ رافع سموم
باب النون مع الیاء المثناة التحتانیة									
نیدہ مصرے	سنو	غذایی معروف	ح مع ی	دیر ہضم	سکنجبین				مولد خلط صالح مسمن معدل بلغم رافع صعود بخار بدماغ و مالیخولیا و سرفہ خشک و درد سینہ
نیطافلی			از نبوعات	ح					طبیخ آن رافع درد جگر یا سہال بواسیر ضماد آن رافع خنازیر و عرق النسا
نیلج	نیل	نیل	م	ح ی ۲	رئیہ	عسل	نیم ماشہ آرد جو	۷ ماشہ	محلل مجفف رادع قاطع نفث الدم و نزف الدم بقدر چہار جو رافع سرفہ اطفال بشربا

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
		نیم ۱	درختی معروف	ب ا ی ۲					محلل منضج مصلح جراحات متعفنه [illegible] آب [illegible] آتش رافع فساد [illegible] جذام و بثور
نیلوفر		نیلو پهل	گلی معروف	ب ۲ گویند ی ۳	مثانه و باه	عسل و شربت مربا	ختمی بنفشه [illegible]	۲ توله ۷ ماشه	مقوی دل و دماغ مسکن حرارت [illegible] خشکی دماغ و خشونت سینه و سرفه حار مانع احتلام رافع حمی
		نیلا [illegible]							مزید عقل مقوی [illegible] رافع [illegible] جذام و دمامیل و بثور [illegible]
			مقاله بست و ششم در ادویه که اول آنها واو است						
				باب الواو مع الالف					
واق			مرغ آبی	ح ۲ ی	محرور	سکنجبین و فواکه حامضه			گوشتش محلل ریاح رافع فالج و درد زانو و کمر زهره آن رافع بیاض چشم و بهق
				باب الواو مع الجیم					
وج	اگر ترکی	بج	نباتی است	ح ۳ ی ۲	سرد و محرور	سکنجبین [illegible]	زیره کرمانی	۳ ماشه	ملطف جالی مفتح قاطع بلغم محلل ریاح تریاق سموم منقی دماغ نافع فالج و خدر و استسقا و لکنت
				باب الواو مع الدال المهملة					
ودع	گوش ماهی	گھونگھا	م	ب ی	ریه	عسل	صدف	۱ ماشه	جالی گوشتش جاذب پیکان و خار و ناشف رطوبات مدر بائیت نافع عسر البول و حصاة
				باب الواو مع الراء المهملة					
ورد	گل سرخ	گلاب کا پھول	م	ب ی ۲ و گویند ح	[illegible]	عسل [illegible] حب الزلم	بنفشه	از خشک آن یکتوله ۲ ماشه	مقوی قوی و ارواح مفرح ملطف جالی مسهل مسکن صفرا و بلغم رقیق مقوی دندان و لثه مضمضة

مفید الابدان دوفی کرده ۱۲۰۷ ذکر ماده ... [illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
ورد الحماق	گل عنازیبا		گل زیست	ح ی					محلل قوی و در اطلیه مستعمل بود دانش بهتر است
ورس			زرد رستنی جنس ... [illegible]	ح ی ۲	رئه	مصطکی کتیرا	زعفران سازج	۱۰ باشه	مقوی مفرح رافع بهق و خفقان و برص و نمش و کلف محلل جالی مبهی مفتت
ورشان			از جنس کبوتر صحرائی	ح ی	عسر الهضم	سرکه و نمک ادویه حاره			گوشت آن نافع فالج و برودت گرده و مثانه و پشت و محلل ریاح مداومت ... [illegible] سوء خلق
ورل	بزمچه	گوه	حیوانی است	ح ی ۲					مبهی محلل ریاح ضماد گوشتش جاذب پیکان و خار ... [illegible] رافع کلف
باب الواو مع السین المهملة									
وسخ	چرک	میل	فضلات بدن حیوان	ح ی					چرک گوش رافع شقاق لب و گزیدن افعی و بواسیر و داحس ... [illegible] آن ملتئم قروح ...
وسخ الکوائر			چرک کندوی زنبور عسل	ح ی ۲					ملطف جالی جاذب محلل اورام ... [illegible] رافع سرفه ... [illegible] و جاذب خار
باب الواو مع الشین المعجمة									
	وشق		پوستین حیوانی	ح ی ۳	محرورین				محلل ریاح نافع فالج و کزاز ... [illegible] مقوی گرده ... نافع بواسیر و نقرس
وشیج	لیمو دارد		نباتی است	ب ی ۲					راوع مقوی اعضا ... [illegible] اعضای صدر
باب الواو مع العین المهملة									
وعل			اسم بقر جبلی	ح ی ۳	سواد ... [illegible]	سرکه با زیره			جید الغذا مقوی اعضا ... [illegible] نافع فالج و کزاز و نقرس

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
باب الواو مع اللام									
وکیب			نوعی از ینبوع	ح ی ۲	درخت غشنے	عسل	لاله	ہے پاشہ	مغثی مقی مسهل مخرج اخلاط منقی بدن اگر از عروق قطع کنند مقی بود بلا اسهال و از عکس عکس
مقاله بست و هفتم در ادویه که اول آنها حرف هاء هوز است									
باب الهاء مع الالف									
		ہار سنگار	درختی است هندی معروف	ب ی					مالش برگش بر قوبا نافع، برگ نورسته اش با قند کی انزال رافع حمی ... سفید گلش مقوی
پاسیمونا			نباتی است	ح آ ی ۱					ملطف اخلاط غلیظه مقوی قلب حافظ صحت اعضا شربتش باعث تولید بسیر نافع سرفه
باب الهاء مع الدال المهملة									
ہدبہ		[illegible]	کرمی که چسپد ... بسیار ...	ب ر ۲					تحنک آن نافع خناق و سقوط لهات قطور رطوبتش با احلیل رافع حرقة البول
ہدہد	مرغ سلیمانی		مرغی معروف	ح ی ۲					اکتحال زهره اش با عسل رافع بیاض عین ... گرم ... حافظ تعلیق پر وز بالش
باب الهاء مع الراء المهملة									
		هرسے	بیخ ... از محمود	سیاه آن ح ی ۴	سم قتال	علاجش بیش خورده			بقدر نیم نخود کشند ... اسهال ... سفید شکری رنگ آن کشنده ... مستعمل
	ہیرطان		حبی است ... گندم ...	گا معه ب	ثقیل	سرکه زیره ... کرمات			محلل رافع ... موافق سینه و نافع سرفه و غیر قابض و بلا رعن حابس لطن

ع عربی اول ... ف فارسی ... ک ... م ماہیت ... ط طبیعت ... مض مضر ... مص مصلح ... ب بدل ... ق قدر شربت ...

ع	ف	ک	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
ہرنوہ			ثمر درخت معروف	ح۲ مع ی			قاقلہ	۷ ماشہ	مفرح محلل ... مدر بول شربش رافع اوجاع حلق
		ہیر فرودست	ثمر درختی ...	ب ار					قاطع صفرا مسکن غلیان خون و حرارت محلل بلغم ...
		ہیر لیسہ	اثمار درختی مشہور	ح ر	مسدد	انگور			کثیر الغذا مسمن ... مقوی عصب ... موافق امراض سینہ و خشونت سینہ
		ہیر ...	درختی است معروف	ب					مدر بول رافع فساد بلغم و باد ... رافع جذام

باب الہاء مع اللام

ع	ف	ک	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
ہلیون و حشیشة الحیة	مارچوبہ	ناکرون	نباتی است	ح ی ۲	راس	عسل	حرشف	۱۰ ماشہ	... محلل مفتح ... نافع ...

باب الہاء مع النون

ع	ف	ک	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
ہندبا	کاسنے	کاسنے	معروف	ب ر ا	صاحب سرفہ	شکر و شربت بنفشہ	کشوث شاہترہ	از آب بادہ تولہ ۱۰ ماشہ	مفتح مسکن حدت صفرا و خون ... رافع خفقان و محلل ورم مقوی قلب
ہندبای برّی			نباتی است	ی ا					قابض مقوی معدہ ... رافع سموم
		ہنگوشہ	درختی	ح ی	اسعا	نبات			[illegible]

باب الہاء مع الواو

ع	ف	ک	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
ہواء	باد	باد	معروف	ح ر	صاحب ...	بسیار ...			باد صبا ... رافع امراض باردہ مانند فالج استسقا
ہوفاریقون			نباتی است	ح ی ۳					مفتح ... نافع ... تفتیح سدۂ کبد

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
یبوع بحری			نباتی است		سم قتال				اگر پیکان با آبش آلوده خشک نموده بهر حیوانی که تیرش رسد مرده شود
یتوع الجبلی			گیاهی است	ح ی ۲				۴ ماشه	مفتح مجفف جالی مفتت سنگ گرده ومثانه در ورمکش حابس خون جراحات
مقاله بست و هشتم در ادویه که اول آنها یای مثناة تحتانیه است									
باب الیاء مع الالف									
یاسمین		چنبیلی	گلی معروف	ح ی ۲	مصدع محرور	بنفشه گلسرخ سرکه	یاسمین زرد	از درم ۱۰ ماشه	مدر مفرح مفتح مسخن مقوی دماغ مسهل بلغم وسوداء رافع سدد وفالج واللقوه خدر محرک باه مخرج کرم معده
یاقوت			سنگی است	معتدل ب ی ۲				یک دانگ	مفرح مقوی دماغ ۳ ۲ آن شرباً نافع صرع و وسواس و خفقان و طاعون و سموم و نزف الدم
باب الیاء مع الباء الموحدة									
یبروج الصنم		لکهمنا لکهمنی	بیخ لفاح بری شکل انسان	ب ی ۲	مخدر	عسل و دارچینی	بزر البنج	۱/۲ ماشه	پوست بیخ آن مقوی مجفف مخدر منبت قلیعش رافع صرع شربش با سکنجبین رافع خفقان
یتوع			نبات شیردار	ح ی ۴	سم و مقرح	نشاسته روغن بنفشه	سکنجبین و ابرسا	تا ۳ قطره	مقرح جلد مقطع قتال اگر با آب اندازند ماهیان بیرون آیند مفتت شرباً مسهل بلغم قالع بواسیر
باب الیاء مع الراء المهمله									
یربوع	موش دشتی	چوها جنگلی و گهونس	حیوانی معروف	ح ی ۳	محرق خلط	سیوهای ترش			کثیر الغذا ملین نافع فالج لقوه رعشه امراض بارده عصبانی اوجاع مفاصل و ادرار بول
باب الیاء مع القاف									

[illegible]

ع	ف	ی	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
		یکم پته	درختی است	ح					تابش دافع فساد باد و بلغم قاطع امراض بلغمی شل خنازیر و خناق و شری هم دافع فساد باد و بلغم
									باب الیاء مع المیم
		یمساجلی	ایجین درختی						منعش حرارت غریزی دافع فساد باد و بلغم موافق ناقهین و مرضعه و مولد صفرا
									باب الیاء مع النون
ینبوب			حب ینبوب	ب ی ۳		دیر هضم		مفصص خیر شقوب	جلوس لطخش رافع مغص و سیلان حیض و اسهال طلایش محلل ثآلیل و مقوی است
									باب الیاء مع الواو
یوز	جیتا		جانوری شکاری	ح ی					طلای زهره و پیهش بر عضو گریزانند هوام و ضماد پیهش تامین و چشم باعث هیبت در نظرها

خاتمه

ولنعد بذکر الکلام الی ما هو الملتمس و نعرضه بما هو غایة المقصود و اقصی المرام فعلینا ان نختم الکلام بان نکتب خاتمه در امتحان جودت و ردائت تریاق فاروقی و غیر آن باید دانست که امتحان جودت و ردائت تریاق چنان کنند که ... و چون ... آید ... باید که ... از تریاق فاروقی رغبت نمایند پس اگر عمل اسهال باطل گردد تریاق غیر مغشوش است و امتحان جودت و ردائت حجر التیس چنان کنند که ... با آتش سرخ گردانند و در حجر التیس فرو برند پس اگر زود و سیاه بر آید مغشوش بود و اگر زرد بر آید غیر مغشوش بود بهتر نقش آنست که چون با شیر بر سنگ بسایند رنگ شیر مائل بسرخی گردد و امتحان جودت و ردائت حجر الحیه چنان کنند که حجر الحیه را در آب لیمون که در کاسه چینی کرده باشند اندازند پس اگر در حرکت آید و روان شود غیر مغشوش بود و اگر در حرکت نیاید مغشوش و امتحان جودت و ردائت دهن بلسان چنان کنند که بر شیر چکانند پس اگر شیر ببندد غیر مغشوش بود و اگر نه بندد مغشوش والله اعلم بالصواب

قطعه تاریخ آغاز طبع کتاب از خوش گوئیک خوش فکر عالم بیمثال مولوی سید ولی عالم صاحب پهلواروی مدظله

بار ثانی طبع چون شد این کتاب | زنده شد زو خاطر افسرده ها
بالسید بهیه ولی از فضل رب | مستغنی العلاج شده تاریخ آن

قطعه تاریخ از خوش طبع بحر ذخار اکسیر مجع ... مولوی محمد عبد اللطیف صاحب رئیس موضع مهدانوان ۱۲۸۱
پرگنه منیر ضلع عظیم آباد

بود عنقا چو این کتاب انو | از دوباره انطباع شده
فکر تاریخ آن چو کرد لطیف | باسر طب اختراع شده ۱۲۸۱

قطعه تاریخ طبع از مشتری خصائل در هر فنون کامل مولوی سید اصغر حسین صاحب سلمه الودود
سر رشته دار محکمه نواب جناب مولوی سید ارشاد ... کلکته

آنکه مثل خود ندارد در جهان | ای به علم طب یکتا ناصر علی
واقف هر علوم نکته دان | عیسی دوران حکیم بی بدل
تازه شد زو خاطر پیر و جوان | بهر طبع تالیفش از سال ...
بود فکرش در دل اصغر نهان | داد ترتیبی کتاب علم طب
همقران او بهار بحران | ایضا منه
نا گهان از غیب آوازی رسید | طبع شد چون نسخه در علم طب
در زمان دو و صد و هشتاد و یک ۱۲۸۱ | یافته دوباره از طبعش اتم ۱۲۸۱
دوستان گشتند در دل باغ باغ

قطعه تاریخ از خوش فکر رنگین طبع مصدر فیوض مطلق محمد [illegible] صاحب

ذکر تاریخ طبع این نسخه | سن بدل داشتم که آخر کار
بعنایات خاص حق کالوحی | سال طبعش رسید از غفار ۱۲۹۱

قطعه تاریخ از منشی شرف علی شرف

ازدل هی طبع علوی طبع کیا کتاب | جو چاهی وه هوا اهتمام صحت کا
برای سال اشرف کر ... | عجیب نسخه حکمت سی آب رسی کهیا

خاتمة الطبع از طبیعه کالک گوهر سلک عالم عامل با کمال مولوی حکیم سید ... صاحب ابن مصنف علام جناب مولوی حکیم محمد ناصر علی صاحب ... ۱۲۹۱

اللهم ایاک نعبد و ایاک نستعین و نصلی و نسلم علی خاتم النبیین شفیع المذنبین و سیلتنا فی الدنیا و الدین و علی آله النجیبین و صحبه المنتجبین اما بعد حقیر عباد رب العالمین ... بن ... حفظه الله عن شر الدنیا و الدین بخدمت عملها ... که کتاب ... نادره علما ماهرین اعنی ناصر المعالجین تصنیف ابی و استاذی مولوی حکیم محمد ناصر علی ... خیر الجزاء و اعطانی عنه احسن ما یعطی الابناء من الآباء که سابق ازین از مسوده قبل ازینکه خاتمه آن بخیر انجام شود و بنظر ثانی از اغلاط سقم از هر ابواب و فقرات لباب نموده صحت آن با کمال کرده شود که کتاب هذا طبع شد و بباعث اشتداد زمانه اهل ... فساد و نائره اشتعال فتنه و عناد که قیامتی بپا نمود و آسمان ... تصحیح آن از سر اهل مطبع رفع شد بس و چند روز این نسخه شهرت در اصناف و هر کوچه و بازار منتشر گردید بقبول طبایع خاص و عام شد بهر علیل و علیل از و سیراب بهره ور گردیده ... بدل خرید تا آنکه از کثرت مشتری این نسخه بهره نایاب گردید و هر کس بخریداریش حاجتمند شد از هر جانب صدای ... بلند شد و چون این نسخه ... الا ... رسید اندکی در آن بوقوع تغیرات گردید و جا بجا کار محو و اثبات رسید با وجود کثرت مشاغل ... و هجوم عوائق از کار در اسرع ایام بنظر ثانی بتصحیح و تنقیح آن پرداختند و تحشی آن بحواشی عجیبه و فوائد غریبه و ایراد نسخجات لطیفه نادرات

شریفه ساختند فحمد الله کما تسر الناظرین فالحمد لله حمد الشاکرین چشم از آب دوستان آنکه اگر سخ ذلک ابحر
ازین بحر ذخار منفجر شوند تا کل بر خذ ما صفا و دع ما کدر شوند النون حق تصنیف این نسخه ناصر المعاجین
جناب قبله باجد عم فضاله دام بقاءه بخوشی و رضای خویش لسبالالله دودمان عالی خاندان اسوه خوانین بلند مکان که الاخا
محبوب الانفس و الآفاق تاجر عالی وقار صاحب مطبع ذی اعتبار نادی فن طبع خوش طبیعان مولوی محمد علی بخش خان
صاحب مالک مطبع علوی لکهنوی هبه صحیحه فرمودند و موهوب له موصوف بران قابض و متصرف گشته مطابق نسخه صحیحه
مذکوره در مطبع عالیه خویش بکمال صحت خوش اسلوبی از زیور طبع آراسته اشاعت آن ساختند لیکن جهت ازاله اشتباه
و اثبات صحت نسخه صحیحه هذا جناب قبله موصوف مزین از مهر خود نمودند
باید که کدامی اهل مطابع بلا اجازت خاص صاحب ممدوح عزم طبع آن نسخه
نسازند و بخیال سود ضرر خسران با خود نبازند فقط

لله الحمد و المنة که کتاب کامل الاکتساب موسوم به ناصر المعالجین حسب فرمایش ثانی مصنف ممدوح
مرتبه دوم بکمال صحت دوباره و جانفشانی و جد و جهد بی نهایت تصحیح و تنقیح ماهر علوم شریف واقف فنون لطیف عالم
معقول و منقول حاوی فروع و اصول مولوی سید محمد معشوق علی سلمه الله القوی در شهر لکهنو مقام کتره
محمد علیخان در مطبع علوی باهتمام خاکسار سراپا معاصی میان محمد علی بخش خان ابن میر محمد خان مغفور

فی جلد ۱۰ر	بتاریخ بست و چهارم شهر شعبان المعظم ۱۲۸۸ هجری نبوی طبع یافت	الف جلد

اشتهار

حق تصنیف اس کتاب ناصر المعالجین کا بموجب هبه نامه مصنف ممدوح بنام عاصی محمد علی بخش خان مالک
مطبع علوی لکهنوی کی هبه هوکر حسب درخواست اخل بهی رجسٹری سرکار ابد قرار بمراد قانون بیستم ۱۸۴۷ع
مندرج کی گئی لهذا التماس هی که بدون اجازت اس عاصی مالک مطبع علوی کی کتاب هذا مسمی ناصر المعالجین
نه چهاپی جاوی بلکه عند الضرورت جسقدر احتیاج هون بذریعه خط پیڈ بارسال قیمت طلب فرماوین فوراً انشاء الله ارسال کی جاوی فقط

محمد علی بخش خان
مهر مطبع علوی

واسطی سند اس امر کی که یه کتاب مطبع علوی مین چهپی هے
مهر مطبع ثبت کی گئی فقط